

«مبانی و اقسام وقف و ابتداء»

مجدد رضا شہیدی پور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«فهرست»

فصل اول - کلیات و مفهوم شناسی (صفحه ۱۶)

گفتار اول: کلیات (صفحه ۱۸)

ضرورت وقف وابتدا

اهمیت وجایگاه وقف وابتدا

پیشینه وقف وابتدا

تعلیم وقف وابتدا در عصر پیامبر

تعلیم وقف وابتدا در عصر صحابه و تابعین

گفتار دوم: رابطه دانش وقف وابتدا با سایر علوم (صفحه ۲۵)

گفتار سوم: کتاب شناسی وقف وابتدا (صفحه ۲۹)

گفتار چهارم: مفهوم شناسی (صفحه ۳۷)

تعریف وقف

تعریف وصل

تعریف ابتدا

تعریف سکت

تعریف قطع

فصل دوم - مبانی و اقسام وقف وابتدا (صفحه ۴۲)

گفتار اول: مبانی وقف (صفحه ۴۳)

نخستین مبنا

مبنای ابن انباری

مبنای ابن النحاس

مبنای ابو عمرو دانی

مبنای سجاوندی

مبنای نکزروی

مبنای ابن جزری

مبنای زکریا انصاری

مبنای اشمونی

مبنای خلف الحسینی

گفتار دوم: وقف مآثور (صفحه ۵۴)

فصل سوم - علامات و نشانه های وقف در مصاحف (صفحه ۶۹)

گفتار اول: نشانه های وقف سجاوندی (صفحه ۷۰)

مبانی سجاوندی

وقف لازم

حکم وقف لازم

رابطه وقف لازم با سایر اقسام وقف

موارد شایع وقف لازم

وقف مطلق

وقف جایز

وقف مجوز

وقف مرخص

وقف ممنوع

گفتار دوم: نشانه های وقف هبطی (صفحه ۱۱۹)

گفتار سوم: نشانه های وقف خلف الحسینی (صفحه ۱۲۲)

موارد شایع نشانه «م»

موارد شایع نشانه «قلی»

موارد شایع نشانه «ج»

موارد شایع نشانه «صلی»

موارد شایع وقف اختیاری

فصل چهارم - وقف اضطراری (صفحه ۱۳۳)

اقسام وقف اضطراری

موارد شایع وقف اضطراری

فصل پنجم - ابتداء و اقسام آن (صفحه ۱۵۷)

آغاز تلاوت

اقسام ابتداء

ابتدای اضطراری

موارد شایع ابتدای غیر جایز

فصل ششم - تحلیل وقف و ابتداء در آیات طولانی (صفحه ۱۷۷)

ضمیمه ها (صفحه ۳۸۷)

موارد شایع وقف اختیاری

موارد شایع وقف اضطراری

ارتباط لفظی در فواصل آیات

وقف هبطی

وقف لازم

قرآن کتاب آسمانی و معجزه جاودان و جهانی است که از سوی پروردگار متعال بر قلب پیامبر گرامی اسلام(ص) نازل شده است تا جهانیان را از تاریکی‌های جهالت و شرک، به سوی نور هدایت و یکتاپرستی رهنمون سازد.

قرآن کتاب هدایت و راهنمای بشریت به سوی سعادت و رستگاری است و با استوارترین روش برنامه زندگی سعادت‌مندان مسلمانان را ترسیم نموده و هیچ کتابی در فضیلت به پای آن نمی‌رسد بلکه از همه موجودات عالم بالاتر و برتر است.

قرآن شمع فروزانی است که هرگز تندبادهای سهمناک اعصار، شعله‌های پرفروغ آن را فرو نشانده و غبار کهنگی بر رخسار آن ننشسته و دست تحریف بدان راه نیافته است و نخواهد یافت. با گذشت زمان، فزاینده‌ای جدیدی از معارف آن آشکار شده و بر طراوتش بیش از پیش افزوده است.

قرآن مهم‌ترین منبع معارف اسلامی و سرچشمه تمامی دانش‌ها و هنرها می‌باشد و دارای جنبه‌های فراوانی است که هر کدام چراغی است برای هدایت.

قرآن دارای ظاهر و باطنی است؛ ظاهرش زیبا و باطنش ژرف و عمیق است.

از جمله هنرهایی که به زیبایی‌های ظاهری قرآن توجه دارد، «هنر قرائت قرآن» است که به بخش اعجاز لفظی قرآن پرداخته و دریچه‌ای برای ورود به دریای «معارف قرآن» می‌باشد، به گونه‌ای که فهم صحیح این کتاب آسمانی، متوقف بر قرائت درست آیات الهی است.

قرائت قرآن برترین عبادت‌ها و باروری ایمان به شمار می‌رود؛ چرا که دل را زنده ساخته و کفّاره گناهان است.

اشاعه خواندن قرآن، سبب ترویج فرهنگ قرآنی در جامعه گردیده است و موجب انس مردم با قرآن می‌شود و قاریان قرآن در این باره نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. یکی از دانش‌هایی که در قرائت تأثیر گذار است معرفت وقف و ابتدا می‌باشد.

دانش وقف و ابتداء از مهمترین دانش‌ها در حوزه‌ی علوم و فنون قرائت قرآن می‌باشد که در انتقال و ابلاغ معانی و مفاهیم قرآن نقش مهمی را ایفاء کرده و از اهمیت بسزایی برخوردار است. وقف و وصل و ابتدا در قرآن کریم و کلام و سکوت ناشی از آن، یکی از مظاهر شکوه و جمال کلام الله می‌باشد و عدم رعایت آن خدشه به اصل کلام وارد ساخته و در برخی موارد شنونده را ازمعنی و مقصود اصلی دور می‌کند. به همین سبب، وقف و ابتدا و وصل عبارات و جملات، به گستره‌ای از علم لغت، نحو، علوم بلاغت، قرائات، تفسیر و فقه وابسته بوده و در میان عناصر تشکیل دهنده یک تلاوت تأثیرگذار، هیچ کدام به پایه وقف و ابتدا نمی‌رسد.

قاری قرآن، قرائت خویش را از آیه‌ای آغاز نموده و به آیه‌ای ختم می‌کند. ممکن است آغاز تلاوت از ابتدای یک سوره و پایان آن، انتهای سوره باشد ولی در سوره‌های طولانی که خواندن آن در یک مقطع میسر نمی‌باشد، ناگزیر، تلاوت در میان سوره تمام شده و یا از میان سوره آغاز می‌گردد. انتخاب محل مناسب برای آغاز تلاوت و نیز ختم تلاوت در میان سوره، اهمیت بسزایی دارد.

از سوی دیگر، قاری قرآن در خلال تلاوت خویش به جهت تجدید نفس، وقف و ابتدای مکرر خواهد داشت که ضرورت دارد با توجه به میزان نفس خود، تلاوتش را به گونه ای تنظیم کند که در مواضع درست وقف نماید تا کلام الهی مخدوش نشود و نیز از موضعی ابتدا نماید که رساننده‌ی مفهوم صحیح و مورد اراده باری تعالی باشد؛ بدیهی است در برخی آیات، قاری به دلیل طولانی بودن جمله، ناگزیر از وقف در میان کلام خواهد بود که البته با بهره گیری از دانش وقف و ابتدا می‌تواند با بهترین وجه ممکن و با اتصال مناسب بخش های جمله به یکدیگر، چهار چوب سخن را حفظ و مفهوم صحیح را ایفا نماید. رعایت وقف وصل و ابتدا در القاء معنا و مفهوم آیات قرآن، نقش مؤثری ایفا نموده و اندیشه و تدبر در کلام الله مجید در گرو فهم و درک درست و صحیح آیات قرآن می‌باشد

. قاری قرآن می‌بایست با انتخاب محل مناسب برای وقف و ابتدا، دیگران را در فهم و اندیشه در کلام خدا یاری نماید. لذا می‌بایست در محلی وقف کند که معنا و مفهوم آیات قرآن دچار اختلال نشده و تغییر نیابد. ارتباط دانش وقف و ابتدا با تفسیر، ارج و منزلت این علم را می‌رساند. لذا آگاهی از آن و رعایت قواعد آن در هنگام تلاوت قرآن، اهمیتی غیر قابل انکار دارد.

متأسفانه این دانش در کشور ما مورد عنایت و توجه قرار نگرفته، حتی در میان قاریان و حافظان قرآن نیز مهجور مانده است، هرچند ضرورت فراگیری آن بر کسی پوشیده نمی‌باشد.

بحمد الله با تأسیس رشته علوم وفنون قرائات در جامع [المصطفی العالمیه زمینه پژوهش در ابعاد مختلف دانش های مربوط به ان فراهم گردیده وبا تنظیم سرفصل های این رشته گام های بلندی در ارتقاء علوم وفنون قرائات برداشته شده است.

یکی از مهم ترین عناوین ارائه شده درس وقف وابتداء می باشد که در انتقال معانی ومفاهیم آیات قرآن نقش بسزائی ایفا می نماید.

این کتاب در راستای این عنوان تدوین یافته وبر اساس سرفصل های ارائه شده در یک مقدمه و پنج فصل تنظیم گردیده است. فصل اول در باره کلیات ومبانی این علم ونیز اصطلاحات آن بحث می کند. در فصل دوم این نوشتار به مبانی واقسام وقف وابتدا پرداخته شده است. فصل سوم به نشانه های وقف مصاحف وموارد شایع هر کدام اختصاص دارد. در فصل چهارم ابتداء وافسام آن مورد بحث قرار گرفته است. فصل پنجم به مهم ترین بخش که وقف وابتدای اضطراری وبیان موارد شایع آن در قرآن پرداخته شده است. در پایان کتاب ، تحلیل وقف وابتدا در آیات طولانی به تفصیل آمده است.

سخنی با اساتید وطلاب

توجه اساتید محترم را به موارد زیر جلب می نمائیم.

۱- توصیه می شود در هر جلسه نخست به تدریس مطالب بنیادین پرداخته ومسائل جزئی به فراگیران واگذار گردد.

۲- سعی گردد حد اکثر سی دقیقه در کلاس درس به تدریس قواعد وقف وابتداء پرداخته شده و زمان باقی مانده به تمرین و تطبیق قواعد آن در آیات قرآن اختصاص یابد.

۳- از تلاوت قاریان مشهور که به صورت مرتل و موجود اجراء شده جهت نقد و بررسی وقف وابتداء استفاده شود.

۴- استفاده از ابزار وامکانات کمک آموزشی و به کارگیری روش های جذاب و متنوع توسط اساتید ضروری است.

۵- پیش نیاز درس وقف وابتداء تسلط در ادبیات عربی و قواعد علم نحو و مهارت در ترکیب عبارات و جملات و نیز علوم بلاغت می باشد و در صورتی که در این رابطه ضعفی وجود داشته باشد می بایست تقویت و جبران گردد.

توصیه به طلاب:

۱- پیش مطالعه قبل از حضور در کلاس درس انجام شود.

۲- مطالعه و تمرین بیشتر در خارج از کلاس , برای تثبیت آموخته ها ضرورت دارد.

۳- تحقیق و پژوهش پیرامون مطالب درسی جهت تقویت و تثبیت آموخته ها لازم است.

۴- فراگیران گرامی سعی نمایند به پرسش هایی که در پایان هر بخش آمده پاسخ داده و خود را برای درس جدید آماده سازند.

فصل اول

کلیات و مفهوم شناسی

گفتار اول: کلیات

○ ضرورت وقف وابتدا

سخن گفتن و یا خواندن هرگونه متنی و نیز قرائت قرآن با بهره گیری از مکانیسم تنفسی و به وسیله هوای بازدم انجام می شود. با توجه به محدودیت آن انسان قادر است در یک نفس، فقط تعداد محدودی کلمه را برزبان جاری سازد و برای تجدید نفس ناگزیر است سخن یا قرائت خویش را قطع کرده و پس از تازه کردن نفس، به ادامه کلام یا قرائت خویش پردازد. سزاوار است کلام در محلی قطع گردد که در رسانیدن معنای مقصود، خللی پدید نیامده و مفهوم کلام تغییر نیابد.

ابن جزری می نویسد: «لما لم یمكن القارئ ان یقرأ السوره او القصة فی نفس واحد ولم یجز التنفس بین کلمتین حالة الوصل، بل ذلک کالتنفس فی اثناء الکلمة، و جب حیثئذ اختیار وقف للتنفس» از آنجا که خواندن یک سوره و داستان در یک نفس، ممکن نیست و از سوی دیگر، تنفس میان دو کلمه در اثنای قرائت قرآن و در حال وصل مانند تنفس در اثناء یک کلمه جائز نیست، بنا براین قاری قرآن جهت تجدید نفس، ناگزیر از وقف می باشد. (النشر ج ۱ ص ۲۲۴)

از ابن عباس نقل شده که: «الوقوف منازل القرآن» محل های وقف، منزل های قرآن است. زکریا انصاری در توضیح این سخن می نویسد: محل های وقف مانند منزلی است که مسافر در آن فرود می آید، همان گونه که منزل های بین راه، جهت استراحت و تجدید قوای

مسافران، برای ادامه سفر در نظر گرفته شده است، محل های وقف در قرآن نیز جهت استراحت و تجدید نفس قاری برای ادامه قرائت منظور گردیده است.

(زکریا الانصاری، المقصد ص ۵۴) (الاشمونی، منار الهدی، ص ۱۹) (محمد مکی نصر نهایی القول المفید، ص ۱۵۲)

تمیم طائی از عدی بن حاتم چنین نقل کرده که دو نفر نزد پیامبر گرامی اسلام (ص) شرفیاب شدند یکی از آنان ضمن ادای شهادت گفت: «من یطع الله ورسوله فقد رشد ومن یعصهما» هرکس از خدا و رسولش اطاعت کند، رشد یافته است و هرکس از آنان نافرمانی کند. و در همین جا توقف کرد. پیامبر اکرم (ص) به وی فرمود: «قم، اذهب، بئس الخطیب انت» برخیز برو، بد گوینده ای هستی، بگو و هر کس از آنان سرپیچی کند گمراه شده است. قُمْ بِئْسَ الْخَطِيبُ أَنْتَ، قُلْ وَمَنْ يَعْصِيهِمَا فَقَدْ غَوَى (منار الهدی فی بیان الوقف وابتدا/ص ۷).

این مطلب دلالت دارد بر این که سکوت بر عبارت نامفهوم و مغیر معنا ناپسند است؛ زیرا رسول خدا (ص) خطیب را به خاطر وقف نابجا نکوهش نمود. سزاوار بود گوینده ادامه می داد «ومن یعصهما فقد غوی» و از سوی دیگر دلالت بر عنایت پیامبر (ص) بر وقف وابتدا و القاء درست و صحیح معنا دارد.

در صورتی که در سخن فرد عادی، وقف نابجا این چنین می تواند مفهوم کلام را تغییر داده و موجب اعتراض پیامبر گرامی اسلام (ص) شود، اهمیت آن در قرائت قرآن که کلام پروردگار متعال است، کاملاً روشن و بدیهی است.

یکی از مهم ترین وجوه اعجاز قرآن، نظم و ترتیب و چینش خاص و اعجاب برانگیز الفاظ و عبارات آن است و سزاوار است قاری قرآن به گونه ای تلاوت نماید که این هماهنگی و نظم دچار اختلال نگردد. شهید ثانی می گوید: منظور از حفظ و قوف، رعایت آن چیزی است که معنا را درگون و ساختار را تباه نساخته و لفظ را از اسلوب قرآن خارج نکند، قرآنی که به خاطر شیوه غریب و بلاغت ساختارش معجزه است. (الفوائد الملیّة، ص ۱۸۸)

○ اهمیت وقف وابتدا

یکی از آداب تلاوت قرآن کریم «ترتیل» در قرائت می باشد. از امیر مؤمنان علی (ع) در خصوص معنای ترتیل نقل شده است که: «هو حفظ الوقوف و بیان الحروف» ترتیل رعایت محل های وقف و تلفظ آشکار و صحیح حروف است. تفسیر صافی ج ۱ ص ۱۶۱-

بحار الانوار، ج ۸۴ ص ۱۸۸

ششمین امام معصوم (ع) در توضیح ترتیل به نقل از امیر مؤمنان چنین فرمودند: «بینه تبیاناً ولا تهذه هذ الشعر ولا تنثره نثر الرمل ولكن افزعوا قلوبكم القاسیه ولا یکن همُّ احدکم آخر السوره»

در روایتی از امام صادق (ص) چنین آمده است: «انَّ القرآن لا یُقرأ هذرمة ولكن یرتل ترتیلاً، و اذا مررت بآیه فیها ذکر الجنة فقف عندها وسل الله عزَّ وجلَّ الجنة، و اذا مررت بآیه فیها ذکر النار فقف عندها وتعوذ بالله من النار» قرآن با شتاب خوانده نمی شود، بلکه با تأنی و ترتیل قرائت می گردد. هرگاه به آیه ای که در آن ذکری از بهشت بود رسیدی، در آنجا توقف کن

واز خداوند بهشت را طلب نما و اگر به آیه ای رسیدی که در آن یادی از دوزخ شد، در آنجا توقف نما و از آتش جهنم به خدا پناه ببر.

فقیه بزرگوار شهید اول و بسیاری از علمای بعد از وی ترتیل را به رعایت قواعد تجوید و وقف وابتدا تفسیر نموده اند. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۸)

علامه محمد تقی مجلسی در باره ترتیل کلام زیبایی دارد که فرزند ایشان از او چنین نقل کرده است: «الترتیل الواجب هو اداء الحروف من المخارج وحفظ احكام الوقوف بأن لا یقف علی الحركة ولا یصل بالسکون فإینهما غیر جائزان باتفاق القراء واهل العربیه والترتیل المستحب هو اداء الحروف بصفاتھا المستحسنة لها وحفظ الوقوف التي استحبها القراء وینوها فی تجاوزیدهم» ترتیل واجب عبارت از اداء حروف از مخارج آن هاست و نیز حفظ احکام وقوف است که وقف به حرکت و وصل به سکون صورت نگیرد؛ زیرا به اتفاق قراء و دانشمندان ادبیات عربی جایز نیست. و ترتیل مستحب رعایت صفات مستحسن حروف و حفظ وقوف که قراء آن ها را نیکو دانسته و در کتاب های تجویدشان بیان نموده اند. (شرح الأزهارج ۱ ص ۲۳۵)

○ تعلیم وقف وابتدا در عصر پیامبر (ص)

پیامبر گرامی اسلام (ص) اهتمام ویژه ای نسبت به مسئله وقف وابتدا در قرآن داشته اند بگونه ای که آن حضرت در مواضع معینی از قرآن وقف می نموده و برآن تعمد داشته و این مواضع را به اصحاب و یاران خویش نیز تعلیم می دادند. در این رابطه آورده اند: «کان رسول

الله (ص) يتعمد الوقف على مواضع معيّنة ويتفقده ويتعلمه لاصحابه» رسول خدا(ص) تعمّد داشتند که بر مواضع مشخصی از قرآن وقف نموده و این مواضع به یاران خویش نیز تعلیم دهند؛ یکی از یاران پیامبر اسلام(ص) در مورد سیره‌ی آموزش قرآن در عهد رسول خدا (ص) چنین نقل می‌کند: «لقد عشنا برهة من دهرنا و انّ احدنا ليؤتى الإيمان قبل القرآن و تنزل السورة على محمد (ص) فتعلم حلالها و حرامها و آمرها و زاجرها و ما ينبغي ان يوقف عنده منها كما تتعلمون انتم القرآن اليوم» در برهه ای از زمان زندگی می‌کردیم که یکی از ما پیش از شنیدن آیات قرآن ایمان می‌آورد، و هنگامی که سوره ای بر پیامبر (ص) نازل می‌شد، حلال و حرام و امر و نهی در آن ، و آن چه را که وقف بر آن سزاوار است می‌آموختیم، همان گونه که شما امروز قرآن را فرا می‌گیرید.

دانشمندان علوم قرآنی، گفته فوق را دلیل بر توجه خاص نبی مکرم اسلام (ص) به تعلیم و رعایت وقف و ابتدا دانسته و اظهار داشته‌اند که: صحابه چنان که قرآن را از پیامبر(ص) فرا می‌گرفتند، موارد وقف در آیات را نیز می‌آموختند.

مطابق برخی از روایات، پیامبر گرامی اسلام (ص) از وصل آیات رحمت به عذاب و از وصل آیات عذاب به رحمت ، نهی فرموده اند همچنین از ام سلمه همسر گرامی نبی مکرم اسلام (ص) نقل شده است که: پیامبر اعظم(ص) همیشه در پایان آیات وقف می‌نموده است. « كان رسول الله (ص) اذا قرأ قطع قرائته آية آية » رسول خدا هنگامی که قرآن می‌خوانده اند همیشه آیه ها را از یکدیگر جدا می‌نموده است . مجمع البیان ج ۱۰ ص ۳۷۸ وسائل الشیعه

ج ۴ ص ۸۵۶

تمامی شواهد فوق بر این مطلب دلالت دارد که رسول اکرم (ص) نسبت به موضوع وقف وابتدا اهتمام و تأکید فوق العاده ای داشته اند.

○ تعلیم وقف وابتدا در عصر صحابه و تابعین

دانشمندان علوم قرآنی بر این عقیده هستند که هرکه محل های مناسب وقف را شناسد در حقیقت از قرآن چیزی نمی داند. آنان به کسانی اجازه تعلیم قرآن می داده اند که با مواضع وقف در آیات قرآن آشنایی کاملی داشته باشند.

ابوزکریا یحیی بن شریف نووی در زمینه اهمیت وقف می گوید: «وقف در نزد صحابه و تابعین و همچنین در نزد دانشمندان، مورد توجه بوده و در همه دوره ها مطلوب به شمار می رفته است؛ بزرگان قراء و پیشوایان اداء، موارد مربوط را کاملاً رعایت می کرده اند.»

ابن انباری چنین می نویسد: «من تمام معرفة اعراب القرآن و معانیه و غریبه، معرفة الوقف و الإبتداء فیه، فینبغی للقارئ ان يعرف الوقف التام و الوقف الکافی الذی لیس بتام و الوقف القبیح الذی لیس بتام و لا کاف» کمال شناخت قرآن از نظر اعراب و معانی و غریب القرآن، شناخت محل های وقف وابتدای آن است. (ایضاح الوقف ج ۱ ص ۱۰۸)

هُذَلِی می نویسد: «الوقف حلیة التلاوة و زینة القاری و بلاغ التالی و فهم للمستمع و فخر للعالم و به يعرف الفرق بین المعنیین المختلفتین و النقیضین المتباینین و الحُکْمِینِ المتغایرین» وقف، زیور تلاوت و زینت قاری است و سبب ابلاغ کلام خداوند و درک و فهم مستمع آیات الهی می گردد و بوسیله آن، دو جمله متفاوت و متضاد و متغایر در حکم، باز شناخته و از یگدیگر متمایز می گردد. (لطائف الاشارات ج ۱ ص ۲۴۹)

نکزاوی درک معانی قرآن و استنباط احکام شرعی از قرآن را منوط به شناخت فواصل (وقف وابتدا) می‌داند. وی چنین نگاشته است: «باب الوقف عظیم القدر جلیل الخطر (الحظر) لانه لا يتأتى لأحد معرفة معاني القرآن ولا استنباط الأدلة الشرعية منهن الا بمعرفة الفواصل» دانش وقف ارزشمند و پرمنزلت است؛ زیرا شناخت معانی قرآن و استخراج ادله شرعی از آن، جز در سایه شناخت فواصل و وقف وابتدا حاصل نمی‌گردد.

ابن جزری آموزش مواضع وقف را به سلف صالح متصل دانسته و می‌گوید: «كان أئمتنا يوقفوننا عند كل حرف يشيرون إلينا بالأصابع؛ سنه اخذوها كذلك عن شيوخهم الأولين» اساتید ما محل وقف و تعداد آن را با باز یا بستن انگشتان دست به ما نشان داده و ما را در آن مواضع متوقف می‌ساخته‌اند، و این روشی بود که از اساتید و شیوخ خویش اخذ نموده بودند.

عنایت واهتمام دانشمندان در شناخت قواعد این علم، و تعلیم و تعلم مقاطع و مبادی در آیات کریمه قرآن بدان پایه بوده است که آنان فقط به کسانی اجازه قرائت و یا تعلیم قرآن می‌داده‌اند که با مواضع وقف در آیات، آشنایی کاملی داشته باشند.

از ابو حاتم سجستانی نقل شده که گفته است: «من لم يعرف الوقف لم يعلم القرآن» هر که محل های مناسب وقف را نشناسد در حقیقت از قرآن چیزی نمی‌داند.

گفتار دوم : رابطه دانش وقف وابتدا با سایر علوم

شناخت دقیق و صحیح مواضع وقف وابتدا در گرو آشنایی با علوم دیگری است. بدیهی است شناخت کامل معانی لغات و مفردات قرآن و ترکیب عبارات و جملات از نظر علم نحو و آشنائی با علوم قرائات و تفسیر، در تشخیص مواضع وقف و وصل و ابتداء، تأثیر بسزایی خواهد داشت.

ابن مجاهد می نویسد : کسی به طور کامل از عهده وقف و ابتداء بر می آید، که عالم به نحو و آشنای با قرائات باشد و از تفسیر قرآن و زبانی که قرآن به آن نازل شده است، آگاهی داشته باشد. (الاتقان ج ۱ ص ۱۸۸)

۱. لغت: نخستین گام در شناخت مواضع وقف وابتدا در قرآن، آشنایی با ترجمه واژگان، و معانی لغات قرآن است. دانستن معانی لغات قرآن نخستین شرط برای تشخیص مواضع وقف و ابتداء می باشد و آشنائی با ترجمه و مفاهیم قرآن، جز از طریق آشنائی با مفردات قرآن ممکن نیست. از این رو آشنایی با ترجمه واژگان و لغات، نقش تعیین کننده ای در تشخیص وقف وابتدا ایفا می کند.

۲. نحو: آشنایی با علم نحو و قواعد زبان عربی بدیهی ترین نیاز جهت شناخت مواضع وقف وابتدا می باشد. شناخت اجزاء جمله و ارتباط آنها با یکدیگر در تشخیص مواضع وقف وابتدا، تأثیر مستقیم دارد. ترکیب گوناگون عبارات و جملات قرآن در تفسیر تأثیرگذار بوده و در نتیجه، وقف و ابتدای متفاوتی را سبب می شود.

ارتباط دانش وقف وابتدا و علم نحو تا حدی است که دانشمندان وقف وابتدا با استفاده از قواعد علم نحو، به بیان و توجیه نظریات خویش در بیاب وقف وابتدا پرداخته اند. به عنوان مثال وقف میان مضاف و مضاف الیه ، فعل و فاعل و مفعول ، اسم و خبر حروف مشبّهة بالفعل و اسم و خبر افعال ناقصه را جایز ندانسته اند.

همچنین وجوه مختلف ترکیب عبارات و جملات در تعیین نوع وقف، دخالت دارد مانند وقف صالح که رابطه لفظی در آن بنا بر قول راجح وجود داشته ولی وقف بر آن بنا بر قول دیگر که مرجوح است، جایز شمرده شده است.

شایسته است قاری قرآن، رابطه لفظی و ترکیب عبارات و ارتباط آن ها را با یکدیگر و نیز ابتدا و انتهای جملات را تشخیص داده و در هر مورد تصمیم مقتضی (وقف ، وصل وابتدا) را اتخاذ نماید.

۳. علم قرائات: یکی از مواردی که در تعیین نوع وقف و نیز جواز یا عدم جواز آن مؤثر است، اختلاف در قرائت برخی از کلمات می باشد به عنوان مثال در آیه «ولن تغنی عنکم فتتکم شیئا ولو کثرت وأن الله مع المؤمنین چنانچه «ان» مکسور خوانده شود وقف بر ما قبل آن صحیح بوده ولی در قرائت فتح، وقف جایز نمی باشد .

مثال دیگر: در آیه ۲۷۱ سوره بقره « وان تخفوها وتؤتوها الفقراء فهو خیر لکم ویکفر عنکم من سیئاتکم» وقف بر «خیر لکم» در صورتی اولویت دارد که عبارت «ویکفر» مرفوع خوانده شود ولی چنانچه مجزوم قرائت گردد، وقف جایز نیست.

۴. علوم بلاغت: یکی از مهم ترین مباحث وقف وابتدا بررسی اولویت وقف و وصل در میان جملات می باشد تأثیر علوم بلاغت در شناخت وقف و ابتداء و اولویتهای آن، بر کسی پوشیده نیست.

یکی از مباحث مهم علوم بلاغت، فصل و وصل می باشد. آشنائی با جملاتی که کمال الاتصال دارند یا میان آنها کمال الانقطاع بر قرار می باشد، در شناخت وقف و ابتداء نقش شایانی دارد.

نوع ارتباط عبارات و جملات با یکدیگر متفاوت است. در برخی موارد وقف و در بعضی موارد وصل اولویت دارد، به عنوان مثال در پایان جمله استفهامیه وقف کوتاه مناسب است تا سؤال از جواب جدا شود، ولی مکث طولانی میان آنها صحیح نبوده و به همین جهت اولویت وصل در آن لحاظ شده است مانند:

بررسی انواع جمله و نسبت آن ها با یکدیگر از مباحثی است که در علوم بلاغت مورد توجه قرار داشته و بافصل و وصل در بلاغت رابطه مستقیم و بسیار نزدیک دارد. به عنوان مثال وقف میان سؤال و جواب یا استیناف بیانی و یا التفات و عدول از حالتی به حالت دیگر.

۵. علم تفسیر: دیدگاه های گوناگون مفسرین بر چگونگی وقف وابتدا تأثیرگذار است. و بطور قطع، تأثیر تفسیر در وقف و ابتداء از تمامی علوم بیشتر است. اختلاف تفسیری سبب تغییر در وقف وابتدا می گردد همان گونه که وقف و ابتدای مختلف موجب ارائه و برداشت مفهوم متفاوتی خواهد شد؛ لذا تعیین مواضع وقف وابتدا در آیات، می بایست با ملاحظه اقوال تفسیری صورت پذیرد.

۶. علم فقه: نظریات فقهی در برخی موارد بر وقف وابتدا تأثیر گذار می باشد از جمله در آیات چهارم و پنجم سوره نور «والدین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئک هم الفاسقون الا الذین تابوا من بعد ذلک واصلحوا فإن الله غفور رحیم. در این خصوص که آیا شهادت قاذف پس از توبه پذیرفته می شود یاخیر؟ دو نظر فقهی در نفی واثبات آن وجود دارد در صورت اثبات، وقف بر کلمه «جلدة» و ابتدای از مابعد صحیح است ولی در صورت نفی پذیرفته شدن شهادت قذف کننده پس از توبه، وقف بر کلمه «ابدا» و ابتدای از مابعد، موجه می باشد.

گفتار سوم : کتاب شناسی وقف وابتدا

نخستین تألیف در زمینه وقف وابتدا از آن شیبة بن نِصاح کوفی (م ۱۳۰ ق) می باشد که در اثر گذشت زمان از میان رفته است.

کهن ترین اثر در وقف وابتدا کتاب «الایضاح فی الوقف والابتداء» تألیف ابوبکر محمد بن قاسم بن بشار انباری (م ۳۲۸ ق) است.

مهم ترین کتاب های وقف وابتدا عبارت است از:

- ۱- الوقف والابتداء تألیف : ضرار بن سرد کوفی (م ۱۳۰ ق)
- ۲- الوقف والابتداء تألیف : ابو عمرو بن علاء بصری (م ۱۵۴ ق)
- ۳- الوقف والابتداء تألیف : حمزه بن حبيب بن عماره الزیات کوفی (م ۱۵۶ ق)
- ۴- الوقف والابتداء تألیف : محمد بن ابی ساره الرواسی کوفی (م ۱۷۰ ق)
- ۵- الوقف والابتداء تألیف : علی بن حمزة بن عبدالله اسدی کسای کوفی (م ۱۸۹ ق)
- ۶- الوقف والابتداء تألیف : یحیی بن مبارک بن مغیره عدوی یزیدی (م ۲۰۲ ق)
- ۷- الوقف والابتداء تألیف : یحیی بن زیاد بن عبدالله بن منظور معروف به فراء (م ۲۰۷ ق)
- ۸- الوقف والابتداء تألیف : ابو عبیده معمر بن مثنی بصری (م ۲۱۰ ق)
- ۹- الوقف والابتداء تألیف : خلف بن هشام بزار اسدی (م ۲۲۹ ق)
- ۱۰- الوقف والابتداء تألیف : محمد بن سعدان ضریر (م ۲۳۱ ق)
- ۱۱- الوقف والابتداء تألیف : عبدالله بن یحیی بن مبارک (م ۲۳۷ ق)
- ۱۲- الوقف والابتداء تألیف : ابو عمر الدوری (م ۲۴۰ ق)

- ١٣- الوقف والابتداء تأليف: ابووليد بن ميسره هشام بن عمار سلمى (٢٤٥ق)
- ١٤- الوقف والابتداء تأليف: فضل بن محمد انصارى (٢٥٣ق)
- ١٥- الوقف والابتداء تأليف: محمد بن عيسى بن ابراهيم (٢٥٣ق)
- ١٦- الوقف والابتداء تأليف: ابن ابى الدنيا عبدالله بن محمد بن عبيد (٢٨٢ق)
- ١٧- الوقف والابتداء تأليف: ابو حنيفه احمد بن داوود دينورى (٢٨٢ق)
- ١٨- الوقف والابتداء تأليف: ابوبكر محمد بن عثمان بن مسبح شيبانى بغدادى (٢٨٨ق)
- ١٩- الوقف والابتداء تأليف: ابوالعباس احمد بن يحيى بن يزيد شيبانى ملقب به ثعلب (٢٩١ق)
- ٢٠- الوقف والابتداء تأليف: سليمان بن يحيى بن ايوب ضبى (٢٩١ق)
- ٢١- الوقف والابتداء تأليف: محمد بن احمد بن كيسان (٢٩٩ق)
- ٢٢- الوقف والابتداء تأليف: ابو اسحاق ابراهيم بن سرى بن سهل الزجاج (٣١١ق)
- ٢٣- الوقف والابتداء تأليف: ابن مجاهد احمد بن موسى بن عباس (٣٣٤ق)
- ٢٤- الوقف والابتداء تأليف: محمد بن محمد بن عباد مكى (٣٣٤ق)
- ٢٥- الوقف والابتداء تأليف: احمد بن محمد بن اوس (٣٤٥ق)
- ٢٦- الوقف والابتداء تأليف: محمد بن حسن بن يعقوب بن حسن بن مقسم عطار (٣٥٤ق)
- ٢٧- الوقف والابتداء تأليف: ابوسعيد حسن بن عبدالله بن مرزبان سيرافى (٣٦٨ق)
- ٢٨- الوقف والابتداء تأليف: ابوالفتح عثمان ابن جنى موصلى (٣٩٧ق)
- ٢٩- الوقف والابتداء تأليف: ابوالحسن على بن احمد بن الحسن غزال نيشابورى (٥١٦ق)

٣٠- الوقف والابتداء تأليف: عمر بن عبدالعزيز بن مازة حنفي معروف به صدر الشهيد
(م٥٣٦ق)

٣١- وقف التمام تأليف: نافع بن عبدالرحمن بن ابي نعيم ليثي (م١٦٩ق)

٣٢- وقف التمام تأليف: يعقوب بن اسحاق بن زيد بن عبدالله حضرمي بصري (م٢٠٥ق)

٣٣- وقف التمام تأليف: عيسى بن مينا بن وردان معروف به قالون

٣٤- وقف التمام تأليف: روح بن عبدالمؤمن ابوالحسن هذلي (م٢٣٤ق) ٤

٣٥- وقف التمام تأليف: ابو منذر نصير بن يوسف بن ابي نصير رازي نحوي (م٢٤٠ق)

٣٦- الوقف التمام تأليف: مكى بن ابي طالب قيسي (م٤٣٧ق)

٣٧- المقاطع والمبادى تأليف ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان سجستاني (م٢٤٨ق)

٣٨- القطع والائتناف تأليف احمد بن محمد بن اسماعيل معروف به ابن النحاس (م٣٣٨ق)

٣٩- وقوف النبي (ص) تأليف: محمد بن عيسى بريلى اندلسي معروف به مغربي (م٤٠٠ق)

٤٠- الإبانة فى الوقف والابتداء تأليف ابوالفضل محمد بن جعفر بن عبدالكريم خزاعى
جرجاني (م٤٠٨ق)

٤١- الهداية فى الوقف تأليف: مكى بن ابي طالب قيسي (م٤٣٧ق)

٤٢- الوقف على كلا و بلى تأليف: مكى بن ابي طالب قيسي (م٤٣٧ق)

٤٣- الهداية فى الوقف على كلا تأليف: مكى بن ابي طالب قيسي (م٤٣٧ق)

٤٤- الهداية فى الوقف والابتداء تأليف: ابو عمرو عثمان بن سعيدداني (م٢٤٤ق)

٤٥- المكتفى فى الوقف والابتداء تأليف: ابو عمرو عثمان بن سعيدداني (م٢٤٤ق)

٤٦- الوقف على كلا و بلى تأليف: ابو عمرو عثمان بن سعيدداني (م٤٤٤ق)

٤٧- المرشد فى معنى الوقف تأليف: ابو محمد حسن بن على بن سعيد عمانى (م٥٠٠ق)

٤٨- المقصد لتلخيص ما فى المرشد تأليف: زكريا بن محمد بن احمد بن زكريا الأنصارى
(م٩٢٦ق)

٤٩- المغنى فى معرفة وقوف القرآن تأليف: ابو محمد حسن بن على بن سعيد
عمانى (م٥٠٠ق)

٥٠- نظام الاداء فى الوقف والإبتداء تأليف: عبدالعزيز بن على بن محمد بن سلمه معروف به
ابن الطحان بسماتى اندلسى (م٥٦٠ق)

٥١- الايضاح فى الوقف والإبتداء تأليف: ابو جعفر محمد بن طيفور سجاوندى غزنوى
(م٥٦٠ق)

٥٢- علل الوقوف تأليف: ابو جعفر محمد بن طيفور سجاوندى غزنوى (م٥٦٠ق)

٥٣- وقوف القرآن تأليف: ابو جعفر محمد بن طيفور سجاوندى غزنوى (م٥٦٠ق)

٥٤- الهادى الى معرفة المقاطع والمبادئ تأليف: ابو العلاء حسن بن احمد بن حسن همدانى
عطار (م٥٦٩ق)

٥٥- الإهتداء فى الوقف والإبتداء تأليف: عيسى بن عبدالعزيز تميمى اسكندرى مالكى
(م٦٢٩ق)

٥٦- علم الإهتداء فى الوقف والإبتداء تأليف: علم الدين ابو الحسن على بن محمد بن
عبد الصمد سخاوى (م٦٤٣ق)

٥٧- علم الإهتداء فى الوقف والإبتداء تأليف: ابو عبدالله محمد بن محمد بن على بن همام
معروف به ابن الإمام (م٧٤٥ق)

٥٨- التنبيهات على ما يخفى من الوقوفات تأليف: عبدالسلام بن على بن عمر بن سيد الناس
الزواوى (م٦٨١ق)

٥٩- الإقتداء فى معرفة الوقف والإبتداء تأليف: معين الدين عبد الله بن جمال الدين ابى عبدالله
محمد بن ابى عبدالله بن ابى حفص نكزاوى (م٦٨٣ق)

٦٠- وصف الإهتداء فى الوقف والإبتداء تأليف: ابو محمد ابراهيم بن عمر بن ابراهيم ربعى
جعبرى (م٧٣٢ق) ساكن شهر الخليل

٦١- الإهتداء فى الوقف والإبتداء تأليف: ابوالخير شمس الدين محمد بن محمد بن محمد بن
على بن يوسف مشهور به ابن الجزرى (م٨٣٣ق)

٦٢- تعليق على وصف الإهتداء فى الوقف والإبتداء للجعبرى تأليف: ابوالخير شمس الدين
محمد بن محمد بن محمد بن على بن يوسف مشهور به ابن الجزرى (م٨٣٣ق)

٦٣- لحظة الطرف فى معرفة الوقف تأليف: ابراهيم بن موسى برهان الدين كركى شافعى
(م٨٣٥ق)

٦٤- تحفة العرفان فى بيان اوقاف القرآن تأليف: ابواخير احمد بن مصطفى عصام الدين طاش
كبرى زاده (م٩٦٨ق)

٦٥- منار الهدى فى بيان الوقف والإبتداء تأليف: احمد بن عبدالكريم بن محمد بن عبدالكريم
الأشمونى

٦٦- الكشف عن احكام الوقف والوصل فى العربية تأليف: محمد سالم محيسن، دارالجيل

بيروت

٦٧- كنوز الطاف الرحمن فى بيان اوقاف القرآن تأليف: شيخ محمد صادق هندی

٦٨- كنز اللطائف فى ما يحتاج اليه فى تصحيح المصاحف ، تأليف: سجاوندى

٦٩- معالم الإهتداء الى معرفة الوقف والإبتداء، تأليف: محمود خليل الحصرى

٧٠- الوقف والإبتداء وصلتها بالمعنى فى القرءان الكريم تأليف: عوض صالح ابراهيم،

دارالسلام ، بيروت، ١٤٢٧هـ.ق

٧١- كشف الغطاء فى الوقف والابتداء ، تأليف: صابر حسن محمد ابو سليمان، دارالمسلم،

الرياض ١٩٩٨م

٧٢- رموزوقف و وصل در مصاحف ، تأليف عثمان بن محمد شاه بن محمد مسلمان غزنوى

هروى (م ٩٩٦)

٧٣- وقف و وصل ، تأليف: ابوالمكارم محمد بن محمد الزوزندى البخارى (نگاشته شده در

تاريخ ١٠٦٠)

٧٤- وقوف القرآن تأليف: ملا مصطفى بن محمد ابراهيم التبريزى (م ١٠٨٠)

٧٥- وقف كفران ، تأليف: سيد احمد بن زين العابدين علوى عاملى (م قرن ١١)

٧٦- اوائل الندى المختصر من منار الهدى فى بيان الوقف والإبتداء تأليف : عبدالله بن مسعود

مصرى (م ١١٤٧)

٧٧- تحفة من اراد الإهتداء فى معرفة الوقف والإبتداء تأليف: حسين جوهرى (كتابخانه

الازهرية قاهره)

٧٨- الوقف والإبتداء عند اهل الأداء وعلاقته بالمعنى القرآنى ، تأليف : الخطيب

٧٩- الجانب الصوتى للوقف فى العرييه ولهجاتها ، تأليف الدكتور احمد طه حسانين مطبعة

الامانة القايره

٨٠- الوقف اللازم فى القرآن الكريم دراسة دلاليه ، تأليف محمد زين العابدين بن محمد (دار

الفجر الاسلاميه المدينه المنوره ١٩٩٨)

٨١- الوقف على اواخر الكلم مع العناية بالتوجيه ، تأليف: سامح سالم عبدالحميد

٨٢- المواضع المتفق عليها بين المصاحف فى الوقف اللازم تأليف: ابوعبدالرحمن جمال

القرش

٨٣- اضواء البيان فى معرفة الوقف والإبتداء تأليف: ابوعبدالرحمن جمال القرش

٨٤- لطائف بين الوقف التام والحسن ، تأليف: ابوعبدالرحمن جمال القرش

٨٥- لطائف مختلف فيها بين التمام وعدم الوقف، تأليف: ابوعبدالرحمن جمال القرش

٨٦- اثر اختلاف القراء فى الوقف والابتداء ، تأليف: جيلى على احمد بلال ، دار القلم

پژوهشگاه علوم وفرهنگ اسلامى

٨٧- ارجوزة فى «كلا» و مواضع الوقف ، تأليف: على بن سعيد الربيعى

٨٨- رسالة فى وقوف القرآن ، تأليف: مولى محمد طاهر حافظ اصفهانى (كتابخانه آستان

قدس رضوى)

شایسته است پیش از پرداختن به مبانی وقف وابتدا، به توضیح اصطلاحاتی که در دانش وقف وابتدا کاربرد فراوانی دارد، پرداخته شود.

○ وقف در لغت: به معنای حبس و بازماندن از انجام کار یا گفتار است. «الوقف بمعنی المنع والحبس والكف عن الفعل او القول» مقایس اللغة خلیل بن احمد در تعریف وقف می- نویسد: «الوقف مصدر قولك: وقفت الدابة و وقفت الكلمة وقفا» وقف مصدر گفتار توست، که می‌گویی: جنبنده ایستاد یا آن را متوقف ساختم و بر کلمه وقف کردم. (ترتیب کتاب العین، ۱۹۹۷/۳)

وقف در اصطلاح قرائت قرآن عبارت است از: قطع صدا در آخر کلمه، جهت تجدید نفس، به نیت ادامه قرائت به بیان دیگر، وقف جدا کردن کلمه یا عبارت از مابعدش می باشد به گونه ای که صدا در آن قطع شده و نفس تازه گردد.

جرجانی در مورد معنای وقف در اصطلاح قرائت گفته است: «الوقف فی القرائة قطع الكلمة عن مابعدها» وقف در قرائت جدا کردن کلمه از مابعدش می باشد. (التعريفات، ص ۲۶۵)

ابن جزری در تعریف وقف آورده است: «الوقف عبارة عن قطع الصوت زمنا ینفس فيه عادة بنية استئناف القرائة» وقف عبارت است از: قطع صوت روی کلمه به مقدار زمانی که به طور معمول در آن نفس گرفته می شود، به قصد از سر گرفتن قرائت. (النشر، ۱/۲۴۰) اشمونی در تعریف وقف می گوید: «قطع الصوت آخر الكلمة زمنا ما، او قطع الكلمة عن مابعدها» قطع صدا

در آخر کلمه برای مدت زمانی کوتاه یا جدا کردن کلمه از مابعدش. در نهایت محمد سالم محیسن در تعریف وقف این گونه جمع بندی کرده است: «الوقف هو قطع الصوت عن القراءة زمنا يسيرا بتنفس مع نية استئناف القراءة» وقف قطع صدا در قرائت برای مدتی کوتاه، همراه با تنفس با قصد از سر گرفتن قرائت می باشد.

وقف به دو صورت آمده است: الف کلماتی که قاری در آن، وقف می کند هر چند صحیح نباشد. ب. موضعی که برای وقف صلاحیت داشته باشد، هر چند قاری بر آن وقف نکند.

○ وصل : ضد وقف است. وصل دو کلمه یا دو عبارت به معنای عدم وقف میان آن ها می باشد مانند: وصل آیات به یکدیگر؛ یا وصل آخر یک سوره به ابتدای سوره بعدی.

○ ابتداء : به معنای شروع و آغاز قرائت می باشد و در اینجا، به معنای ادامه قرائت پس از وقف است که به آن (استیناف) نیز گفته اند. بنابراین قاری قرآن، با هر وقفی یک ابتدا نیز خواهد داشت. به همین جهت علم (معرفة الوقوف) را دانش (وقف وابتدا) گویند. ابتدای از عبارت قبل را (اعاده موقوف علیها) گویند.

○ سکت : به معنای قطع صدا در وسط یا آخر کلمه می باشد که مدت آن بسیار کوتاه بوده و تجدید نفس نیز در آن صورت نمی گیرد.

سکت در آخر کلمه مانند سکت بر «مَن» و «بَل» در عبارت های «مَن راق» و «بَل ران» که در روایت حفص از عاصم می باشد. (قیامت-۲۷، مطففین-۱۴)

سکت در وسط کلمه مانند : سکت بر «الف ولام» و «شیئ» که در قرائت حمزه کوفی می باشد.

○ قطع : به معنای اتمام قرائت و عبارت از آخرین وقف قاری است که پس از آن ابتدائی وجود ندارد . برخی از متقدمین از جمله ابو عمرو دانی واژه قطع را به معنای وقف گرفته و هر دو را به یک معنا به کار برده اند.

○ مکث : به معنای توقف و استراحت در محل وقف می باشد که حداقل آن، مدت زمانی است که برای تجدید نفس لازم است و حداکثر آن ، به میزانی است که در توالی و روند قرائت خدشه ای وارد نشود؛ این مسئله به نوع ارتباط عبارات و جملات و همچنین به سرعت قرائت قاری بستگی دارد که به خواست خدا در جای خود بیان خواهد شد.

○ تنفس : به معنای تجدید و تازه کردن نفس می باشد و یکی از مهم ترین انگیزه های وقف به شمار می رود.

ابن جزری می نویسد : « لما لم یمکن القارئ ان یقرأ السوره او القصة فی نفس واحد ولم یجز التنفس بین کلمتین حالة الوصل بل ذلک کالتنفس فی اثناء الکلمة، و جب حیثئذ اختیار وقف للتنفس » از آنجا که خواندن یک سوره و داستان در یک نفس، ممکن نمی باشد و از سوی دیگر، در اثنای قرائت قرآن تنفس میان دو کلمه مانند تنفس در یک کلمه در حال وصل، جائز نیست، بنا بر این قاری قرآن جهت تجدید نفس، ناگزیر از وقف می باشد . (النشر ج ۱ ص ۲۲۴)

این تعریف بیشتر شامل وقف اضطراری می گردد، که در اثر کمبود یا اتمام نفس قاری پیش می آید ، هر چند در وقف اختیاری نیز تجدید نفس انجام می شود ولی وقف به خاطر کمبود یا اتمام نفس پیش نیامده است.

وقف اختیاری

تعریف وقف اختیاری:

وقف اختیاری: وقف بر عبارتی است که دارای معنای مفیدی باشد که سکوت بر آن صحیح است و قاری با اراده خویش و ملا حظه عبارت قبل و بعد، آن کلمه را برای وقف اختیار و انتخاب می کند .

وقف به اعتبار قرائت قاری تعریف شده است که عبارت است از: قطع صوت بر آخر کلمه همراه با تجدید نفس برای ادامه قرائت ؛ در اینجا تفاوتی نمی کند که وقف بر آن کلمه صحیح باشد یا صحیح نباشد .

گاهی وقف به اعتبار کلام تعریف می شود چه قاری بر آن وقف کند یا وقف نکند؛

در این تعریف وقف بر دو قسم می باشد : وقف درست وقف نادرست

وقف درست همان وقف اختیاری است که عبارت ، دارای معنای مفیدی باشد که سکوت بر آن صحیح است و ابتدای از مابعد آن نیز نیکو می باشد. در این رابطه مشهور است که: « کلمه اجازوالوقف اجازوالابتداء بما بعده » تجویز وقف به معنای تجویز ابتدای از عبارت بعد است و این همان وقف اختیاری است که مقصود از اصلی از وقف نیز همین است.

با این توضیحات روشن می شود که وقف اختیاری شامل وقف تام و وقف کافی می گردد و وقف حسن که ابتدای از مابعد آن صحیح نیست از مصادیق وقف اضطراری است.

- ۱- وقف در لغت به چند معنا آمده است؟
- ۲- تعریف اصطلاحی وقف را بنویسید؟
- ۳- جرجانی در مورد معنای وقف در اصطلاح قرائت چه گفته است؟
- ۴- کلام ابن جزری در مورد تنفس در اثناء قرائت قرآن را نقل کنید.
- ۵- وقف میان وقف و قطع را بیان نموده و بنویسید چه کسی هردو را به یک معنا گرفته است؟
- ۶- حد اقل و حد اکثر زمان مکث در محل وقف به چه میزانی می باشد؟
- ۷- وقف اختیاری را تعریف نمایید؟
- ۸- تعریف وقف به اعتبار قرائت قاری چیست؟
- ۹- اقسام وقف به اعتبار کلام را بیان نمایید.
- ۱۰- عبارت «کَلِمَا اجازوا الوقف اجازوا الابتداء بما بعده» شامل کدام یک از اقسام وقف (اختیاری و اضطراری) می-گردد؟ توضیح دهید.

فصل دوم مبانی واقسام وقف وابتدا

والابتداء بما بعده لانه لا يتعلق بشيء مما بعده». در وقف تام، وقف بر آن و ابتدای از مابعدش صحیح و پسندیده است زیرا تعلقی به جمله بعد از خود ندارد.

وقف کافی : وقف بر جمله ای است که تعلق لفظی با جمله بعد از خود ندارد ولی از نظر معنی و موضوع مورد بحث میان دو جمله رابطه وجود دارد؛ مانند وقف بر: یخادعون الله والذین امنوا (بقره-۹) که با عبارت وما یخادعون الا انفسهم وما یشعرون از نظر موضوع و سیاق مورد بحث ، مرتبط می باشد. «الوقف الکافی هو الذی یحسن الوقف علیه والابتداء بما بعده، غیر ان الذی بعده متعلق به من جهة المعنی دون اللفظ، وسمى الکافی بهذه التسمية: للاكتفاء به عما بعده واستغناء مابعد عنه، وهو کالتام فی جواز الوقف علیه والابتداء بما بعده». در وقف کافی نیز هرچند تعلق معنوی به جمله مابعد خویش دارد ، ولی وقف بر آن ابتدای از مابعدش نیکوست؛ زیرا هر کدام دارای معنای مفیدی بوده و می توان به جمله اول اکتفاء نمود و ما بعد آن نیز از نظر لفظی از جمله قبل بی نیاز است.

وقف حسن : وقف بر عبارتی است که با عبارت بعد از خود رابطه لفظی داشته ولی فی نفسه دارای معنای مفید و مقصود باشد ؛ هر چند عبارت ما بعد بدون عبارت ماقبل ناقص و یا نامفهوم است مانند وقف بر: ختم الله علی قلوبهم (بقره-۷) که با عبارت مابعد خویش (وعلی سمعهم) تعلق لفظی داشته و عطف بر آن می باشد. «الوقف الحسن وهو الذی یحسن الوقف علیه، ولا یحسن الابداء بما بعده لتعلقه من جهة اللفظ و المعنی جميعا». وقف حسن چون در مفهوم کلام خدشه ای ایجاد ننموده فی نفسه اشکالی ندارد ، ولی ابتدای از مابعد آن به

جهت تعلق لفظی به ما قبل صحیح نمی‌باشد؛ به همین جهت وقف حسن فقط در شرایط اضطراری قابل قبول است. (المکتفی، ص ۱۴۵)

وقف قبیح : وقف بر کلمه یا عبارتی است که دارای مفهوم مفیدی که سکوت بر آن صحیح است نباشد و یا نامفهوم و یا مغیر معنا باشد. در صورتی که افاده معنای کفر آمیز کند «وقف اقبیح» نامیده می‌شود. الوقف القبیح وهو الذی لا یُعرف المراد منه وکل وقف لا یفهم منه المراد فهو قبیح.

مراتب وقف قبیح:

مراتب وقف قبیح به شرح زیر است:

۱-وقف ناقص: که دارای معنای مفیدی که سکوت بر آن صحیح است نباشد مانند وقف بر :

وإذا قیل لهم لا تفسدوا فی الارض (بقره - ۱۱)

الذین ءامنوا وعملوا الصالحات (رعد - ۲۹)

۲-وقف نامفهوم: که دارای معنای مفیدی که سکوت بر آن صحیح است نباشد مانند وقف

بر: «ویقیمون» «ومما رزقناهم» «وإذا قیل لهم»

۳-وقف مغیر معنا: وقف بر عبارتی است که سبب تغییر و دگرگونی معنا و مفهوم کلام گردد؛

مانند وقف بر:

فلما اضائت ماحوله ذهب الله بقره/ ۱۷

لا تکنونوا کالذین کفروا وقالوا لاخوانهم اذا ضربوا آل عمران/ ۱۵۷

(اذا ضربوا فی الارض به معنای سیر و سفر در زمین می باشد ولی کلمه ضربوا به معنای زدن است)

۴-وقف کفر آمیز: وقف بر عبارتی است که افاده معنای کفر آمیز کند که در این صورت «وقف اقبیح» نامیده می شود؛ مانند وقف بر: ان الله لا یهدی.

پس از تشریح اقسام چهارگانه وقف، به توضیح چند وقف دیگر که دارای کاربرد فراوانی هستند می پردازیم:

وقف بیان: وقف بر عبارتی است که موجب رفع ابهام می شود مانند: وقف بر: وتعزروه وتوقروه وابتدای از: وتسبحوه بکرة واصیلا (فتح - ۹) که ضمیر در کلمات «تعزروه» و «توقروه» به «رسول» باز می گردد؛ در صورتی که مرجع ضمیر در «و تسبحوه» لفظ جلاله «الله» می باشد. نشانه این وقف (ج) می باشد.

مثال دیگر: یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر(ج) وصد عن سبیل الله و کفر به

وقف صالح: که وقف بر آن بنا بر قول مرجوح روا است ولی وصل آن اولی است. نشانه آن در برخی مصاحف (صلی) می باشد مانند: اولئک اصحاب النار (صلی) هم فیها خالدون بنا بر این که این جمله حالیه قرار گیرد.

وقف مفهوم : وقف بر عبارت مفهومی است که هر چند با عبارت مابعد تعلق لفظی دارد ، ولی هر دو جمله به تنهایی داری معنای مفیدی می-باشند . بنابر این وقف بر آن ابتدای از مابعد- با وجود تعلق لفظی- مفید معنا است. مانند وقف بر: الله یستهزیء بهم وابتدای از : ویمدهم فی طغیانهم یعمهون بقره/۱۵

پس از آشنایی با اقسام وقف ، به بیان مبانی وقف وابتدا نزد متقدمین می پردازیم.

● نخستین مبنا:

به نظر می رسد نخستین موضعی که برای وقف شناخته شد فواصل آیات (انتهای آیات) بوده است. وقف بر پایان هرآیه به عنوان روش و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) نیکو وپسندیده شناخته شده وبر آن تأکید گردیده است.

از ابن کثیر و ابوعمرو نقل شده که آنان بر وقف درانتهای آیات تعمد داشته اند.

ابن جزری دراین رابطه می نویسد : « و ابن کثیر روی عنه الامام الصالح ابوالفضل الرازی انه کان یراعی الوقف علی رؤوس الآی مطلقا و ابوعمرو فروینا عنه انه کان یتعمدالوقف علی رؤوس الآی و یقول هو احب الی.» ابوالفضل رازی از ابن کثیر نقل کرده که او همیشه بر انتهای آیات وقف می نموده است. واز ابوعمرو برای ما نقل کرده اند که وی در وقف بر انتهای آیات تعمد داشته ومی گفته که آن را بیشتر دوست دارم .(النشر،ج ۱،ص ۲۳۸)

در آیات طولانی که خواندن آن با یک نفس ممکن نیست، دوشیوه میان قاریان معمول بوده است :

۱. وقف در پایان نفس (هرکجا نفس تمام شود) که همان وقف اضطراری است.

۲. وقف در مواضعی که دارای معنای مفیدی باشد که وقف اختیاری به شمار می رود.

وقف به هنگام قطع نفس، شیوه حمزه کوفی و احیانا ابن کثیر می باشد. ابن جزری در این باره می نویسد: « وحمزة اتفقت الرواة عنه انه كان يقف عند انقطاع النفس وابن كثير روينا عنه نسا انه كان يقول: اذا وقفت في القرآن على قوله تعالى: (وما يعلم تاويله الا الله) وعلى قوله: (وما يشعركم) وعلى: (انما يعلمه بشر) لم ابال بعد ها وقفت ام لم اقف. وهذا يدل على انه يقف حيث ينقطع نفسه. » راویان قرائت حمزه متفقند که وی در پایان نفس در هر کجا که باشد وقف می کرده است و از ابن کثیر نقل شده است که وی می گفته است « زمانی که در قرآن بر سه مورد یاد شده وقف کنم دروقف بر سایر مواضع قرآن تعمدی ندارم که وقف کنم یا وقف نکنم.» این مطلب دلالت دارد که ابن کثیر در هر کجا که نفس وی قطع شود، وقف می کرده است.

از نافع و عاصم و کسایی نقل شده که مبنای آنان در وقف، توجه به نیکو بودن وقف وابتدا است. ابن جزری آورده است که: « فنافع كان يراعى محاسن الوقف والابتداء بحسب المعنى و ذكر خزاعى ان عاصما والكسائى كانا يطلبان الوقف من حيث يتم الكلام. » نافع نیکو بودن وقف و ابتدا را با توجه به معنای آن، رعایت می نموده است و خزاعی نقل کرده که عاصم و کسایی وقف را درجایی که معنای کلام تمام باشد جستجو کرده اند. (النشر - ج ۱ - ص ۲۳۹) از مطالب یاد شده چنین برداشت می شود که بیشتر قراء، در انتخاب محل وقف به دنبال اتمام معنی بوده اند. بدرالدین زرکشی در این باره می نویسد: « واعلم ان اكثر القراء يبتغون فى

الوقف المعنى وان لم يكن راس آيه.» بیشتر قاریان در وقف به دنبال تمام بودن معنی کلام می باشند هر چند انتهای آیه نباشد. (البرهان ج ۱ ص ۴۲۶)

بنابر این نخستین مبنا در تقسیم وقف که از قراء سلف اخذ شده ، تقسیم آن به دو قسم (تام) و (غیر تام) می باشد.

علم الدین سخاوی در کتاب خود به دو عنوان (يَتِمُّ الوقف عليه) و (لا يتمُّ الوقف عليه) وقف تمام و وقف ناتمام اشاره نموده است. (جمال القراء ج ۲ ص ۵۶۳)

○ مبنای ابن انباری

ابن انباری برای وقف سه قسم قرار داده است که شامل تام، کافی و قبیح می باشد. وی در این رابطه چنین آورده است: «من تمام معرفة اعراب القرآن ومعانيه وغريبه، معرفة الوقف والإبتداء فيه، فينبغي للقارئ ان يعرف الوقف التام والوقف الكافي الذي ليس بتام والوقف القبيح الذي ليس بتام ولا كاف» (ايضاح الوقف ج ۱ ص ۱۰۸)

سخاوی از ابن انباری اقسام وقف را تام، حسن و قبیح نقل کرده است. (جمال القراء، ج ۲، ص ۵۶۳)

○ مبنای ابن نحاس

سومین روش مربوط به ابن نحاس است که وی برای وقف، پنج قسم قائل شده است :

۱- تام ۲- کافی ۳- صالح ۴- حسن ۵- قبیح

در این روش ابن نحاس میان دو شیوه منقول از ابن انباری به گونه ای جمع نموده و (وقف صالح) را نیز بر آن افزوده است .

○ مبنای ابو عمرو دانی

مبنای چهارم از ابو عمرو دانی است که وی با حذف وقف صالح، اقسام وقف را چهار قسم (تام، کافی، حسن و قبیح) بر شمرده است.

ابو عمرو دانی با ارائه این تقسیم، میان روش ابن نحاس و ابن انباری راه میانه ای را برگزیده است. وی از دو وقف صالح و حسن به «وقف حسن» اکتفا نموده و از «وقف صالح» چشم پوشیده است. بسیاری از دانشمندان قرائت از این شیوه پیروی کرده اند که از میان آنان ابن جزری را می توان نام برد. دانی می نویسد: «اعلم { ایدک الله بتوفیقه } أن علمائنا اختلفوا فی ذلك فقال بعضهم (ابن النحاس) الوقف علی اربعة اقسام: تام مختار، و کاف جائز، و صالح مفهوم، و قبیح متروک وانکر آخرون (ابن الانباری) هذا التمييز وقالوا: الوقف علی ثلاثة اقسام: قسما: احدهما: مختار وهو التام والآخر: جائز وهو الكافي الذي ليس بتام، والقسم الثالث: القبيح الذي ليس بتام ولا كافي. وقال آخرون الوقف علی قسمين: تام و قبیح لا غیر» (المکتفی، ص ۱۳۹) ابو عمرو دانی پس از نقل این اقوال، از میان قول ابن النحاس و ابن انباری قول اول را با تغییر اندکی می پذیرد در این رابطه می گوید: «والقول الاول اعدل عندی، و به اقول؛ لان القاری قد ينقطع نفسه دون التمام والكافي فلا يتهيئان له وذلك عند طول القصة وتعلق الكلام بعضه ببعض، و ينقطع حينئذ علی الحسن المفهوم تيسيرا له وسعة اذ لا حرج عليه ولا ضيق فی سنة ولا عربية».

○ مبنای سجاوندی

پنجمین مبنا مربوط به سجاوندی (ابو جعفر عبدالله محمد ابن طیفور) است که وی برای وقف صحیح پنج قسم قائل گردیده و عبارت است از: لازم مطلق مجاز مرخص مجوز

سجاوندی برای هر کدام نیز نشانه ای قرار داده که در مصاحف از آن ها استفاده می شده است. از پیروان سجاوندی می توان از نظام الدین نیشابوری نام برد که در کتاب خویش به نام غرائب القران و رغائب الفرقان به تبیین و توجیه آن پرداخته است.

○ مبنای قسطلانی شهاب الدین قسطلانی در کتاب خویش اقسام وقف را بر پنج قسم استوار ساخته است:

۱. کامل ۲. تام ۳. کافی ۴. حسن ۵. ناقص

وقف کامل از نظر وی همان وقف اتم است که هر دو جمله کاملاً مستقل بوده و رابطه معنوی نداشته باشند. مانند وقف بر :

واولئک هم المفلحون بقره/۵

ان الله علی کل شیء قدیر بقره/۲۰

○ مبنای نکزای

معین الدین محمد نکزای در کتاب الاقتداء ، وقف را بر هفت قسم بنا نهاده است:

۱- تام ۲- کافی ۳- حسن ۴- جائز ۵- صالح ۶- مفهوم

۷- قبیح

به نظر می رسد وی شیوه ابن نحاس را مبنای خویش قرار داده و وقف های

جائز و مفهوم را بدان افزوده است. (الاقتداء ص ۹)

○ مبنای انصاری

زکریاء انصاری هشت قسم برای وقف بر شمرده که عبارت است از:

- | | | | |
|--------|----------|---------|----|
| ۱- تام | ۲- حسن | ۳- کافی | ۴- |
| صالح | ۵- مفهوم | ۶- جائز | ۷- |
| بیان | ۸- قبیح | | |

وی با افزودن وقف بیان در رتبه برخی وقف ها تغییراتی داده است. (المقصد ص ۵ و ۶)
وقف حسن در این تقسیم ، وقف کافی بنا بر قول راجح می باشد و باوقف حسن در مبنای
دانی و جزری متفاوت است.

○ مبنای اشمونی

اشمونی در کتاب خویش به ترتیب از وقف های زیرنام برده است :

- | | | | |
|---------|--------|---------|----|
| ۱- لازم | ۲- تام | ۳- جائز | ۴- |
| حسن | | | |

- | | | | |
|---------|---------|---------|---------|
| ۵- صالح | ۶- کافی | ۷- بیان | ۸- قبیح |
|---------|---------|---------|---------|

وی (وقف مفهوم) را حذف و (وقف لازم) را اضافه کرده است. (منارالهدی ص ۲۸)

○ مبنای مغللاتی

رضوان الدین مغللاتی اقسام وقف را شش قسم و شامل: کامل ، تام ، کافی ، حسن ، ناقص و
قبیح و برای هر کدام نیز نشانه ای وضع نموده است.

○ مبنای خلف الحسینی

آخرین و دهمین تقسیم، مبنای محمد علی خلف الحسینی مشهور به (حداد) است که وی اقسام وقف را شش قسم می داند:

۱- وقف لازم

۲- ۲- وقف جایز با اولویت وقف

۳- وقف جائز مستوی الطرفین

۴- وقف جایز با اولویت وصل

۵- وقف معانقه

۶- وقف قبیح

این تقسیم مورد توافق "لجنه مراجعه المصاحف مصر" قرار گرفته و در «مصاحف امیری» از آن استفاده شده است. جهت اطلاع بیشتر به توضیح علائم وقف در انتهای مصاحف مراجعه نمایید. (الاضائه، ص ۵۵-۵۷)

گفتار دوم : وقف مأثور

پیامبر گرامی اسلام (ص) اهتمام ویژه ای نسبت به مسئله وقف وابتدادرقرآن داشته ودر مواضع معینی از قرآن وقف می نموده و برآن تعمد داشته واین مواضع را به اصحاب و یاران خویش تعلیم می دادند. دانشمندان علوم قرآنی آن هارا وقف النبی (ص) گویند که به وقف جبریل، مُنزل واتباع نیز نامیده شده اند، چون معتقدند وقف پیامبر به تأسی از جبرئیل بوده و نازل گردیده و متابعت از آن اولویت دارد.

تمامی این موارد تحت عنوان «وقف مأثور» قابل بررسی می باشد.

● وقف النبی

وقف النبی به وقف های منسوب به نبی مکرم اسلام(ص) اطلاق می شود که شامل ۲۶ مورد می گردد

مواردی که در میان آیات واقع شده ۱۸ موضع و عبارت است از:

۱و۲- فاستبقوا الخیرات (بفره-۱۴۸) و (مائده- ۴۸)

۳- وما یعلم تأویلہ ال الله (آل عمران -۷) ۴- یعلمه الله (بقره-۱۹۷)

۵- قل صدق الله (آل عمران - ۹۵)

۶- قل ما یكون لی ان اقول مالیس لی بحق (مائده-۱۱۶)

۷- رسل الله (انعام-۱۲۴) *

۸- لا یجلیها لوقتها الا هو (اعراف-۱۸۷) *

۹- وممن حولكم من الاعراب منافقون (توبه-۱۰۱) *

۱۰- ان انذر الناس (يونس-۲)

۱۱- ولا يحزنك قولهم (يونس-۶۵)

۱۲- قل هذه سبيلي ادعوا الى الله (يوسف-۱۰۸)

۱۳- والانعام خلقها (نحل-۵)

۱۴- انما يعلمه بشر (نحل-۱۰۳)

۱۵- يا بني لا تشرك بالله (لقمان-۱۳)

۱۶- افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا (سجده-۱۸)

۱۷- من كل امر سلام (قدر-۵)

۱۸- واستغفره (نصر-۳)

مواردی که با ستاره مشخص گردیده وقف منزل نیز نامیده شده است.

مواردی از وقف النبی که در فواصل آیات واقع گردیده است از قرار زیر است:

۱- كذلك يضرب الله الامثال (رعد-۱۷)

۲- وان المسرفين هم اصحاب النار (غافر-۴۳)

۳- ليلة القدر خير من الف شهر (قدر-۵)

۴- من ولی ولا نصیر (بقره-۱۲۰) *

۵- وهم یعلمون (بقره-۱۴۶) *

۶- ولا هم یحزنون (بقره-۲۷۴) *

۷- ثم الیه ترجعون (انعام-۳۶) *

۸- وما هم بمعجزین (یونس-۵۳)

موارد ستاره دار وقف منزل نیز نامیده شده است.

در این بخش به توضیح برخی از این مواضع که اهمیت بیشتری دارند می پردازیم:

سوره آل عمران آیه ۹۵

« قل صدق الله فاتبعوا ملة ابراهيم حنیفا وماکان من المشرکین »

در این آیه وقف بر (قل صدق الله) نیکو و پسندیده شمرده شده تا معلوم شود جمله مابعد (فاتبعوا ملة ابراهيم حنیفا) داخل در حیز قول نمی باشد بنا بر این، مفهوم آیه چنین می شود: ای رسول ما به مردم بگو: خدا راست گفت پس تو و دیگران از کیش ابراهیم پیروی کنید، ولی اگر به وصل خوانده شود چنین مستفاد می گردد که ای پیامبر به مردم بگو راست گفت خداونیز بگو ای مردم از کیش ابراهیم متابعت کنید یعنی پیامبر چنین دستوری نداشتند در صورتی که در سوره نحل آیه ۱۲۳ چنین آمده است: « ثم اوحینا الیک ان اتبع ملة ابراهيم حنیفا » ما به تو وحی نمودیم که از کیش ابراهیم تبعیت کن، بدیهی است این نکته با وقف بر عبارت (قل صدق الله) فهمیده می شود.

سوره انعام آیه ۱۲۴

« واذا جائتھم آية قالوا لن نؤمن حتى نؤتی مثل ماوتی رسل الله الله اعلم حيث يجعل

رسالته سيصيب الذين اجرموا صغار عندالله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون»

وچون آیه ای برای هدایت آنان آمد گفتند: ما تا زمانی که مانند آنچه به رسولان خدا داده شده به مانیز داده شود، ایمان نمی آوریم. خدا بهتر می داند که رسالت خویش را در کجا قرار دهد.

وقف بر عبارت (واذا جائتھم آية قالوا لن نؤمن حتى نؤتی مثل ماوتی رسل الله) وقف النبی است که به اتفاق وقف بر آن لازم شمرده شده است؛ زیرا جمله مابعد(الله اعلم حيث يجعل رسالته) کلام ایزد متعال می باشد که در پاسخ سخن کافران آمده است و در صورت وصل ممکن است تصور شود که این جمله داخل در سخن کافران باشد .

سوره توبه آیه ۱۰۱

«وممن حولکم من الاعراب منافقون ومن اهل المدينة مردوا علی النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم»

در این آیه وقف بر عبارت(وممن حولکم من الاعراب منافقون) نیکو دانسته شده است، بنابر این که عبارت مابعد (ومن اهل المدينة مردوا علی النفاق) مستأنفه باشد، هر چند برخی از مفسرین عبارت (ومن اهل المدينة) را عطف به (وممن حولکم من الاعراب منافقون) دانسته ووقف بر آن را جایز شمرده اند، با این ترکیب وقف بر کلمه (منافقون) روا نمی باشد.

وجه دیگر آن است که عبارت : (ومن اهل المدينة) خبر مقدم و عبارت (منافقون کذلک) که محذوف است مبتدای مؤخر باشد؛ این گروه جمله مردوا علی النفاق را مستأنفه دانسته اند

که به هر دو دسته باز می‌گردد ولی از سیاق آیه فهمیده می‌شود که عبارت مردوا علی النفاق به منافقان داخل شهر بر می‌گردد که ناشناس مانده و خطر آن‌ها بیشتر از منافقان بادیه نشین بوده و عذاب آن‌ها نیز دوبرابر است. با توجه به مطلب یاد شده وقف بر منافقون اولویت دارد.

سوره یونس آیه ۲

«اكان للناس عجبا ان اوحينا الي رجل منهم ان انذرالناس وبشر الذين ءامنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم قال الكافرون ان هذا لساحر مبين»

آیا برای مردم عجیب است این که ما به یکی از آنان وحی فرستادیم تا آنان را بیم دهد؛ و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان نزد پروردگارشان جایگاه رفیعی است.

در این آیه در جمله (ان انذرالناس) وقف النبی است تا میان انذار و تبشیر فاصله گردد هر چند دو عبارت به یکدیگر عطف شده است.

این موضع فقط در مصاحف مغاربه که وقف‌های آن بر اساس هبطی می‌باشد دارای نشانه وقف است.

خوب است بدانیم استاد محمد رفعت و استاد محمد صدیق منشاوی در تلاوت خویش برای عبارت وقف نموده و سپس برای رعایت اتصال، آن را به مابعد خود وصل کرده اند. ضمناً استاد منشاوی در تلاوت این سوره در مسجد اقصی قرائت خویش را به جهت حسن مطلع با بشارت و از عبارت (وبشر الذين آمنوا) آغاز کرده است.

سوره یوسف آیه ۱۰۸

«قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا ومن اتبعني وسبحان الله وماانا من المشركين» ای رسول ما بگو : این راه من است که من و هر کس مرا پیروی می کند با بیبایی و بصیرت مردم را به سوی خدا فرامی خوانیم؛ و خدای سبحان منزّه است و من از مشرکین نیستم .

در این آیه وقف بر (ادعوا الى الله) به جهت آن که عبارت (على بصيرة) حال از برای فاعل (ادعوا) باشد صحیح نمی باشد و نظر بیشتر مفسران همین است.

برخی از جمله ابوالبقاء عکبری عبارت علی بصیرة را خبر مقدم و عبارت انا ومن اتبعنی را مبتدای مؤخر دانسته و وقف بر ادعوا الى الله را جایز شمرده اند .

سوره نحل آیه ۵

«والانعام خلقها لكم فيها دفء و منافع ومنها تأكلون»

در این آیه وقف بر عبارت: «والانعام خلقها» نیکو است - هر چند جمله ما بعد میتواند حالیه باشد - تا معلوم شود عبارت (لكم) خبر مقدم و کلمه (دفء) مبتدای مؤخر می باشد. برخی تعلق (لكم) به (خلقها) را ممکن می دانند یعنی : (والانعام خلقها لكم) ولی بایستی بدانیم که این ترکیب، باسیاق آیات تناسب ندارد؛ زیرا در آیه بعد آمده است : (ولكم فيها جمال حين تريحون وحين تسرحون)

استاد مصطفی اسماعیل در تلاوت این سوره که در مسجد امام حسین (ع) در قاهره اجرا گردیده بر عبارت (وانعام خلقها لكم) وقف نموده و سپس از (فیها دفء و منافع) ابتدا کرده است که با توجه به مطلب یادشده قابل نقد است

سوره نحل آیه ۱۰۳

«و لقد نعلم انهم يقولون انما يعلمه بشر لسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی
مبین»

وهر آینه می دانیم که کافران می گویند : آن کس که این قرآن را به رسول می آموزد بشری
است؛ در صورتی که زبان آن شخص عجمی است ولی این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن
است .

وقف بر: (انما يعلمه بشر) که انتهای سخن کافران است ، نیکو و پسندیده است و جمله مابعد: (
لسان الذی یلحدون الیه اعجمی و هذا لسان عربی مبین) کلام خدای سبحان است که در پاسخ
سخن کافران آمده است و سزاوار است جدا خوانده شود. برخی این جمله را حالیه دانسته
اند ولی وصل آن به جمله قبل به دلیل جدا بودن قائل آن ها مناسب نمی باشد.

سوره سجده آیه ۱۸

«افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا * لایستون» آیا کسی که ایمان دارد مانند فاسقان است ؟
هرگز مساوی نیستند.

در این آیه وقف بر کلمه فاسقا که فاصله میان استفهام و خبر می باشد نیکو و پسندیده بوده
ووقف النبی است . در صورت وصل ، ممکن است کلمه (لایستون) حال برای فاسقین شمرده
شود. این موضع از موارد وقف غفران نیز می باشد که توضیح آن خواهد آمد.

سوره قدر آیه ۵

در آخرین آیه سوره قدر وقف بر کلمه سلام به نبی مکرم اسلام منسوب است البته در صورت
وقف بر آن، عبارت من کل امر سلام به وصل خوانده می شود هرچند استاد منشاوی در

تلاوت بسیار مشهور خویش از سوره های زخرف ، دخان و قدر، برهر دو کلمه وقف کرده است .

سوره نصر آیه ۳

در این سوره وقف بر عبارت (واستغفره) که انتهای شرط است ، نیکو و پسندیده است هر چند از جمله مابعد(انه کان توابا) مفهوم تعلیل برداشت می شود سجاوندی آن را وقف مطلق می داند .

○ وقف مستحب

مواردی از وقف های مورد تأکید، در برخی مصاحف با علامت «قف» مشخص شده اند مانند و آن ها را وقف مستحب نامیده و بر آن تأکید کرده اند.

وقف در بیشتر این مواضع جهت بیان مفهوم آیات و اندیشه و تدبیر بیشتر در آن ، نیکو و پسندیده است. نمونه هایی از آن در زیر بیان می گردد.

واذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لاتعبدون الا الله قف بقره/۸۳

فاذا أمنتم قف بقره/۱۹۶

کان الناس امه واحده قف بقره/۲۱۳

فقال لهم الله موتوا قف بقره/۲۴۲

وانظر الی حمارک قف بقره/۲۵۹

واتقوا یوما ترجعون فیہ الی الله قف بقره/۲۸۱

واعف عنا قف واغفر لنا قف وارحمنا قف بقره/۲۸۶

فكبت اذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه قف آل عمران/ ٢٥
 وجئتكم بآيه من ربكم قف فاتقوا الله واطيعون آل عمران/ ٥١
 فاما الذين اسودت وجوههم قف آل عمران/ ١٠٦
 ومن يغفر الذنوب الا الله قف آل عمران/ ١٣٥
 لتبلون في اموالكم وانفسكم قف آل عمران/ ١٨٦
 يا ايها الذين ءامنوا اصبروا وصابروا ورابطوا قف آل عمران/ ٢٠٠

● وقف غفران

از جمله موارد وقف مأثور وقف غفران می باشد که در ١٠ موضع از قرآن آمده است که پنج مورد آن در سوره یس قرار دارد.

از پیامبر اکرم نقل شده که گویا فرموده باشند « من ضمن لی ان یقف علی عشرة مواضع ضمانت له الجنة » هرکس تضمین کند که در این مواضع وقف کرده و در آن بیندیشد من بهشت را برای او ضمانت می نمایم .

هرکه اندر قرائت قرآن با خضوع و خشوع و با اکرام کرده است اورعایت این اوقاف ایمن است از عذاب یوم قیام
 موارد وقف غفران از قرار زیر است:

اولیاء(مائده-٥١)*

یسمعون(انعام-٣٦)*

فاسقا (سجده-۱۸)

لا یستون (سجده-۱۸)

ءاثارهم (یس-۱۲)

علی العباد (یس-۳۰)

مرقدنا (یس-۵۲)*

ان اعدونی (یس-۶۱)

فلا یحزنک قولهم (یس-۷۶)

یقبضن (مزمل ۱۹)*

مواردی که ستاره دارد وقف منزل (نازل شده) نیز نامیده شده است.

در تمامی موارد یاد شده وقف نیکو و پسندیده می باشد زیرا جملات ما بعد آن ها مستأ نفه است. سجاوندی وقف بر آن هارا مطلقا نیکو می داند. در بیشتر موارد اگر چنانچه به وصل خوانده شوند در مفهوم آیات ایهام ایجاد می گردد.

● وقف بر فواصل :

از جمله وقف های مأثور وقف نبی مکرم اسلام (ص) بر انتهای آیات (فواصل) می باشد که به عنوان سنت پیامبرگرمی اسلام (ص) مطرح گردیده است.

مطابق برخی احادیث، از ام سلمه همسر گرمی نبی مکرم اسلام نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) در پایان آیات وقف می نموده است «کان رسول الله (ص) اذا قرأ قطع قرائته آیه آیه «رسول خدا هنگامی که قرآن می خوانده همیشه آیه ها را از یکدیگر جدا می کرده است .

در نقل دیگری از امّ سلمه این چنین آمده است: «سئل امّ سلمه عن قراءة النبيّ وصلوته قالت: مالکم وصلوته ثمّ یعقب: «کانت قرائته مفسرة حرفا حرفا» ومعنی قوله: (حرفا حرفا) ای الوقف علی رؤس الآیه. از ام سلمه در باره قرائت و نماز پیامبر سؤال شد، وی پاسخ داد: شما را با نماز رسول خدا چه کار سپس افزود قرائت پیامبر واضح و آشکار بود. مفهوم عبارت (حرفا حرفا) به معنای آیه به آیه می باشد.

از این حدیث و امثال آن، کیفیت قرائت پیامبر در نماز روشن می شود و ممکن است شامل قرائت آن حضرت در غیر نماز نشود هر چند ما آن دورا متفاوت نمی دانیم ولی مطابق بعضی از نقل ها پیامبر اکرم در پایان آیات وقف می نموده است و چنانچه در کلام ارتباط لفظی محکمی موجود باشد آن را برای وصل به آیه بعدی تکرار کرده است. گفته اند اختلاف در برخی از آیات از همین مسئله ناشی شده است.

برخی از دانشمندان با عنایت به این حدیث، وقف بر پایان هر آیه را هر چند تعلق لفظی به آیه بعد داشته و ناقص باشد به عنوان پیروی از سنت پیامبر (ص) نیکو و پسندیده می شمارند از این گروه می توان از ابو عمرو بصری، یزیدی، بیهقی، ابن جزری نام برد. برخی دیگر مانند: سجاوندی، جعبری و نیشابوری وقف در پایان آیات را مانند میان آیات، فقط در صورتی که دارای معنای مفیدی باشد جایز دانسته اند، به همین جهت این گروه در فواصل آیات نیز نشانه وقف قرار داده و وقف پیامبر اکرم (ص) در پایان آیات را به منظور بیان و اعلام انتهای آیات دانسته اند؛ آنان عقیده دارند در این کار تعدی وجود نداشته و نمی توان آن را به عنوان سنت پیامبر (ص) لازم الاجرا دانست.

تأکید می شود ، هر موضعی را که پیامبر اکرم (ص) دائماً وقف می نموده اند ، معلوم می شود که فاصله میان دو آیه می باشد ؛ و هر موردی را که آن سرور همیشه به وصل می خوانده است مشخص می گردد که فاصله و انتهای آیه نیست . ولی مواضعی را که آن حضرت گاهی وقف وزمانی وصل می نموده است ممکن است وقف آن به جهت معرفی وقف تمام و یا اضطرار باشد و وصل آن به سبب آن است که انتهای آیه نیست ، یا فاصله ای است که به جهت تعلق لفظی به مابعد آن ، وصل شده است.

• حکم وقف بر فواصل:

با توجه به مطالب یاد شده در مورد حکم وقف بر انتهای آیات چهار نظریه وجود دارد:

۱- وقف بر انتهای تمامی آیات و ابتدای از آیه بعد نیکو و پسندیده است هر چند ناتمام، نامفهوم، و یا مغیر معنا باشد. «الوقف علی رؤس الآی مطلقاً و الإبتداء بما بعدها مطلقاً تبعاً لما کان علیه الجمهور اهل الاداء من السلف والخلف کأبی عمرو بن العلاء و محمد الیزیدی و الامام البیهقی و الحافظ ابن الجزری و غیرهم.»

۲- وقف بر انتهای تمامی آیات نیکو است، ولی ابتدای از آیه بعد فقط در صورتی که دارای معنای مفیدی باشد نیکوست، در غیر این صورت برگشت به عبارت قبل، جهت اتصال کلام، اولویت دارد. «یوقف علیها لیبان ثم یوصل لتمام المعنی.» ولی چنانچه وقف بر انتهای آیه معنای نامناسبی ایجاد کند مانند: فویل للمصلین وقف بر آن نیکو نبوده و سزاوار است به آیه بعدی وصل شود.

۳- وقف در انتهای آیات فقط در صورتی که مفید معنا باشد پسندیده است ولی چنانچه معنای مفیدی نداشته باشد وصل آن سزاوارتر است.

۴- وقف بر انتهای آیات فقط در صورتی پسندیده است که آیه مابعد مفید معنی باشد. « لا یوقف علیها الا اذا کان مابعدھا مفیداً لمعنی »

• نظریه برگزیده :

از میان نظریه های ذکر شده نظریه سوم و چهارم مورد تأیید بوده و بدین شکل قابل جمع می باشد : در صورتی که انتهای آیه قبل و ابتدای آیه بعدی هر دو مفید معنی باشند وقف بر آن و ابتدای از مابعد نیکو و پسندیده است ولی چنانچه مفید معنی نباشند وصل آن ها اولویت دارد . در این صورت اگر وقف بر انتهای آیه مغیر معنی باشد مانند: « فویل للمصلین » وقف بر آن سزاوار نیست، ولی در صورتی که مغیر معنی نباشد می توان نخست به جهت بیان فاصله وحدّ آیه بر آن وقف و سپس برای اتصال لفظی و اتمام معنی آن را تکرار و بآیه بعد وصل نمود. توصیه می شود: در قرائت آموزشی که هدف ، ترتیل و تجوید می باشد مانند قرائت قرآن نزد حافظان و نیز دوره قرائت و ختم قرآن ، نظریه نخست اعمال گردد ولی در قرائت فنی و مجلسی که هدف القاء معنا است ، نظریه سوم پسندیده است. برای این شیوه در آیات مرتبط مانند : لعلکم تتفکرون فی الدنیا والآخرة (بقره- ۱۱۹) نخست وقف بر آن و سپس وصل آیات نیکو می باشد.

- ۱- موارد وقف النبی که در میان آیات واقع شده چندتاست؟ بنویسید.
- ۲- کدام یک از موارد وقف النبی وقف منزل نیز نامیده می‌شود؟
- ۳- وقف مستحب در مصاحف سجاوندی با چه نشانه ای مشخص شده اند؟
- ۴- موارد وقف غفران را نامبرده و بنویسید چند مورد آن وقف منزل می‌باشد؟
- ۵- چند مورد از موارد وقف غفران در سوره یس قرار دارد؟
- ۶- نظریه ابن جزری در مورد وقف بر فواصل چیست؟
- ۷- نظریه سجاوندی در مورد وقف بر فواصل چیست؟
- ۸- نظر برگزیده در حکم وقف بر فواصل را بنویسید.

فصل سوم

علامات و نشانه های وقف در مصاحف

گفتار اول : نشانه های وقف سجاوندی

محمد بن طیفور سجاوندی غزنوی لغوی، نحوی، قاری و مفسر قرآن، در سده ششم می زیسته است. کنیه وی ابو عبدالله یا ابوجعفر می باشد. وی کتابی در وقف وابتداء به نام «علل الوقوف» یا «الوقف والابتداء» تألیف کرده است که نشانه آشکاری بر فضل و دانش و تسلط و تبحر وی می باشد. این کتاب چهارمین اثر در دانش وقف وابتدا پس از «ایضاح الوقف» و «القطع والائتناف» و «المکتفی» می باشد. ابن جزری، سیوطی، قسطلانی و اشمونی و دیگران، مطالب فراوانی را از آن نقل کرده اند.

سجاوندی اهتمام فراوانی به انتقال صحیح معنا و مفهوم آیات، جملات و عبارات قرآن داشته و به میزان گسترده از علوم بلاغت، معانی، بیان و بدیع استفاده نموده است. سجاوندی تفاوتی بین انتهای آیه و میان آن قائل نبوده و برای پایان برخی از آیات نیز نشانه وقف قرار داده است.

اقسام وقف از دیدگاه سجاوندی شش قسم و عبارت است از:

۱. لازم
۲. مطلق
۳. جایز
۴. مجوز
۵. مرخص
۶. ممنوع

ناگفته نماند سجاوندی از نشانه «ق» تحت عنوان «قدقیل لا وقف علیها» نیز استفاده نموده است خود چنین می نگارد: «فنشرع الآن فی بیان الوقف علی سور القرآن، فنُعَلِمُ (مالاوقف علیه) بعلامة «لا» وکل آیه علیها وقف نتجاوزها ولانذکرها تخفیفا، وکل آیه (قدقیل لا وقف علیها والوقف صحیح) نُعَلِمُها ایضا احتیاطا بعلامة «ق» ونقید اللّازم فی الوقف بحرف «م» والمطلق بحرف «ط» والجائز بحرف «ج» والمجوز بحرف «ز» والمرخص لضرورة بحرف

«ص» وبالله التوفيق وهو المستعان». اینک به بیان مواضع وقف براساس ترتیب سوره های قرآن می پردازیم؛ عدم جواز وقف با نشانه «لا» مواضعی که گفته شده وقف جایز نیست ولی وقف صحیح می باشد، احتیاطاً بانسانه «ق»

وقف لازم باعلامت «م» وقف مطلق با حرف «ط» وقف جایز با حرف «ج» وقف مجوز با نشانه «ز» وقف مرخص با علامت «ص» مشخص می نماییم.

اینک به توضیح اقسام وقف از دیدگاه سجا وندی می پردازیم

وقف لازم :

وقف لازم وقفی است که اگر به وصل خوانده شود، در معنا و مفهوم آیات قرآن خلل ایجاد شده و سبب ایهام در کلام خدای متعال می گردد؛ بدین گونه که یا مفهوم آن را به کلی تغییر داده و یا معنای خلاف مقصود را به ذهن، متبادر می سازد.

وقف لازم وقفی است که اگر به وصل خوانده شود، در معنا و مفهوم آیات قرآن خلل ایجاد شده و سبب ایهام در کلام خدای متعال می گردد؛ بدین گونه که یا مفهوم آن را به کلی تغییر داده و یا معنای خلاف مقصود را به ذهن، متبادر می سازد. مانند: آیه ۲۶ سوره بقره (واما الذین كفروا فيقولون ما ذا اراد الله بهذا مثلا) که وقف بر آن لازم شمرده شده است و چنانچه به عبارت بعد (يضلُّ به كثيرا ويهدى به كثيرا) وصل شود، تصور می گردد که این جمله وصف برای کلمه (مثلا) و ادامه سخن کافران باشد در صورتی که به قرینه آیه

«۳۱» سوره مدثر (کذلک یضلّ الله من یشاء ویهدی من یشاء) این عبارت مستأنفه بوده و کلام خدای سبحان در پاسخ سخن ناروای کافران می باشد.

برخی دانشمندان ازوقف لازم، تعبیر به (وصل قبیح) نموده اند. بدیهی است وصل دو عبارت، همان گونه که بیان شد موجب تغییر معنا و یا سبب ایهام در مفهوم کلام می شود، البته گاهی ایهام با ادامه قرائت مرتفع شده وزمانی ایهام تا پایان آیه ادامه پیدا می کند.

ساجقلی زاده در رابطه با وقف لازم چنین آورده است: «اعلم انه قد یقبح الوصل لایهامه معنی فاسداً مثل : « و کذلک حقت کلمة ربک علی الذین کفروا انهم اصحاب النار » فلا یجوز ان یوصل ذلک بقوله (الذین یحملون العرش ومن حوله) ویقف علیه ومثله (یدخل من یشاء فی رحمته) فلا یجوز ایضا ان یوصل بقوله (والظالمین) ثم یقف علیه فالوصل فی هذه المواضع یوهم معنی فاسداً بسبب القطع علی ما ذکر، ولو لم یقف علی ما ذکر لارتفع الوهم.»* بدان، که گاهی وصل به جهت ایهام معنای فاسدی که دارد، قبیح است مانند: وصل عبارت (انهم اصحاب النار) به (الذین یحملون العرش) و وقف بر آن ، در این صورت ، از عبارت چنین مستفاد می گردد که: فرشتگانی که عرش خدا را حمل می کنند ، اهل آتش می باشند . و نیز از وصل عبارت (یدخل من یشاء فی رحمته) به (والظالمین) ووقف بر آن ، معنای عبارت چنین می شود که : خداوند هر که را بخواهد و نیز ستمکاران را داخل در رحمت خویش می نماید. ولی اگر بر عبارت (الذین یحملون العرش) و نیز (الظالمین) وقف نشده و تا آخر آیه و یا محل وقف جایز ادامه یابد، ایهام برطرف می گردد.

وی می افزاید: «وقد لا یندفع توهم المعنی الفاسد الحاصل من الوصل ولو وصلت الی آخر الآیه کالتوهم الحاصل من وصل (فآمن له لوط) بقوله (وقال انی مهاجر الی ربی) ولا یندفع ذلک الا عالم ذکی.»* گاهی توهم معنای فاسد حتی اگر تا آخر آیه نیز به وصل خوانده شود، برطرف نمی گردد مانند: وصل عبارت (فآمن له لوط) به (وقال انی مهاجر الی ربی) موجب چنین برداشتی می شود که حضرت لوط گفت: من بسوی خدایم هجرت می کنم در صورتی که این سخن از پیامبر خدا ابراهیم (ع) می باشد؛ و این مطلب را تنها دانشمندان زیرک و باهوش درک می کنند.

** جهد المقل ص

نخستین فردی که به این وقف تصریح کرده سجاوندی است. استاد علی محمد ضباع در این رابطه می نویسد: «واوّل من سمّاه اللّازم هو الامام السجاوندی وتبعه جماعة، منهم العلامة ابن الجزری والنکزاوی، وسمّاه جماعة بالوقف الأتم والآخرون بالوقف الواجب.» اولین فردی که آن را وقف لازم نامیده سجاوندی است و گروهی از جمله، ابن جزری و نکزاوی از وی تبعیت کرده اند؛ برخی آن را وقف اتم و بعضی وقف واجب نامیده اند.

در این که وقف لازم مترادف وقف تام باشد، محل اشکال است - چه رسد به اتم - و نیز باید بدانیم مقصود از وقف واجب، وجوب شرعی و فقهی نیست. ابن جزری در رابطه با

وقف لازم می نویسد: « من الاوقاف ما یتأكد استحبابه لبيان المعنی المقصود، وهو مال واصل

طرفاه لاوهم معنی غیر المراد وهذا هو الذی اصطلح علیه السجاوندی باللازم وعبر عنه بعضهم بالواجب و ليس معناه الواجب عند الفقهاء - يعاقب على تركه - كما توهمه بعض الناس.»

*برخی از وقف ها به جهت رساندن معنای مقصود ، مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است و این زمانی است که اگر به وصل خوانده شود افاده معنایی خلاف مراد متکلم را دارد و این همان چیزی است که سجاوندی آن را لازم نامیده است؛ برخی از آن تعبیر به واجب نموده اند و معنای آن، چنانچه که بعضی تصور کرده اند وجوب فقهی نیست که ترک آن عقاب داشته باشد.

*النشر ج ۱ ص ۲۳۲

محمد علی خلف الحسینی در تعریف وقف لازم چنین گفته است: «وهو ما قد یوهم خلاف المراد اذا وصل بما بعده» * وقف لازم وقفی است که اگر به وصل خوانده شود از آن معنایی خلاف مراد و مقصود متکلم برداشت می شود.

*الاضائه ص ۵۵

عبدالفتاح قاضی در تعریف وقف لازم می نویسد: «وهو الوقف علی کلام تام * لو وصل بما بعده لاوهم وصله معنی غیرالمعنی المراد» * وقف بر کلام تامی است که اگر به ما بعدش وصل گردد ، از آن معنایی بجز معنای اراده شده تصور می گردد.

*مقصود ایشان از وقف تام ، وقفی است که دارای معنای مفیدی باشد وگر نه این وقف معادل وقف تام نیست.

*احکام قرائة القرآن ص ۲۵۱

از مجموعه تعریف های بالا چنین نتیجه می گیریم که در وقف لازم عبارت اول دارای معنای مفیدی است و وجود تعلق معنوی در آن قطعی می باشد، به گونه ای که اگر به عبارت بعد از

خودش وصل شود موجب تغییر در معنا و مفهوم کلام گردیده و یا حد اقل سبب ابهام در کلام می گردد.

حکم وقف لازم

در وقف لازم تأکید فراوانی نسبت به وقف صورت گرفته است تا حدی که وصل

آن را قبیح و ناپسند شمرده شده و برابر آیین نامه مسابقات قرائت قرآن همانند وقف مغیر معنا، موجب کسر دو نمره می گردد. البته در مورد مصادیق وقف لازم اختلاف دیدگاه وجود دارد که به خواست خدا در جای خود بیان خواهد شد.

برخی از لزوم این وقف از واژه واجب استفاده کرده اند از جمله سخاوی در کتاب

خویش، وقف بر کلمه (قولهم) * را که از مواضع وقف لازم است، واجب شمرده و گفته که: «ان الوقف علی (قولهم) فی الآيتين واجب» * ابن هشام در پاسخ وی گفته: «والصواب انه لیس فی جمیع القرآن وقف واجب.» * در تمامی قرآن وقف واجب وجود ندارد.

البته واجب به معنای وجوب شرعی و فقهی نیست بلکه وجوب صناعی است که بر

رعایت آن تأکید فراوانی شده است ابن جزری می گوید: (ولیس فی القرآن من وقف

وجب) * در قرآن وقف واجب فقهی وجود ندارد که ترک آن مؤاخذه داشته باشد مگر آن که به قصد تحریف و تغییر معنا و به صورت عمد انجام شود.

* سوره یونس آیه ۶۵ و سوره یس آیه ۷۶

* جمال القراء وکمال الاقراء -

تحقیق د. علی البواب

* المغنی ج ۲ ص ۳۸۴

*النشر ج ۱ ص ۲۳۲

رابطه وقف لازم با سایر اقسام وقف:

برخی چنین پنداشته اند که وقف لازم معادل وقف تام وحتی اتمّ می باشد، در صورتی که این گونه نیست. زیرا اگر هیچ گونه تعلقی میان دو جمله قبل و بعد وجود نداشته باشد چگونه می تواند وصل آن موجب ایهام گردد.

باید بدانیم که وقف لازم در همه جا (تام) نیست چه رسد به (اتم)؛ بلکه این وقف گاهی (تام) بوده ولی بیشتر شامل وقف (کافی) می گردد. اگر بخواهیم رابطه میان وقف لازم را باوقف تام را از نظر علم منطق بیان کنیم، باید بگوییم رابطه میان آن ها عموم و خصوص من وجه است که دارای یک وجه اشتراک و دو وجه افتراق می باشد؛ توضیح اینکه بعضی از وقف ها، هم لازم است و هم تام مانند وقف بر: «الیس فی جهنم مثوی للکافرین (م) والذی جاء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون*» و نیز وقف بر: «وکذلک حقت کلمت ربک علی

بعضهم بالواجب . وقد يتأكد الوقف على الكافي لبيان معنى المقصود كما تقدم في التام . وقد

يتأكد الوقف الحسن لبيان معنى المقصود كما تقدم . « * ۲

۱* النشرح ص ۲۳۲

۲* نهاية القول المفيد (ص ۲۰۵ و ۲۰۹ و ۲۱۵)

برخی از قف لازم به (وقف بیان) تعبیر کرده اند که به وقف (بیان تام) و وقف (بیان کافی) ووقف (بیان حسن) تقسیم می شود.

در تعریف وقف بیان گفته اند : «هو ان يتبين معنى لا يفهم دونه» وقف بیان وقفی است که

مفهومی را آشکار می سازد که با وصل، این معنا روشن نمی گردد. * منار الهدی ص

مانند وقف بر: (لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه) وابتدای از (وتسبحوه بكرة

واصيلا) *سوره فتح آیه ۹ تا بدین وسیله معلوم شود که ضمیر در و توقروه به پیامبر اکرم

(ص) و ضمیر در و تسبحوه به خدای متعال باز می گردد.

متذکر می شویم که وقف بیان فراتر از وقف لازم بوده و مواردی را

شامل می گردد که از نظر اهمیت در حد لزوم وقف نباشد برخی آن را وقف مستحب نامیده اند

که در وصل آن حرجی نیست. «هو علامة الوقف المستحب فلا حرج ان وصل»

* به توضیح انتهای مصحف الحرمین مراجعه گردد.

مثال های دیگر:

اذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم مرض غرّ هؤلاء دينهم (وقف بیان) ومن يتوكل على الله فإن الله شديد العقاب (سوره انفال آیه ۴۹)

فانزل الله سكينته عليه (وقف بیان) وايدده بجنود لم تروها (سوره توبه آیه ۴۰)

وجعلنا في قلوب الذين اتبعوه رافة ورحمة (وقف بیان) ورهبانية ابتدعوها سوره حديد آیه ۲۷

وقف لازم از دیدگاه سجاوندی

سجاوندی وقف لازم را به دین گونه تعریف نموده است: « فاللازم من الوقف ما لو وصل طرفاه غیر المرام وشنع الکلام» وقف لازم آن است که اگر جمله قبل وبعد آن به یکدیگر وصل شود، مراد ومفهوم کلام را تغییر دهد وسخن خدای سبحان رادگرگون سازد. (علل الوقوف ج ۱ ص ۱۰۸)

مواضع وقف لازم از دید گاه سجاوندی ۸۹ مورد می باشد که ۵۴ موضع آن در وسط آیه و ۳۶ مورد دیگر در پایان آیات قرار دارد.

موارد شایع وقف لازم

در وقف لازم چنانچه به وصل خوانده شود تصوری گردد عبارت بعد :

۱- مقول قول ما قبل باشد مانند:

كذلك قال الذين كفروا من قبلهم مثل قولهم (م) تشابهت قلوبهم بقره/ ۱۱۸

ذالك بانهم قالوا انما البيع مثل الربوا(م) واحل الله البيع وحرم الربوا بقره/ ۲۷۵

قالوا لن نؤمن حتى نؤتى مثل ما اوتى رسل الله (م) الله اعلم حيث يجعل رسلته انعام/ ۱۲۴

ولا يحزنك قولهم (م) ان العزة لله جميعا يونس/ ۶۵

۲- صفت برای کلمه ما قبل باشد مانند :

وما هم بمؤمنين(م) يخادعون الله والذين آمنوا بقره/ ۸ و ۹

تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض (م) منهم من كلم الله بقره/ ۲۵۳

سبحانه ان يكون له ولد(م) له ما فى السموات وما فى الارض نساء/ ۱۷۱

المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض (م) يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف توبه/ ۶۷

المؤمنون والمؤمنات بعضهم من بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر توبه/ ۷۱

فأنشأنا لكم به جنات من نخيل واعناب (م) لكم فيها فواكه كثيرة مومنون / ۱۹

۳- ظرف برای ما قبل باشد مانند:

الذين هم فى خوض يلعبون (م) يوم يدعون الى نار جهنم دعا طور/ ۱۲ و ۱۳

فتولّ عنهم (م) يوم يدع الداع الى شىء نكر قمر/ ۶

انكم عائدون (م) يوم نبطش البطشة الكبرى دخان/ ۱۵ و ۱۶

ان المجرمين فى ضلال وسعر(م) يوم يسحبون فى النار على وجوههم قمر/ ۴۷ و ۴۸

فالمدبرت امرا (م) يوم ترجف الراجفة نازعات/ ۵ و ۶

۴- حال برای کلمه ماقبل باشد مانند:

اولئك لم يكونوا معجزين في الارض وماكان لهم من دون الله من اولياء(م) يضاعف لهم العذاب

هود/۲۰

لا يجليها لوقيتها الا هو(م) ثقلت في السموات والارض اعراف/۱۸۷

۵- عطف به عبارت ماقبل باشد مانند:

لعنه الله (م) وقال لأتخذنّ من عبادك نصيبا مفروضا نساء/۱۱۸

ولا يجرمنكم شنآن قوم ان صدوكم عن المسجدالحرام ان تعتدوا(م) وتعاونوا على البر

والتقوى مائده/۲

انما يستجيب الذين يسمعون(م)والموتى يبعثهم الله انعام/۳۶

فآمن له لوط(م) وقال انى مهاجرالى ربى عنكبوت/۲۶

۶- شرط متأخر به جمله قبل مربوط شود مانند:

ولبئس ما شروا به انفسهم(م) لوكانوا يعلمون بقره/۱۰۲

ولوانهم ءامنوا واتقوا المثوبة من عندالله خير(م) لوكانوا يعلمون بقره/۱۰۳

وان تصوموا خير لكم(م) ان كنتم تعلمون بقره/۱۸۴

قل نار جهنم اشدّ حرّاً(م) لوكانوا يعلمون توبه/۸۱

ان حسابهم الا على ربى(م) لو تشعرون شعراء/۱۱۳

ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر(م) لوكنتم تعلمون نوح/۲

۷- حرف جر متعلق به ما قبل باشد مانند:

ان الله شديد العقاب (م) للفقراء المهاجرين الذين اخرجوا من ديارهم واموالهم حشر/ ۷ و ۸

فمن شاء ذكره (م) في صحف مكرمة عبس/ ۱۲ و ۱۳

۸- عامل اذ فعل ما قبل باشد مانند:

الم تر الى الملا من بنى اسرائيل من بعد موسى (م) اذ قالوا لنبى لهم ابعت لنا ملكا بقره/ ۲۴۶

الم تر الى الذى حاج ابراهيم فى ربه ان ءاتيه الله الملك (م) اذ قال ابراهيم ربى الذى يحيى و

يميت بقره/ ۲۵۸

واتل عليهم نبأ بنى ءادم بالحق (م) اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الآخر

مائدة/ ۲۷

فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت (م) اذ نادى وهو مكظوم قلم/ ۴۸

هل اتىك حديث موسى (م) اذ ناديه ربه بالواد المقدس طوى نازعات/ ۱۴ و ۱۵

۱۰- اسم اشاره به عبارت قبل باز گردد مانند:

والذين هم على صلواتهم يحافظون (م) اولئك هم الوارثون مومنون/ ۹ و ۱۰

والذين هم على صلواتهم يحافظون (م) اولئك فى جنات مكرمون معارج/ ۳۴ و ۳۵

تعريف وقف لازم: سجاوندی وقف لازم را به دین گونه تعريف نموده است: « فاللازم من

الوقف ما لو وصل طرفاه غير المرام وشنع الكلام»* وقف لازم آن است كه اگر جمله قبل

وبعد آن به يكديگر وصل شود ، مراد ومفهوم كلام را تغيير دهد وسخن خدای سبحان

رادگرگون سازد.

*علل الوقوف ج ۱ ص ۱۰۸

وقف مطلق

وقف مطلق به وقفی گفته می شود که ابتدای از ما بعد آن ، نیکو باشد. بنابر این وقف مطلق مورد تأکید قرار گرفته ووقف بر آن ، پسندیده است.

وقف مطلق این گونه تعریف شده است: «ما یحسن الابتداء بما بعده» وقف مطلق وقفی است که ابتدای از مابعد آن، نیکو و پسندیده باشد.

درووقف مطلق جمله بعد با یکی از موارد زیر آغاز می شود:

- فعل مستأ نفه مانند : وقولوا حطة نغفر لکم خطایکم * و سنزید المحسنین
- مبتدا مانند: کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه * الله یجتبی الیه من یشاء
- فعل امر مانند: وجعلوا لله اندادا لیضلوا عن سبيله * قل تمتعوا فإن مصیرکم الی النار

ابراهیم / ۳۰

- فعل نهی؛ مانند، وقالت امرات فرعون قرت عین لی ولک * لا تقتلوه عسی ان ینفعنا او نتخذہ ولدا وهم لایشعرون

- نفی مانند: وربک یخلق ما یشاء ویختار * ماکان لهم الخیرة

- استفهام مانند: مانسوخ من آية اوننسا نأت بخير منها او مثلها * الم تعلم ان الله على كل شيء قدير
- شرط مانند: ام تريدون ان تسئلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل * ومن يتبدل الكفر بالايمن فقد ضل سواء السبيل.
- انّ مانند : فاعفوا واصفحوا حتى يأتي الله بأمره * انّ الله على كل شيء قدير.
- خبر مقدم؛ مانند : وقولوا انظرونا واسمعوا * وللكافرين عذاب اليم
- مفعول فعل محذوف مانند: خالدين فيها * وعد الله حقا.
- ألا استفتاحيه؛ مانند: وزلزلوا حتى يقول الرسول والذين آمنوا معه متى نصر الله * الا ان نصر الله قريب
- بئس؛ مانند: افتتخذونه وذريته اولياء من دوني وهم لكم عدو * بئس للظالمين بدلا
- نعم؛ مانند: ووهبنا لداوود سليمان * نعم العبد
- بل زمانی که برای اضراب انتقالی باشد؛ مانند: وقالوا اتخذ الله ولدا سبحانه * بل له ما في السموت والارض
- سين؛ مانند: لا يكلف الله نفسا ما اءاتاها * سيجعل الله بعد عسر يسرا
- سوف؛ مانند: فأغرينا بينهم العداوة والبغضاء الى يوم القيامة * وسوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون
- انتهای قول؛ مانند: وقالت اليهود والنصارى نحن ابناء الله واحبائه * قل فلم يعذبكم بذنوبكم

- انتهای استفهام؛ مانند: ایحب احدکم ان تكون له جنة من نخيل واعناب له فيها من كل الثمرت واصابه الکبر وله ذرّية ضعفاء فاصابها اعصار فيه نار فاحترقت *
- فاصله میان استفهام و خبر؛ مانند: افمن كان مؤمنا کمن كان فاسقا * لا يستوون
- عدول از خبر به انشاء؛ مانند: يتواری من القوم من سوء ما بشر به * ایمسکه علی هون ام یدسه فی التراب (نحل ۵۹)
- عدول از ماضی به مستقبل؛ مانند: یرشد فآمنا به * ولن نشرک بر بنا احدا
- عدول از استفهام به اخبار؛ مانند: ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم * مستهم البأساء والضراء
- عدول از انشاء به خبر
- درموارد زیر وقف ، مطلق نمی باشد:
- در صورتی که یکی از موارد یادشده:
- مقول قول ماقبل باشد؛ مانند: یقولون * هل الی مردّ من سبیل
- قال اراءیت هذالذی کرمت علیّ * لئن اخرتن الی یوم القيامة لأحتنکن ذریته الا قليلا (اسراء ۶۲)
- صفت ماقبل باشد؛ مانند: لم تعظون قوما * الله مهلكهم او معذبوهم عذابا شديدا
- جواب قسم باشد؛ مانند: ثمّ لم تکن فتنّهم الا ان قالوا والله ربنا * ماکنّا مشرکین
- جواب شرط باشد؛ مانند: واذاقیل لهم لا تفسدوا فی الارض * قالوا انما نحن مصلحون
- خبر باشد؛ مانند : والذین کذبوا بآياتنا * سنستدرجهم من حیث لا یعلمون.

در موارد زیر وقف مطلق می باشد.

عدول از اخبار به حکایت مانند: ولقد اخذ الله ميثاق بني اسرائيل * وبعثنا منهم اثني عشر

نقيبا

عدول از حکایت به اخبار مانند:

وبعثنا منهم اثني عشر نقيبا * وقال الله اني معكم

واورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض ومغاربها التي باركنا فيها * وتمت كلمت

ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا

عدول از ماضی به مستقبل مانند: فأما به * ولن نشرك بربنا احدا

عدول از استفهام به اخبار مانند:

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم * مستهم البأساء والضراء

ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها * اولئك ما كان لهم ان

يدخلوها الا خائفين

ومن يرغب عن ملة ابراهيم الا من سفه نفسه * ولقد اصطفيناه في الدنيا

قل هل ننبئكم بالاخسرين اعمالا * الذين ضل سعيهم في الحياة الدنيا

افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا * لا يستونون

قل فلم يعذبكم بذنوبكم * بل انتم بشر ممن خلق

قال يا قوم ارهطى اعز عليكم من الله * واتخذتموه وراءكم ظهريا (هود ۹۲) قل هل انبئكم بشر

من ذالك مثوبة عند الله * من لعنه الله قل هل انبئكم بشر من ذلكم * النار (حج ۷۲)

عدول از محاباة فرعون الی مناجاة الرب لما جاءتنا * ربنا افرغ علينا صبرا وتوفنا مسلمين
(اعراف ۱۲۶)

عدول از بیان الخطاب الی ذکر حال المخاطب بعد حذف
وان التی عصاک * فلما رءاها تهتز كأنها جانّ ولی مدبرا ولم یعقب
پیش از قول محذوف مانند: فإذا هی شاخصة ابصار الذین کفروا * یا ویلنا قد کنا فی غفلة
من هذا (انبیاء ۹۷)

وقف جایز

وقف جایز: وقفی است که در آن موجب وقف و وصل به دو اعتبار وجود داشته و هیچ یک
بردیگری ترجیح نداشته باشد مانند: وقف بر: یخادعون الله والذین ءامنوا بنابر آن که جمله
مابعد (وما یخدعون الا انفسهم وما یشعرون) «مستانفه» باشد ولی در صورتی که «حالیه»
باشد وقف بر آن جایز نمی باشد.

□ در صورتی که بر سر شرط واستفهام «فاء» بیاید وقف بر ما قبل آن، جایز است؛ مانند :

فمن کان منکم مریضا او علی سفر فعدة من ایام اخر

فهل انتم شاکرون

افا نتم له منکرون

موارد وقف جایز:

- احتمال استیناف یا حال وابتغاء تأویله * وما یعلم تأویله الا الله

- عدول از ماضی به مستقبل با واو عطف مانند: فَنسَوا حَظًّا مِمَّا ذَكَرُوا بِهِ * وَلَا يَزَالُ تَطَّلَعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ
- عطف دو جمله مختلف اسمیه به فعلیه یا بالعکس.
- تفصیل و تعدد حکم مانند:
- وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ * فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ * وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ * وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ.
- فَكَلَّا اخْتَدَا بُدْنَهُ * فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا * وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ * وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ * وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا
- مِثْلَ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ * فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ * وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ * وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ * وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى
- در جمله بعد ضمیری باشد که به عبارت قبل باز گردد.
- جملات مستأ نفه با وجود تعلق معنوی خاص
- فاء استیناف
- ترجیح استیناف بر عطف
- ترجیح استیناف بر حال
- استیناف در حیز قول
- تعلیل کلی

وقف مجوّز

وقف مجوز : وقفی است که بنا بر وجهی تجویز شده است ، ولی وصل آن اولویت دارد مانند:
وقف بر : «اولئك الذين اشتروا الحياة الدنيا بالآخرة» بقره/۸۶ زیرا جمله مابعد مستأنفه
است که به همراه فاء تعقیب وجزاء آمده است ؛ فاء تعقیب موجب وصل است ولی بنای فعل
بر استیناف مجوّزی برای وقف می-باشد. سجاوندی در این رابطه چنین آورده است:
«والمجوز لوجه كقوله: «اولئك الذين اشتروا الحياة الدنيا بالآخرة» لأنّ الفاء فی قوله
«فلا يخفف» لتعقیب يتضمن معنى الجواب والجزاء وذلك يوجب الوصل الا انّ نظم الفعل على
الاستئناف يُرى للفصل وجهًا» کتاب الوقف والابتداء ص ۱۱۱

○ موارد شایع وقف مجوّز

• ترجیح حال بر استیناف مانند:

فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة* اعدت للكافرين بقره/۲۳

وتخرجون فريقا منهم من ديارهم* تظاهرون عليهم بالاثم والعدوان بقره/۸۵

لانفرق بين احد منهم* ونحن له مسلمون بقره/۱۳۶

فانجيناه واهله الا امرأته* كانت من الغابرين نمل/۵۷

ولما رأوا المؤمنين الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله * وما زادهم الا

ايمانا وتسليما احزاب/ ٢٢

وسخر الشمس والقمر * كل يجري لأجل مسمى فاطر/ ١٣

* ترجيح عطف بر استيناف مانند: اولئك الذين حبطت اعمالهم في الدنيا والآخرة * وما لهم من

ناصرين آل عمران/ ٢٢ لهم فيها ازواج مطهرة

* وندخلهم ظلا ظليلا نساء/ ٥٧

فاما الذين كفروا فأعذبهم عذابا شديدا في الدنيا والآخرة * وما لهم من ناصرين آل

عمران/ ٥٦

اتحاد قائل بدون عطف مانند:

فوكزه موسى ففضى عليه * قال هذا من عمل الشيطان

قصص/ ١٥

وجاء رجل من اقصى المدينة يسعى * قال ان الملائمة يأترون بك ليقتلوك

قصص/ ٢٠

فخرج منها خائفا يترقب * قال رب نجني من القوم الظالمين

قصص/ ٢١

وجاءته احديها تمشي على استحياء * قالت ان ابى يدعوك ليجزيك اجر ما سقيت لنا

قصص/ ٢٥

• اتحاد قائل همراه با تعلیل مانند:

قال يا ابت استأجره * انَّ خير من استأجرت القوى الامين

قصص/ ۲۶

واخي هارون هو افصح مني لسانا فأرسله معي ردءا يصدقني * اني اخاف ان يكذبون قصص /

۳۴

• استيناف تعليله مانند: اهلکناهم * انهم کانوا مجرمين

دخان /

۳۷

• فا. فصیحت مانند: وقالت لاخته قصيه * فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون

قصص/ ۱۱

• استيناف همراه با فاء تعقيب مانند: فلما جائهم ما عرفوا كفروا به * فلعنة الله على

الكافرين

بقره/ ۸۹

ولقد صرفناه بينهم ليزكروا * فأبى اكثر الناس الاكفورا

فرقان/ ۵۰

فلما جاء سليمان قال اتمدونن بمال * فما آتاني الله خير مما آتيتكم

نمل/ ۳۶

ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو * فأنى تؤفكون

غافر /

۶۲

فإن الله يضل من يشاء ويهدي من يشاء * فلا تذهب نفسك عليهم حسرات

فاطر/ ۸

الا من تاب وآمن وعمل صالحا * فأولئك لهم جزاء الضعف بما عملوا

سبا/ ۳۷

• دخول فاء بر مبتداءً مانند: ولقد مكناكم فيما ان مكناكم فيه وجعلنا لكم سمعا
وابصارا و افئدة * فما اغنى عنهم سمعهم ولا ابصارهم ولا افئدتهم من شيء اذ كانوا يجحدون
بآيات الله احقاف/ ٢٤

• مصدر فعل محذوف يامفعول له مانند: فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين * توبة من
الله مائده/ ٩٢

• مصدر فعل محذوف يا مفعول له مانند: اما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فلهم جنات
المأوى * نزلا بما كانوا يعملون سجده/ ١٩

• انقطاع نظم با عطف يا بدون آن مانند: قالت امرأت العزيز الآن حصحص الحق *
انا راودته عن نفسه وانه لمن الصادقين يوسف/ ٥١
فلما جاوزا قال لفتيه آتنا غدائنا * لقد لقينا من سفرنا هذا نصبا كهف/ ٦٢

• انقطاع نظم واتصال معنى وادعوا ربى * عسى ان لاكون بدعاء ربى شقيا مريم/ ٤٨
• انقطاع نظم به جهت تقديم مفعول مانند: تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم
خوفا وطمعا * ومما رزقناهم ينفقون سجده/ ١٦

• كلمه اذن مانند: حتى يخوضوا فى حديث غيره * انكم اذا مثلهم نساء/ ١٤٠
فيقسمان بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا * انا اذا لمن الآثمين
مائده/ ١٠٧

• عدول از اثبات به نفي واتحاد قائل مانند: وبرا بوالدتى * ولم يجعلنى جبارا شقيا
مريم/ ٣٢

• عطف دو جمله متفق، به یکدیگر مانند: قل فيهما اثم كبير ومنافع للناس * واثمهما اكبر

من نفعهما بقره/۲۱۹

ولا تتخذوا آيات الله هزوا * واذكروا نعمت الله عليكم بقره/۲۳۱

وطعامكم حل لهم * والمحصنات من المؤمنات مائده/۵

قال ربي يعلم القول في السماء والارض * وهو السميع العليم انبياء/۴

واولئك لهم الخيرات * واولئك هم المفلحون توبه/۸۸

تبارك الذي بيده الملك * وهو على كل شيء قدير ملك/۱

• عطف دو جمله مختلف با تأکید بر جمله دوم یا شدت اتصال واتحاد مقصود مانند:

ومن يكفر بالايمان فقد حبط عمله * وهو في الآخرة من الخاسرين مائده/۵

وما هم بخارجين منها * ولهم عذاب مقيم مائده/۳۷

لا تدركه الابصار * وهو يدرك الابصار انعام/۱۰۳

مالهم من دونه من ولي * ولا يشرك في حكمه احدا كهف/۲۶

وقال الذين اتوا العلم والايمان لقد لبثتم في كتاب الله الى يوم البعث * فهذا يوم البعث ولكنكم

كنتم لا تعلمون روم/۵۶

لا يسأم الانسان من دعاء الخير * وان مسه الشر فيؤس قنوط فصلت/۴۹

قال انما العلم عند الله * وابلغكم ما ارسلت به ولكنى اريكم قوما تجهلون احقاف/۲۳

• فاصله میان ذکر حال ومآل مانند:

ولله ملك السموات والارض وما بينهما * واليه المصير آل عمران/۱۸

• فاصله میان دنیا و آخرت مانند:

یا قوم انما هذه الحیوة الدنیا متاع * وان الآخرة هی دارالقرار غافر/۳۹

• جمله حالیه یا مستأنفه ومن احسن من الله صبغة * و نحن له عابدون بقره/۱۳۸

وقف مرخص

وقف مرخص : وقف بر عبارت مفهومی است که به جهت طولانی بودن جمله، وقف بر آن وابتدای از مابعدش رخصت داده شده است؛ مانند وقف بر : (الذی جعل لکم الارض فراشا والسماء بناء) و ابتدای از (وانزل من السماء ماء) که هر دو جمله هرچند به یکدیگر عطف شده اند ولی هرکدام به تنهایی دارای مفهوم است.

سجاوندی وقف مرخص را چنین تعریف نموده است: «والمرخص ضرورة مالا يستغنی مابعدہ عما قبله لکنه یرخص الوقف ضرورة انقطاع النفس لطول الکلام ولا یلزمه الوصل بالعود لأن مابعدہ جملة مفهومة» وقف مرخص ضروری وقفی است که عبارت مابعد از جمله ماقبل خویش بی نیاز نبوده ولی وقف بر آن به جهت انقطاع نفس وطول کلام رخصت داده شده است و باز گشت به عبارت قبل لزومی نداشته زیرا جمله مابعد، فی نفسه دارای مفهوم است.

مثال های دیگر برای وقف مرخص:

اولئک الذین اشتروا الضلالة بالهدی * فما ربحت تجارتهم وماکانوا مهتدین بقره/۱۶

الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه * ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون فى الارض

بقره/٢٦

فأزلهما الشيطان عنها فأخرجهما مما كانا فيه * وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو بقره/٣٦

وآمنوا بما انزلت مصدقا لما معكم ولا تكونوا اول كافر به * ولا تشتروا بآياتى ثمنا قليلا

بقره/٤١

وما انزل الله من السماء من ماء فأحيا به الارض بعد موتها وبث فيها من كل دابة * وتصريف

الرياح والسحاب المسخر بين السماء والارض لآيات لقوم يعقلون بقره/١٦٤

فالآن باشروهن وابتغوا ما كتب الله لكم * وكلوا واشربوا حتى يتبين لكم الخيط الابيض من

الخيط الاسود من الفجر بقره/١٨٧

وأتوا البيوت من ابوابها * واتقوا الله لعلكم تفلحون بقره/١٨٩

فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم * واتقوا الله بقره/١٩٤

فإذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المسجد الحرام * واذكروه كما هديكم بقره/١٩٨

ولهن مثل الذى عليهن بالمعروف * وللرجال عليهن درجة بقره/٢٢٨

وإذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فأمسكوهن بمعروف او سرحوهن بمعروف * ولا تمسكوهن

ضرارا لتعتدوا بقره/٢٣١

الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم الوف حذر الموت * فقال لهم الله موتوا ثم احياهم

بقره/٢٤٣

يا ايها الذين آمنوا انفقوا من طيبات ما كسبتم ومما اخرجنا لكم من الارض * ولا تيمموا
الخبث منه تنفقون ولستم بأخذيه الا ان تغمضوا فيه بقره/٢٦٧

وما كنت لديهم اذ يلقون اقلامهم ايهم يكفل مريم * وما كنت لديهم اذ يختصمون
آل عمران/٤٤

ولا يكلمهم الله ولا ينظر اليهم يوم القيامة ولا يزيكهم * ولهم عذاب اليم
آل عمران/٧٧

والذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم * ومن يغفر الذنوب الا
الله * ولم يصروا على ما فعلوا وهم يعلمون آل عمران/١٣٥

ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك * فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم فى الامر
آل عمران/١٥٩

وآتوا اليتامى اموالهم ولا تبدلوا الخبيث بالطيب * ولا تأكلوا اموالهم الى اموالكم
نساء/٢

وليخش الذين لو تركوا من خلفهم ذرية ضعافا خافوا عليهم * فليتقوا الله وليقولوا قولاً سديداً
نساء/٩

ومن يعص الله ورسوله ويتعد حدوده يدخله ناراً خالداً فيها * وله عذاب مهين نساء/١٤
وتعاونوا على البر والتقوى * ولا تعاونوا على الاثم والعدوان مائده/٢

اليوم احل لكم الطيبات وطعام الذين اتوا الكتاب حل لكم وطعامكم حل لهم * والمحصنات
من المؤمنات والمحصنات من الذين اتوا الكتاب من قبلكم اذا آتيتموهن اجورهن مائده/٥

ومن الذين قالوا انا نصارى اخذنا ميثاقهم فنسواحظا مما ذكروا به * فأغرينا بينهم العداوة
والبغضاء الى يوم القيامة مائده/١٤

وقفينا بعيسى ابن مريم مصدقا لما بين يديه من التوراة * وآتيناه الانجيل فيه هدى ونور
مائده /٤٦

وكلوا مما رزقكم الله حلالا طيبا * واتقوا الله الذى انتم به مؤمنون مائده/٨٨
قل اندعوا من دون الله مالا ينفعنا ولا يضرنا ونرد على اعقابنا بعد اذ هدانا الله كالذى استهوته

الشياطين فى الارض حيران * له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا انعام/٧١

واذكروا اذ كنتم قليلا فكثركم * وانظروا كيف كان عاقبة المندرين الاعراف/٨٦

قل يا ايها الناس انى رسول الله عليكم جميعا الذى له ملك السموات والارض لا اله الا هو
يحيى و يميت * فآمنوا بالله ورسوله النبى الامى الذى يؤمن بالله و كلماته واتبعوه لعلكم

تهتدون اعراف/١٥٨

قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله واصلحوا ذات بينكم * واطيعوا الله و رسوله ان كنتم مؤمنين
انفال/١

فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم * وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى انفال/١٧

ولا على الذين اذا ما اتوك لتحملهم قلت لا اجد ما احملكم عليه * تولوا واعينهم تفيض من
الدمع حزنا الا يجدوا ما ينفقون توبه/٩٢

ديد گاه ابن جزرى:

ابن جزری در مورد وقف مرخص سجاوندی چنین اظهار نظر نموده است: «یغتفر فی طول الفواصل والقصص والجمل المعترضه ونحو ذلك ما لا یغتفر فی غیر ذلك فریما اجیز الوقف والابتداء لبعض ما ذکر ولو کان لغیر ذلك لم یبیح وهذا الذی یرسمیه السجاوندی المرخص ضرورة ومثله بقوله تعالی والسما بناء والاحسن تمثیله بنحو قبل المشرق والمغرب وبنحو والنبیین وبنحو واقام الصلوة وآتی الزکوة وبنحو عاهدوا»

وقف وابتدا در جملات و عبارات طولانی وداستان ها و جمله های معترضه و غیر آن ، قابل گذشت است به گونه ای که در سایر موارد قابل اغماض نیست. واین همان چیزی است که سجاوندی آن را وقف مرخص ضروری نامیده و به عبارت (والسما بناء) مثال زده است ؛ ولی بهتر است به (قبل المشرق والمغرب) و(النبیین) و(اقام الصلوة وآتی الزکوة) و(عاهدوا) مثال زده شود. سوره بقره/۱۷۷

مواضع پیشنهادی از وقف مرخص:

با الهام از تعریف وقف مرخص توسط سجاوندی و توضیح و تکمیل آن توسط ابن جزری در موارد زیر به جهت طولانی بودن جمله وقف مرخص پیشنهاد می شود.

ولما جائهم کتاب من عند الله مصدق لما معهم و كانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا *

فلما جائهم ما عرفوا کفروا به بقره/۸۹

قولوا آمنا بالله و ما نزل الینا و ما نزل الی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط *

ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیین من ربهم بقره/۱۳۶

ايود احدكم ان تكون له جنة من نخيل واعناب تجرى من تحتها الانهار * له فيها من كل
الثمرات و اصابه الكبر وله ذرية ضعفاء * فأصابها اعصار فيه نار فاحترقت
بقره/٢٦٦

ورسولا الى بنى اسرائيل انى قد جئتكم بآية من ربكم * انى اخلق لكم من الطين كهيئة الطير
ياذنى فأنفخ فيه فتكون طيرا ياذن الله
آل عمران/٤٧

قل آمنا بالله و ماانزل علينا و ماانزل على ابراهيم و اسمعيل و اسحق و يعقوب و الاسباط *
و ما اوتى موسى و عيسى و النبيون من ربهم
آل عمران/٨٤

لا تحسبن الذين يفرحون بما اتوا و يحبون اى يحمدوا بما لم يفعلوا * فلا تحسبنهم بمفازة من
العذاب آل عمران/١٨٨

حرمت عليكم امهاتكم و بناتكم و اخواتكم و عماتكم و بنات الاخ و بنات الاخت * و امهاتكم
الآتى ارضعنكم و اخواتكم من الرضاعة * و امهات نساءكم و ربائبكم الآتى فى حجوركم
من نساءكم الآتى دخلتم بهن * فإن لم تكونوا دخلتم بهن فلا جناح عليكم * و حلائل
ابناءكم الذين من اصلابكم و ان تجمعوا بين الاختين الا ما قدسلف
نساء/٢٣

قل انما حرم ربي الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الاثم و البغى بغير الحق * و ان تشركوا بالله
ما لم ينزل به سلطانا و ان تقولوا على الله ما لاتعلمون
اعراف/٣٣

ان ربكم الله الذى خلق السموات و الارض فى ستة ايام ثم استوى على العرش يغشى الليل
النهار يطلبه حثيثا * و الشمس و القمر و النجوم مسخرات بأمره
اعراف/٥٤

سأصرف عن آياتي الذين يتكبرون فى الارض بغير الحق * وان يروا كل آيه لا يؤمنوا بها
اعراف/ ١٤٤ واذكر ربك فى نفسك تضرعا وخيفة ودون الجهر من القول بالغدو والآصال *
ولاتكن من الغافلين اعراف/ ١٠٥

واذ يعدكم الله احدى الطائفتين انها لكم وتودون ان غير ذات الشوكة تكون لكم * ويريد الله ان
يحق الحق بكلماته ويقطع دابر الكافرين انفال/ ٧

ذلك بأن الله لم يك مغيرا نعمة انعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم * وان الله سميع عليم
انفال/ ٥٣

قل ارايتم ما انزل الله لكم من رزق فجعلتم منه حراما و حلالا * قل الله اذن لكم ام على الله
تفترون يونس/ ٥٩ وقال موسى ربنا انك آتيت فرعون وملأه زينة واموالا فى الحياة الدنيا
* ربنا ليضلوا عن سبيلك يونس/ ٨٨ نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك
هذا القرآن * وان كنت من قبله لمن الغافلين يوسف/ ٣

يوسف ايها الصديق افتنا فى سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف وسبع سنبلات خضر و اخر
يابسات * لعلى ارجع الى الناس لعلهم يعلمون يوسف/ ٤٤

ربنا انى اسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع عند بيتك المحرم * ربنا ليقيموا الصلوة
ابراهيم/ ٣٧

ثم ان ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا * ان ربك من بعدها لغفور
رحيم نحل/ ١١٠

ثم ان ربك للذين عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا * ان ربك من بعدها
لغفور رحيم نحل/ ١١٩

يوم ترونها تذهل كل مرضعة عما ارضعت وتضع كل ذات حمل حملها * وترى الناس سكارى
وما هم بسكارى ولكن عذاب الله شديد حج/ ٢

فأوحينا اليه ان اصنع الفلك بأعيننا ووحينا * فإذا جاء امرنا وفار التنور فاسلك فيها من كل
زوجين اثنين واهلك الا من سبق عليه القول منهم مؤمنون/ ٢٧

افمن وعدناه وعدا حسنا فهو لاقيه كمن متعناه متاع الحياة الدنيا * ثم هو يوم القيامة من
المحضرين قصص/ ٦١

شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا وابراهيم وما اوحينا اليك وصينا به موسى وعيسى * ان
اقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه شورى/ ١٣

قد كان لكم اسوة فى ابراهيم والذين معه اذ قالوا لقومهم انا براءؤ منكم ومما تعبدون من دون
الله كفرنا بكم وبدا بيننا وبينكم العداوة والبغضاء ابدأ حتى تؤمنوا بالله وحده * الا قول ابراهيم
لأبيه لأستغفرن لك وما املك لك من الله من شىء ممتحنه/ ٤

وما امروا الا ليعبدوا الله مخلصين له الدين حنفاء * ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة
بينه/ ٥

وقف ممنوع:

وقف ممنوع : وقف بر عبارتی است که مفهومی نداشته باشد که سکوت بر آن صحیح باشد
مانند وقف بر:

واذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض بقره/ ۱۱

واذا خلوا الى شياطينهم بقره/ ۱۴

كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا بقره/ ۲۵

فلما انبئهم بأسمائهم بقره/ ۳۳

الذين اذا اصابتهم مصيبة بقره/ ۱۵۶

ولو يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب بقره/ ۱۶۵

فلما فصل طالوت بالجنود بقره/ ۲۴۹

قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله بقره/ ۲۴۹

اذ قال ابراهيم ربي الذي يحيى ويميت بقره/ ۲۵۸

فنادته الملكة وهو قائم يصلى في المحراب آل عمران/ ۳۹

اولما اصابتم مصيبة قد اصبتم مثلها آل عمران/ ۱۶۵

يا بني آدم اما يأتينكم رسل منكم يقصون عليكم آياتي اعراف/ ۳۵

واذ قالت امة منهم لم تعظون قوما الله مهلكهم او معذبهم عذابا شديدا اعراف/ ۱۶۴

يا ايها النبي قل لمن في ايديكم من الاسرى انفال/ ۷۰

والسابقون الاولون من المهاجرين والانصار والذين اتبعوهم باحسان توبه/ ۱۰۰

واذا تتلى عليهم آياتنا بينات يونس/ ۱۵

وظنوا انهم احيط بهم يونس/ ٢٢

وظن اهلها انهم قادرون عليها يونس/ ٢٤

حتى اذا جاء امرنا وفار التنور هود/ ٤٠

والذين ينقضون عهد الله من ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون فى الارض

رعد/ ٣٥

واذا بدلنا آية مكان آية نحل / ٩٦

وجد عندها قوما لا يكادون يفقهون قولا كهف/ ٩٣

فى بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه نور/ ٣٦

حتى اذا اتوا على واد النمل نمل/ ١٨

فاستغاثه الذى من شيعته على الذى من عدوه قصص/ ١٥

فلما جائه وقص عليه القصص قصص/ ٢٥

ولما رأى المؤمنون الاحزاب احزاب/ ٢٢

ان الذين يجادلون فى آيات الله بغير سلطان اتيتهم غافر/ ٥٦

والذين آمنوا وعملوا الصالحات وآمنوا بما نزل على محمد وهو الحق من ربهم

محمد/ ٢

فاذا انزلت سورة وذكر فيها القتال محمد/ ٢٠

من بعد ما تبين لهم الهدى محمد/ ٢٥

سجاوندی در باره وقف ممنوع چنین می نگارد: «واما ما لایجوز الوقف علیه ففی مواجبه ونظائرہ کثرة ومالابد من ذکره ان لایوقف بین الشرط وجزائه مقدا کان الجزء او مؤخرا ولا بین المبدل وبدله ولا بین المبتدأ وخبره ولا بین المنعوت ونعته ولا بین المنسوق علیه ومنسوقه ولا بین عامل ومعموله ولا بین المستثنی والمستثنی منه ومما یعنی به ان لایعتد بالمعترض حائلا وان طال واهم هذا الفصل التحرز التحرز عن الوقف علی ما یقبح الابتداء بما بعده ولو تم»
 موارد وقف ممنوع از دیدگاه سجاوندی:

وقف میان فعل و فاعل مانند:

ولو ترى اذ يتوفى الذين كفروا * الملكة يضربون وجوههم وادبارهم انفال/ ۵۰

یسبح له فیها بالغدو والآصال * رجال لا تلهیهم تجارہ نور/ ۳۶

كذلك يوحى اليك والى الذين من قبلك * الله العزيز الحكيم شوری/ ۳

وقف میان فعل ومفعول به مانند:

الا امرأته قدرنا * انها لمن الغابرين حجر/ ۶۰

بل اكثرهم لا يعلمون * الحق فهم معرضون انبياء/ ۲۴

ارایت الذی ینهی * عبدا اذا صلی علق/ ۱۴

وقف میان اسم وخبر حروف مشبیه بالفعل مانند:

ان الذین یکتبون ما نزلنا من البینات والهدی من بعد ما بیناه للناس فی الکتاب * اولئک یلعنهم

الله ویلعنهم اللاعنون بقره/ ۱۵۹

ثم ان ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا وصبروا * ان ربك من بعدها لغفور
رحيم نحل/ ١١٠

ثم ان ربك للذين عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا * ان ربك من بعدها
لغفور رحيم نحل/ ١١٩

ان الذين سبقت لهم منا الحسنى * اولئك عنها مبعدون انبياء/ ١٠١
ان الذين ارتدوا على ادبارهم من بعد ما تبين لهم الهدى * الشيطان سول لهم واملى لهم
محمد/ ٢٥

وقف ميان اسم وخبر افعال ناقصه مانند:

لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين * منفكين حتى تأتيهم البينة
بينه/ ١

وقف ميان شرط وجزا مانند:

واذا قيل لهم لا تفسدوا في الارض * قالوا انما نحن مصلحون بقره/ ١١
فمن اضطر في مخمسه غير متجانف لاثم * فان الله غفور رحيم مائده/ ٣
وقال موسى ان تكفروا انتم ومن في الارض جميعا * فان الله لغني حميد ابراهيم/ ٨
حتى اذ لقيا غلاما فقتله * قال اقتلت نفسا زكية بغير نفس لقد جئت شيئا نكرا
كهف/ ٧٤

ولما جاءت رسلنا ابراهيم بالبشرى * قالوا انا مهلكوا اهل هذه القرية
وقف ميان شرط متأخر وجزا مانند:

قد فترينا على الله كذبا * ان عدنا فى ملتكم اعراف/ ٨٩

وقف ميان فعل ومفعول فيه مانند:

وانبئكم بما تأكلون وما تدخرون * فى بيوتكم آل عمران/ ٤٧

وقف ميان مبتدا وخبر مانند :

الذين ينفقون اموالهم فى سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا منا ولا اذى * لهم اجرهم عند ربهم

بقره/ ٢٤٣

فالذين آمنوا به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذى انزل معه * اولئك هم المفلحون

اعراف/ ١٥٧

الذين آمنوا وهاجروا وجاهروا فى سبيل الله بأموالهم وانفسهم * اعظم درجة عند الله توبه/ ٢٠

والذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها فى سبيل الله * فبشرهم بعذاب اليم

توبه/ ٣٤

والذين آمنوا وعملوا الصالحات وآمنوا بما نزل على محمد وهو الحق من ربهم * كفر عنهم

سيئاتهم واصلح بالهم محمد/ ٢

وقف ميان فعل طلب وجواب آن مانند:

وانذر الناس يوم يأتهم العذاب فيقول الذين ظلموا ربنا اخرنا الى اجل قريب * نجب دعوتك

وتتبع الرسل ابراهيم/ ٤٤

وقف ميان قسم وجواب قسم مانند:

يس/ ٢ و ٣ و ٤

والقرآن الحكيم * انك لمن المرسلين على صراط مستقيم

وقف میان قول و مقول آن مانند:

قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله * كم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله بقره/ ٢٤٩

و اذا تتلى عليهم آياتنا بينات قال الذين كفروا للذين آمنوا * اى الفريقين خير مقاما واحسن

نديا مريم/ ٧٣

وقال الملا من قومه الذين كفروا وكذبوا بقاء الآخرة و اترفناهم فى الحياة الدنيا * ما هذا الا

بشر مثلکم يأكل مما تأكلون منه ويشرب مما تشربون مؤمنون/ ٣٣

وليقول الذين فى قلوبهم مرض والكافرون * ماذا اراد الله بهذا مثلا مدثر/ ٣١

وقف میان اجزاء مقول قول (حيز قول) مانند:

ولو انهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله وقالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله ورسوله * انا الى الله

راغبون توبه/ ٥٩

ولولا اذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله * لا قوة الا بالله كهف/ ٣٩

قال الذين يريدون الحياة الدنيا ياليت لنا مثل ما اوتى قارون * انه لذو حظ عظيم

قصص/ ٧٩

وقف میان اجزاء صله مانند:

هل يستوى هو ومن يأمر بالعدل * وهو على صراط مستقيم نحل/ ٧٦

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين * ولا يزيد الظالمين الا خسارا

اسراء/ ٨٢

وقف میان علت و معلل مانند:

وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره * لئلا يكون للناس عليكم حجة بقره/ ١٥٠

ربنا انى اسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع عند بيتك المحرم * ربنا ليقيموا الصلوة

ابراهيم/ ٣٧

وقف ميان حال و ذوالحال مانند:

ولما جائهم كتاب من عند الله مصدق لما معهم * وكانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا

بقره/ ٨٩

وقالت النصارى ليست اليهود على شىء * وهم يتلون الكتاب بقره/ ١١٣

الله ولى الذين آمنوا * يخرجهم من الظلمات الى النور بقره/ ١٥٧

ومن الناس من يعجبك قوله فى الحيوة الدنيا ويشهد الله على ما فى قلبه * وهو الد الخصام

بقره/ ٢٠٤

ولقد اهلكننا القرون من قبلكم لما ظلموا * وجاءتهم رسلنا بالبينات وما كانوا ليؤمنوا

يونس/ ١٣

وقف ميان مستثنى و مستثنى منه مانند:

يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يشفعون * الا لمن ارتضى وهم من خشيته مشفقون انبياء/ ٢٨

وقف ميان معطوف و معطوف عليه مانند:

انا ارسلناك بالحق بشيرا ونذيرا * ولا تسئل عن اصحاب الجحيم بقره/ ١١٩

كدأب آل فرعون * والذين من قبلهم آل عمران/ ١١

شهد الله انه لا اله الا هو * والملئكة واولوالعلم قائما بالقسط (عطف مفرد) آل عمران/ ١٨

فاليوم نساھم كم نسوا لقاء يومهم هذا * وماكانوا بآياتنا يجحدون اعراف/ ٥١

واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله برىء من المشركين * ورسوله

توبه/ ٣

والذين كسبوا السيئات جزاء سيئة بمثلها لا وترهقهم ذلة يونس/ ٢٧

ياايها الناس قدجاءتكم موعظة من ربكم وشفاء لما فى الصدور * وهدى ورحمة للمؤمنين

يونس/ ٥٧

وامراته قائمة فضحكت فبشرناها باسحق * ومن وراء اسحق يعقوب هود/ ٧١

ولاتركوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار * ومالكم من دون الله من اولياء ثم لاتنصرون

هود/ ١١٣

ام امنتم ان يعيدكم فيه تارة اخرى فيرسل عليكم قاصفا من الريح فيغرقكم بما كفرتم * ثم

لا تجدوا لكم به علينا تبعا اسراء/ ٦٩

ومن الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم * ويتخذها هزوا

لقمان/ ٦

وليس عليكم جناح فيما اخطأتم * ولكن ماتعمدت قلوبكم احزاب/ ٥

وقف ميان صفت وموصوف مانند:

واذ قالت امة منهم لم تعظون قوما * الله مهلكهم او معذبهم عذابا شديدا

اعراف/ ١٦٤

حتى اذا بلغ بين السدين وجد من دونهما قوما * لايكادون يفقهون قولا كهف/ ٩٣

وقف میان صفات متعدد مانند:

قال انها يقول انها بقرة صفراء * فاقع لونها بقره/٦٩

ايود احدكم ان تكون له جنة من نخيل واعناب تجرى من تحتها الانهار * له فيها من كل

الثمرات بقره/٢٦٦

وقف میان مبدل منه وبدل مانند:

اهدنا الصراط المستقيم * صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب عليهم * ولا الضالين

فاتحه/٧٥٦

وقف میان عطف بيان ومتعلق آن مانند:

اتدعون بعلا وتذرون احسن الخالقين * الله ربكم ورب آبائكم الاولين صافات/١٢٥ و١٢٦

وقف میان ظرف ومتعلق آن مانند:

لقد نصركم الله في مواطن كثيرة ويوم حنين * اذ اعجبتكم كثيرتم توبه/٢٥

وقف میان جار ومجرور ومتعلق آن مانند:

كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون * في الدنيا والآخرة بقره/٢١٩ و٢٢٠

يا ايها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم باليمن والاذى * كالذى ينفق ماله رئاء الناس ولا يؤمن

بالله واليوم الآخر بقره/٢٦٤

ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم * في الدنيا والآخرة

نور/١٩

وقف میان تفسیر و مفسر مانند:

فنادته الملكة وهو قائم يصلى فى المحراب * ان الله يبشرك بيحيى آل عمران/ ۳۹

وقف میان عامل و معمول مانند:

اذ قال له ربه اسلم * قال اسلمت لرب العالمين بقره/ ۱۲۸

نکات مهم:

• گاهی نشانه وقف ممنوع در پایان عبارت مفهومی می آید که ابتدا از مابعد آن جایز

نیست مانند وقف بر:

قل اتخذتم عند الله عهدا فلن يخلف الله عهده * ام تقولون على الله ما لا تعلمون

• گاهی نشانه وقف ممنوع پیش از فاء تعقیب و یا جزاء آمده است .

فاء تعقیب مانند: اجيب دعوة الداع اذا دعان * فليستجيبوا لى وليؤمنوا بى لعلمهم يرشدون

بقره/ ۱۸۶

تلك حدود الله * فلا تعتدوها بقره/ ۲۲۹

حتى اذا استيأس الرسل وظنوا انهم قد كذبوا جاءهم نصرنا * فنجى من نشاء يوسف/ ۱۱۰

فاء جزاء مثل: فى قلوبهم مرض * ا فزادهم الله مرضا بقره/ ۱۰

• وقف بر نشانه لا در موارد زیر مغیر معناست:

اذ تأتيتهم حيتانهم يوم سبتهم شرعا ويوم لايسبتون * لا تأتيتهم اعراف/ ۱۶۳

وما يشعرون * ايان يبعثون نحل ۵۵

ابتدا از عبارت بعد از نشانه لا در موارد زیر قبیح و گاهی کفر آمیز است:

ولئن اتبعت اهوائهم بعد الذی جاءک من العلم * مالک من الله من ولی ولا نصیر بقره/ ۱۲۰

ولئن اتبعت اهواءهم من بعد ماجاءک من العلم * انک اذا لمن الظالمین بقره/ ۱۴۵

ولئن اتبعت اهواءهم من بعد ماجاءک من العلم * مالک من الله من ولی ولا واق رعد/ ۳۷

واذا تتلی علیهم آیاتنا قالوا قد سمعنا لونها مثل هذا * ان هذا الا اساطیر الاولین

انفال / ۳۱

لقد وعدنا نحن وآباؤنا من قبل * ان هذا الا اساطیر الاولین نمل/ ۶۸

• مواردی از وقف کافی که از نظر سجاوندی وقف بر آن ممنوع بوده و نشانه لا آورده است:

قالوا اتخذ الله ولدا * سبحانه بقره ۱۱۶

انا ارسلناک بالحق بشیرا ونذیرا * ولاتسئل عن اصحاب الجحیم بقره/ ۱۱۹

ان اجرى الا على الله * وامرت ان اکون من المسلمین یونس/ ۷۲

قال معاذ الله ان نأخذ الا من وجدنا متاعنا عنده * انا اذا لظالمون یوسف/ ۷۹

قل هل یستوی الاعمی والبصیر * ام هل تستوی الظلمات والنور رعد/ ۱۶

وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر * انا اعتدنا للظالمین نارا احاط بهم

سرادقها کهف/ ۲۹

کلنا الجنةین آتت اکلها ولم تظلم منه شیئا * وفجرنا خلالهما نهرا کهف/ ۳۳

قل من يرزقكم من السماء والارض قل الله * وانا او اياكم لعلی هدی او فی ضلال
مبین سبأ/ ۲۴

رزقا للعباد * واحيينا به بلدة ميتا ق/ ۱۱

نشانه «لا» در انتهای آیات

سجاوندی در انتهای آیاتی که تعلق لفظی وادبی با مابعد خود دارند نشانه «لا» قرار داده است و مفهوم آن در این گونه آیات اولویت وصل می باشد هر چند وقف بر پایان آیات صحیح است . فایده دیگر نشانه «لا» در این گونه موارد ، سزاوار نبودن قطع تلاوت در این مواضع و مهم تر عدم جواز آغاز قرائت از آیه بعد می باشد مانند:

وانها لكبيرة الا على الخاشعين * الذين يظنون انهم ملاقوا ربهم وانهم اليه راجعون
بقره/ ۴۵ و ۴۶

واولئك هم وقود النار * كذاب آل فرعون والذين من قبلهم آل عمران/ ۱۰ و ۱۱
وجيها في الدنيا وفي الآخرة ومن المقربين * ويكلم الناس في المهد وكهلا ومن الصالحين
آل عمران/ ۴۵ و ۴۶

واذ غدوت من اهلك تبوء المؤمنون مقعدا للقتال والله سميع عليم * اذ همت طائفتان منكم ان
تفشلا والله وليهما آل عمران/ ۱۲۱ و ۱۲۲

ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون * فرحين بما آتاهم الله
من فضله آل عمران/١٦٩

واذا لآتيناهم من لدنا اجرا عظيما * ولهديناهم صراطا مستقيما نساء/٦٧ و٦٨
ان الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهدهم ولا ليهديهم طريقا * الا طريق جهنم
خالدين فيها ابدًا نساء/١٦٨ و١٦٩

قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين * يهدى به الله من اتبع رضوانه سبيل السلام
مآئده/١٥ و١٦

ذلك لهم خزي فى الدنيا ولهم فى الآخرة عذاب عظيم * الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا
عليهم مآئده/٣٣ و٣٤

وامرنا لنسلم لرب العالمين * وان اقيموا الصلوة واتقوه انعام/٧١ و٧٢
قل ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين * لا شريك له
انعام/١٦٣ و١٦٤

وقال موسى يافرعون انى رسول من رب العالمين * حقيق على ان لا اقول على الله الا الحق
اعراف/١٠٤

قال الملا من قوم فرعون ان هذا لساحر عليم * يريد ان يخرجكم من ارضكم فماذا تأمرون
اعراف/١٠٩ و١١٠

قالوا ارجه واخاه وارسل فى المدائن حاشرين * يأتوك بكل ساحر عليم
اعراف/١١١ و١١٢

هو الذى ايدك بنصره وبالمؤمنين * والف بين قلوبهم انفال/٦٢ و٦٣

قاتلوهم يعذبهم الله بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم مؤمنين * ويذهب

غيظ قلوبهم توبه/١٤ و١٥

ان الذين لا يرجون لقاءنا ورضوا بالحياة الدنيا والذين هم عن آياتنا غافلون * اولئك مأواهم

النار بما كانوا يكسبون يونس/٧ و٨

وأخذ الذين ظلموا الصيحة فأصبحوا فى ديارهم جاثمين * كأن لم يغنوا فيها هود /

٦٧-٦٨

ولو شاء ربك لجل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين * الا من رحم ربك

هود/١١٨ و١١٩

فأوحى اليهم ربهم لنهلكن الظالمين * ولنسكنكم الارض من بعدهم ابراهيم/١٣ و١٤

كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين * لا يؤمنون به وقد خلت سنة الاولين حجر/١٣، ١٢

فسجد الملائكة كلهم اجمعون * الا ابليس ابى ان يكون مع الساجدين حجر/٣٠ و٣١

فوربك لنستئنهم اجمعين * عما كانوا يعملون حجر/٩٢ و٩٣

ان ابراهيم كان امة قانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين * شاكرا لأنعمه نحل/١٢٠ و١٢١

سوره اسراء آيات ٨٦-٨٧ ولئن شئنا لنذهبن بالذى اوحينا لك ثم لاتجد لك به علينا وكيلا

* الا رحمة من ربك اسراء/٨٦/٨٧

ثم ارسلنا موسى واخاه هرون بآياتنا وسلطان مبين * الى فرعون وملإيه فاستكبروا وكانوا

قوما عالين مؤمنون/٤٥ و٤٦

ايحسبون ان ما نمدهم به من مال وبنين* نساوع لهم فى الخيرات مؤمنون/٥٥ و٥٦
حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون* لعلى اعمل صالحا فيما تركت
مؤمنون/٩٩ و١٠٠

فأتيا فرعون فقولا انا رسولا رب العالمين* ان ارسل معنا بنى اسرائيل شعراء/١٦ و١٧
وامرت ان اكون من المسلمين* وان اتلواالقرءان نمل/٩١ و٩٢
يا ايها الذين ءامنوااتقواالله وقلوا قولا سديدا* يصلح لكم اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم
احزاب/٧٠ و٧١

قيل ادخل الجنة قال ياليت قومى يعلمون* بماغفر لى ربهى وجعلنى من المكرمين
يس/٢٦ و٢٧

ان الذين كفروا بالذكر لما جاءهم وانه لكتاب عزيز* لا يأتية الباطل من بين يديه ومن خلفه
تنزيل من حكيم حميد فصلت/٤١ و٤٢

نحن قدرنا بينكم الموت وما نحن بمسبوقين* على ان نبدل امثالكم وننشئكم فى ما لاتعلمون
واقعه/٦٠ و٦١

فلا اقسم برب المشارق والمغرب انا لقادرون* على ان نبدل خيرا منهم وما نحن بمسبوقين
معارج/٤٠ و٤١

يادسپارى

عبارت های آغاز آیات زیر علیرغم وجود رابطه لفظی به آخرین عبارت در آیه قبل مربوط نمی شود؛ بنابراین وصل آن ها مناسب نیست؛ در این گونه موارد، عدم قطع تلاوت در پایان آیات و مهم تر، عدم صحت آغاز قرائت از ابتدای آیات مابعد می باشد.

صم بکم عمی فهم لایرجعون* او کصیب من السماء فیه ظلمات ورعد وبرق

بقره/۱۸ و ۱۹

یا ایهاالذین ءامنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون* ایاما

معدودات بقره/۱۸۳ و ۱۸۴

والله لا یحب الظالمین* ولیمحص الله الذین آمنوا ویمحق الکافرین آل

عمران/۱۴۰ و ۱۴۱

ان الله کان غفورا رحیما* والمحصنات من النساء الا ماملکت ایمانکم نساء/۲۳ و ۲۴

الی الله مرجعکم جمیعا فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون* وان احکم بینهم بما انزل الله ولا تتبع

اهوائهم مائده/۴۸ و ۴۹

ان ربک حکیم علیم* و وهبنا له اسحق و یعقوب انعام/۸۳ و ۸۴

کل من الصالحین* واسمعیل والیسع و یونس ولوطا انعام/۸۵ و ۸۶

وکلا فضلنا علی العالمین* ومن آبائهم وذریاتهم و اخوانهم انعام/۸۶ و ۸۷

انه لکم عدو مبین* ثمانیه ازواج انعام/۱۴۳ و ۱۴۴

نبؤنى بعلم ان كنتم صادقين * ومن الابل اثنين ومن البقر اثنين انعام/١٤٣ و١٤٤

وان الله لسميع عليم * اذ يريكم الله فى منامك قليلا انفال/٤٢ و٤٣

ذلكم وصيكم به لعلكم تذكرون * وان هذا صراطى مستقيما فاتبعوه انعام/١٥٢ و١٥٣

وهذا كتاب انزلناه مبارك فاتبعوه واتقوا لعلكم ترحمون * ان تقولوا انما انزل الكتاب على

طائفتين من قبلنا انعام/١٥٥ و١٥٦

والله غفور رحيم * ولا على الذين ادا ما اتوك لتحملهم قلت لا اجد ما احملك عليه

توبه/٩١ و٩٢

انه بهم رءوف رحيم * وعلى الثلاثة الذين خلفوا توبه/١١٧ و١١٨

ان الله لا يضيع اجر المحسنين * ولا ينفقون نفقة صغيرة ولا كبيرة ولا يقطعون واديا الا كتب

لهم ليجزيهم الله احسن ما كانوا يعملون توبه/١٢٠ و١٢١

فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لاتعلمون * بالبينات والزبر نحل/٤٣ و٤٤

لكم فيها فواكه كثيرة منها تأكلون * وشجرة تخرج من طور سيناء تنبت بالدهن وصيغ للآكلين

مؤمنون/١٩ و٢٠ والله سريع الحساب * او كظلمات

فى بحر لجى يغشيه موج من فوقه موج من فوقه سحاب نور/٣٩ و٤٠

انه كان ظلوما جهولا * ليعذب الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب الله

على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيفا احزاب/٧١ و٧٢

انك انت العزيز الحكيم * وقهم السيئات غافر/٨ و٩

ان فى ذلك لايات لكل صبار شكور * او يوبقهن بما كسبوا ويعف عن كثير شورى/٣٣ و٣٤

اولئك هم الراشدون * فضلا من الله ونعمة حجرات/ ۷ و ۸

ولتكون آية للمؤمنين ويهديكم صراطا مستقيما * واخرى لم تقدروا عليها قد احاط الله بها

فتح/ ۲۰ و ۲۱ ان

ذلك على الله يسير * لكي لا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما آتاكم حدید/ ۲۳ و ۲۴

گفتار دوم : نشانه وقوف هبطی

ابوعبدالله محمد بن ابوجمععه هبطی سماتی (م ۹۳۰) برای وقف اقسامی بر شمرده است، وی مواضع وقف خویش را بر اساس اعراب ومعنی بنا نهاد. برخی متأخرین بر این عقیده اند هبطی درانتخاب این وقوف از استاد خویش ابو عبد الله بن غازی متابعت کرده است.

اقسام وقف از نظر هبطی هشت قسم وبه شرح زیر می باشد:

۱- اتم ۲- تام ۳- اکفی ۴- کافی ۵- احسن

۶- حسن ۷- جایز ۸- مقبول

هبطی برای تمامی این وقوف فقط از نشانه (ص) استفاه نموده است که در مصاحف مغاربه که

به قرائت نافع مدنی می باشد به کار رفته است. القراء والقراءات بالمغرب ص ۱۸۲

وقف های هبطی به سه گروه تقسیم می گردد:

۱- مواضعی که با دانی وانباری ونحاس وسجاوندی ودیگران موافق است.

۲- مواضعی از وقوف شناخته شده در نزد متقدمان را که بر آن ها اعتماد ننموده و آن ها را را

رها کرده و بنا را بر وصل نهاده است.

۳- مواضعی که مختص هبطی بوده و دیگران با او موافق نبوده اند؛ برخی از این مواضع عبارتند از:

فلما اضاءت ما حوله * ذهب الله بنورهم وتركهم فى ظلمات لا يبصرون بقره/۱۷

واذ اتينا موسى الكتاب * والفرقان لعلكم تهتدون بقره/۵۳

واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت * واسمعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم

بقره/۱۲۷

و وصى بها ابراهيم بنيه * ويعقوب يا بنى ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم

مسلمون بقره/ ۱۳۲

هو الذى انزل عليك الكتاب منه * آيات محكمات هن ام الكتاب و آخر متشابها ت آل

عمران/۷

فإن عثر على انهم استحقا اثما فأخرا ن يقومان مقامهما من الذين استحق عليهم الاوليان

فيقسمان * بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدنا انا اذا لمن الظالمين مائده/۱۰۷

ولو ترى اذ يتوفى الذين كفروا * الملائكة يضربون وجوههم وادبارهم وذوقوا عذاب الحريق

انفال/۵۰

اذ قال يوسف لأبيه يا ابت انى رأيت احد عشر كوكبا والشمس والقمر * رأيتهم لى ساجدين

يوسف/۴

ان الله مع الذين اتقوا * والذين هم محسنون نحل/۱۲۸

کلا نمد* هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربک اسراء./ ۲۰

و وهبنا له اسحق* ويعقوب نافلة انبياء/ ۷۴

واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك * يا لله ان الشرك لظلم عظيم لقمان/ ۱۳

قل بلى وربى لتأتينكم* عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة فى السموات ولا فى الأرض* ولا

اصغر من ذلك ولا اكبر الا فى كتاب مبين ليجزى الذين ءامنوا وعملوا الصالحات سبأ/ ۳-

۴

اعملوا ءال داود* شكرا* وقليل من عبادى الشكور سبأ/ ۱۳

وضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل وظنوا* ما لهم من محيص فصلت/ ۴۸

وتريهم يعرضون عليها خاشعين* من الذل ينظرون من طرف خفى شورى/ ۴۵

كانوا قليلا* من الليل ما يهجعون ذاريات/ ۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم عم* يتساءلون عن النبى العظيم الذى هم فيه مختلفون نبا/ ۱-۳

موارد بيشتري از وقوف هبطى در بخش ضميمه كتاب آمده است.

گفتار سوم : نشانه های وقف خلف الحسینی

جمعی از دانشمندان علم قرائت و عربیت متشکل از استادان حفنی ناصف، مصطفی عنانی و احمد الاسکندری زیر نظر و اشراف استاد محمد بن علی خلف الحسینی مشهور به حداد که از خطاطان بنام در آن زمان نیز بوده است با استفاده از تجربه پیشینیان سبکی نو در تقسیم وقف ایجاد نموده و برای هر قسم نیز نشانه ای وضع نمودند این علائم در سال ۱۳۳۷ هجری قمری در زمان ملک فؤاد در مصحف امیری به طبع رسید. مواضع وقف خلف الحسینی در دوره های بعد زیر نظر استادانی چون علی محمد الضباع و عبدالفتاح القاضی مورد بررسی و تجدید نظر قرار گرفت.

این نشانه ها عبارت است از : م - قلی - ج - صلی - لا

در برخی از مصاحف به جای « قلی » از نشانه « ط » و به جای « صلی » از نشانه « ز » استفاده شده است

اینک به توضیح و بیان نشانه های وقف رایج می پردازیم :

« م » نشانه وقف لازم است و در صورت وصل، معنا و مفهوم کلام دگرگون می شود مانند:

انما يستجيب الذين يسمعون (م) والموتى يبعثهم الله ثم اليه يرجعون. انعام/۳

وقف های لازم در مصحف امیری * ۲۵ مورد می باشد. مصحف امیری در سال ۱۳۳۷ قمری در زمان ملک فؤاد و زیر نظر استاد محمد علی خلف الحسینی به طبع رسید. در چاپ اول این مصحف، آیه ۶۴ سوره عنكبوت (وان الدار الآخرة لهی الحيوان لو كانوا يعلمون) وقف لازم

شمرده نشده بود در صورتی که مشابه همین عبارت ر سوره نحل (ولاجر الآخرة اكبر لوكانوا يعلمون) وقف لازم محسوب گردیده بود؛ این مورد در چاپ دوم اصلاح گردید.
«قلی» نشانه اولویت وقف است و چنانچه به وصل خوانده شود ترک اولی است

مانند: وتلك حدود الله (قلی) وللكافرين عذاب الیم. مجادله/ ۵

«ج» نشانه جواز وقف است وصل آن نیز ممکن است مانند: واذا قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة (ج) قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها ويسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك بقره/ ۳۰

«صلی» نشانه وقف جایز با اولویت وصل است. مانند: فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا (صلی) ولهم عذاب الیم بما كانوا يكذبون. بقره / ۱۰

«لا» نشانه ممنوع بودن وقف و یا ممنوع بودن ابتداء از مابعد آن است.

مثال برای ممنوع بودن وقف : واذا تتلى عليهم آياتنا بينات (لا) قال الذين لا يرجون لقاءنا ائت بقرءان غير هذا او بدله. یونس/ ۱۵

مثال برای ممنوع بودن ابتداء از مابعد: تحبسونهما من بعد الصلوة فييقسمان بالله ان ارتبتم لا نشتری به ثمنا ولو كان ذا قربی (لا) ولانکتهم شهادة الله انا اذا لمن الآ ثمین مائده/ ۱۰۶

مثال برای ممنوع بودن وقف و ممنوع بودن ابتدای از ما بعد : ولئن اتبعت اهواءهم بعد الذی جاءك من العلم (لا) مالک من الله من ولی ولا نصیر. بقره/ ۱۲۰

○ موارد شایع وقف لازم:

در وقف لازم چنانچه به وصل خوانده شود تصوری گردد عبارت بعد :

• مقول قول ماقبل باشد مانند: لقد سمع الله قول الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء(م)

سنکتب ما قالوا آل عمران / ۱۸۰

• صفت برای کلمه ما قبل باشد مانند : تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض (م) منهم

من کلم الله بقره / ۲۵۳

• ظرف برای ما قبل باشد مانند: فتول عنهم (م) يوم يدع الداع الى شيء نكركم / ۶

• حال برای کلمه ماقبل باشد مانند: اولئك لم يكونوا معجزين في الارض وماكان لهم من

دون الله من اولياء(م) يضاعف لهم العذاب هود / ۲۰

• عطف به عبارت ماقبل باشد مانند: ولا يجرمنكم شنئان قوم ان صدوكم عن

المسجد الحرام ان تعتدوا (م) وتعاونوا على البر والتقوى مائده / ۲

• شرط متأخر به جمله قبل مربوط شود مانند: ولعذاب الآخرة اكبر (م) لو كانوا

يعلمون قلم / ۳۳

• موارد شایع علامت «قلی»

در نشانه (قلی) جمله مابعد با یکی از موارد زیر آغاز می شود :

• فعل مستأنفه مانند: مبتدا مانند:

وباءوا بغضب من الله (قلی) ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله ويقتلون الأنبياء بغير

الحق بقره / ۶۱

توتی اكلها كل حين بإذن ربها (قلی) ويضرب الله الامثال للناس ابراهيم / ۲۵

• استفهام مانند: له ما فى السموات وما فى الأرض (قلی) من ذا الذى يشفع عنده الا بإذنه

بقره/۲۵۵

• فعل امر مانند : وجعلوا لله اندادا ليضلوا عن سبيله (قلی) قل تمتعوا فإن مصيركم الى

النار ابراهيم/۳۰

• فعل نهى نفى مانند: وربك يخلق ما يشاء ويختار (قلی) ماكان لهم الخيرة قصص/۶۸

• شرط مانند : ليس بأمانيكم ولا أمانى اهل الكتاب (قلی) من يعمل سوء يجز به ولا يجد

له من دون الله وليا ولا نصيرا نساء/۱۲۳

• إنّ مانند: نسوا الله فنسيهم (قلی) ان المنافقين هم الفاسقون توبه/۶۷

• خبر مقدم مانند: وتلك حدود الله (قلی) وللكافرين عذاب اليم مجادله/۴

• ألا استفتاحيه مانند: اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلقون مجادله/۲۲

• انتهای قول مانند : اذ يقول المنافقون والذين فى قلوبهم مرض غر هؤلاء دينهم (قلی)

ومن يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم انفال/۴۹

• انتهای استفهام مانند :

الم تعلم ان الله له ملك السموات والارض (قلی) ومالكم من دون الله من ولى ولا نصير

بقره/۱۰۷

• فاصله میان استفهام و خبر مانند: الاتحبون ان يغفرالله لكم* والله غفور رحيم نور/۲۲

• فاصله میان دو صفت متضاد مانند: كنتم خير امة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف

وتنهون عن المنكر و تؤمنون بالله (قلی) ولو ءامن اهل الكتاب لكان خيرا لهم آل عمران/۱۰۹

● عدول از خبر به انشاء مانند:

قال انما اوتيته على علم عندي (قلی) اولم يعلم ان الله قد اهلك من قبله من القرون من

هو اشد منه قوة واكثر جمعا قصص/۷۸

● عدول از انشاء به خبر مانند : قل سيروا في الأرض فانظروا كيف كان عاقبة الذين من

قبلهم (قلی) كان اكثرهم مشركين روم/۴۲

○ موارد شایع علامت «ج»

بعد از نشانه (ج) معمولا موارد زیر می آید:

● ذلك اگر اشاره به جمله قبل باشد مانند: «الذين يأكلون الربوا لا يقومون الا كما يقوم

الذى يتخبطه الشيطان من المسّ ج ذلك بأنهم قالوا انما البيع مثل الربوا» (بقره/۱۷۱) ولی

چنانچه اشاره به چند جمله قبل باشد نشانه (قلی) می آید مانند: فأقم وجهك للدين

حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله (قلی) ذلك الدين القيم ولكنّ

اکثر الناس لا يعلمون روم/۳۰

● اولئك اگر اشاره به جمله قبل باشد مانند:الذين ينقضون عهدالله من بعد ميثاقه ويقطعون

ما امرالله به ان يوصل ويفسون فى الارض ج اولئك هم الخاسرون بقره/۲۷ ولی چنانچه

اشاره به چند جمله قبل باشد نشانه (قلی) می آید مانند: والموفون بعهدهم اذا عاهدوا

والصابرين في البأساء والضراء وحين البأس (قلی) اولئك الذين صدقوا واولئك هم
المتقون

● حتی اذا که برای ابتدای غایت باشد مانند: ووصینا الانسان بوالديه احسانا حملته امه کرها
ووضعتہ کرها وحمله وفصاله ثلاثون شهرا ج حتی اذا بلغ اشده وبلغ اربعین سنة قال رب
اوزعنی ان اشکر نعمتک التي انعمت علیّ وعلی والدی احقاف/۱۵

● بئس مانند: افتتخذونه وذریته اولیاء من دونی وهم لکم عدو ج بئس للظالمین بدلا
کهف/۵۰

● نِعَمَ مانند: متکئین فیها علی الارائك ج نعم الثواب وحسنت مرتفقا کهف/۳۱
● بل زمانی که برای اضراب انتقالی باشد. مانند: وقالوا قلوبنا غلف ج بل لعنهم الله بکفرهم
فقلیلا ما یؤمنون بقره/۸۸ لقد جئتمونا کما خلقناکم اول مرة ج بل زعمتم ان نحعل لکم
موعدا کهف/۴۸

● فعل امر مانند: فقاتل فی سبیل الله لا تکلف الا نفسک ج وحرّض المؤمنین نساء/۸۴
● فعل نهی مانند: ثم اتموا الصیام الی الیل ج ولا تباشروهنّ وانتم عاکفون فی المساجد
بقره/۱۸۷

● فعل نفی مانند: فیما اختلفوا فیہ ج وما اختلف فیہ الا الذین اوتوه من بعد ماجاءتهم البینات
بقره/۲۱۳

● فعل استفهام مانند: رب السموات والارض وما بینهما فاعبده واصطبر لعبادته ج هل تعلم له
سمیا مریم/۶۵

- سین مانند: اشهدوا خلقهم ج ستکتب شهادتهم ویسئلون زخرف/۱۹
- سوف مانند: فأغرینا بینهم العداوة والبغضاء الی یوم القیامة ج وسوف ینبئهم الله بما كانوا یصنعون مائده/۱۴
- در جمله بعد ضمیری باشد که به عبارت قبل باز گردد. واذا اظلم علیهم قاموا ج ولو شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم بقره/۲۰
- جملات مستأ نفه با وجود تعلق معنوی خاص مانند: ولو شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم ج ان الله علی کل شیء قدیر بقره/۲۰
- فاء استیناف مانند: ان الله لا یتحیی ان یضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها ج فاما الذین ءامنوا فیعلمون انه الحق من ربهم بقره/۲۶
- ترجیح استیناف بر عطف مانند: ذلک بانهم قالوا لیس علینا فی الامیین سبیل ج ویقولون علی الله الکذب وهم یعلمون آل عمران/۷۵
- ترجیح استیناف بر حال مانند: فسیکفیکهم الله ج وهو السميع العليم بقره/۱۳۷
- استیناف در حیز قول مانند: قل لله المشرق والمغرب ج یرهدی من یشاء الی صراط مستقیم بقره/۱۴۲ قالوا جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه ج كذلك نجزی الظالمین یوسف/۷۵
- تعلیل کلی مانند: ولو شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم ج ان الله علی کل شیء قدیر بقره/۲۰

• موارد شایع نشانه «صلی»

• میان سؤال و جواب مانند:

یسئلونک عن الأهلۃ صلی قل هی مواقیت للناس والحج بقره/۱۸۹

قل ای شیء اکبر شهادة صلی قل الله شهید بینی و بینکم انعام/۱۹

انکم لتشهدون ان مع الله ءالهة اخرى صلی قل لاشهد انعام/۱۹

لمن الملك الیوم صلی لله الواحد القهار غافر/۱۶

• اجزاء قول که به یکدیگر عطف شده است. مانند:

• استیناف بیانی مانند: او کصیب من السماء فیہ ظلمات و رعد و برق صلی يجعلون

اصابعهم فی ءاذانهم من الصواعق حذر الموت بقره/۱۹

• استیناف تعلیلی مانند: وهب لنا من لدنک رحمة صلی أنک انت الوهاب آل

عمران/۸

• عطف بر استیناف مانند: سنکتب ما قالوا وقتلهم الانبیاء بغير حق صلی ونقول ذوقوا

عذاب الحریق آل عمران/۱۸۱

• فاء فصیحت مانند: فاخرج به من الثمرات رزقا لکم صلی فلا تجعلوا لله اندادا وانتم

تعلمون بقره/۲۲ وجئتکم بآیة من ربکم صلی فاتقوا الله واطیعون آل عمران/۵۰

• احتمال عطف یا حال مانند: فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة صلی اعدت

للكافرين بقره/۲۴

• احتمال عطف یا استیناف مانند: واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها (صلی) والله مخرج ما کنتم تکتمون بقره/۷۲

• احتمال صفت یا استیناف مکانند: فإن لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس والحجارة (صلی) اعدت للكافرين بقره/۲۴

• بل که برای ابطالی باشد مانند: اولئک كالانعام صلی بل هم اضل سبیلا فرقان/۴۴
اولئک كالانعام بل هم اضل اعراف/۱۷۹

• بدل مانند: وجيء يومئذ بجهنم صلی يومئذ يتذكر الانسان واني له الذكرى فجر/۲۳

• تفسیرمانند: شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي اوحينا اليك وما وصينا به ابراهيم وموسى وعيسى صلی ان اقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه شوری/۱۳

• حتی اذا با احتمال این که برای انتهای غایت باشد مانند:

فانطلقا صلی حتی اذا ركبا فى السفينة خرقها كهف/۷۱

وهو القاهر فوق عباده ويرسل عليكم حفظة صلی حتی اذا جاء احدكم الموت توفته رسلنا

وهم لا يفرطون انعام/۶۱

- ۱- وقف اختیاری را تعریف کنید.
- ۲- اقسام وقف اختیاری را نام برده و هر کدام را توضیح داده و مثال بزنید.
- ۳- رابطه لفظی و معنوی را توضیح داده و مثال بزنید.
- ۴- موارد شایع وقف اختیاری را با ذکر مثال بیان نمایید؟
- ۵- اقسام وقف از نظر سجاوندی و نشانه هر کدام را بنویسید.
- ۶- وقف معانقه را تعریف کرده و بنویسید آیا سجاوندی برای وقف معانقه نشانه ای وضع نموده است یا خیر؟
- ۷- وقف مطلق را تعریف نموده و موارد شایع آن را ذکر نمایید.
- ۸- وقف مجوز را تعریف کرده و برای آن مثال بیاورید.
- ۹- وقف مرخص را در ضمن یک مثال تعریف نمایید.
- ۱۰- آیا وقف ممنوع در همه جا قبیح است یا خیر؟ در ضمن مثال توضیح دهید.
- ۱۱- اقسام وقف از نظر هبطی چند عدد است؟ وی از چه نشانه ای برای وقف استفاده نموده است.
- ۱۲- در مصاحف رایج کشور از چه نشانه هایی برای وقف استفاده شده است؟ این نشانه ها را ذکر نمایید.
- ۱۳- مفهوم نشانه قلی و صلی چیست؟ در ضمن مثال توضیح دهید.
- ۱۴- مراد از نشانه لا در مصاحف چیست؟ همراه با مثال بیان نمایید.

- ۱۵- موارد شایع وقف لازم را با ذکر مثال بنویسید.
- ۱۶- موارد شایع وقف جایز را با ذکر مثال بنویسید.
- ۱۷- پیش از استیناف تعلیلی چه نشانه ای قرار می‌گیرد؟ مثال بزنید.

فصل چهارم

وقف اضطراری

وقف اضطراری وقفی است که در اثر ناتوانی از ادامه قرائت تا محل وقف مناسب ، از باب ضرورت انجام می شود. بدیهی است بازگشت به عبارت ماقبل جهت ابتدای صحیح و رعایت اتصال کلام ، ضرورت دارد.

○ موارد شایع وقف اضطراری

● وقف بر حروف مانند:

الا انهم هم المفسدون ولكن * لا يشعرون بقره/۱۲

الا انهم هم السفهاء ولكن * لا يعلمون بقره/۱۳

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما * يأتكم مثل الذين من قبلکم بقره/۲۱۵

قال الذين يظنون انهم ملاقوا الله کم * من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله بقره/۲۴۹

وانظر الى العظام كيف * ننشزها بقره/۲۵۹

فاثابکم غما بغم لكيلا * تحزنوا على ما فاتکم ولا ما اصابکم آل عمران/۱۵۳

یاد سپاری: وقف بر «کلا»، «بلی» و «نعم» که دارای معنای مفیدی هستند، جایز است.

● وقف میان کلمات مرکب مانند:

انی رایت احد * عشرکوکبا یوسف/۴

فانفجرت منه اثنتا * عشرة عینا بقره/۶۰

وبعثنا منهم اثنی * عشر تقیبا مائده/۱۱

تعرج الملائكة والروح الیه فی یوم کان مقداره خمسين * الف سنة معارج/۳

ولبثوا فى كهفهم ثلاث * مائة سنين كهف/٢٦

• وقف ميان مضاف ومضاف اليه مانند:

فقال انبئونى بأسماء * هـ لاء ان كنتم صادقين بقره/٣١

جزاؤهم عند ربهم جنات * عدن تجرى من تحتها الانهار بينه/٨

فقولوا انا رسولا * ربك فارسى معنا بنى * اسرايل و لا تعذبهم طه/٤٧

قال الله هذا يوم * ينفع الصادقين صدقهم مائده/١١٩

• وقف ميان فعل وفاعل مانند:

وقال لهم * خزنتها سلام عليكم زمر/٧٣

سيصيب الذين اجرموا * صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون انعام/١٢٤

كذلك يوحى اليك والى الذين من قبلك * الله العزيز الحكيم شورى/٣

ان الذين كفروا لن تغنى عنهم * اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا آل عمران/١٠

ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق بالذين سخروا منهم * ماكانوا به يستهزءون انعام/١٠

انما يعمر مساجد الله * من امن بالله واليوم الآخر توبه/١٨

فاكلا منها فبدت لهما * سوءاتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة طه/١٢١

كبر على المشركين * ما تدعوهم اليه شورى/١٣

قل يوم الفتح لا ينفع الذين ظلموا * ايمانهم ولا هم ينظرون سجده/٢٩

فواصل آيات

يسبح له فيها بالغدو والآصال * رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله نور/ ٣٦ و ٣٧

• وقف ميان فعل ونائب فاعل مانند:

زين للذين كفروا * الحيوۃ الدنيا بقره/ ١١٣

كانما اغشيت * وجوههم قطعا من الليل مظلما يونس/ ٢٤

انا قد اوحى الينا * ان العذاب على من كذب وتولى طه/ ٤٨

اذ عرض عليه بالعشى * الصافنات الجياد ص/ ٣١

واتقوا يوما لاتجزى نفس عن نفس شيئا و لا يقبل منها * شفاعة و لا يؤخذ منها * عدل و لا

هم ينصرون

بقره/ ٤٨

• وقف ميان فعل و مفعول به مانند:

نبد فريق من الذين اتوا الكتاب * كتاب الله وراء ظهورهم كانوا لا يعلمون بقره/ ١٠١

قل انى اخاف ان عصيت ربي * عذاب يوم عظيم يونس/ ١٦

لقد لقينا من سفرنا هذا * نصبا كهف/ ٦٢

فانزلنا على الذين ظلموا * رجزا من السماء بما كانوا يفسقون بقره/ ٥٩

ربما يودالذين كفروا * لو كانوا مسلمين حجر/ ٢

فاوحى اليهم * ان سبحوا بكرة وعشيا مريم/ ١١

واذ تأذن ربك * ليبعثن عليهم الى يوم القيامة * من يسومهم * سوء العذاب
اعراف/١٦٧

ولتسمعن من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم ومن الذين اشركوا * اذى كثيرا آل عمران/١٨٦
ومن يشرك بالله فقد افترى * اثما عظيما نساء/٤٨

شبهه فعل مانند: فهل انتم مغنون عنا * نصيبا من النار غافر/٤٧
فواصل آيات

ارءيت الذى ينهى * عبدا اذا صلى علق/١٠ و٩

• وقف میان مفعول اول ومفعول دوم مانند:

الذى جعل لكم الارض * فراشا بقره/٢٢

واذ واعدنا موسى * اربعين ليلة بقره/٥١

ربنا واجعلنا * مسلمين لك بقره/١٢٨

سل بنى اسرائيل * كم ءاتيناهم من ءاية بينة بقره/٢١٢

وءاتى المال على حبه * ذوى القربى بقره/١٧٧

فآتاهم الله * ثواب الدنيا آل عمران/١٤٨

• وقف میان فعل ومفعول فيه مانند:

ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم * فى السبت بقره/٦٥

فما جزاء من يفعل ذلك منكم الاخزى * فى الحيوة الدنيا بقره/٨٥

انا لننصر رسلنا والذين ءامنوا * فى الحيوة الدنيا عافر/٥٢

فواصل آيات

كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون* في الدنيا والآخرة بقره / ٢١٩-٢٢٠

• وقف ميان فعل ومفعول له مانند:

او كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون اصابعهم في اذانهم من الصواعق *

حذر الموت بقره / ١٩

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ اهل الكتاب لو يردونكم كفارا * حسدا من عند انفسهم من بعد ما تبين لهم الحق

بقره / ١٠٩

شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن * هدى للناس بقره / ١٨٥

قد خسر الذين قتلوا اولادهم * سفها بغير علم وحرموا ما رزقهم الله * افتراء على الله

انعام / ١٤٠

• وقف ميان فعل ومفعول مطلق مانند:

حتى نرى الله * جهرة بقره / ٥٥

فكلوا منها حيث شئتم * رغدا بقره / ٥٨

فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها * نباتا حسنا آل عمران / ٣٦

وله اسلم من فى السموات والارض * طوعا اوكرها آل عمران / ٨٣

فقد ضل * ضلالا بعيدا نساء / ١٣٦

انا فتحنا لك * فتحا مينا فتح ١/

وينصرک الله * نصرأ عزیزا فتح ٣/

• وقف میان مبتدا وخبر مانند:

والذین کفروا وکذبوا بآياتنا * اولئک اصحاب النار بقره / ٣٩

الذین ءاتیناهم الکتاب * یتلونه حق تلاوته * اولئک یؤمنون به بقره / ١٢٤

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله * کمثل حبة انبتت سبع سنابل بقره / ٢٦١

الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا ولا اذی * لهم اجرهم عند ربهم

بقره / ٢٦٢

ومثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا من انفسهم * کمثل جنة بربرة اصابها

وابل بقره / ٢٦٥

الذین ینفقون اموالهم بالیل والنهار سرا وعلانية * لهم اجرهم عند ربهم بقره / ٢٧٤

• وقف میان خبر مقدم و مبتدا مانند:

• وعلى ابصارهم * غشاوة بقره / ٩

وللکافرين * عذاب الیم بقره /

ولقد علموا لمن اشتريه ماله فی الآخرة * من خلاق بقره / ١٠٢

ومالکم من دون الله * من ولی ولا نصیر بقره /

وعلى الذین یطيقونه * فدية طعام مسکین بقره / ١٨٤

قل لا اقول لكم عندى * خزائن الله انعام / ٥٠

وعلى الذين هادوا * حرما عليهم كل ذى ظفر انعام / ١٤٦

• وقف بر حروف مشبهة بالفعل مانند وقف بر ولكن باتشديد يا تخفيف

ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب ولكن * البر من امن بالله واليوم الآخر

بقره / ١٧٧

لو كان عرضا قريبا وسفرا قاصدا لاتبعوك ولكن * بعدت عليهم الشقة توبه / ٤٢

• وقف میان اسم وخبر حروف مشبهة بالفعل مانند وقف بر لعلی کانهم یالیتنی

مانند: ان الذين امنوا والذين هادوا والنصارى والصابئين من امن بالله واليوم الآخر وعمل

صالحا * فلهم اجرهم عند ربهم بقره / ٦١

ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس فى الكتاب * اولئك

يلعنهم الله بقره / ١٥٨

ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار والسحاب المسخر بين السماء

والارض * لايات لقوم يعقلون بقره / ١٦٤

ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات ويشترون به ثمنا قليلا * اولئك ما يأكلون فى بطونهم

الا النار بقره / ١٧٤

ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار * لايات لاولى الالباب آل عمران / ١٩٠

ليقولنَّ كأن لم تكن بينكم وبينه مودة ياليتنى * كنت معهم فأفوز فوزا عظيما نساء / ٧٣

وما تدرى لعل الله * يحدث بعد ذلك امرا طلاق / ١

- وقف بر افعال ناقصه: (كان ، اصبح ، اضحى ، ظل ، صار ، مادام ، مازال ، مابرح ، مانفك ، ليس).

وإذا بشر احدهم بالانثى ظلَّ* وجهه مسودا وهو كظيم

- وقف میان اسم و خبر افعال ناقصه مانند:
- واصبح الذين تمنوا مكانه بالامس * يقولون ويكأن الله * يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر قصص / ٨٢

- ولايزال الذين كفروا * تصيهم بما صنعوا قارعة رعد / ٣١

لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين * منفكين حتى تأتيهم البينة بينه / ١

- وقف بر افعال قلوب: ظنَّ ، رأى ، حسب ، درى ، خال ، زعم ، وجد ، علم .
- وقف میان اسم و خبر افعال قلوب مانند:

- ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله * امواتا آل عمران / ١٦٩

ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا رحيمًا

نساء / ١١٢ ترى اعينهم * تقيض من الدمع مما عرفوا من الحق

مائده / ٨٤ وانى لأظنك يافرعون * مثبورا

اسراء / ١٠٢ وما اظن الساعة

* قائمة كهف / ٣٥

وما تفعلوا من خير تجدوه عند الله * هو خيرا واعظم اجرا مزمل / ٢٠

- وقف بر افعال مقاربه (كاد ، كرب ، اوشك ، اخلولق ، حرى ، عسى ، اخذ ، جعل ، شرع ، طفق ، علق ، هبّ).

مانند: اذا اخرج يده لم يكده * يريها نور/٤٠

وينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء ويصرفه عن من يشاء يكاد *

سنبرقه يذهب بالابصار نور/٤٣

لا يسخر قوم من قوم عسى * ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى * ان يكن خيرا

منهن حجرات/١١

- وقف میان اسم و خبر افعال مقاربه مانند:

فأكلا منها فبدت لهما سوءاتهما وطفقا * يخصفان عليهما من ورق الجنة طه/١٢١

وان بكاد الذين كفروا * ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون انه لمجنون قلم/٥١

- وقف بر لاء نفى جنس

فمن تمتع بالعمرة الى الحج فلا * رفته ولا * فسوق ولا * جدال فى الحج بقره/١٩٧

من قبل ان يأتى يوم لا * بيع فيه ولا * خلة ولا * شفاعة بقره/١٥٤

- وقف بر ادات شرط

ولما جائهم كتاب من عند الله مصدق لما معهم و كانوا من قبل يستفتحون على الذين

كفروا فلما * جائهم ما عرفوا كفروا به بقره/ ٨٩

يا بنى آدم اما * يأتينكم رسل منكم يقصون عليكم آياتى فمن * اتقى واصلح فلا خوف

عليهم ولا هم يحزنون اعراف/ ٣٥

واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن * جائهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم فاطر/ ٤٢

• وقف ميان شرط و جزاء مانند:

• واذا قيل لهم لا تفسدوا فى الارض * قالوا انما نحن مصلحون بقره/ ١١

وان كنتم فى ريب مما نزلنا على عبدنا * فاتوا بسورة من مثله بقره/ ٢٣

كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا * قالوا هذا الذى رزقنا من قبل بقره/ ٢٥

فلولا فضل الله عليكم ورحمته * لكنتم من الخاسرين بقره/ ٦٤

ولو انهم ءامنوا و اتقوا * لمتوبة من عند الله خير بقره/ ١٠٣

بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن * فله اجره عند ربه بقره/ ١١٣

ولئن اتبعت اهواءهم بعدالذى جاءك من العلم * مالک من الله من ولى ولا نصير بقره/ ١٠٨

ايما تكونوا * يأت بكم الله جميعا بقره/ ٨٦

فمن كان منكم مريضا او على سفر * فعدة من ايام اخر بقره/ ١٨٤

فإن كان الذى عليه الحق سفيها او ضعيفا او لا يستطيع ان يمل هو * فليمل وليه بالعدل

بقره/ ٢٨٣

وان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه * يحاسبكم به الله بقره/٢٨٤

ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله * يجد الله غفورا رحیما نساء/١١٢

ولونزلنا عليهم الملائكة وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شىء قبلا * ما كانوا لیؤمنوا

انعام/١١١

قل ارايتم ان اهلكنى الله ومن معى او رحمنا * فمن يجیر الكافرين من عذاب الیم ملك/٢٩

فواصل آیات

سوره حجر آیات ١٤-١٥ ولو فتحنا عليهم بابا من السماء فيه یخرجون * لقالوا انما سكرت

ابصارنا بل نحن قوم مسحورون (شرط وجزاء)

سوره شعراء آیات ٢٠٥-٢٠٧ افرایت ان متعناهم سنین ثم جائهم ما كانوا یوعدون * ما اغنى

عنهم ما كانوا یمتعون (شرط وجزاء)

سوره صافات آیات ١٤٢-١٤٣ فلولا انه كان من المسبحین * للبت فى بطنه الى يوم یبعثون

(شرط وجزاء)

سوره صافات آیات ١٦٧-١٦٩ وان كانوا لیقولون * لو ان عندنا ذكرا من الاولین * لكنا عباد

الله المخلصین (مقول قول مشتمل بر شرط وجزاء)

سوره واقعه آیات ٨٦-٨٧ فلولا ان كنتم غیر مدینین * ترجعونها ان كنتم صادقین

سوره واقعه آیات ٨٨-٨٩ فاما ان كان من المقربین * فروح وریحان وجنة نعیم

سوره واقعه آیات ٩٠-٩١ واما ان كان من اصحاب الیمین * فسلام لك من اصحاب الیمین

سوره واقعه آیات ۹۲-۹۴ واما ان كان من المكذبين الضالين * فنزل من حميم * و تصليه

جحيم

• وقف میان فعل طلب وجواب آن

قالوا ادع لنا ربك * يبين لنا ماهي بقره / ۶۶

وقالوا كونوا هودا اونصارى * تهتدوا بقره / ۱۳۷

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعونى * يحبيكم الله آل عمران / ۳۱

واذ اعتزلتموهم وما يعبدون الا الله فأووا الى الكهف * ينشر لكم ربكم من رحمته كهف / ۱۶

قاتلوهم * يعذبهم الله بأيديكم توبه / ۱۴

ياايها الذين ءامنوا اتقواالله وءامنوا برسوله * يؤتكم كفلين من رحمته حديد / ۲۸

يا ايهاالذين ءامنوا اذا قيل لكم تفسحوا فى المجالس فافسحوا * يفسح الله لكم مجادله / ۱۱

فواصل آيات

سوره شعراء آيات ۳۶-۳۷ قالوا ارجه واخاه وابعت فى المدائن حاشرين * يأتوك بكل سحار

عليم

سوره مؤمنون آيات ۹۹-۱۰۰ حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون * لعلى اعمل

صالحا فيما تركت

سوره احزاب آيات ۷۰-۷۱ يا ايها الذين ءامنوا اتقواالله وقلوا قولا سديدا * يصلح لكم

اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم

• وقف میان قسم و متعلق آن مانند:

فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ايديكم ثم جاءوك يحلفون * بالله ان اردنا الا احسانا

وتوفيقا نساء/ ٤٢

ويقول الذين كفروا اهؤلاء الذين اقساموا * بالله جهدايمانهم انهم لمعكم مائده/ ٥٣

فيقسمان * بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا

وسيحلفون * بالله لو استطعنا لخرجنا معكم توبه/ ٤٢

• وقف میان قسم و جواب قسم

ويقول الذين كفروا اهؤلاء الذين اقساموا بالله جهدايمانهم * انهم لمعكم مائده/ ٥٣

فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ايديكم ثم جاءوك يحلفون بالله * ان اردنا الا احسانا

وتوفيقا نساء/ ٤٢

فيقسمان بالله * لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا مائده/ ١٠٧

وسيحلفون بالله * لو استطعنا لخرجنا معكم توبه/ ٤٢

فشهادة احدهم اربع شهادات بالله * انه لمن الصادقين نور/ ٤

واقسموا بالله جهد ايمانهم * لئن جائهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم فاطر/ ٤٢

واقسموا بالله جهدايمانهم * لئن امرتهم ليخرجن نور/ ٥٣

ثم لم تكن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا * ما كنا مشركين انعام/ ٢٣

فواصل آيات:

سوره يس آيات ٢-٤ والقرءان الحكيم * انك لمن المرسلين على صراط مستقيم

سوره دخان آيات ۲-۳ والكتاب المبين * انا انزلناه فى ليلة مباركة

سوره نجم آيات ۱-۳ والنجم اذا هوى * ما ضل صاحبكم وما غوى * وما ينطق عن الهوى

سوره قلم آيات ۱-۲ ن والقلم وما يسطرون * ما انت بنعمة ربك بمجنون

• وقف ميان قول ومقول آن مانند:

• واذا لقوا الذين ءامنوا قالوا * ءامنا واذا خلوا الى شياطينهم قالوا * انا معكم انما نحن

مستهزءون بقره / ۱۴

واذا قيل لهم * لا تفسدوا فى الارض بقره / ۱۱

فلما انبأهم باسماءهم قال * الم اقل لكم * انى اعلم غيب السموات والارض بقره / ۳۳

ليقولنَّ كأن لم تكن بينكم وبينه مودة * ياليتنى كنت معهم فأفوز فوزا عظيما نساء / ۷۳

قل لا اقول لكم * عندى خزائن الله انعام / ۵۰

ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب * هذا حلال وهذا حرام نحل / ۱۱۶

• وقف ميان اجزاء مقول قول با عطف مانند:

وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو * ولكم فى الارض مستقر ومتاع الى حين بقره / ۳۶

واذ قال ابراهيم رب اجعل هذا بلدا ءامنا * وارزق اهله من الثمرات من ءامن منهم بالله واليوم

الآخر بقره / ۱۲۶

قل اتحاجوننا فى الله وهو ربنا وربكم * ولنا اعمالنا ولكم اعمالكم ونحن له مخلصون

بقره / ۱۳۹

الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله * وانا اليه راجعون بقره / ۱۵۶

ومنهم من يقول ربنا ءاتنا فى الدنيا حسنة وفى الآخرة حسنة * وقنا عذاب النار بقره/ ٢٠١

قل فيهما اثم كبير ومنافع للناس * واثمهما اكبر من نفعهما بقره/ ٢١٩

ولما برزوا لجالوت وجنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبرا * وثبت اقدامنا * وانصرنا على القوم

الكافرين بقره/ ٢٥٠

وماكان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا فى امرنا * وثبت اقدامنا * وانصرنا

على القوم الكافرين آل عمران/ ١٤٧

الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها * واجعل لنا من لدنك وليا * واجعل

لنا من لدنك نصيرا نساء/ ٧٥

وقف ميان اجزاء قول بدون عطف مانند:

وقالوا سمعنا واطعنا * غفرانك ربنا واليك المصير بقره/ ٢٨٥

ربنا تقبل منا * انك انت السميع العليم بقره/ ١٢٩

قال اتستبدلون الذى هو ادنى بالذى هو خير * اهبطوا مصرا فإن لكم ما سألتم بقره/ ٦١

فتوبوا الى بارئكم فاقتلوا انفسكم * ذلكم خير لكم عند بارئكم فتاب عليكم بقره/ ٥٤

قال كذلك * الله يفعل ما يشاء آل عمران/ ٤٠

قال كذلك * الله يخلق ما يشاء آل عمران/ ٤٧

قال الحواريون نحن انصارالله * ءامنا بالله آل عمران/ ٥٢

قال ان سألتك عن شىء بعدها فلا تصاحبني * قد بلغت من لدنى عذرا كهف/ ٧٦

اجمعين شعراء/ ٤٩ سورة نحل آيات ٤٥-٤٧

فواصل آيات

يوسف آيات ١١-١٢ قالوا يا ابانا مالك لا تأمنا على يوسف وانا له لناصحون * ارسله معنا غدا يرتع ويلعب وانا له لحافظون (حيز قول)

سوره مؤمنون آيات ٩٣-٩٤ قل رب اماترينى ما يوعدون * رب فلا تجعلنى فى القوم الظالمين (حيز قول)

• وقف بر موصول

• وقف ميان صله وموصول

مانند: ان الذين يكتُمون ما * انزلنا من البينات والهدى من بعد ما * بيناه للناس فى الكتاب اولئك يلعنهم الله بقره/١٥٨

لا تحسبن الذين يفرحون بما * اوتوا ويحبون ان يحمدا بما * لم يفعلوا آل عمران/١٨٨

• وقف ميان اجزاء صله مانند:

الذين يؤمنون بالغيب * ويقيمون الصلوة * ومما رزقناهم ينفقون بقره/٣

الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه * ويقطعون ما امر الله به ان يوصل * ويفسدون فى الارض بقره/٢٧

الذى خلق لكم ما فى الارض جميعا * ثم استوى على العرش * فسويهن سبع سموات

بقره/٢٩

• وقف ميان علت ومعلل مانند:

قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم * ليحاجوكم به عند ربكم

بقره/٧٦ وكذلك جعلناكم امة وسطا * لتكونوا شهداء على

الناس بقره/١٤٤

يا ايهاالذين ءامنوا لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا لآخوانهم اذا ضربوا فى الارض او كانوا غزى

لو كانوا عندنا ماماتوا وماقتلوا * ليجعل الله ذلك حسرة فى قلوبهم آل

عمران/١٥٩

وينزل عليكم من السماء ماء * ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان

انفال/١٣ ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام *

لتفتروا على الله الكذب نحل/١١٦

ويجادل الذين كفروا بالباطل * ليدحضوا به الحق كهف/ ٥٦

ومن الناس من يشتري لهو الحديث * ليضل عن سبيل الله بغير علم لقمان/٦

مثال براى فواصل آيات

سوره انفال آيات ٣٦-٣٧ والذين كفروا الى جهنم يحشرون * ليميز الله الخبيث من الطيب

ويجعل الخبيث بعضه على بعض ميركمه جميعا فيجعله فى جهنم (تعليل)

سوره نحل آيات ٢٤-٢٥ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولين * ليحملوا

اوزارهم كاملة يوم القيامة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم (لام عاقبة)

• وقف ميان تميز ومميز مانند:

فى قلوبهم مرض فزادهم الله * مرضا بقره/ ١٠

فانفجرت منه اثنتا عشرة * عينا بقره/ ٦٠

فلن يقبل من احدهم ملاً الارض * ذهباً آل عمران/ ٩١

لتجدن اشد الناس * عداوة للذين ءامنوا اليهود والذين اشركوا مائده/ ٨٣

ان عدة الشهور عندالله اثنا عشر * شهرا فى كتاب الله توبه/ ٣٦

اذ قال يوسف لابيئه يا ابت انى رايت احد عشر * كوكبا يوسف/ ٤

قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الرأس * شيبا مريم/ ٤

• وقف ميان حال و ذوالحال مانند:

ومن الناس من يقول ءامنا بالله وباليوم الآخر * وما هم بمؤمنين بقره/ ٨

كيف تكفرون بالله * وكنتم امواتا فاحياكم بقره/ ٢٧

ويسفك الدماء * ونحن نسيح بحمدك ونقدس لك بقره/ ٣٠

فأغرقتنا ءال فرعون * وانتم تنظرون بقره/ ٥٠

فأخذتكم الصاعقة * وانتم تنظرون بقره/ ٥٥

• وقف بر ادات استثناء مانند:

واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا الا * ابليس ابى واستكبر وكان من الكافرين

بقره/ ٣٤

ومن يفعل ذلك فليس من الله فى شىء الا * ان تتقوا منهم تقية آل عمران/ ٢٨

سوره بقره آيات ١٦٢-١٦٣ اولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين * خالدین فیها

• وقف میان مستثنى و مستثنى منه مانند:

مانند: واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا * الا ابليس كان من الجن ففسق عن امر ربه

كهف/ ٥١

فما جزاء من يفعل ذلك منكم * الا خزي فى الحياة الدنيا بقره/ ٨٥

وما جعلنا القبلة التى كنت عليها * الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه بقره/ ١٤٣

ومن يفعل ذلك فليس من الله فى شىء * الا ان تتقوا منهم تقية آل عمران/ ٢٨

• وقف میان مؤكِّد ومؤكِّد مانند:

هو الذى خلق لكم ما فى الارض * جميعا بقره/ ٢٩

فسجد الملائكة * كلهم * اجمعون حجر/ ٣٠

والذى خلق الأزواج * كلها زخرف/ ١٢

• وقف بر حروف عطف

الطلاق مرتان في مساك بمعروف او* تسريح باحسان بقره/ ٢٢٩

• وقف ميان معطوف و معطوف عليه

عطف مفرد به مفرد مانند:

فيه ظلمات* ورعد* وبرق بقره/ ١٩

فاتقوا النار التي وقودها الناس* والحجارة بقره / ٢٤

ولكم في الارض مستقر* ومتاع الى حين بقره/ ٣٦

واذ اتينا موسى الكتاب* والفرقان لعلكم تهتدون بقره/ ٥٣

مما تنبت الارض من بقلها* وقتائها* وفومها* وعدسها* وبصلها بقره / ٦١

وضربت عليهم الذلة* والمسكنة بقره/ ٦١

واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت* واسماعيل بقره/ ١٢٧

عطف مفرد به جمله مانند:

سوره نساء آيات ٦٧-٦٨ واذا لاآتيناهم من لدنا اجرا عظيما* ولهديناهم صراطا مستقيما

سوره نساء آيات ١٠٥-١٠٦ ولا تكن للخائنين خصيما* واستغفر الله

سوره نساء آيات ١٥٦-١٥٧ وبكفرهم وقولهم على مريم بهتاننا عظيما* وقولهم انا قتلنا عيسى

بن مريم رسول الله

سوره انعام آيات ٧١-٧٢ وامرنا لنسلم لرب العالمين* وان اقيموا الصلوة واتقوه

• وقف میان صفت وموصوف

وبشر الذين ءامنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات * تجرى من تحتها الانهار بقره/ ۲۵

مثل برای فواصل آیات

سوره بقره آیات ۲-۳ هدی للمتقين * الذين يؤمنون بالغيب

سوره بقره آیات ۲۶-۲۷ وما يضل به الا الفاسقين * الذين ينقضون عهدالله من بعد ميثاقه

سوره مائده آیات ۱۵-۱۶ قد جائكم من الله نور و كتاب مبين * يهدى به الله من اتبع

رضوانه سبل السلام

• وقف میان مبدل منه وبدل

صراط الذين انعمت عليهم * غير المغضوب عليهم ولا الضالين فاتحه/ ۷

وما انزل على الملكين ببابل * هاروت وماروت بقره/ ۱۰۲

الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه ويقطعون ما امرالله به * ان يوصل بقره/ ۲۷

وارزق اهله من الثمرات * من ءامن منهم بالله واليوم الآخر بقره/ ۱۲۶

يسئلونك عن الشهر الحرام * قتال فيه بقره/ ۲۱۷

• وقف میان عطف بیان ومتعلق آن مانند:

ومن قتله منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم يحكم به ذوا عدل منكم او كفارة * طعام

مساكين مائده/٩٥

• وقف ميان ظرف ومتعلق آن

وانما توفون اجوركم * يوم القيامة آل عمران / ١٨٥

وله الملك * يوم ينفخ فى الصور انعام/٧٣

لن تنفعكم ارحامكم ولا اولادكم * يوم القيامة ممتحنه/٣

ويدخلكم جنات تجرى من تحتها الانهار * يوم لا يخزى الله النبى والذين ءامنوا معه

تحريم/٨

فواصل آيات

سوره آل عمران آيات ١٠٥-١٠٦ واولئك لهم عذاب عظيم * يوم تبيض وجوه وتسود وجوه

سوره توبه آيات ٣٤-٣٥ والذين يكنزون الذهب والفضة ولا ينفقونها فى سبيل الله فبشرهم

بعذاب اليم * يوم يحمى عليها فى نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم

• وقف ميان جار ومجرور ومتعلق آن مانند:

زين للناس حب الشهوات * من النساء والبنين والقناطير المقنطرة * من الذهب والفضة آل

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ * لِأُولَى الْأَلْبَابِ آل عمران/۱۹۰

فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ * مِنَ النَّبِيِّينَ نِسَاءً/۶۹

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ * حَتَّى نَأْتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رَسُولَ اللَّهِ أَنْعَامَ/۱۲۶

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي * إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ أَنْعَامَ/۱۶۱

فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا * مِنَ السَّمَاءِ * بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ بقره/۵۹

• وقف میان تفسیر و مفسر

وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ * لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ بقره/۸۳

وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ * لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ بقره/۸۴

و وَصَىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ * يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

بقره/۱۳۲

• وقف میان عامل و معمول

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ * قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ بقره/۱۲۸

پرسش و تمرین:

۱- وقف اضطراری را تعریف نموده و اقسام آن را فقط نام ببرید.

۱- حکم وقف بر کلا و بلی و نعم چگونه است؟ برای هر کدام یک مثال بیاورید.

۲- وقف میان فعل و فاعل و نایب فاعل چه حکمی دارد؟ همراه با مثال بیان نمایید.

- ۳- برای وقف میان فعل و مفعول در فواصل آیات مثال بزنید.
- ۴- وقف میان مبتدا و خبر چه حکمی دارد؟ همراه با مثال بیان نمایید.
- ۵- وقف میان شرط و جزا چه حکمی دارد؟ همراه با مثال بیان نمایید.
- ۶- تفاوت میان متعلق قسم و جواب قسم را در ضمن مثال توضیح دهید.
- ۷- وقف پیش از جمله حالیه چه حکمی دارد؟ در ضمن مثال بیان نمایید.
- ۸- برای وقف میان مستثنی و مستثنی منه در فواصل آیات چند مثال بزنید.
- ۹- وقف میان جار و مجرور و ظرف و متعلق آن ها چه حکمی دارد؟ همراه با مثال بیان نمایید.
- ۱۰- برای وقف میان صفت و موصوف در فواصل آیات چند مثال بیاورید.
- ۱۱- وقف در «صراط الذین انعمت علیهم» آیا حسن است یا قبیح با استدلال بیان کنید.
- ۱۲- وقف بر عبارت «اذ قال له ربه اسلم» بقره / ۱۲۸ چه حکمی دارد؟ مستدل بیان نمایید.

فصل پنجم

ابتداء واقسام آن

ابتداء واقسام آن

ابتداء : به معنای شروع و آغاز می باشد و در اصطلاح قرائت به معنای آغاز تلاوت بوده که به دو صورت متصور است ۱. شروع تلاوت که همراه با استعاذه می باشد و بدان ابتدای حقیقی گویند. ۲. ابتدای ناشی از وقف که به معنای ادامه تلاوت پس از وقف می باشد و مقصود اصلی از ابتداء همین است و از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. الإبتداء هو الشروع فی القراءة بعد قطع اووقف (حق التلاوة، ص ۱۰۵) بنابراین قاری قرآن ، با هر وقفی یک ابتدا نیز خواهد داشت و سزاوار است بهترین و مناسب ترین موضع را انتخاب نماید، به همین جهت علم (معرفة الوقوف) را دانش (وقف وابتدا) گویند. ممکن است از عبارت بعد از موقوف علیها ویا از عبارت ماقبل آن صورت گیرد، اعاده موقوف علیها را (استیناف) نیز گفته اند. ابتدای پس از وقف اضطراری از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا بازگشت به آغاز جمله بی مورد و غیر مفید خواهد بود. چنانچه قاری بر کلمه ای وقف اضطراری نمود در صورتی که مابعد کلمه موقوف علیها دارای معنای مفیدی باشد (حسن) ابتدای از آن جایز است ولی چنانچه نامفهوم ویا مغیر معنا باشد اعاده کلام از محل مناسب، ضروری است.

آغاز تلاوت

آغاز تلاوت از اهمیت فراوانی برخوردار بوده و سزاوار است از مواضعی قرائت آغاز گردد که مستقل بوده و در افاده معنا به ماقبل خود بستگی نداشته باشد. تشخیص و رعایت این مطلب از مهارت های قاری قرآن به شمار می رود.

آغاز تلاوت از ابتدای سوره های قرآن مناسب ترین حالات می باشد ولی چنانچه به خواهیم از میان سوره حتی از آیه دوم آن قرائت را آغاز کنیم سزاوار است به معنی و مفهوم آن توجه نموده و از ابتدای نامناسب پرهیزیم.

همیشه ابتدای اجزاء برای آغاز تلاوت مناسب نیستند به عنوان مثال آغاز جزء دوازدهم که از آیه ۶ سوره هود می باشد و نیز آغاز جزء ۲۳ که از آیه ۲۸ سوره یس است. آغاز تلاوت از رکوعات همیشه مناسب است؛ زیرا این تقسیم بندی براساس پایان مطلب انجام شده است. به همین جهت شناخت مواضع وقف در تشخیص ابتدای تام و کافی مؤثر است.

اقسام ابتداء :

ابتداء بر دو قسم است: حسن و قبیح ابتدای بعد از وقف تام و کافی «حسن» نامیده می شود. ابتدای قبیح ابتدای از کلمه ای است که از متعلقات جمله باشد مانند ابتدای از مفعول به، حال، تمیز، معطوف، بدل و نظایر آن ها. «فالحسن هو الإبتداء بلفظ بعد وقف تام اوکاف والقبیح هو الإبتداء بلفظ من متعلقات الجملة کالإبتداء بالمفعول به او الحال او التمیز او المعطوف او البدل او ما شبه ذلک» (احکام قرائة القرآن الکریم، ص ۲۶۱)

ابتداء نیز مانند وقف بر چهار قسم می باشد:

۱. ابتدای تام ۲. ابتدای کافی ۳. ابتدای حسن ۴. ابتدای قبیح

ابتدای تام: ابتدای از عبارتی است که مستقل بوده و هیچگونه تعلقی به ماقبل خود نداشته باشد. ابتدای پس از وقف تام همیشه تام است. مانند ابتدای از:

ولو ءامن اهل الكتاب لکان خیرا لهم آل عمران/ ۱۰۹

قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة فى القربى شوری/۲۳

ابتدای کافی : ابتدای از عبارتی است که از نظر لفظی کامل بوده و تنها از نظر معنا به ماقبل خود مرتبط باشد. ابتدای پس از وقف کافی همیشه کافی است؛ مانند ابتدای از:

وعلى ابصارهم غشاوة بقره/۷

وما یخدعون الا انفسهم وما یشعرون بقره/۹

الا انهم هم المفسدون ولكن لا یشعرون بقره/۱۲

ابتدای حسن ابتدای از عبارتی است که تعلق لفظی به ماقبل خود داشته باشد ولی دارای مفهوم مراد متکلم باشد. مانند:

ویقول الذین کفروا اهؤلاء الذین اقساموا بالله جهدايمانهم * انهم لمعکم مائده/۵۳

فکیف اذا اصابتهم مصیبة بماقدمت ایدیکم ثم جاءوک یحلفون بالله * ان اردنا الا احسانا
وتوفیقا نساء/۶۲

فیقسمان بالله * لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدینا مائده/۱۰۷

وسیحلفون بالله * لواستطعنا لخرجنا معکم توبه/۴۲

فشهادة احدهم اربع شهادات بالله * انه لمن الصادقین نور/۶

واقسموا بالله جهدايمانهم * لئن جائهم نذیر لیکونن اهدی من احدی الامم فاطر/۴۲

واقسموا بالله جهدايمانهم * لئن امرتهم لیخرجنّ نور/۵۳

ثم لم تکن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا * ما كنا مشرکین انعام/۲۳

ابتدای قبیح ابتدای از عبارتی است که دارای مفهوم نباشد مانند ابتدای از: مضاف الیه ، فاعل ، مفعول ، مفعول فیه ، مفعول له ، مفعول مطلق ، خبر ، جزای شرط ، جواب فعل طلب (امر ، نهی ، تمنی و عرض) ، جواب قسم.

ابتدای از عبارتی که که مغیر معنا ویا کفرآمیز باشد «اقبح» نامیده می شود؛ مانند ابتدای از:

لا یبعث الله من یموت نحل / ۳۸

لا تؤمن بالله مائده / ۸۴

لا اعد الذی فطرنی یس / ۲۲

غیر الله یأتیکم بضیاء قصص / ۷۱

غیر الله یأتیکم بلیل تسکون فیه قصص / ۷۲

غیر الله یرزقکم من السموات والارض فاطر / ۳

هذا ربی انعام / ۷۶

تقسیم دیگر:

ابتداء از نظر ابن جزری بردو قسم است : جایز غیر جایز

ابتدای جایز ابتدای از عبارتی است که:

۱. معنا ومفهوم مقصود از کلام را برساند. ۲. خلاف معنای مقصود از آن اراده نشود.

ابتدای غیر جایز یا قبیح ابتدای از عبارت یا کلمه ای است که رابطه لفظی محکمی با قبل از

خود داشته باشد به گونه ای که کلام را ناقص یا نامفهوم ساخته ویا درمعنای آن تغییر ایجاد

کرده ویا کفرآمیز باشد. بنابر این ابتدای قبیح نیز دارای مراتبی به شرح زیر است :

۱. ناقص مانند ابتدای از:

بما كانوا يكذبون بقره/۱۰

هدى وذكرى لأولى الألباب غافر/۵۴

من قبل هدى للناس آل عمران/۳

فى الدنيا والآخرة بقره/۲۲۰

۲. نامفهوم مانند ابتدای از:

تجارتهم وما كانوا مهتدين بقره/۱۶

عبدا اذا صلى علق/۱۰

ایمانا مع ایمانهم فتح/۴

وعدا الآخرة ليسوءوا وجوهكم اسراء/۷

۳. مغیر معنا مانند ابتدای از:

وایاکم ان اتقوا الله نساء/۱۳۱

وایاکم ان تؤمنوا بالله ربکم ممتحنه/۱

۴. کفر آمیز مانند ابتدای از:

لانؤمن بالله مائده/۸۴

لا اعبد الذی فطرنی یس/۲۲

غیر الله یا تیکم بضیاء قصص/۷۱

غير الله يأتىكم بليل تسكنون فيه قصص/ ٧٢

غير الله يرزقكم من السموات والارض فاطر/ ٣

هذا ربي انعام/ ٧٦

○ ابتدای از آغاز سخن کافران قبیح است؛ مانند:

انا قتلنا المسيح عيسى بن مريم نساء/ ١٥٧

لست مرسلا رعد/ ٤٣

وما اظن الساعة قائمة كهف/ ٣٦ فصلت/ ٥٠

يدالله مغلوله مائده/ ٦٤

ان الله فقير ونحن اغنياء آل عمران/ ١٨٢

ان الله هو المسيح بن مريم مائده/ ٧٢

ان الله ثالث ثلاثة نساء/ ٧٣

المسيح ابن الله توبه/ ٣٠

عزير بن الله توبه/ ٣٠

○ ابتدای از عبارتی که از گفتن آن نهی شده است. مانند:

لو كانوا عندنا ماماتوا وماقتلوا آل عمران/ ١٥٦

لست مؤمنا نساء/ ٩٤

هذا حلال وهذا حرام نحل/ ١١٧

▪ برخی ابتدای اقبح را ابتدای کفران نامیده اند.

موارد شایع ابتدای غیر جایز

• ابتدای از مدخول حروف از قبیل حرف نهی، نفی، شرط و استثناء متنند ابتدای از:

يَا تَكْمُ مِثْلَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ بقره/۲۱۵

تَحْزَنُوا عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا آصَابَكُمْ آل عمران/۱۵۳

جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لِّيَكُونُوا أَعْدِيًّا مِنْ أَهْلِ الْاٰمَةِ فاطر/۴۲

اِبْلِيسَ اَبِيْ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ بقره/۳۴

اَهْلَ بَيْتٍ يَّكْفُلُوْنَہ لَكُمْ قِصَصٌ/۱۳

• ابتدای از بخش دوم کلمات مرکب مانند ابتدای از:

عَشْرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ رَاٰتِهِمْ لِيْ سٰجِدِيْنَ يُوْسُفَ/۴

عَشْرَةَ عِيْنَآ قَدْ عَلِمَ كُلُّ اِنْسَانٍ مَّشْرِبَهُمْ بقره/۶۰

عَشْرَ نَقِيْبًا وَقَالَ اللهُ اِنِّىْ مَعَكُمْ مَّآئِدَةٌ/۱۱

مِآءٌ سِنِيْنَ وَاَزْدَادُوْا تِسْعًا كَهْفَ/۲۶

• ابتدای از مضاف اليه مانند ابتدای از :

عَدْنٌ تَجْرٰى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ بینه/۸

• ابتدای از اسم فاعل مانند ابتدای از:

خَزَنَتَهَا سَلَامٌ عَلَيكُمْ زمر/۸۳

صغار عند الله وعذاب شديد بما كانوا يمكرون انعام/ ١٢٤

الله العزيز الحكيم شوری/ ٣

اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا آل عمران/ ١٠

ماكانوا به يستهزءون انعام/ ١٠

من آمن بالله واليوم الآخر توبه/ ١٨

ايمانها لم تكن ءامنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا انعام/ ١٥٨

ماتدعوهم اليه شوری/ ١٣

سوءاتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة طه/ ١٢١

• ابتدای از نايب فاعل مانند ابتدای از:

الحيوة الدنيا ويسخرون من الذين ءامنوا بقره/ ١١٢

وجوههم قطعا من الليل مظلما يونس/ ٢٦

شفاعة و لا يؤخذ منها عدل ولا هم ينصرون بقره/ ٤٨

• ابتدای از مفعول به مانند ابتدای از:

كتاب الله وراء ظهورهم كانوا لا يعلمون بقره/ ١٠٠

رجزا من السماء بما كانوا يفسقون بقره/ ٦٠

العذاب

سوء

يسومهم

من

الذين تعبدون من

اعراف/ ١٦٧

دون الله يونس/ ١٠٤

الذين تدعون من دون الله غافر / ٦٦

• ابتدای از مفعول دوم مانند ابتدای از:

اربعین ليلة ثم اتخذتم العجل من بعده بقره / ٥١

ذوی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل بقره / ١٧٧

ان یأمنوکم ویأمنوا قومهم کلما ردوا الی الفتنة اركسوا فیها نساء / ٩١

• ابتدای از مفعول فیه مانند ابتدای از:

فی السبت فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین بقره / ٦٥

فی الدنيا والآخرة بقره / ١٢٠

لما جاءنی البینات من ربی غافر / ٦١

عند رسول الله حجرات / ٣

• ابتدای از مفعول له مانند ابتدای از:

حذرالموت فقال لهم الموت ثم احياهم بقره / ١٩

هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان (بقره / ١٨٥)

متاعا لكم وللسیارة مائده / ٩٦

ان تحبط اعمالکم وانتم لاتشعرون حجرات / ٣

افتراء علی الله انعام / ١٤٠

• ابتدای از مفعول مطلق مانند ابتدای از:

رغدا حیث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظالمین بقره / ٣٥

نباتا حسنا وكفلها زكريا آل عمران / ۳۶

طوعا وكرها واليه ترجعون آل عمران / ۸۳

• ابتدای از خبر مانند ابتدای از: لهم اجرهم عند ربهم بقره / ۲۶۲

كمثل الجنة ربوة اصابها وابل بقره / ۲۶۵

كمثل حبة انبتت سبع سنابل بقره / ۲۶۱

اولئك يؤمنون به بقره / ۱۲۴

اولئك اصحاب النار بقره / ۳۹

اولئك اصحاب الجنة اعراف / ۴۲

ان ربك من بعدها لغفور رحيم اعراف / ۱۵۳

• ابتدای از مبتدای مؤخر مانند ابتدای از: غشاوة ولهم عذاب اليم بقره / ۹

فدية طعام مسكين بقره / ۱۸۴

حرما عليهم كل ذى ظفر انعام / ۱۴۶

خزائن الله ولا اعلم الغيب انعام / ۵۰

• ابتدای از اسم حروف مشبیه بالفعل مانند ابتدای از:

بعدت عليهم الشقة وسيحلفون بالله توبه / ۴۲

وعدا لله حق ولكن اكثر الناس لا يعلمون قصص / ۱۳

• ابتدای از خبر حروف مشبیه بالفعل مانند ابتدای از:

فلهم اجرهم عند ربهم بقره / ۶۱

اولئك يلعنهم الله بقره/ ۱۵۸

اولئك ما يأكلون في بطونهم الا النار بقره/ ۱۷۴

• ابتدای از اسم افعال ناقصه مانند ابتدای از:

وجهه مسودا وهو كظیم نحل/ ۵۷

• ابتدای از خبر افعال ناقصه مانند ابتدای از: يقولون ويكأن الله يبسط الرزق لمن يشاء

ويقدر قصص / ۸۳

تصيبهم بما صنعوا قارعة رعد/ ۳۱

يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر قصص / ۸۲

• ابتدای از اسم افعال قلوب مانند:

الذين كفروا ان لن يبعثوا تغابن / ۷

• ابتدای از خبر افعال قلوب مانند ابتدای از:

تقيض من الدمع مما عرفوا من الحق مائده/ ۸۴

هو خيرا واعظم اجرا مزمل/ ۲۰

• ابتدای از اسم افعال مقاربه مانند ابتدای

از:

ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيرا منهن حجرات/ ۱۱

سنابره يذهب بالابصار نور/ ۴۳

الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر قلم/ ۵۱

- ابتدای از خبر افعال مقاربه (خبر افعال مقاربه همیشه فعل مضارع است.) مانند ابتدای
 - از: یخسفان علیهما من ورق الجنة طه/۱۲۱
 - لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر قلم/۵۱
- ابتدای از خبر لاء نفی جنس مانند:
 - فیه هدی للمتقین بقره/۲
- ابتدای از جزای شرط مانند ابتدای از:
 - قالوا انما نحن مصلحون بقره/۱۱
 - فأتوا بسورة من مثله بقره/۲۳
 - قالوا هذا الذی رزقنا من قبل بقره/۲۵
 - فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون بقره/۳۸
 - لکنتم من الخاسرین بقره/۶۴
 - لمثوبة من عند الله خیر بقره/۱۰۳
 - فله اجره عند ربه بقره/۱۱۳
 - یأت بکم الله جمیعا بقره/۱۴۸
 - ففدية من صیام او صدقة او نسک بقره/۱۹۶
 - فلیملل ولیه بالعدل بقره/۲۸۳
 - یجدالله غفورا رحیما نساء/۱۱۲
 - لقال الذین کفروا ان هذا الاسحر مبین انعام/۷

ما كانوا ليؤمنوا انعام/ ۱۱۱

ليكونن اهدى من احدى الامم فاطر/ ۴۲

فمن يجير الكافرين من عذاب اليم ملك/ ۲۹

• ابتدای جواب فعل طلب (امر ، نهی ، تمنی و عرض) مانند ابتدای از:

يبين لنا ماهي بقره/ ۶۶

يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم آل عمران/ ۳۱

ينشر لكم ربكم من رحمته كهف/ ۱۶

يفسح الله لكم مجادله/ ۱۱

يوؤتكم كفلين من رحمته حديد/ ۲۸

• ابتدای از متعلق قسم مانند ابتدای از:

بالله جهدايمانهم انهم لمعكم مائده/ ۵۳

بالله ان اردنا الا احسانا وتوفيقا نساء/ ۶۲

بالله لو استطعنا لخرجنا معكم توبه/ ۴۲

بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا انا اذا لمن الظالمين مائده/ ۱۰۷

• ابتدای از جواب قسم مانند ابتدای از :

انهم لمعكم مائده/ ۵۳

ان اردنا الا احسانا وتوفيقا نساء/ ۶۲

لو استطعنا لخرجنا معكم توبه/ ۴۲

انه لمن الصادقين نور/ ۶

لئن جائهم نذير لیکونن اهدى من احدى الامم فاطر/ ۴۲

ما كنا مشرکین انعام/ ۲۳

لئن امرتهم لیخرجنّ نور/ ۵۳

• ابتدای از مقول قول مانند ابتدای از:

عندی خزائن الله انعام/ ۵۰

یالیتنی کنت معهم فأفوز فوزا عظیما نساء/ ۷۳

هذا حلال وهذا حرام نحل/ ۱۱۶

الم اقل لکم * انی اعلم غیب السموات والارض بقره/ ۳۳

لا تفسدوا فی الارض بقره/ ۱۱

• ابتدای از اجزای مقول قول مانند ابتدای از:

ءامننا بالله آل عمران/ ۵۲

قد جئناک بآیة من ربک طه/ ۴۷

یالیت لنا مثل ما اوتی قارون انه لذو حظ عظیم (قصص/ ۷۹)

قد بلغت من لدنی عذرا کهف/ ۷۶

• ابتدای از صله مانند ابتدای از:

هو شفاء ورحمة للمؤمنین اسراء/ ۸۲

• ابتدای از تعلیل مانند ابتدای از:

لیحاجوکم به عند ربکم بقره/۷۶

لتکونوا شهداء علی الناس بقره/۱۴۴

لینذر یوم التلاق غافر/۱۵

ان یقول ربی الله غافر/۲۸

لیجزی الذین اساءوا بما عملوا نجم/۳۱

لتنذر ام القرى ومن حولها شوری/۷

لیجزی قوما بما كانوا یکسبون جائیه/۱۴

لیروا اعمالهم زلزال/۶

• ابتدای از تمیز مانند ابتدای از:

ذهبا ولو افتدی به آل عمران/۹۱

عداوة للذین ءامنوا الیهود والذین اشركوا مائده/۸۳

• ابتدای از حال و نیز ابتدای از جمله حالیه مانند ابتدای از:

وما هم بمؤمنین بقره/۸

وکنتم امواتا فاحیاکم بقره/۲۷

ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک بقره/۳۰

وانتم تنظرون بقره/۵۰

ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم بقره/۱۱۵

وله اسلم من فی السموات والارض طوعا اوکرها والیه ترجعون آل عمران/۸۳

والله شهيد على ما تعملون آل عمران/ ٩٨

نتلوها عليك بالحق بقره/ ٢٥٢ آل عمران/ ١٠٨

ولما يدخل الايمان فى قلوبكم حجرات/ ١٤

• ابتدای از مستثنی مانند ابتدای از:

ابليس ابى واستكبر وكان من الكافرين بقره/ ٣٤

خزى فى الحيوۃ الدنيا بقره/ ٨٥

لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه بقره/ ١٤٣

ان تتقوا منهم تقية آل عمران/ ٢٨

• ابتدای از تأکید مانند:

كلها وجعل لكم من الفلك والانعام ما تركيبون زخرف/ ١٢

• ابتدای از معطوف مانند ابتدای از:

وما انزل من قبلك وبالآخرة هم يوقنون

بقره/ ٤ والحجارة اعدت للكافرين

بقره/ ٢٤

والمسكنة وباءوا بغضب من الله بقره/ ٦١

واسماعيل ربنا تقبل منا بقره/ ١٢٧

وما انزل الى ابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب والاسباط بقره/ ١٣٦

وما اوتى موسى وعيسى بقره/ ١٣٦

وماوتی النبیون من ربهم بقره/۱۳۶

والذین ءامنو معه بقره/۲۱۵

وما جاءنا من الحق مائده/۸۳

• ابتدای از صفت ونیز ابتدای از جمله وصفیه مانند ابتدای از:

الله مهلكهم او معذبهم عذابا شديدا اعراف/۱۶۴

• ابتدای از بدل مانند ابتدای از:

لمن ءامن منهم اعراف/۷۵

من استطاع اليه سبيلا آل عمران / ۹۷

• ابتدای از عطف بیان مانند ابتدای از:

طعام مساكين او عدل ذلك صياما ليدوق وبال امره (مائده/۹۵)

• ابتدای از ظرف در صورتی که متعلق به ماقبل باشد. مانند ابتدای از:

يوم القيامة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز (آل عمران / ۱۸۵)

يوم ينفخ فى الصور (انعام/۷۳)

يوم لا يخزى الله النبى والذین ءامنوا معه (تحريم/ ۸)

يوم القيامة يفصل بينكم (ممتحنه/۳)

• ابتدای از جارو مجرور در صورتی که متعلق به ماقبل باشد. مانند ابتدای از:

من النساء والبنین والقناطر المقنطرة من الذهب والفضة آل عمران/ ۱۴

حتى نؤتى مثل ما اوتى رسل الله انعام/۱۲۴

الى صراط مستقيم دينا قبا ملة ابراهيم حنيفا انعام/١٦١

من السماء بما كانوا يظلمون اعراف/١٦٢

في كتاب الله يوم خلق السموات والارض توبه/٣٦

بما اوحينا اليك هذا القرءان يوسف/٣

من عباده لينذر يوم التلاق غافر/١٥

• ابتدای از حرف تفسیر مانند ابتدای از:

ان انذر الناس يونس/٢

ان اتبع ملة ابراهيم حنيفا نحل/١٢٣

الا تتخذوا من دوني وكيلا اسراء/٣

ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار بقره/٢٥

يابني ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم مسلمون بقره/١٣٢

• ابتدای از معمول مانند ابتدای از آیات زیر:

من قبل هدى للناس آل عمران/٣

ذرية بعضها من بعض آل عمران/٣٤

پرسش و تمرین:

- ۱- تعریف لغوی و اصطلاحی ابتداء را بنویسید.
- ۲- ابتداء حقیقی را تعریف نمایید.
- ۳- اعاده موقوف علیها را چه می نامند؟
- ۴- ابتدای تام را تعریف نمایید.
- ۵- ابتدای کافی را توضیح دهید.
- ۶- مقصود از ابتدای حسن چیست؟
- ۷- ابتدای اقبیح را تعریف کرده و نام دیگر آن را بنویسید.
- ۸- از نظر ابن جزری ابتدای جایز به چه مواردی اطلاق می گردد؟
- ۹- موارد شایع ابتدای غیر جایز (قبیح) را بنویسید.

فصل ششم تحلیل وقف وابتدا در آیات طولانی

وقف وابتدا در آیات طولانی

در فصل های پیشین، مبانی و اقسام و نیز مواضع وقف اختیاری بیان گردید. در قرآن کریم آیاتی یافت می شود که خواندن آن در یک نفس ممکن نیست و قاری ناگزیر از وقف وابتدای اضطراری می باشد؛ تشخیص مواضع وقف اضطراری و نیز ابتدای مناسب به مباحث ادبی، بلاغی و تفسیری مرتبط می باشد. در این بخش به بررسی این آیات می پردازیم:

سوره فاتحه آیه ۷

در صورت وقف بر «انعمت علیهم» ابتدای از مابعد هر چند مجرور و بدل از «الذین انعمت علیهم» می باشد، قابل اغماض است.

سوره بقره آیه ۴

در صورت وقف بر «من قبلک» ابتدای از مابعد هر چند عطف به ماقبل و در حیّز صله می باشد، قابل قبول است؛ زیرا نظم کلام تغییر یافته است.

سوره بقره آیه ۸

در صورت وقف اضطراری بر «وبالیوم الآخر» ابتدای از ما بعد که جمله حالیه است صحیح نمی باشد. ابتدای از «يقول» قابل توجیه است ولی ابتدای از «من يقول» که تداعی استفهام می کند، نامناسب است.

سوره بقره آیه ۹

وقف بر «وعلى سمعهم» نیکوست؛ زیرا عبارت بعد با خبر مقدم آغاز شده و در صورت وصل، ایهام عطف آن به «على سمعهم» وجود دارد؛ در ضمن، جمله اول فعلیه و جمله دوم اسمیه است.

سوره بقره آیه ۱۴

در این آیه وقف بر «قالوا اننا معكم» و ابتدای از «واذا خلوا الى شياطينهم» صحیح است. در صورت وقف بر «قالوا ءامننا» ابتدای از مابعد قابل توجیه است ولی سزاوار است در صورت توانایی، عبارت ها به یکدیگر متصل گردند.

سوره بقره آیه ۱۷

وقف بر کلمه «نارا» مفهوم و جایز است ولی کمال معنی در ادامه کلام است که معلوم شود، آتشی که منافقان افروختند تا روشنایی حاصل کنند دوام نیافته و خاموش شده و خداوند آنها را در تاریکی ها رها ساخته است. بنا بر این وقف بر «ذهب الله بنورهم» حسن مفهوم ولی ابتدای از «فلما اضئت ما حوله» صحیح است تا اتصال جملات حفظ گردد.

سوره بقره آیه ۱۹

در صورت وقف بر «وبرق» ابتدای از مابعد بنابراین که استیناف بیانی و جواب سؤال مقدر باشد جایز است.

سوره بقره آیه ۲۲

در صورت وقف بر کلمه «بناءً» ابتدای از ما بعد بنا بر وقف مرخص جایز است.

سوره بقره آیه ۲۲

وقف بر «فأتوا بسورة من مثله» وابتدای از همین عبارت توصیه می شود.

وقف بر «تجری من تحتها الانهار» و ابتدای از مابعد بنابر استیناف آن نیکوست

وصل عبارت «واتوا به متشابها» به ماقبل از اولیت بر خوردارمی باشد زیرا وجه حالیه بودن آن ترجیح دارد.

سوره بقره ۲۷

وقف بر «ان یوصل» وابتدای از «ویقطعون» قابل قبول است.

وقف بر «ما امرالله به» مغیر معنا است زیرا ممکن است تصور گردد خداوند به قطع آن امر کرده در صورتی که انتهای کلام «ما امرالله به ان یوصل» یعنی آن چه که خدابه وصل آن دستور داده است می باشد.

سوره بقره آیه ۳۰

وقف بر «واذقال.... خلیفة» بنابر این که جمله مفعول فعل «اذکر» مقدر باشد نیکوست ولی چنانچه عامل «اذ» راجله «قالوا اتجعل فیها من یفسد فیها» بدانیم، وصل آن مطلوب است .
وقف بر عبارت « انبئهم بأسمائهم» نیکوست زیرا جمله بعد با شرط آغاز شده است.

سوره بقره آیه ۴۸

دراین آیه جملات «لایجزی» تا «ولاهم ینصرون» صفات کلمه «یوما» بوده و سزاوار است اتصال آن حفظ شود. در صورت عدم توانایی وقف بر «شیئا» وابتدای از «لاتجزی» توصیه می شود، در غیر این صورت وقف بر «شفاعة» وابتدای از «ولایقبل» اجتناب ناپذیر است.

سوره بقره آیه ۴۹

در صورت وقف بر «سوء العذاب» ابتدای از مابعد بنا بر این که استیناف بیانی باشد جایز است ولی در صورت توانایی ابتدای از «یسومونکم» بهتر است.

سوره بقره آیه ۵۴

در این آیه وقف بر «فاقتلوا انفسکم» جایز است زیرا جمله مابعد (ذالکم خیر لکم عند بارئکم) با مبتدا آغاز شده و می تواند مستأنفه یا معترضه قرار گیرد.

سوره بقره آیه ۵۷

وقف بر «کلوا من طیبات ما رزقناکم» و ابتدای از ما بعد که از انشاء به خبر عدول شده نیکوست.

سوره بقره آیه ۵۸

وقف بر «وادخلوا الباب سجدا» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره بقره آیه ۵۹

وقف بر کلمه «ظلموا» که فاصله میان فعل و مفعول است، قبیح می باشد.

در صورت اضطرار وقف بر عبارت «قیل لهم» و ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

سوره بقره آیه ۶۱

وقف بر «مما تنبت الارض» و ابتدای از «فادع لنا ربک» صحیح است. در صورت عدم توانائی

وقف بر «لن نصبر علی طعام واحد» و ابتدای از همین عبارت صحیح است؛ وقف بر «فادع لنا ربک» ناقص بوده و پسندیده نمی باشد.

سوره بقره آیه ۶۲

وقف بر «فلهم اجرهم عند ربهم» که خبر «ان» می باشد حسن است؛ در صورت وقف اضطراری بر «والیوم الآخر» ابتدای از «والذین هادوا» صحیح است؛ زیرا عبارت «من ءامن بالله والیوم الآخر» صفت سه گروه یهودیان، صائبان و مسیحیان بوده و سزاوار است بدان متصل گردد. ابتدای از «من ءامن بالله والیوم الآخر» چون تداعی شرط یا استفهام می کند نا مناسب است.

سوره بقره آیه ۶۳

در صورت وقف بر «ورفعنا فوقکم الطور» ابتدای از مابعد که مقول قول مقدر است جایز می باشد؛ ولی در صورت توانایی وصل آن اولویت دارد.

سوره بقره آیه ۶۸

وقف بر عبارت «لا فارض ولا بکر» و ابتدای از مابعد که خبر مبتدای محذوف (هی عوان بین ذالک) می باشد، جایز است.

سوره بقره آیه ۷۱

وقف بر عبارت «ولا تسقی الحرث» و ابتدای از مابعد که خبر مبتدای محذوف (هی مسلّمه) می باشد، قابل توجیه است. در صورت بازگشت ابتدای از «لاذلول» قابل قبول است.

سوره بقره آیه ۷۵

وقف بر «یسمعون کلام الله» بیانگر مراد خداوند نیست بلکه مقصود اصلی کلام عبارت «ثمّ یحرفونه من بعد ما عقلوه» می باشد، بنابراین حداقل قرائت باید تا «ثمّ یحرفونه» ادامه یافته و سپس از همین عبارت ابتداء گردد

سوره بقره آیه ۷۶

در صورت وقف بر «قالوا آمنا» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است؛ ولی سزاوار است در صورت توانایی، عبارت ها به یکدیگر متصل گردند.

سوره بقره آیه ۷۹

وقف بر «ثم يقولون هذا من عندالله» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره بقره آیه ۸۰

سزاوار است عبارت «ام تقولون علی الله مالا تعلمون» به ماقبل خود وصل گردد؛ زیرا «ام» در این عبارت «متصله و معادل همزه استفهام (قل أتخذتم) می باشد.

سوره بقره آیه ۸۳

در صورت وقف بر «لا تعبدون الا الله» ابتدای از مابعد که متعلق به فعل محذوف می باشد، جایز است.

وقف بر «وقولوا للناس حسنا» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

در صورت وقف بر «وئاتوا الزکوة» ابتدای از مابعد که با «ثم» آغاز شده و عطف بر صدر آیه است قابل توجیه می باشد.

سوره بقره آیه ۸۵

در صورت وقف بر کلمه «والعدوان» ابتدای از «وان یا توکم» بنابر استیناف جایز است.

سوره بقره آیه ۸۷

در صورت وقف بر کلمه «استکبرتم» ابتدای از همین کلمه که آغاز جواب شرط است قابل قبول می‌باشد. ابتدای از مابعد که عطف بر جواب شرط است، قابل اغماض می‌باشد. وقف بر «ففریقا کذبتم» چندان مناسب به نظر نمی‌رسد. زیرا عبارت مابعد (وفریقا تقتلون) عطف و مکمل آن است.

سوره بقره آیه ۸۹

در صورت وقف بر کلمه «کفروا» ابتدای از مابعد که تکرار آغاز جمله بوده و تداعی استیناف می‌کند، قابل توجیه است.

سوره بقره آیه ۹۱

وقف بر «بما نزل علینا» و ابتدای از «قالوا» که آغاز جواب شرط می‌باشد صحیح است.

در صورت عدم توانایی وقف بر «وهو الحق» ابتدای از «ویکفرون بما وراءه» قابل قبول است.

سوره بقره آیه ۹۳

در صورت وقف بر «ورفعنا فوقکم الطور» ابتدای از «خذوا ماء اتیناکم» که مقول قول مقدر است جایز می‌باشد. مانند آیه ۶۳ همین سوره.

سوره بقره آیه ۹۴

وقف بر فتمنوا الموت و ابتدای از همین عبارت که جواب شرط می‌باشد؛ صحیح است. ولی

در صورت وقف اضرائی بر من «دون الناس» ابتدای از ما بعد، اضطرارا جایز است؛ زیرا در عبارت ماقبل، محل مناسبی برای اعاده وجود ندارد.

سوره بقره آیه ۹۷

وقف بر «باذن الله» وابتدای از «فانه نزله» مناسب است؛ زیرا آغاز جواب شرط می باشد.

سوره بقره آیه ۹۸

در صورت وقف اضطراری بر «ومیکال» ابتدای از مابعد که آغاز جواب شرط است؛ قابل اغماض می باشد.

سوره بقره آیه ۱۰۱

در صورت ناتوانی، از قرائت از ابتدای آیه تاوراء ظهورهم که «حسن» می باشد وقف بر «کتاب الله» قابل قبول است. در غیر این صورت، وقف بر «اوتوالکتاب» اجتناب ناپذیر است. در هر صورت، ابتدای صحیح کلمه «نبد» می باشد.

در صورت وقف اضطراری بر عبارت «لما معهم» برگشت به ماقبل وجهی نداشته و ابتدای از مابعد که آغاز جواب شرط است؛ ازباب ضرورت، جایز می باشد.

سوره بقره آیه ۱۰۲

وقف بر «علی ملک سلیمان» نیکوست؛ زیرا بهتر است جمله مابعد مستأنفه قرار گیرد. در صورت وقف بر کلمه «السحر» ابتدای از عبارت «یعلمون الناس» صحیح است؛ زیرا عبارت «وماانزل» عطف به کلمه «السحر» بوده و سزاوار است اتصال آن رعایت شود. ولی در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد قابل توجیه است که در این صورت «ما» در «وماانزل» نافی و یا عطف بر «مااتلواالشیاطین» در آغاز آیه فرض شده و وصل آن ممکن نیست. عبارت «لوکانو یعلمون» شرطیه محسوب می شود که جواب آن محذوف بوده و از جمله قبل مستفاد می گردد بنابر این وصل آن به ماقبل نیکوست.

سوره بقره آیه ۱۰۹

وقف مناسب در این آیه من عند انفسهم و در صورت عدم توانایی کلمه «کفار» می باشد. در هر دو صورت ابتدای از حسدا قابل قبول است. در صورت دوم ابتدای از «لویردونکم» اولویت دارد وقف بر حسدا چندان مناسب به نظر نمی رسد زیرا ممکن است تصور گردد که این کلمه صفت کفار باشد.

سوره بقره آیه ۱۱۲

وقف بر «فله اجره عند ربّه» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است قابل قبول می باشد.

سوره بقره آیه ۱۱۳

جمله «وهم يتلون الكتاب» حالیه بوده و شامل هر دو گروه یهود و نصاری می گردد، لذا وقف بر علی شیء اول هر چند مفهوم است ولی صحیح نمی باشد.

سوره بقره آیه ۱۲۳

این آیه شبیه آیه ۴۸ همین سوره می باشد و جملات «لایجزی» تا «ولاهم ینصرون» صفات کلمه «یوما» بوده و سزاوار است اتصال آن حفظ شود. در صورت عدم توانایی وقف بر «شیئا» و ابتدای از «لاتجزی» توصیه می شود، در غیر این صورت، وقف بر کلمه «عدل» و ابتدای از «ولایقبل» اجتناب ناپذیر است.

سوره بقره آیه ۱۲۴

وصل عبارت «قال انی جاعلک للناس اماما» به ماقبل ووقف برآن، نیکوست زیرا عامل «اذ» جمله «قال انی جاعلک للناس اماما» می باشد. وصل دو عبارت «قال ومن ذریتی» به ما بعد که سؤال و جواب می باشند اولویت دارد.

سوره بقره آیه ۱۲۶

وقف بر «وارزق اهله من الثمرات» مغیر معنا می باشد زیرا عبارت «من آمن منهم» صفت یا بدل کلمه «اهله» بوده و مفهوم آن چنین است: واهل آن را - آنها که ایمان به خدا وروز واپسین دارند- از ثمرات گوناگون روزی ده؛ ولی در صورت وقف بر کلمه «الثمرات» کلمه اهله مطلق بوده و شامل مؤمنان و کافران می گردد.

سوره بقره آیه ۱۲۷

در صورت وقف بر واسمعیل ابتدای از ما بعد که مقول قول محذوف (یقولان) می باشد جایز است.

وصل عبارت «انک انت السميع العليم» به ماقبل آن نیکوست؛ زیرا داخل در دعای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) می باشد.

سوره بقره آیه ۱۲۸

در صورت وقف بر «مسلمة لک» ابتدای از مابعد آن جایز است زیرا جمله «وأرنا مناسکنا» عطف به جمله «واجعلنا مسلمین لک» بوده ووقف میان آنها کافی بشمار می رود. ابتدای از «ومن ذریتنا» که عطف به مفعول اول «واجعلنا» می باشد صحیح نیست. وصل

عبارت «انک انت التواب الرحیم» به ماقبل آن نیکوست؛ زیرا داخل در دعای حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل (ع) می باشد.

سوره بقره آیه ۱۳۳

وقف بر «اذ قال له ربّه اسلم» جایز نیست زیرا عامل «اذ» جمله «قال اسلمت لربّ العالمین» می باشد.

سوره بقره آیه ۱۳۲

در صورت وقف بر کلمه «یعقوب» ابتدای از مابعد قابل قبول است زیرا جمله مابعد آن که با حرف نداء آغاز شده متعلق به فعل محذوف بوده و دارای مفهوم کامل و مشتمل بر سفارش حضرت ابراهیم (ع) و حضرت یعقوب (ع) به فرزندان شان می باشد.

سوره بقره آیه ۱۳۳

در صورت وقف بر «من بعدی» ابتدای از مابعد که مستأنفه و در پاسخ «ما تعبدون من بعدی» آمده است، جایز است.

در صورت وقف اضطراری بر «الها واحدا» ابتدای از ما بعد از باب وقف مرخص صحیح است.

سوره بقره آیه ۱۳۶

وقف بر کلمه «ابراهیم» و ابتدای از «وما انزل» و وقف بر کلمه «عیسی» و ابتدای از «وما اوتی» از باب اضطرار قابل توجیه است هر چند در این صورت ما (نافیه) تداعی می گردد به همین سبب برخی قاریان پس از وقف بر «وما اوتی موسی و عیسی» از کلمه «والاسباط» ابتدا

کرده اند که بسیار عجیب می نماید. باید بدانیم در صورت وقف بر «والاسباط» ابتدای از مابعد از باب وقف مرخص جایز است؛ زیرا در عبارت ماقبل محل مناسبی برای ابتداء وجود ندارد.

همچنین در صورت وقف «بر من ربهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است.

سوره بقره آیه ۱۴۲

وقف بر قل لله المشرق والمغرب «کافی» است ولی در صورتی که جمله مابعد را در حیّز قول بدانیم وصل آن اولویت دارد.

سوره بقره آیه ۱۴۲

در صورت وقف اضطراری بر کلمه «الناس» ابتداء از «لتکونوا» صحیح است؛ زیرا عبارت «ویکون الرسول علیکم شهیدا» عطف بر «لتکونوا شهداء علی الناس» می باشد.

سوره بقره آیه ۱۴۵

عبارت «انک اذا لمن الظالمین» جواب شرط ماقبل است و می بایستی بدان متصل گردد. در صورت وقف اضطراری بر پایان جمله شرطیه ابتدای از مابعد ناپسند است.

این آیه شبیه به آیه ۱۲۰ سوره بقره می باشد و عبارت «مالک من الله من ولی ولا نصیر» جواب شرط ماقبل است و می بایستی بدان متصل شود؛ ابتدای از جواب شرط کفر آمیز است و اجتناب از آن ضرورت دارد.

ابتدای از عبارت «انک اذا لمن الظالمین» به سبب وجود کلمه «اذا» از حساسیت کمتری نسبت به عبارت «مالک من الله من ولی ولا نصیر» برخوردار است.

سوره بقره آیه ۱۵۰

در صورت وقف بر «واخشونی» ابتدای از مابعد (ولیتم) که با لام تعلیل و به همراه واو آغاز شده است ، قابل قبول می باشد.

سوره بقره آیه ۱۵۸

وقف حسن در این آیه عبارت «اولئک یلعنهم الله» می باشد؛ در صورت وقف بر فی الکتاب ابتدای از مابعد بهتر از ابتدای از «من بعد مابیناه للناس» می باشد ابتدای از «والهدی» به هیچ وجه صحیح نمی باشد، زیرا عطف به «من البینات» بوده و مجرور است.

اولین

سوره بقره آیه ۱۶۴

وقف اضطراری در این آیه کلمه «والفلک» و بهتر از آن عبارت بما ینفع الناس یا حداقل فی البحر می باشد و در هر صورت ابتدای از «والفلک» صحیح است.

دومین وقف اضطراری در صورت یاری کردن نفس عبارت «وتصریف الریاح» می باشد تا از همین عبارت ابتدا شود. در صورت وقف بر «من کل دابه»، سجاوندی ابتدای از ما بعد را مرخص می شمارد تا تصور نشود که عبارت وتصریف الریاح عطف به وبث فیها من کل دابه باشد به همین سبب توصیه می شود چنانچه بر من بعد موتها وقف گردید از عبارت «وما نزل الله من السماء من ماء» ابتدا شود که وتصریف الریاح عطف به آن است همچنین اگر بر منکل دابه وقف گردید ابتدای صحیح عبارت از «وما نزل الله من السماء من ماء» می باشد و در صورت عوم امکان روش سجاوندی اجتناب ناپذیر است.

سوره بقره آیه ۱۷۴

وقف حسن در این آیه عبارت «اولئك ما يأكلون في بطونهم الا النار» می باشد؛ در صورت
وقف بر «ثناقلیلا» ابتدای از مابعد بهتر از ابتدای از «ویشترن به ثناقلیلا» می باشد؛
هرچند برای رعایت اتصال، ابتدای از ماقبل نیز توجیه دارد.

سوره بقره آیه ۱۷۷

این آیه از مصادیق وقف مرخص ضروری است؛ وقف بر «والمغرب» و «النبیین» و «فی الرقاب»
و ابتدای از ما بعد آن هارخصت داده شده است. در
صورت توانائی وقف بر من ءامن بالله و ابتدای از همین عبارت اولویت دارد. وقف
بر «وءاتی المال» و یا «وءاتی المال علی حُبّه» که فاصله میان مفعول اول و مفعول دوم است
قبیح شمرده شده است. وقف بر «واقام الصلوة» و بهتر از آن «وءاتی الزکوة» از وقف بر «وفی
الرقاب» به جهت رعایت اتصال لفظی جملات شایسته تر است. برخی قاریان از «وفی
الرقاب» ابتدا نموده اند که نامناسب می باشد.

سوره بقره آیه ۱۷۸

وقف بر «فی القتلی» و ابتدای از مابعد که مستأنفه است نیکو می باشد.
وقف بر «ورحمة» نیکو و پسندیده است زیرا جمله مابعد هرچند بافاء آغاز شده داخل در حکم
ماقبل نیست بنابر قول سجاوندی اعتداء خارج از فرض حکم است.

سوره بقره آیه ۱۸۰

در صورت وقف بر «ان ترک خیرا» و ناتوانی از قرائت از آغاز آیه ابتدای از مابعد اجتناب ناپذیر است.

سوره بقره آیه ۱۸۳

در صورت ناتوانی از خواندن این آیه در یک نفس، وقف بر «کتب علیکم الصیام» و ابتدای از همین عبارت صحیح است؛ در صورت وقف بر «من قبلکم» ابتدای از «کما کتب» نامناسب است

عبارت «ایاما معدودات» متعلق به «کتب علیکم الصیام» در آیه پیشین است ولی وصل آن به «لعلکم تتقون» مغیر معناست به همین سبب وصل آن به ماقبل توصیه نمی شود.

سوره بقره آیه ۱۸۵

وقف اضطراری «ولتکملوا العدة» می باشد و ابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت وقف بر کلمه «العسر» ابتدای از مابعد که با لام تعلیل آغاز شده و به همراه واو می باشد، قابل قبول است.

سوره بقره آیه ۱۸۶

وقف بر «اذا دعان» و ابتدای از «فلیستجیبوا لی» که با فعل امر آغاز شده نیکو و پسندیده است.

سوره بقره آیه ۱۸۸

در صورت اضطرار، وقف بر «بالاثم» و ابتدای از «لتأکلوا» صحیح است. وقف بر «فریقا» که برخی قاریان انجام داده اند، مغیر معنا بوده و سزاوار است، بر «الی الحکام» وقف گردد؛ در

این صورت ابتدای از «وتدلوا بها» که عطف به «ولاتأكلوا» و در تقدیر (ولاتدلوا بها) می باشد صحیح نیست ، ولی گریزی از آن نمی باشد.

سوره بقره آیه ۱۹۵

وقف بر «واحسنوا» به دلیل عطف آن به «وانفقوا» برتر است ولی چنانچه بر «الی التهلكه» وقف گردید وصل عبارت «واحسنوا» به مابعد که در آن تعلیل نهفته است توصیه می شود. حصری در ترتیل مشهور خویش این گونه خوانده است.

سوره بقره آیه ۱۹۶

عبارت «تلك عشرة كاملة» اشاره به جمله قبل دارد به همین سبب وصل آن، اولویت دارد.

سوره بقره آیه ۲۰۱

در صورت وقف بر «وفی الآخرة حسنة» ابتدای از مابعد مفهوم وقابل قبول است ولی ابتدای از «ربنا ءاتنا فی الدنيا حسنة» که آغاز مقول قول صالحان است نیکو و پسندیده است.

سوره بقره آیه ۲۱۲

وقف بر «منذرين» و ابتدای از «فبعث الله» صحیح است.

سوره بقره آیه ۲۱۴

وقف بر «من قبلکم» و ابتدای از مابعد آن که استیناف بیانی و جواب سؤال مقدّر است، نیکو و پسندیده است.

سوره بقره آیه ۲۱۶

وقف بر «قل قتال فيه كبير» وقف بیان است تاروشن شود جمله مابعد با مبتدا آغاز گردیده
و خبر آن «اکبر عندالله» می باشد ؛ در صورت وصل به ماقبل ممکن است تصور شود کلمه
«صدّ» عطف بر «کبیر» باشد.

سوره بقره آیه ۲۲۰

عبارت «فی الدنيا والآخرة» متعلق به «لعلکم تتفکرون» در آیه پیشین است و سزاوار است بدان
وصل گردد.

سوره بقره آیه ۲۲۱

جمله «والله یدعو الی الجنة» عطف به «اولئک یدعون الی النار» بوده و وصل آن ها نیکوست.

سوره بقره آیه ۲۲۷

وقف بر «اربعة اشهر» نیکوست زیرا جمله مابعد شرطیه می باشد که بافاء آغاز شده است.

سوره بقره آیه ۲۲۹

وصل عبارت «الطلاق مرتان» به مابعد آن که بافاء تعقیب آغاز گردیده نیکو می باشد.

سوره بقره آیه ۲۳۰

وقف بر «حتی تنکح زوجا غیره» نیکوست زیرا عبارت مابعد هر چند ممکن است عطف به
ماقبل باشد ولی مفهوم جدیدی را القاء می کند که مورد انتظار نیست.

سوره بقره آیه ۲۳۲

وقف بر «ان ینکحن ازواجهن» وابتدای از «فلا تعضلوهن» حسن است.

سوره بقره آیه ۲۳۷

وقف اضطراری در «فنصف ما فرضتم» مناسب و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره بقره آیه ۲۴۱

در صورت ناتوانی می توان بر کلمه «ازواجهم» وقف و از «وصیّة» ابتداء نمود.

سوره بقره آیه ۲۴۳

وقف بر «حذر الموت» حسن و ابتدای از مابعد از باب وقف مرخص، صحیح است.

سوره بقره آیه ۲۴۸

در صورت وقف بر «من ربکم» ابتدای از «فیه سکینة» و یا «ان یأتیکم التابوت» قابل قبول می باشد.

سوره بقره آیه ۲۴۹

وقف بر کلمه «بنهر» و ابتدای از مابعد آن که با شرط آغاز شده جایز می باشد. عبارت «الامن اغترف غرفة بیده» استثناء از «فمن شرب منه» می باشد و سزاوار است بدان متصل گردد. ابتدای از «ومن لم یطعمه» و وصل آن به «الامن اغترف غرفة بیده» نامناسب است

سوره بقره آیه ۲۵۰

در صورت اضطرار و وقف بر «قالوا» و ابتدای از همین کلمه مناسب است تا تمامی دعاها که مشتمل بر سه فقره می باشد در یک نفس، خوانده شود.

سوره بقره آیه ۲۵۱

وقف بر «فهزموهم بإذن الله» جایز و مفهوم است ولی وصل آن به جمله بعد نیکوست زیرا سبب هزیمت و شکست، کشته شدن جالوت به دست داوود می باشد.

سوره بقره آیه ۲۵۳

وقف حسن در این آیه عبارت «ولکن اختلفوا» می باشد. در صورت عدم توانائی و وقف بر «من بعد ماجائتهم البینات» گریزی از ابتدای مابعد نیست.

سوره بقره آیه ۲۵۴

در صورت ناتوانی وقف بر «مما رزقناکم» و ابتدای از «انفقوا» مناسب است تا اتصال عبارات حفظ گردد.

سوره بقره آیه ۲۵۷

در این آیه وقف بر کلمه های «الملک» و «امیت» جایز بوده ولی وقف بر «یحیی ویمیت» جایز نیست زیرا جمله بعد از آن متعلق به «اذ قال» می باشد. عبارت «فبهت الذی کفر» نتیجه اصلی از احتجاج حضرت ابراهیم با نمرود می باشد؛ بنابراین در صورت وقف بر «فأت بها من المغرب» تکرار این عبارت برای وصل به مابعد، توصیه نمی شود تا استقلال آن حفظ گردد.

سوره بقره آیه ۲۵۹

در صورت وقف بر کلمه «عروشها» ابتدای از مابعد از باب وقف مرخص جایز است؛ زیرا جمله ماقبل حالیه بوده و ابتدای از آن صحیح نمی باشد.

سوره بقره آیه ۲۶۲

بهترین محل برای وقف اضطراری در این آیه عبارت «عند ربهم» و ابتدای از «لهم اجرهم» نیکو می باشد. در صورت وقف بر «والادی» برگشت به ماقبل بجز رعایت اتصال کلام فایده ای دربر نداشته و ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره بقره آیه ۲۶۴

وقف بر «والادی» و ابتدای از «لاتبطلوا» که آغاز جمله ندائیه می باشد، از باب اضطرار صحیح است؛ در ادامه پس از وقف بر «رئاء الناس» از «کالذی» ابتداء گردد.

سوره بقره آیه ۲۶۵

عبارت «فان لم یصبها وابل فطل» داخل در مثال و تشبیه است؛ وقف اضطراری در این آیه به ترتیب اولویت، کلمات «ضعفین»، «وابل» و «بربوة» می باشد در صورت وقف بر هر کدام، ابتدای از «کمثل الجنة» صحیح است.

سوره بقره آیه ۲۶۶

مقصود اصلی از استفهام در این آیه کلمه «فاحترقت» می باشد و در صورت اضطرار وقف بر «له فیها من کل الثمرات» و ابتدای از همین عبارت صحیح است در صورت وقف بر کلمه «ضعفاء» ابتدای از «واصابه الکبر» اولویت دارد.

سوره بقره آیه ۲۷۲

وقف بر کلمات «فی الارض»، «من التعفف» و «بسیماهم» ابتدای از مابعد آن ها بنا بر «استیناف» جایز است؛ ولی وصل این عبارات اولویت دارد، زیرا بهتر است «حالیه» قرار گیرند.

سوره بقره آیه ۲۷۳

وقف اضطراری در این آیه عبارت «فلهم اجرهم عند ربهم» می باشد، و ابتدای از همین عبارت که آغاز خبر «ان» است صحیح می باشد؛ در صورت وقف بر «سراً و علانیة» ابتدای از مابعد رخصت داده شده زیرا ابتدای مناسبی در عبارت قبل، وجود ندارد.

سوره بقره آیه ۲۷۵

وقف بر عبارت «مثل الربا» که انتهای سخن کافران است، نیکو و پسندیده است، هر چند جمله مابعد ممکن است «حالیه» باشد؛ زیرا در صورت وصل این شبهه را القاء می کند که این جمله نیز از گفته آنان باشد.

سوره بقره آیه ۲۷۵

وقف اضطراری در این آیه عبارت «لهم اجرهم عند ربهم» می باشد، و ابتدای از همین عبارت صحیح می باشد؛ در صورت وقف بر «وئاتوا الزکوة» ابتدای از مابعد، مفهوم وقابل توجیه است؛ زیرا در عبارت قبل ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره بقره آیه ۲۸۱

وقف بر «واتقوا یوما ترجعون فیہ الی الله» جهت تأکید، پسندیده است جمله مابعد با «ثم» آغاز شده و فاصله میان انشاء و خبر می باشد.

سوره بقره آیه ۲۸۲

وقف بر «من الشهداء» حسن است ولی ابتدای از «فرجل وامراتان» صحیح است.

وقف بر «وادی ان لاترتابوا» جایز وابتدای از مابعد صحیح است؛ زیرا عبارت «الا ان تکون تجارة حاضرة تدیرونهابینکم» استثنای از «فاکتبوه» درآغاز آیه است؛ برخی استثناء را منقطع و «الّا» را به معنای «لکن» گرفته اند. تأکید می شود وصل «الا ان تکون تجارة» به جمله «ذلکم اقسط عندالله...» مغیر معنا و بسیار نامناسب بوده و می بایستی از آن اجتناب گردد.

سوره بقره آیه ۲۸۵

وصل عبارت «غفرانک ربنا» به ماقبل مناسب نمی باشد زیرا دعای مستقلی بوده و در صورت وصل ایهام دارد که «غفرانک» مفعول «اطعنا» باشد درحالی که مفعول فعل محذوف (نسألک) می باشد.

سوره بقره آیه ۲۸۶

وقف بر هریک از جمله های «واعف عنا» ، «واغفرلنا» و «وارحمنا» که هرکدام دعای مستقلی بوده نیکو است .

جمله «انت مولانا» مقدمه دعای مابعد است و سزاوار است بدان متصل گردد.

سوره آل عمران آیه ۳

وقف بر عبارت «لمابین یدیه» بنا بر استیناف مابعد جایز است.

سوره آل عمران آیه ۷

در صورت ناتوانی از وقف بر کلمه «متشابهات» وقف بر «هو الذی انزل علیک الکتاب»
و ابتدای از مابعد توصیه می شود زیرا عبارت های «منه آیات محکمت»
و «آخر متشابهات» عدل یکدیگر بوده و اتصال آن ها لازم است.

وقف بر «وما یعلم تأویله الا الله» بنا بر استیناف مابعد جایز است (نظر علامه طباطبائی نیز همین
است) بیشتر مفسران عبارت «والراسخون فی العلم» را عطف به ماقبل گرفته اند ولی همان
گونه که گفته شد وقف بر ماقبل آن جایز است.

سوره آل عمران آیه ۱۴

عبارت «والقناطر المقنطرة من الذهب والفضة» یک فراز بوده و عطف بر کلمه «النساء» می
باشد؛ بنابراین در صورت اضطرار، وقف بر کلمه «والفضة» ابتدای از «والقناطر المقنطرة»
صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۱۵

در صورت وقف بر «خالدین فیها» ابتدای از «جنات» صحیح است تا اتصال معطوفات حفظ
گردد.

سوره آل عمران آیه ۲۱

خبر «ان» عبارت «فبشرهم بعذاب الیم» می باشد؛ در صورت اضطرار وقف بر «بغیر الحق»
و ابتدای از «ویقتلون النبیین» صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۲۲

در صورت وقف بر «والآخرة» ابتدای از ما بعد که با نفی آغاز شده و می تواند مستأنفه باشد جایز است.

سوره آل عمران آیه ۲۳

مقصود اصلی از استفهام تعجب در این آیه «ثمَّ يتولَّى فریق منهم» می باشد؛ در صورت اضطرار وقف بر «لیحکم بینهم» و ابتدای از «یدعون» مناسب است.

سوره آل عمران آیه ۲۶

در این آیه کلمات «تؤتی» و «تنزع» و نیز «تعزّ» و «تذلّ» ردیف یکدیگر بوده و اتصال آن ها پسندیده است. در صورت وقف بر «وتنزع الملك ممن تشاء» ابتدای از «تؤتی الملك من تشاء» صحیح است و در صورت عدم امکان، ابتدای از مابعد آن رخصت داده شده است.

سوره آل عمران آیه ۲۷

عبارت های «تولج الیل فی النهار» و «تولج النهار فی الیل» و نیز «تخرج الحیّ من المیت» و «تخرج المیت من الحیّ» متقارن یکدیگر بوده و چنانچه بر «فی الیل» وقف گردد ابتدای از مابعد آن صحیح است در ضمن توصیه می شود بر «من الحی» نیز به جهت رعایت هماهنگی وقف شود.

سوره آل عمران آیه ۳۰

عبارت «وما عملت من سوء» عطف به «ما عملت من خیر» می باشد. بنابراین وقف بر «وما عملت من سوء» حسن و ابتدای از مابعد رخصت داده شده است؛

البته برگشت به به عبارت قبل در صورت امکان اولویت دارد.

سوره آل عمران آیه ۳۲

وقف بر «قل اطیعوا الله والرسول» نیکوست؛ زیرا در جمله بعد، التفات از انشاء به خبر صورت گرفته است.

سوره آل عمران آیه ۳۶

وقف بر «ولیس الذکر کالانثی» کافی است؛ زیرا جمله «والله اعلم بما وضعت» معترضه بوده و میان کلام فاصله شده است. در صورت وقف بر «بما وضعت» ابتدای از مابعد مرخص می باشد. زیرا جمله ما بعد بدان عطف نشده بلکه به جمله قبل از آن عطف گردیده است.

سوره آل عمران آیه ۳۷

وقف بر «وکفلها زکریا» نیکوست زیرا جمله بعد با «کلما» آغاز شده و شرطیه و مستأنفه می باشد.

جمله «ان الله یرزق من یشاء بغير حساب» ادامه قول حضرت مریم بوده و سزاوار است به ماقبل خود متصل گردد.

سوره آل عمران آیه ۳۹

در این آیه وقف اختیاری وجود ندارد و وقف بر «بیحیی» و «من الله» حسن مفهوم و ابتدای از «ان الله» و «مصدقا» قابل قبول است.

سوره آل عمران آیه ۴۴

در صورت وقف بر «ایّهم یکفل مریم» ابتدای از مابعد که عطف جمله به جمله می باشد جایز، ولی در صورت امکان وصل آن اولی است.

سوره آل عمران آیه ۴۵

در صورت وقف بر «عیسی بن مریم» ابتدای از «انّ الله یشکر بکلمة منه» که آغاز سخن فرشتگان است صحیح می باشد. در صورت عدم امکان ابتدای از مابعد (وجیها فی الدنيا والآخرة) مرخص شمرده شده است.

سوره آل عمران آیه ۴۷

وقف بر «کذالک» که در تقدیر (الامر کذالک) می باشد جایز است؛ و ابتدای از «الله یخلق من یشاء» که بامبتدا آغاز شده و مستأنف و در حیز قول است، وقف بیان می باشد.

سوره آل عمران آیه ۵۲

عبارت «قال الحواریون نحن انصارالله» در پاسخ «من انصاری الی الله» بوده و سزاوار است بدان متصل گردد. ولی به جهت طول کلام، وقف بدون مکث زیاد توصیه می شود تا نظم و توالیقرائت حفظ گردد.

سوره آل عمران آیه ۵۵

وقف بر «کفروا» و ابتدای از «ومطهرک» صحیح است. در صورت عدم امکان ابتدای از مابعد (وجاعل الذین کفروا) رخصت داده شده است.

سوره آل عمران آیه ۵۶

در صورت وقف بر «والآخرة» ابتدای از ما بعد که با نفی آغاز شده و می تواند مستأنفه باشد جایز است.

سوره آل عمران آیه ۵۹

در صورت وقف بر «کمثل ءادم» ابتدای از مابعد که می تواند استیناف بیانی باشد نیکو و وقف بیان می باشد.

سوره آل عمران آیه ۶۱

وقف بر «وانفسکم» که آخرین عطف بر مفعول است بهترین وقف اضطراری است؛ و ابتدای از کلمه «فقل» صحیح می باشد. در صورت عدم امکان ، ابتدای از «ثمّ نبتهل» مرخص شمرده شده است.

در صورت کمبود نفس وقف بر «ابنائکم» و ابتدای از «فقل تعالوا» و سپس وقف بر «ثمّ نبتهل» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۶۴

وقف بر «وبینکم» و ابتدای از مابعد بنا بر این که استیناف بیانی باشد جایز است؛ ولی در صورت امکان وصل آن به جهت ترجیح تعلق لفظی اولویت دارد.

سوره آل عمران آیه ۶۵

وقف بر «وما انزلت التوریه والانجیل» مغیر معنا است ؛ در صورت ناتوانائی وقف بر «لمّ تحاجون فی ابراهیم» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۶۹

وقف بر «لو يضلونكم» بنا بر استیناف مابعد آن جایز است؛ هرچند در صورت توانائی به جهت ترجیح حال بر استیناف، وصل آن اولویت دارد.

سوره آل عمران آیه ۷۲

وقف بر «ءامنوا بالذی انزل علی الذین ءامنوا وجه النهار» ناقص می باشد زیرا مراد اصلی آنان عبارت «واکفروا ءآخره» می باشد؛ بنابراین وقف بر «واکفروا ءآخره» وابتدای از «ءامنوا» صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۷۳

وقف بر «دینکم» و «هدی الله» وابتدای از مابعد آن ها قابل توجیه است؛ هرچند در صورت امکان وقف بر «اوتیتیم» وابتدای از «ان یؤتی» رجحان دارد؛ زیرا جمله «قل ان الهدی هو الهدی» معترضه و میان سخن اهل کتاب فاصله شده است.

سوره آل عمران آیه ۷۵

وقف بر «یؤده الیک» وابتدای از مابعد که عطف به جمله است جایز می باشد.

سوره آل عمران آیه ۷۷

در صورت وقف بر «فی الآخرة» ابتدای از ما بعد که می تواند مستأنفه قرار گیرد، جایز است؛ ولی وجه عطف قوی تر است. همچنین در صورت وقف بر «ولایزکیهم» ابتدای از ما بعد بنا بر استیناف جایز است.

سوره آل عمران آیه ۷۸

وقف بر «وما هو من الكتاب» و نیز «وما هو من عند الله» و ابتدای از ما بعد آن ها از باب وقف مرخص جایز است.

سوره آل عمران آیه ۷۹

وقف بر «من دون الله» و ابتدای از «ثمّ يقول» صحیح است؛ و در صورت عدم توانایی، وقف بر «ثمّ يقول للناس» نیز قابل اغماض است.

سوره آل عمران آیه ۸۴

وقف بر کلمه «ابراهیم» و ابتدای از «وما انزل» و وقف بر کلمه «عیسی» و ابتدای از «وما اوتی» از باب اضطرار قابل توجیه است هر چند در این صورتما (نافیه) تداعی می گردد به همین سبب برخی قاریان پس از وقف بر «وما اوتی موسی و عیسی» از کلمه «والاسباط» ابتدا کرده اند که بسیار عجیب می نماید. باید بدانیم در صورت وقف بر «والاسباط» ابتدای از ما بعد از باب وقف مرخص جایز است؛ زیرا در عبارت ماقبل محل مناسبی برای ابتداء وجود ندارد. همچنین در صورت وقف «بر من ربهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است. (مانند: آیه ۱۳۶ سوره بقره)

سوره آل عمران آیه ۹۰

وقف بر «لن تقبل توبتهم» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۹۱

وقف بر «فلن یقبل من احدثهم» هر چند فاصله میان فعل و نائب فاعل است ولی دارای مفهوم نسبی است و قابل اغماض می باشد.

سوره آل عمران آیه ۹۳

عبارت «من قبل ان تنزل التوریه» بهتر است متعلق به «کان حلا» باشد. به همین سبب در صورت وقف بر «علی نفسه» برگشت به «الاما حرم اسرائیل علی نفسه» نامناسب می نماید و ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره آل عمران آیه ۱۰۳

در صورت وقف بر «اخوانا» ابتدای از «اذکنتم اعداء» صحیح است ولی در صورت ناتوانی ابتدای از مابعد مرخص شمرده شده است.

سوره آل عمران آیه ۱۰۶

وقف بر «فاما الذین اسودت وجوههم» از جهت این که جمله بعد متعلق به محذوف است قابل قبول است؛ ولی در صورت توان وصل آن ها اولویت دارد.

سوره آل عمران آیه ۱۰۷

جمله «هم فیها خالدون» حالیه می باشد و می بایست به ماقبل خود متصل گردد.

سوره آل عمران آیه ۱۱۲

در صورت وقف بر «من الناس» ابتدای از مابعد مرخص می باشد؛ زیرا جمله مابعد مفهوم بوده و در عبارت قبل نیز محل مناسبی برای ابتداء یافت نمی شود.

توصیه می شود بر عبارت «وباء و ابغضب من الله» نیز وقف گردد زیرا جمله و ضربت علیهم المسکنه عطف به «و ضربت علیهم الذلّة» در ابتدای آیه می باشد و وصل آن به جمله قبل ایهام دارد که عطف به آن باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۱۴

وقف بر «فی الخیرات» بنا بر استیناف مابعد جایز است .

سوره آل عمران آیه ۱۱۷

وقف بر کلمه «صرّ» وابتدای «کمثل ریح» صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۱۱۸

وقف بر عبارت «وَدَّوَمَاعَنْتُمْ» ابتدای از مابعد که با «قد» آغاز شده بنا بر استیناف جایز است.

سوره آل عمران آیه ۱۱۹

وقف بر «کله» جایز وابتدای از مابعد که متضمن معنی شرط می باشد صحیح است.

در ضمن سزاوار است عبارت «وَاذِاقُوكُمُ قَالُواءَامَنَا» به عبارت بعد متصل گردد تا تناقض

گفتار و دوچهره بودن آنان معلوم شود.

سوره آل عمران آیه ۱۲۴

وقف بر «ان یمدکم ربکم» وابتدای از «الن یکفیکم» که آغاز گفتار بوده و با استفهام شروع می

شود ، قابل قبول است.

سوره آل عمران آیه ۱۲۵

وقف بر «یمدکم ربکم» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۳۳

در صورت عدم توانائی، وقف بر «والارض» وابتدای از «وجنة» قابل قبول است.

سوره آل عمران آیه ۱۳۵

جمله «ومن یغفر الذنوب الا الله» معترضه بوده و بین دو جمله معطوف به یکدیگر فاصله شده و سزاوار است به دو طرف خود متصل گردد.

بنابراین وقف بر «فاستغفروالذنوبهم» و ابتدای از همین عبارت تا پایان آیه صحیح است. در صورت وقف بر جمله معترضه (ومن یغفر الذنوب الا الله) ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره آل عمران آیه ۱۴۰

در صورت وقف بر کلمه «الناس» ابتدای از مابعد (ولیعلم الله) که با لام تعلیل آغاز شده و به همراه واو می باشد، قابل قبول است.

سوره آل عمران آیه ۱۴۶

وقف بر «فی سبیل الله» و ابتدای از «فما وهنوا» صحیح است. در صورت وقف بر کلمه «کثیر» نیز ابتدای از مابعد آن قابل قبول است.

سوره آل عمران آیه ۱۴۷

در صورت وقف بر کلمه «ذنوبنا» و بهتر از آن «فی امرنا» ابتدای از «ربّنا» که آغاز مقول قول است، قابل قبول می باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۴۹

در صورت وقف بر «یردوکم علی اعقابکم» ابتدای از «ان تطیعوا» که آغاز جمله شرطیه است صحیح می باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۵۳

در صورت وقف بر «فی اخریکم» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره آل عمران آیه ۱۵۴

وقف بر «طائفة منهم» بنا بر استیناف مابعد جایز است.

وقف بر «الجاهلیه» و نیز «مالاییدون لک» نیز بنا بر استیناف مابعد، جایز است و چنانچه حالیه نیز فرض شود به جهت طول کلام وقف بر آن ها و ابتدای از مابعدشان، مرخص شمرده شده است.

سوره آل عمران آیه ۱۵۶

وقف بر «کفروا» و ابتدای از «لا تکنوا» صحیح است. وقف بعدی وقف بر «وماقتلوا» می باشد که در این صورت ابتدای از مابعد قابل توجیه است زیرا این جمله متعلق به «لا تکنوا کالذین کفروا» می باشد که با وقف بر «وماقتلوا» این اتصال قطع شده است.

سوره آل عمران آیه ۱۶۴

وقف بر «یتلوا علیهم آياته» و ابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت وقف بر «والحکمه» ابتدای از ما بعد قابل توجیه است.

سوره آل عمران آیه ۱۷۰

وقف بر «من خلفهم» و ابتدای از «ویستبشرون» که آغاز جمله معطوف می باشد، صحیح است.

سوره آل عمران آیه ۱۷۳

وقف بر «فزادهم ایمانا» و ابتدای از همین عبارت صحیح است؛ در صورت وقف

برکلمه «فاخشوهم» ابتدای از مابعد رخصت داده شده زیرادر عبارت قبل ابتدای مناسبی وجود ندارد. ابتدای از «انّ الناس قد جمعوا لکم فاخشوهم» که سخن منافقان است ناپسند است.

سوره آل عمران آیه ۱۷۵

وقف برکلمه «اولیائهم» جایز مفهوم ولی اتصال آن به مابعد که بافاء آغاز شده و مراد اصلی کلام است، بسیار نیکو و پسندیده می باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۷۷

وقف بر عبارت «لن یضرا الله شیئا» و ابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است.

سوره آل عمران آیه ۱۷۹

وقف بر «من یشاء» هر چند جایز است ولی وصل آن به مابعد که بافاء آغاز شده بسیار نیکو و پسندیده می باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۸۴

مقصود اصلی از کلام «فلم قتلتموهم» می باشد بنابراین وقف بر آن و ابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت وقف بر «وبالذی قتلتم» ابتدای از مابعد اجتناب ناپذیر است؛ باید توجه داشت که ابتدای از «وبالذی قتلتم» صحیح نمی باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۸۶

در صورت ناتوانی از قرائت تا «اذی کثیرا» وقف بر «وانفسکم» و ابتدای از مابعد که عطف به جمله مستأنفه می باشد، قابل قبول است.

سوره آل عمران آیه ۱۸۷

وقف بر « فنبذوه وراء ظهورهم » وابتدای از همین عبارت صحیح می باشد. در صورت وقف بر «ولاتکتُمونه» ابتدای از «لتبیننه للناس» جهت رعایت اتصال قابل توجیه است.

سوره آل عمر ان آیه ۱۸۸

وقف بر «ویحبون ان یحمدوا بمالم یفعلوا» ناقص است ولی در صورت اضطرار وقف بر آن وابتدای از «فلاتحسبنهم» که تکرار «لاتحسبن» بوده و جمله سابق راتداعی می کند؛ قابل قبول است.

وقف بر «فلاتحسبنهم» که از سوی برخی قاریان انجام شده است، قبیح به شمار می رود و صرفاً جهت رعایت اتصال جملات می باشد، آنان بر کلمه ای وقف می کنند که ابتدای از آن کلمه نیکو باشد.

سوره آل عمر ان آیه ۱۹۰

در صورت اضطرار وقف بر «لآیات» وابتدای از همین کلمه قابل قبول است .

سوره آل عمر ان آیه ۱۹۱

در صورت وقف بر «والارض» ابتدای از مابعد که مقول قول محذوف می باشد موجّه بوده ولی در صورت توانائی ابتدای از «ویتفکرون» اولویت دارد.

سوره آل عمر ان آیه ۱۹۵

وقف صحیح در این آیه وقف بر «لاکفرن عنهم سیئاتهم» می باشد وابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت وقف اضطراری بر «وقاتلوا وقتلوا» ابتدای از مابعد ترجیح دارد. زیرا ابتدای از « وقاتلوا وقتلوا» جز رعایت اتصال جملات وجه دیگری ندارد.

سوره آل عمران آیه ۱۹۸

در صورت وقف بر «الانهار» ویا «خالدین فیها» ابتدای از «لهم جنات» صحیح می باشد.

سوره آل عمران آیه ۱۹۹

وقف «خاشعین لله» حسن می باشد و در این صورت ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال جملات قابل توجیه است.

سوره نساء آیه ۱

در صورت وقف بر کلمه «واحدة» ابتدای از «اتقوا ربکم» صحیح است و در صورت عدم توانائی ابتدای از مابعد که مفهوم می باشد، قابل اغماض است .

سوره نساء آیه ۵

در صورت وقف بر کلمه «قیاما» ابتدای از مابعد مفهوم و جایز است .

سوره نساء آیه ۶

وقف بر «حتی اذا بلغوا النکاح» صحیح نمی باشد زیرا جمله مابعد ادامه کلام است و مفهوم آن چنین است: هنگامی که یتیمان به سن ازدواج رسیدند پس اگر در آنان رشدی مشاهده کردید اموال آنان را به خودشان باز گردانید. بنابراین در صورت عدم توانائی وقف بر «وابتلوا الیتامی» و ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره نساء آیه ۷

عبارت «مما قل منه او کثر» متعلق به هر دو جمله ماقبل می باشد و اتصال

آن به جمله دوم نامناسب است بنابراین سزاوار است از ابتدای آیه تا «مما قل منه او کثر» بایک نفس خوانده شود و در صورت اضطرار وقف بر «والاقربون» دوم ابتدای از ما بعد قابل توجیه است.

سوره نساء آیه ۸

جمله «وقولوا لهم قولاً معروفاً» عطف به فارزقوهم منه که جواب شرط است بوده و در صورت وقف بر آن تکرار عبارت برای وصل به مابعد ضروری است.

در صورت وقف بر «والمساکین» ابتدای از مابعد اجتناب ناپذیر است.

سوره نساء آیه ۹

در صورت وقف بر «خافوا علیهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است.

سوره نساء آیه ۱۱

وقف بر عبارت «یوصیکم الله فی اولادکم» که حالت تیترو عنوان را دارد، نیکو می نماید؛ جملات مابعد تفسیر و تفصیل آن به شمار می آید.

عبارت «من بعد وصیة یوصی بها اودین» به تمامی جملات گذشته مربوط می شود. بنابراین سزاوار است این عبارت به تنهایی خوانده شده و به جمله قبل وصل نشود. در آیه «۱۲» نیز این گونه است.

سوره نساء آیه ۱۴

در صورت وقف بر «خالدا فیها» ابتدای از مابعد قابل توجیه است ولی در صورت امکان ابتدای از «یدخله ناراً» اولویت دارد.

عبارت «حتی اذا» در این آیه متعلق به «للدین يعملون السيئات» بوده و می باید بدان متصل گردد. بنابراین در صورت اضطرار وقف بر کلمه «الموت» و ابتدای از «حتی اذا» به جهت رعایت اتصال قابل قبول است. در صورت وقف بر «قال انی تبت الآن» ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

ابن آیه طولانی ترین قطعه بدون وقف اختیاری می باشد و عبارت «والمحصنات من النساء» در آیه بعد عطف بر کلمه «امهاتکم» در آغاز این آیه می باشد. به جهت وجود جمله مستأنفه «ان الله کان غفورا رحیما» در انتهای آیه، وقف بر قبل و بعد آن نیکو و پسندیده می باشد.

وقف بر «وینات الاخت» که فاصله میان محرمات نسبی و رضاعی است موجه می باشد. همچنین وقف بر «من الرضاعة» که بعد از آن محرمات سببی آمده است قابل توجیه می باشد. اشمونی وقف بر آن هارا جایز می داند.

جمله «فان لم تکنوا دخلتم بهن فلاجناح علیکم» معترضه بوده وقف بر قبل و بعد آن قابل توجیه است؛ ابتدای از این جمله و وصل آن به عبارت بعد نامناسب می باشد زیرا عبارت «وحولائل ابنائکم» عطف به «و ربائبکم التی فی حجورکم»

است و سزاوار است در صورت امکان بدان متصل گردد. به همین جهت بهتر است از عبارت «و ربائبکم» ابتدا شده و بر «وحولائل ابنائکم» وقف و سپس از همین عبارت قرائت دنبال شود.

سوره نساء آیه ۲۴

همان گونه که بیان شد عبارت «والمحصنات من النساء» در این آیه عطف بر کلمه «امهاتکم» در آغاز آیه پیشین می باشد. به همین سبب آغاز تلاوت از این آیه هر چند در ابتدای جزء قرار دارد مناسب نمی باشد و سزاوار است تلاوت از آیه قبل آغاز گردد.

سوره نساء آیه ۲۹

در صورت وقف بر «الباطل» ابتدای از «لاتأکلوا» صحیح است هر چند برخی ابتدای از مابعد را بنابراین که استثنای منقطع قرار گیرد، جایز دانسته اند.

سوره نساء آیه ۳۳

عبارت «والذین عقدت ایمانکم» بهتر است عطف به ماقبل محسوب شده و بدان متصل گردد.

سوره نساء آیه ۳۵

وقف بر «من اهلها» و ابتدای از مابعد آن که جمله شرطیه می باشد، جایز است.

سوره نساء آیه ۳۶

وقف بر کلمه «شیئا» و ابتدای از مابعد که مطلب جدیدی است نیکو و پسندیده می باشد. در صورت اضطرار، وقف بر «والجار ذی القربی» و ابتدای از همین عبارت صحیح می باشد.

سوره نساء آیه ۴۲

در صورت وقف بر «لو تسوی بهم الارض» ابتدای از مابعد جایز است زیرا می تواند مستأنفه قرار گیرد.

سوره نساء آیه ۴۳

وقف حسن در این آیه وقف بر «لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى» و بهتر از آن «حتى تعلموا ما تقولون» می باشد و ابتدای از «لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى» صحیح است. وقف بر «لا تقربوا الصلوة» مفهومی برخلاف مراد خداوند را القاء نموده و در اصطلاح «اقبح» می باشد. وقف بر کلمه «فتیمموا» و بهتر از آن «صعیدا طیبا» حسن می باشد و در صورت عدم توانایی وقف بر «اولامستم النساء» و ابتدای از همین عبارت توصیه می گردد. وقف بر «لامستم» علی رغم شیوع آن، نامناسب است.

سوره نساء آیه ۴۶

وقف بر «سمعنا وعصینا» و ابتدای از «ویقولون» صحیح است. وقف بر «ولکن» و ابتدای از همین کلمه از باب وقف اضطراری کمترین برگشت را داراست. ولی در صورت توانایی وقف بر «ولکن لعنهم الله بکفرهم» اولویت دارد.

سوره نساء آیه ۴۷

وقف بر «مصدقا لما معکم» و ابتدای از «ءامنوا» صحیح می باشد. دومین وقف اضطراری وقف بر کلمه «ادبارها» می باشد و ابتدای از «فندّها» نیکومی باشد.

سوره نساء آیه ۵۱

وقف بر «یؤمنون بالطاغوت» و ابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت وقف بر کلمه «کفروا» ابتدای از «ویقولون» صحیح است.

سوره نساء آیه ۵۶

وقف بر «نارا» وابتدای از مابعد که با شرط آغاز شده جایز است؛ ولی در صورت امکان وصل آن اولویت دارد.

سوره نساء آیه ۵۸

در صورت وقف بر «الی اهلها» ابتدای از مابعد قابل توجیه است؛ ولی برگشت از «ان توؤدوالامانات» جهت رعایت اتصال جملات اولی است.

سوره نساء آیه ۵۹

ابتدای از «فان تنازعتم فی شیء» که با شرط آغاز شده است نیکوست.

سوره نساء آیه ۶۰

وقف در «یریدون ان یتحاكموالی الطاغوت» که مفهوم کلام با آن کامل می شود حسن و ابتدای از همین عبارت صحیح است؛ زیرا جمله بعد حالیه می باشد.

در صورت وقف بر «ان یکفروابه» ابتدای از مابعد مفهوم و از باب وقف مرخص جایز است.

سوره نساء آیه ۶۲

وقف بر «یحلفون بالله» وابتدای از «ثم جاءوک» صحیح است.

سوره نساء آیه ۶۴

وقف بر «فاستغفروالله» وابتدای از «جاءوک» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره نساء آیه ۶۵

وقف بر «فی ما شجر بینهم» جایز وابتدای از «حتی یحکموک» صحیح است، زیرا فعل «لایجدوا» منصوب و عطف بر «یحکموک» می باشد.

سوره نساء آیه ۶۶

ابتدای از «ولو انهم فعلوا» که با شرط آغاز شده است نیکوست.

سوره نساء آیه ۶۹

وقف بر «انعم الله علیهم» وابتدای از «فأولئک» که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد. وقف بر «من النبیین» پسندیده نیست؛ زیرا کلمات بعدی بدان عطف شده و سزاوار است در یک نفس خوانده شوند.

سوره نساء آیه ۷۲

در صورت عدم توانایی قرائت تا پایان آیه، وقف بر «لیبطن» وابتدای از مابعد که با ادات شرط آغاز شده است، صحیح می باشد.

سوره نساء آیه ۷۳

وقف بر «یالیتنی کنت معهم» حسن مفهوم وابتدای از «لیقولن» صحیح است در صورت اضطرار، ابتدای از «یالیتنی کنت معهم» که حکایت رابه انشاء تبدیل می سازد، قابل گذشت است.

سوره نساء آیه ۷۵

وقف بر «یقولون» وابتدای از همین کلمه قابل قبول است تا برگشت کمتری صورت گیرد. در صورت وقف بر «والولدان» ابتدای از «والمستضعفین» صحیح می باشد؛ ابتدای از «والولدان» موجب این تصور می گردد که «الذین یقولون» متعلق به الولدان باشد در حالی که جمله صله، صفت برای المستضعفین است.

در صورت وقف بر «الظالم اهلها» ابتدای از مابعد که عطف به «اخرجنا» شده است ، از باب وقف مرخص جایز است.

سوره نساء آیه ۷۶

وقف بر کلمه «الطاغوت» بنا بر استیناف جمله بعدی جایز است و نیز سزاوار است جملات «الذین آمنوا» و «الذین کفروا» که با یکدیگر در تقابل می باشند متصل خوانده شوند. سزاوار است عبارت «ان کید الشیطان کان ضعیفا» که تعلیل برای جمله قبل به شمار می رود، بدان متصل گردد.

سوره نساء آیه ۷۷

وقف بر «وآتوا الزکوة» ابتدای از مابعد ، از باب وقف مرخص جایز است؛ زیرا در عبارت قبل، محل مناسبی برای ابتداء وجود نداشته و جمله بعد نیز مفهوم می باشد.

سوره نساء آیه ۷۸

جملات «وان تصبهم حسنة» و «وان تصبهم سيئة» با یکدیگر در تقابل می باشند و سزاوار است متصل خوانده شوند.

سوره نساء آیه ۷۹

جملات «ما اصابک من حسنة» و «وما اصابک من سيئة» با یکدیگر در تقابل بوده و سزاوار است به وصل خوانده شوند.

سوره نساء آیه ۸۱

وقف بر عبارت «ویقولون طاعة» حسن می باشد ولی کمال معنی آن در جمله بعد است ؛ زیرا نفاق و دوچهرگی منافقان با اتصال دو عبارت، بهتر روشن می گردد که آنان در حضور پیامبر می گویند: فرمان برداریم ولی چون از نزد آن سرور بیرون می روند برخلاف گفته پیامبر جلسات سری شبانه تشکیل می دهند.

سوره نساء آیه ۸۴

عبارت «وحررض المؤمنین» عطف به «فقاتل فی سبیل الله» بوده و سزاوار است بدان متصل گردد. وقف بر «وحررض المؤمنین» نیکو و پسندیده است ؛ زیرا جمله بعد هرچند برای ترجیح می باشد ولی مستأنفه است.

سوره نساء آیه ۸۵

جملات «من یشفع شفاعة حسنة» و «ومن یشفع شفاعة سیئة» با یکدیگر در تقابل بوده و سزاوار است به وصل خوانده شوند.

سوره نساء آیه ۹۰

وقف بر «حصرت صدورهم» و ابتدای از «اوجاءوكم» صحیح است زیرا عبارت «حصرت صدورهم» حال از فاعل «جاءوكم» بوده و باید باهم خوانده شوند.

وقف بر عبارت «والقواالیکم السلم» که فاصله میان شرط و جزاء می باشد صحیح نیست.

سوره نساء آیه ۹۱

وقف بر «ویأمنوا قومهم» با این توجیه که جمله بعد که با شرط آغاز شده و می تواند مستأنف قرار گیرد، جایز است. ولی اگر مفعول دوم «ستجدون» باشد وقف بر آن جایز نبوده ولی در صورت وقف اضطراری ابتدای از ما بعد، رخصت داده شده است.

عبارت «فخذوهم» جواب شرط (فإن لم يعتزلوكم) بوده و وقف بر ماقبل آن صحیح نیست در صورت اضطرار حدّ اقل می توان روی «فخذوهم» وقف و از همان کلمه ابتداء نمود.

سوره نساء آیه ۹۳

در صورت وقف بر «خالدا فیها» ابتدای از مابعد که عطف به جواب شرط است، از باب وقف مرخص جایز است؛ ولی در صورت توان، ابتدای از «فجزاؤه جهنم» که آغاز جواب شرط است اولویت دارد.

سوره نساء آیه ۹۴

وقف بر «فتبینوا» و ابتدای از همان کلمه که آغاز جواب شرط است یا بهتر از آن، از «اذا ضربتم فی سبیل الله» که ابتدای جمله شرطیه است، صحیح می باشد. در صورت وقف بر «لست مؤمنا» ابتدای از مابعد که می تواند استفهام تقدیری باشد، جایز است.

سوره نساء آیه ۹۷

جمله «قالواکنا مستضعفین فی الارض» در پاسخ جمله قبل بوده و سزاوار است بدان متصل گردد.

سوره نساء آیه ۱۰۱

در صورت وقف بر «ان تقصروا من الصلوة» ابتدای از «فلیس علیکم جناح» که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد؛ در ضمن عبارت مابعد، شرط متأخر است که جواب آن از جمله پیشین مستفاد می گردد.

سوره نساء آیه ۱۰۲

در صورت وقف بر «ولیاخذوا اسلحتهم» ابتدای از مابعد که دارای مفهوم شرط می باشد قابل توجیه است. ولی در صورت امکان، ابتدای از «فلتقم طائفة منهم معک» اولویت دارد.

در صورت وقف بر «فلیصلوا معک» ابتدای از مابعد موجه است ولی برای رعایت اتصال جملات، ابتدای از «فلیصلوا» یا بهتر از آن «ولتأت طائفة اخرى» اولویت دارد. برخی قاریان از «لم یصلوا فلیصلوا» ابتدا کرده اند که گویا این گونه مفهوم می شود: کسانی که نماز نخوانده اند باتو نماز بگزارند.

سوره نساء آیه ۱۰۴

عبارت «وترجون من الله مالا یرجون» بهتر است عطف به جواب شرط (فإنهم یألمون کما تألمون) قرار گرفته و بدانمتصل شود.

سوره نساء آیه ۱۰۹

وقف بر «یوم القیامه» و ابتدای از «فمن یجادل» صحیح است؛ زیرا «ام» در آغاز عبارت بعد (متصل) و معادل استفهام می باشد. در صورت وقف اضطراری بر کلمه «الدنیا» ابتدای از ما بعد که با استفهام آغاز شده قابل توجیه است.

سوره نساء آیه ۱۱۰

در صورت وقف بر «ثم يستغفر الله» ابتدای از مابعد که آغاز جواب شرط است، قابل اغماض است؛ ولی در صورت توان، ابتدای از «ثم يستغفر الله» اولویت دارد.

سوره نساء آیه ۱۱۲

در صورت عدم توانایی قرائت این آیه در یک نفس، وقف بر «ثم یرم به بریئا» وابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال قابل قبول است، هر چند ابتدای از مابعد نیز که آغاز جواب شرط است، قابل گذشت می باشد.

سوره نساء آیه ۱۱۳

در صورت وقف بر «ان یضلوك» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز بوده و بهتر است به جمله بعد متصل گردد.

سوره نساء آیه ۱۱۵

در صورت وقف بر عبارت «ویتبع غیر سبیل المؤمنین» ابتدای از مابعد که آغاز جواب شرط است قابل گذشت بوده و بازگشت به عبارت قبل جز رعایت اتصال فایده دیگری ندارد.

سوره نساء آیه ۱۱۹

در صورت اضطرار وقف بر کلمه «الانعام» وابتدای از «فلیبتکن» صحیح است.

سوره نساء آیه ۱۲۴

در صورت وقف اضطراری بر عبارت «وهو مؤمن» ابتدای از مابعد که آغاز جواب شرط است قابل گذشت بوده و بازگشت به عبارت قبل (وهو مؤمن) جز رعایت اتصال فایده دیگری ندارد. وقف بر «فأولئک» قبیح ولی ابتدای از آن حسن می باشد.

سوره نساء آیه ۱۲۷

در صورت وقف بر «ماکتب لهنّ» ابتدای از «الاتی» قابل اغماض است و در صورت وقف بر «من الولدان» ابتدای از ما بعد رخصت داده شده است.

سوره نساء آیه ۱۳۶

وقف بر «ءامنوا بالله ورسوله» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره نساء آیه ۱۳۷

وقف بر «لیغفر لهم» حسن و ابتدای از «لم یکن» صحیح است. وقف بر «لم یکن الله» کفرآمیز و از مصادیق وقف اقبیح می باشد.

سوره نساء آیه ۱۴۰

وقف بر «فلا تقعدوا معهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد و در صورت وقف بر «ویستهزأ بها» ابتدای از «ان اذا سمعتم» قابل قبول و در صورت اضطرار ابتدای از «فلا تقعدوا معهم» که آغاز جواب شرط است قابل گذشت می باشد.

سوره نساء آیه ۱۴۱

وقف بر «الذین یتربصون بکم» جایز است زیرا جمله بعد با شرط آغاز می شود. در صورت عدم توانایی قرائت تا عبارت «ونمنعکم من المؤمنین» وقف بر «قالوا الم نکن معکم» وابتدای از ما بعد قابل توجیه است.

سوره نساء آیه ۱۴۲

در صورت وقف بر «وهو خادعهم» ابتدای از مابعد هرچند تعلق لفظی به ماقبل خود دارد، قابل توجیه است. ابتدای از «وهو خادعهم» که جمله حالیه است صحیح نمی باشد.

سوره نساء آیه ۱۴۵

در صورت وقف بر کلمه «النار» ابتدای از مابعد که می تواند مستأنفه قرارگیرد جایز است.

سوره نساء آیه ۱۵۰

در صورت اضطرار وقف بر «ویقولون» وابتدای از همین کلمه برای رعایت اتصال کمترین برگشت قابل قبول است. در غیر این صورت وقف بر «ورسله» دوم وابتدای از «ویریدون» و نیز وقف بر «ونکفربعض» وابتدای از «ویقولون» اجتناب ناپذیر است.

سوره نساء آیه ۱۵۴

وقف بر کلمه «سجدا» وابتدای از «وقلنا لهم ادخلوا الباب» صحیح است.

سوره نساء آیه ۱۵۷

در صورت وقف بر عبارت «رسول الله» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است.

سوره نساء آیه ۱۶۲

وقف بر عبارت «وما انزل من قبلک» وابتدای از مابعد تا پایان آیه قابل توجیه است. وجه دیگر آن است که پس از وقف بر «وما انزل من قبلک» از کلمه «یؤمنون» ابتداء نمود ؛ همچنین وقف بر «والمؤتون الزکوة» وابتدای از «والمقیمین الصلوة» تا پایان آیه سبب برقراری اتصال کامل جملات می گردد ؛ زیرا عبارت «اولئک سنؤتهم اجرا عظیما» به تمامی معطوفات در این آیه باز می گردد.

وقف بر «فی رحمة منه» وابتدای از «فسیدخلهم» صحیح است. وقف بر کلمه «وفضل» هر چند عطف به «رحمة» بوده توصیه نمی شود.

سوره مائده آیه ۲

در صورت اضطرار وقف بر «لاتحلّواشعائرالله» وابتدای از «لاتحلّوا» که آغاز جمله بعد از منادا می باشد، صحیح است. در صورت عدم توانایی قرائت، تا کلمه «رضوانا» و قفبر «ولا القلائد» و ابتدای از «ولا الهدی» قابل قبول است؛ زیرا دو کلمه «الهدی» و «القلائد» عدل یکدیگر بوده و شامل قربانی بدون نشان و بانشان می گردد و نباید از یکدیگر جدا شود.

وصل جمله «وتعاونوا علی البرّ والتقوی» به «ولا تعاونوا علی الاثم والعدوان» که تأکید جمله اول به شمار می رود نیکوست.

ابتدای از «واتقوا الله» و وصل آن به جمله بعد که استیناف تعلیلیّه است پسندیده است.

سوره مائده آیه ۳

وقف بر «وما اهلّ لغير الله به» وابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، صحیح است. وقف اضطراری دیگر وقف بر «والنطیحه» می باشد که ابتدای از «والمخنقة» صحیح است. وقف بر «ذالکم فسق» وابتدای از جمله مابعد بسیار نیکومی باشد؛ زیرا سیاق کلام با جمله معترضه تغییر یافته است.

وصل عبارت «فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لإثم» به جمله قبل نامناسب است؛ زیرا این عبارت متعلق به صدر آیه می باشد که میان آن ها چند جمله فاصله شده است.

سوره مائده آیه ۴

وقف بر کلمه «الطيبات» بنا بر استیناف مابعد جایز است. در این صورت «وما علمتم» مبتداء و عبارت «فكلوا مما امسكن عليكم» خبر آن می باشد. بنا بر این وقف بر «مما علمكم الله» جایز نمی باشد. ولی چنانچه «وما علمتم» با تقدیر «وصيد ما علمتم» عطف به ماقبل باشد وقف بر «مما علمكم الله» جایز است.

سوره مائده آیه ۵

کلمه «والمحصات» عطف به «الطيبات» می باشد و عبارت «وطعام الذين اتوا الكتاب حل لكم وطعامكم حل لهم» میان آن ها فاصله شده و سزاوار است به دو طرف خود وصل گردد.

در صورت عدم توانایی وقف بر «حل لهم» و ابتدای از عبارت بعد قابل توجیه است.

سوره مائده آیه ۶

وقف بر کلمه «المراقق» و ابتدای از مابعد با این توجیه که فاصله میان غسل و مسح می باشد جایز است.

وقف بر کلمه «فتيمموا» و بهتر از آن «صعيدا طيبا» حسن می باشد؛ در صورت عدم توانایی وقف بر «اولامستم النساء» و ابتدای از همین عبارت توصیه می گردد. وقف بر «لامستم» علی رغم شیوع آن، نامناسب است.

سوره مائده آیه ۱۱

وقف بر «اذکروانعمة الله علیکم» وابتدای از همین عبارت صحیح است. وقف بر «ان یبسطوا الیکم ایدیهم» مغیر معنا است .

سوره مائده آیه ۱۲

وقف بر «لاکفرنَّ عنهم سیئاتهم» که جواب شرط است حسن وابتدای از همین عبارت صحیح می باشد. و در صورت عدم توانایی وقف بر «قرضا حسنا» ابتدای از مابعد قابل قبول است.

سوره مائده آیه ۲۰

وقف بر کلمه «علیکم» وابتدای از «اذکروا» صحیح می باشد. در صورت وقف بر «وجعلکم ملوکا» وابتدای از همین عبارت صحیح است. ابتدای از «اذجعل فیکم انبیاء» که بدل از «نعمة الله» می باشد، نامناسب به نظر می رسد.

سوره مائده آیه ۲۲

در صورت وقف بر «حتی یخرجوا منها» ابتدای از «وانا لن ندخلها ابدا» مناسب است زیرا عبارت «فان یخرجوا منها فانا داخلون» ادامه کلام قبل بوده و سزاوار است متصل خوانده شود.

سوره مائده آیه ۲۳

در صورت وقف بر «ادخلوا عليهم الباب» ابتدای از مابعد قابل توجیه است. در این صورت سزاوار است به جمله «وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين» که داخل در گفتار پیشین است، متصل گردد.

سوره مائده آیه ۲۶

وقف بر عبارت «قال فإنها محرمة عليهم اربعين سنة» وابتدای از مابعد که استیناف بیانی می باشد صحیح است .

سوره مائده آیه ۲۷

در صورت وقف بر «من الآخر» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره مائده آیه ۳۲

در صورت وقف بر «فكأنما قتل الناس جميعا» ابتدای از مابعد مرخص شمرده شده است؛

سوره مائده آیه ۳۳

وقف بر «اويصلبوا» وابتدای از «ان يقتلوا» قابل قبول است؛ وقف بر «او تقطع ايديهم» مغیر معنا و به معنای قطع کردن دست ها می باشد. وقف در «من خلاف» که به معنای بریدن دست و پا بر خلاف جهت یکدیگر می باشد حسن است.

سوره مائده آیه ۳۶

وقف اختیاری در عبارت «ما تقبل منهم» می باشد؛ در صورت اضطرار وقف بر «ومثله معه» وابتدای از «لوان لهم» که آغاز شرط می باشد صحیح است.

سوره مائده آیه ۴۰

وقف بر «والارض» وابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است.

سوره مائده آیه ۴۱

وقف بر «سماعون لقوم ءاخرین لم یاتوک» کافی است زیرا به اعتقاد بیشتر مفسران عبارت «ومن الذین هادوا» عطف بر «من الذین ءامنا بأفواهم» بوده و جماع مابعد آن بیز بهتر است حالیه قرار گیرد. در این صورت معنای آیه چنین است: ای رسول ما کسانی که به راه کفر درشتابند اعم از منافقانی که به زبان اظهار ایمان می کنند و در دل ایمان نیاورده اند و نیز یهودیانی که به سخنان دروغ و فتنه انگیزگوش فراداده و به سمع کسان دیگری که از روی کبر و غرور نزد تو نیامدند می رسانند، تو را اندوهگین نسازند.

وقف بر «یسارعون فی الکفر» وابتدای از «لا یحزنک» صحیح است. در صورت وقف بر «ومن الذین هادوا» ابتدای از همین عبارت مناسب است هر چند ابتدای از مابعد نیز بنا بر آن که خبر مبتدای محذوف باشد (هم سماعون للکذب) قابل توجیه است. وقف بر «ولم تؤمن قلوبهم» وابتدای از مابعد بر خلاف نظر اکثریت مفسران می باشد.

سوره مائده آیه ۴۲

سزاوار است دو عبارت «وان تعرض عنهم» و «وان حکمت» به یکدیگر متصل شود زیرا لف و نشر غیر مرتب بوده و به عبارت «فاحکم بینهم او اعرض عنهم» باز می گردد.

سوره مائده آیه ۴۴

وقف بر کلمه «والاحبار» وابتدای از «والرbanیون» صحیح است زیرا این کلمه عطف بر «النبیون» می باشد و نقش فاعل را ایفاء می کند. عبارت «بما استحفظوا من کتاب الله»

سوره مائده آیه ۴۵

وقف بر «ان النفس بالنفس» وابتدای از همین عبارت که آغاز مکتوب است، قابل قبول است.

سوره مائده آیه ۴۸

عبارت «ولاتتبع اهوائهم» کمال اتصال با ماقبل خود راداراست و وصل آن نیکو و پسندیده می باشد.

سوره مائده آیه ۴۹

وقف بر «ولاتتبع اهوائهم» جایز است. زیرا جمله مابعد می تواند مستأنفه قرار گیرد.

سوره مائده آیه ۵۴

وقف بر «یحبههم ویحبونه» حسن وابتدای از «فسوف یأتی الله بقوم» که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

وقف بر «فسوف یأتی الله بقوم» ناقص ولی وقف بر «فسوف یأتی الله» مغیرمعنا بوده و به معنای پس بزودی خدا می آید می شود.

در صورت وقف بر «اعزة علی الکافرین» برکشت از «اذلة علی المؤمنین» صحیح وابتدای از «یجاهدون» قابل توجیه می باشد.

سوره مائده آیه ۵۵

در صورت وقف بر «الذین یقیمون الصلوة» ابتدای از «والذین ءامنوا» صحیح است.

سوره مائده آیه ۵۷

وقف بر «هزوا ولعبا» وابتدای از «لاتتخذوا» که آغاز جمله است صحیح می باشد.

سوره مائده آیه ۵۹

در صورت وقف بر «وما نزل من قبل» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره مائده آیه ۶۵

وقف بر «لکفرنا عنهم سیئاتهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره مائده آیه ۶۶

وقف بر «لأکلوا من فوقهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره مائده آیه ۶۸

وقف بر «والانجیل» وابتدای از «لستم علی شیء» که آغاز جمله است صحیح می باشد.

سوره مائده آیه ۶۹

وقف بر «فلاخوف علیهم» حسن می باشد در صورت عدم توانائی وقف بر «والیوم الآخر» وابتدای از «والذین ءامنوا» صحیح است زیرا عبارت «من ءامن بالله والیوم الآخر» صفت سه گروه یهودیان، صائبان و مسیحیان بوده و سزاوار است بدان متصل گردد. ابتدای از «من ءامن بالله والیوم الآخر» چون تداعی استفهامی کند نا مناسب است.

سوره مائده آیه ۷۲

وقف بر «المسیح بن مریم» وابتدای از مابعد که مستأنفه می باشد، نیکوست.

از عبارت «وقال المسيح» تا انتهای آیه داخل در یک گفتار بوده و سزاوار است به وصل خوانده شوند.

سوره مائده آیه ۷۷

وقف بر «من قبل» و ابتدای از «ولاتتبعوا» صحیح است.

سوره مائده آیه ۸۱

در صورت وقف بر «ماتخذوهم اولیاء» ابتدای از این عبارت صحیح نبوده و ابتدای از مابعد موجّه می باشد.

سوره مائده آیه ۸۳

ابتدای از «يقولون» بنا بر استیناف نیکوست.

سوره مائده آیه ۹۰

وقف بر «فاجتنبوه» و ابتدای از همین کلمه صحیح است. در صورت اضطرار وقف بر «من عمل الشیطان» و ابتدای از مابعد قابل اغماض می باشد.

سوره مائده آیه ۹۳

در صورت اضطرار وقف بر «وعملوا الصالحات» دوم و ابتدای از «اذا ماتقوا» قابل قبول است.

سوره مائده آیه ۹۵

وقف بر «من النعم» و ابتدای از «فجزاء» و نیز وقف بر «والمساکین» و ابتدای از

«اوکفارة» قابل قبول است.

سوره مائده آیه ۱۰۱

در صورت وقف بر «تسؤکم» ابتدای از «لاتسألوا» اولویت دارد. هر چند ابتدای از مابعد که با شرط جدیدی آغاز شده نیز جایز است؛ در این صورت وقف بر «تبدلکم» نیکوست زیرا عبارت «عفا الله عنها» به «لاتسألوا» باز می‌گردد.

سوره مائده آیه ۱۰۳

در صورت وقف بر «ولاحام» ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

سوره مائده آیه ۱۰۶

در صورت وقف بر «اوءاخران من غیرکم» ابتدای از همین عبارت صحیح است؛ زیرا عبارت «ان انتم ضربتم فی الارض فأصابتکم مصیبة الموت» متعلق به «اوءاخران من غیرکم» می‌باشد و به عبارت «اثنان ذوا عدل منکم» تعلق ندارد.

وقف بر «فیقسمان بالله» و ابتدای از همین عبارت صحیح می‌باشد.

سوره مائده آیه ۱۰۷

در صورت عدم توانائی وقف بر «مقامهما» و ابتدای از «فآخران» قابل قبول است، دومین وقف عبارت «فیقسمان بالله» می‌باشد و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره مائده آیه ۱۱۰

ابتدای از عبارت های «واذعلمتک»، «واذتخلق»، «واذتخرج» و نیز «واذکففت» که عطف بر «اذ ایدتک» می‌باشند، از باب طول کلام جایز است. ولی کلمه «وتبری» که عطف به «تخلق» بوده و مجرور به اضافه است سزاوار است به وصل خوانده شود.

در صورت وقف بر «اذجئتهم بالبینات» ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

سوره مائده آیه ۱۱۴

وقف بر «تکون لنا عیدا» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره انعام آیه ۱

وقف بر کلمه «النور» وابتدای از مابعد نیکوست؛ زیرا «ثم» برای ترتیب اخبار بوده و افاده تعجب و انکار می کند.

سوره انعام آیه ۶

وقف بر کلمه «مدرارا» وابتدای از «وارسلنا» صحیح است. در صورت وقف بر «مالم نمکن لکم» ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

وقف بر «فأهلکناهم بذنوبهم» وابتدای از همین عبارت صحیح می باشد.

سوره انعام آیه ۸

وقف بر کلمه «ملک» نیکوست زیرا پایان گفتار است و جمله مابعد نیز که با شرط آغاز شده مستأنفه می باشد.

سوره انعام آیه ۱۰

وقف بر «فحاق بالذین سخروا منهم» قبیح است زیرا عبارت مابعد در حکم فاعل کلمه «فحاق» می باشد.

سوره انعام آیه ۱۲

این آیه مشتمل بر پنج جمله است و وقف بر پایان هر یک نیکو و پسندیده می باشد.

سوره انعام آیه ۲۸

وقف بر «من قبل» نیکوست؛ زیرا جمله مابعد با شرط آغاز شده و مستأنفه می باشد.

سوره انعام آیه ۳۱

وقف بر «بلقاء الله» نیکوست؛ زیرا جمله بعد با «حتی اذا» آغاز شده و فراز دیگری از کلام می باشد.

سوره انعام آیه ۴۰

وقف بر «اغیر الله تدعون» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره انعام آیه ۴۳

وقف بر «ولکن قست قلوبهم» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره انعام آیه ۴۴

وقف بر «فتحنا علیهم ابواب کل شیء» وابتدای از مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده و در حکم استیناف است، صحیح می باشد.

سوره انعام آیه ۴۶

در صورت عدم توانائی وقف بر «وختم علی قلوبکم» که انتهای شرط است موجه بوده وابتدای از «ان اخذ الله سمعکم» که آغاز جمله شرطیه می باشد، صحیح است

سوره انعام آیه ۴۷

در صورت وقف اضطراری بر کلمه «جهره» ابتدای از «ان اتیکم» که آغاز جمله شرطیه است، صحیح می باشد.

سوره انعام آیه ۴۸

وقف بر «منذرين» وابتدای از مابعد که با شرط آغاز شده نیکوست.

سوره انعام آیه ۵۰

وقف بر «ولا اقول لكم اني ملك» نیکوست؛ زیرا جمله بعد بانفی آغاز شده است.

سوره انعام آیه ۵۱

در صورت وقف بر «ولا شفيع» وابتدای از «ليس لهم» که آغاز جمله بیانیه است، قابل قبول می باشد.

سوره انعام آیه ۵۲

در این آیه عبارت «فتكون من الظالمين» جواب فعل نهی (لاتطرد) است و سزاوار است بدان متصل گردد؛ ولی با توجه به فاصله شدن جمله معترضه (ماعلیک من حسابهم من شیء وما من حسابک علیهم من شیء) و تکرار کلمه «فتطردهم» که به نوعی جایگزین «ولاتطرد» می باشد، وقف بر عبارت «یریدون وجهه» وابتدای از مابعد جایز است.

سوره انعام آیه ۵۴

در صورت وقف بر «فقل سلام علیکم» ابتدای از همین عبارت صحیح است زیرا جمله «کتب ربکم علی نفسه الرحمة» ادامه مقول قول است.

در صورت وقف بر کلمه «الرحمة» ابتدای از «انه من عمل» از باب طول کلام مرخص می باشد.

سوره انعام آیه ۵۶

وقف بر «قل لا اتبع اهواءکم» وابتدای از مابعد که استیناف بیانی است، جایز می باشد.

سوره انعام آیه ۵۹

در صورت وقف بر «ولاحبة فی ظلمات الارض» ابتدای از همین عبارت قابل قبول وابتدای از مابعد آن - که به نوعی شیوع دارد - قابل اغماض می باشد.

سوره انعام آیه ۶۱

وقف بر «حفظة» وابتدای مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده و در حکم استیناف است، نیکو می باشد.

سوره انعام آیه ۶۲

وقف بر «تدعونہ تضرعا و خفیة» وابتدای از همین عبارت که آغاز جمله حالیه می باشد، صحیح است.

سوره انعام آیه ۶۵

مناسب ترین وقف در این آیه کلمه «شیعاً» بوده وابتدای از «اویلبسکم» صحیح است. در صورت وقف بر «اومن تحت ارجلکم» ابتدای از این عبارت به هیچ وجه صحیح نبوده وابتدای از «ان یبعث علیکم» اجتناب ناپذیر است.

سوره انعام آیه ۷۰

در صورت وقف بر کلمه «ولاشفیع» ابتدای از «لیس لها» جهت رعایت اتصال قابل قبول است ، در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد (وان تعدل) قابل اغماض می باشد.

سوره انعام آیه ۷۱

وقف بر «بعد از هدانا الله» وابتدای از «ونردّ علی اعقابنا» صحیح بوده و دومین وقف اضطراری کلمه «حیران» می باشد وابتدای از «کالذی» مناسب است، در صورت عدم توانایی ابتدای از «له اصحاب» بنا بر استیناف قابل توجیه می باشد.

سوره انعام آیه ۷۳

وصل عبارت «قوله الحق» « به ماقبل خود (ویوم یقول کن فیکون) بنابراین که ظرف آن باشد ، نیکوست.

سوره انعام آیه ۷۶

وقف بر «رءاکوکبا قال هذا ربی» جایز است، زیرا جمله مابعد با شرط دیگری آغاز می شود ولی در صورت توانایی وصل آن نیکوست تا کلام به نتیجه برسد.

وقف بر «رءاکوکبا» که کمال معنی آن در عبارت بعد است، مناسب نمی باشد.

سوره انعام آیه ۷۸

وقف بر «قال هذا ربی هذا اکبر» جایز است، زیرا جمله مابعد با شرط دیگری آغاز می شود ولی در صورت توانایی وصل آن نیکوست تا کلام به نتیجه برسد.

سوره انعام آیه ۸۱

در صورت وقف بر «اشرکتتم بالله» ابتدای از «ولاتخافون» قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۹۱

وقف بر عبارت «وعلمتم ما لم تعلموا انتم ولآءاباؤکم» نیکوست؛ زیرا عبارت «قل الله» در جواب «قل من انزل الكتاب» می باشد ولی به سبب فاصله شدن جمله های «تجعلونه قراطیس» و «علمتم ما لم تعلموا» وصل آن ممکن نیست.

سوره انعام آیه ۹۳

وقف بر «ولم یوح الیه شیء» و ابتدای از «اوقال اوحی الی» صحیح است.

وقف بر «اخرجوا انفسکم» و ابتدای از مابعد هرچند داخل در گفتار فرشتگان می باشد چون استیناف در حیز قول است، نیکو می باشد.

سوره انعام آیه ۹۴

در صورت وقف بر عبارت «کما خلقناکم اول مرّة» ابتدای از مابعد چون عطف بر جمله مستأنفه است، قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۹۹

در صورت اضطرار وقف بر «کل شیء» و ابتدای از «فأخرجنا به» و نیز وقف بر «مترکبا» و ابتدای از «نخرج منه» و همچنین وقف بر «وجنات من اعناب» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

در صورت وقف بر «ومن النخل من طلعتها قنوان دانیة» که جمله معترضه می باشد، ابتدای از مابعد مرخص می باشد.

سوره انعام آیه ۱۰۱

وقف بر «ولم تکن له صاحبة» نیکوست؛ زیرا جمله مابعد بهتر است مستأنفه قرار گیرد.

سوره انعام آیه ۱۰۶

عبارت «لأله الا هو» معترضه بوده و در صورت وقف بر آن، ابتدای از مابعد جایز است. ابتدای از این عبارت و وصل آن به مابعد، صحیح نمی باشد.

سوره انعام آیه ۱۰۸

وقف بر «ثم الی ربهم مرجعهم» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره انعام آیه ۱۱۰

در صورت وقف بر «اول مرّة» ابتدای از مابعد که عطف بر «ونقلب» می باشد، قابل اغماض بوده و برگشت از «کمالم یؤمنوا به» وجهی ندارد.

سوره انعام آیه ۱۱۱

وقف بر «ماکانوا لیؤمنوا» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد. در صورت وقف بر عبارت «وحشرنا علیهم کل شیء قبل» ابتدای از مابعد، قابل اغماض است.

سوره انعام آیه ۱۱۲

در صورت وقف بر کلمه «والجن» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره انعام آیه ۱۱۳

در صورت وقف بر «بالآخرة» ابتدای از مابعد، مرخص شمرده شده است.

سوره انعام آیه ۱۱۹

وقف بر «وقد فصل لکم ما حرّم علیکم» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جمله حالیه است، قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۱۲۲

وقف بر «کمن مثله فی الظلمات» وابتدای ازهمین عبارت قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۱۲۳

وقف بر «لیمکروافیها» وابتدای از مابعد که بانفی آغاز شده نیکوست.

سوره انعام آیه ۱۳۰

در صورت وقف بر «یقصون علیکم ءایاتی» ابتدای از «الم یأتکم» که آغاز جمله استفهامیه می باشد صحیح است.

سوره انعام آیه ۱۳۶

وقف بر «فقالوا» وابتدای ازهمین کلمه قابل قبول است؛ وقف بر «هذاالله» صحیح نمی باشد، زیرا آنان بخشی از اموال خود را به گمان خویش برای خداوند قرار می دهند و سهمی رانیز برای بت ها قرار می دهند.

وصل دوجمله «فما کان لشركائهم فلا یصل الی الله» و «وماکان لله فهو یصل الی شركائهم» که به یکدیگر عطف شده و مکمل یکدیگر می باشند، بسیار نیکو و پسندیده است.

سوره انعام آیه ۱۳۷

وقف بر «لیردوهم» وابتدای از همین کلمه مناسب است.

سوره انعام آیه ۱۳۸

وقف بر «وانعام حرمت ظهورها» وابتدای ازهمین عبارت که عطف به «انعام» در صدر آیه است، صحیح می باشد.

در صورت وقف بر کلمه «بزعمهم» ابتدای از «لا یطعمها» جهت رعایت اتصال اجتناب ناپذیر است؛ ولی در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

سوره انعام آیه ۱۴۰

در صورت وقف بر «بغیر علم» ابتدای از «قتلوا اولادهم» که آغاز صله می باشد قابل توجیه است.

سوره انعام آیه ۱۴۱

وقف بر «مختلفا اكله» و ابتدای از «والنخل والزراع» قابل قبول است. در صورت عدم توانایی وقف بر «و غیر معروشات» ابتدای از «انشأ» مناسب است. موضع دیگر برای وقف، کلمه «والرمان» می باشد و ابتدای از «والزیتون» مورد قبول است.

سوره انعام آیه ۱۴۳

وقف بر «ثمانیة ازواج» نیکوست و وصل آن به عبارت بعد که فقط چهار مورد آن ذکر شده است نامناسب می باشد.

سوره انعام آیه ۱۴۵

وقف بر «الا ان تکون میتة» و ابتدای از همین عبارت مناسب است. وقف بر کلمه «یطعمه» صحیح نبوده و مغیّر معنا می باشد.

سوره انعام آیه ۱۴۶

در صورت وقف بر کلمه «الا ما حملت ظهورهما» ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۱۴۷

وصل جمله «ولا یرد بأسه عن القوم المجرمین» به ماقبل که کمال معنای آن است، بسیار نیکو و پسندیده می باشد.

سوره انعام آیه ۱۵۰

وقف بر «هذا» ابتدای از مابعد که با شرط آغاز شده نیکوست.

سوره انعام آیه ۱۵۱

وصل «ان لا تشرکوا به شیئا» به «وبالوالدین احسانا» که توأمان هستند، بسیار نیکو و پسندیده می باشد. وصل عبارت «نحن نرزقکم وایاهم» به ماقبل که تعلیل برای آن می باشد، اولویت دارد.

وقف بر سایر جملات نیکومی باشد.

سوره انعام آیه ۱۵۲

وقف بر «لانکلف نفسا الاوسعها» که جمله معترضه است جایز و ابتدای از مابعد نیکوست.

سوره انعام آیه ۱۵۳

وصل «ولاتتبعوا السبل» به ماقبل، که به نوعی تأکید برای آن می باشد، نیکو و پسندیده است.

سوره انعام آیه ۱۵۴

وقف بر «وتفصیلا لكل شیء» ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۱۵۶

در صورت وقف بر «من قبلنا» ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

سوره انعام آیه ۱۵۸

وقف بر «لاینفع نفسا ایمانها» اختیاری نمی باشد؛ زیرا عبارت «لم تکن ءامنتم من قبل» صفت کلمه «نفسا» بوده و می بایست بدان متصل گردد. در صورت عدم توانایی، در صورت وقف بر «ایمانها» ابتدای از «لاینفع» قابل قبول است.

سوره انعام آیه ۱۶۱

در صورت وقف بر «الی صراط مستقیم» ابتدای از مابعد قابل توجیه است؛ زیرا می تواند مفعول فعل محذوف قرار گیرد.

سوره انعام آیه ۱۶۳

وقف بر «لا شریک له» و ابتدای از مابعد، به دلیل تغییر نظم کلام، نیکوست.

سوره انعام آیه ۱۶۵

عبارت «لیبلوکم فیما ءاتاکم» تعلیل برای ماقبل می باشد؛ در صورت اضطرار، وقف بر «درجات» و ابتدای از «ورفع بعضکم» به جهت رعایت اتصال کلام، قابل قبول است.

سوره اعراف آیه ۲

عبارت «لتنذر به» تعلیل برای «کتاب انزل الیک» می باشد و سزاوار است بدان متصل گردد، در صورت ناتوانی وقف بر «حرج منه» ابتدای از «فلا یکن» جهت رعایت اتصال کلام، اجتناب ناپذیر است.

سوره اعراف آیه ۹

وقف بر «خسر و انفسهم» حسن و ابتدای از «فأولئک» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره اعراف آیه ۱۱

وقف بر «فسجدوا الا ابلیس» جایز است ولی ابتدای از ماقبل اولویت دارد؛ زیرا جمله مابعد بهتر است حالیه قرار گیرد.

سوره اعراف آیه ۱۷

عبارت «ولاتجد اکثرهم شاکرین» ادامه سخن ابلیس می باشد و سزاوار است به ماقبل خود متصل گردد.

سوره اعراف آیه ۱۸

وقف بر «مدحورا» و ابتدای از مابعد به دلیل آن که با لام ابتدائیه و شرط آغاز شده نیکو و پسندیده می باشد.

سوره اعراف آیه ۱۹

در صورت وقف بر «فکلا من حیث شئتما» ابتدای از همین عبارت قابل قبول است در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد با این توجیه که «فتکونا من الظالمین» نتیجه «ولاتقربا هذه الشجرة» می باشد، مرخص شمرده شده است.

سوره اعراف آیه ۲۰

در صورت وقف بر «من سوءاتهما» ابتدای از مابعد هر چند تفسیر و بیان «فوسوس» می باشد قابل اغماض است؛ ولی در صورت امکان، وصل آن از اولویت برخوردار می باشد. وقف بر «مانهاکما ربکما عن هذه الشجرة» که با فعل نفی آغاز شده و بعد از آن استثناء آمده است مغیر معنا می باشد.

سوره اعراف آیه ۲۲

وقف بر کلمه «الشجرة» وابتدای از ما بعد که مستأنف می باشد نیکو وپسندیده است.

سوره اعراف آیه ۲۷

در صورت وقف بر «من الجنة» وابتدای از «لايفتننکم الشيطان» که آغاز جمله است صحیح می باشد. ابتدای از «کما اخرج» مناسب نیست زیرا این عبارت متعلق به «لايفتننکم» می باشد.

سوره اعراف آیه ۳۳

در صورت وقف بر «بغير الحق» ابتدای از ما بعد به دلیل تغییر نظم کلام که تأویل به مصدر می رود، قابل توجیه است.

ابتدای از «والاثم» جهت رعایت اتصال قابل قبول است. ابتدای از «ماظهر منها» نامناسب وابتدای از «ومابطن» به مراتب ناپسندیده تر است.

سوره اعراف آیه ۳۵

در صورت وقف بر «يقصون عليكم آياتي» ابتدای از ما بعد که به نوعی تکرار فعل شرط است، مرخص شمرده شده است.

ولی در صورت امکان ابتدای از «إمّاياتينکم» که آغاز شرط است، اولویت دارد. ابتدای از «يقصون عليكم آياتي» نامناسب است و نیز وقف بر «فمن اتقى واصلح» که تکرار شرط بوده و برای برقراری اتصال آمده است، ناپسند می باشد.

سوره اعراف آیه ۴۲

در صورت وقف بر «لا نکلف نفسا الا وسعها» ابتدای از مابعد مرخص می باشد ابتدای از «لا نکلف نفسا الا وسعها» و وصل آن به مابعد نامناسب است زیرا این جمله معترضه بوده و میان مبتدا و خبر فاصله شده است.

سوره اعراف آیه ۴۳

وقف بر «لقد جائت رسل ربنا بالحق» و ابتدای از مابعد که مستأنفه است، نیکو می باشد.

سوره اعراف آیه ۴۸

در صورت وقف بر «يعرفونهم بسماهم» ابتدای از مابعد که تفسیر و بیان «ونادی» می باشد قابل اغماض است ولی در صورت توانایی وصل آن اولی است.

سوره اعراف آیه ۵۱

عبارت «وما کانوا بآياتنا یجحدون» می بایست به ماقبل خود وصل گردد. ابتدای از این عبارت ناپسند و مغیر معناست زیرا تصور می شود که «ما» نافیه باشد در حالی که موصوله است.

سوره اعراف آیه ۵۳

وقف بر «بالحق» ابتدای از «قدجاءت» که آغاز کلام است قابل قبول می باشد در صورت عدم توانایی، ابتدای از «فهل لنا من شفعاء» قابل اغماض است.

سوره اعراف آیه ۵۴

در صورت وقف بر «یطلبه حثیثا» ابتدای از «والشمس والقمر» قابل توجیه است. زیرا این عبارت عطف بر «السموت» می باشد و در صورت وصل به ماقبل، تصور می گردد عطف به «النهار» باشد.

سوره اعراف آیه ۵۹

جمله «انی اخاف علیکم عذاب یوم عظیم» ادامه کلام نوح پیامبر(ع) به قوم خویش می باشد، بنابراین در صورت وقف بر «مالکم من اله غیره» ابتدای از «فقال» که آغاز سخن نوح است صحیح می باشد. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد مرخص می باشد.

سوره اعراف آیه ۶۳

وقف بر «لینذرکم» وابتدای از همین عبارت که تعلیل برای «ان جاءکم» می باشد صحیح است.

سوره اعراف آیه ۶۶

ابتدای از «انالنریک فی سفاهة» که آغاز کلام مخالفان نوح است قبیح وناپسند می باشد.

سوره اعراف آیه ۷۲

وقف بر عبارت «بآیاتنا» حسن است ولی ابتدای از «وماکانوا مؤمنین» که عطف بر «کذبوا بآیاتنا» می باشد، نیکو وپسندیده نیست.

سوره اعراف آیه ۷۳

وقف بر «قدجاءتکم بینة من ربکم» نیکوست زیرا عبارت مابعد با مبتدا آغاز شده ومستأنفه است.

سوره اعراف آیه ۷۴

در صورت وقف بر «وبواکم فی الارض» ابتدای از همین عبارت صحیح است ابتدای از مابعد که مشتمل بر جمله حالیه می باشد جایز نیست.

سوره اعراف آیه ۷۵

وقف بر «اتعلمون» وابتدای از همین کلمه قابل قبول است. در صورت وقف بر «لمن ءامن منهم» ابتدای مناسبی در عبارت قبل وجود ندارد.

سوره اعراف آیه ۷۷

وقف بر «بما تعدنا» وابتدای از «وقالوا یا صالح» صحیح است.

سوره اعراف آیه ۷۹

در صورت وقف بر «ونصحت لکم» ابتدای از همین عبارت مناسب است.

سوره اعراف آیه ۸۶

وقف بر «وتصدون عن سبیل الله» وابتدای از همین عبارت که عطف به ما قبل می باشد، قابل قبول است.

سوره اعراف آیه ۸۷

وقف بر «فاصبروا» وابتدای از همین کلمه که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره اعراف آیه ۸۸

در صورت وقف اضطراری بر «من قریتنا» ابتدای از «لنخرجنک یا شعیب» هر چند آغاز گفته مستکبران از قوم شعیب (ع) می باشد جهت رعایت اتصال، اجتناب ناپذیر است.

سوره اعراف آیه ۹۵

در صورت اضطرار، وقف بر «حتی عفوا وقالوا» وابتدای از «وقالوا» مناسب به نظر می‌رسد زیرا عبارت «فأخذناهم بغتة» در نتیجه «وقالوا قد مسءاباءنا الضراء والسراء» بوده و ربطی به «حتی عفوا» ندارد.

با این همه، ابتدای از «حتی عفوا» نیز صحیح است.

سوره اعراف آیه ۹۶

وقف قبل از «ولکن کذبوا» که برای استدراک است صحیح نمی‌باشد. بنا بر این وقف بر «ولکن کذبوا» وابتدای از همین عبارت صحیح است. ابتدای از «لفتحنا علیهم» که جواب «لو» امتناعیه می‌باشد، مغیر معنا و نادرست است.

سوره اعراف آیه ۱۳۳

وقف بر «فاستکبروا» وابتدای از همین عبارت صحیح است. در قورت وقف اضطراری بر «ءایات مفصلات» ابتدای از مابعد که با «فاء» آغاز شده قابل رخصت است. زیرا در عبارت قبل ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره اعراف آیه ۱۳۴

ابتدای از «لئن کشفنا عن الرّجز» که با «لام ابتدائی» آغاز شده هر چند داخل در مقول قول است، نیکو و پسندیده می‌باشد.

سوره اعراف آیه ۱۳۷

در صورت وقف بر «ومغاربها» ابتدای از «کانوایستضعفون» که آغاز جمله صله می باشد، قابل توجیه است.

سوره اعراف آیه ۱۴۲

در صورت اضطرار، وقف بر «فأتمنناها بعشر» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره اعراف آیه ۱۴۵

در صورت وقف بر «وتفصيلا لكلّ شیء» ابتدای از مابعد که با «فاء» آغاز شده قابل توجیه است.

سوره اعراف آیه ۱۴۶

وقف بر «بغير الحق» وابتدای از مابعد، قابل اغماض است. وقف بر هر یک از عبارت های بعد نیز قابل توجیه است.

سوره اعراف آیه ۱۴۹

وقف بر «قالوا» وابتدای از همین کلمه که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره اعراف آیه ۱۵۳

در صورت عدم توانایی، وقف بر کلمه «ءامنوا» وابتدای از «ثمّ تابوا» قابل قبول است. ابتدای از مابعد نیز، مفهوم و مرخص می باشد.

سوره اعراف آیه ۱۵۶

وقف بر «وفى الآخرة» وابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است.

سوره اعراف آیه ۱۵۷

در صورت وقف بر «والانجيل» ابتدای از «الذی یجدونه» قابل قبول است. در صورت وقف بر «وینهم عن المنکر» ابتدای از «یأمرهم بالمعروف» صحیح می باشد. چنانچه بر «ویحرم علیهم الخبائث» ابتدای از «ویحلّ لهم الطیبات» نیکوست.

وقف بر «واتبعواالنورالذی انزل معه» که فاصله میان مبتدا و خبر می باشد، قبیح ناقص به شمار می رود.

سوره اعراف آیه ۱۶۱

در صورت وقف بر «وادخلواالباب سجّدا» به دلیل تقدیم «وادخلواالباب سجّدا» بر «وقولواحدة» در سوره بقره، ابتدای از «وقولواحدة» اولویت دارد.

سوره اعراف آیه ۱۶۲

وقف بر عبارت «فأرسلنا علیهم» که فاصله میان فعل و مفعول است، قبیح می باشد. وقف بر «من السماء» و ابتدای «فأرسلنا علیهم» صحیح است.

در صورت وقف اضطراری بر عبارت «قیل لهم» ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

سوره اعراف آیه ۱۶۳

وقف بر «اذیعدون فی السبت» و ابتدای از همین عبارت صحیح است سجاوندی وقف بر کلمه «البحر» را لازم می داند ولی وصل آن به مابعد بهتر است؛ در صورت اضطرار وقف بر کلمه «شرعاً» و ابتدای از «اذتأتیهم» قابل قبول است. وقف بر «ویوم لایسبتون» مغیر معنا و قبیح می باشد.

سوره اعراف آیه ۱۶۴

وقف بر کلمه «قوما» جایز نیست؛ زیرا جمله بعد صفت «قوما» بوده و می‌بایست بدان متصل گردد.

سوره اعراف آیه ۱۶۵

وقف بر «ینهون عن السوء» ناقص است؛ زیرا کمال معنای آن در جمله «واخذنا الذین ظلموا» می‌باشد بنابراین وقف بر «بعذاب بیس» و ابتدای از «واخذنا» صحیح است. در صورت وقف بر «ینهون عن السوء» ابتدای از از «انجینا» قابل قبول است.

سوره اعراف آیه ۱۶۹

وقف بر «یاخذون عرض هذاالدنی» ابتدای از همین عبارت قابل قبول است و در صورت وقف بر «سیغفرلنا» ابتدای از مابعد که ممکن است مستأنفه قرار گیرد، مرخص می‌باشد.

سوره اعراف آیه ۱۷۱

در صورت وقف بر «وظنوا انه واقع بهم» ابتدای از «خذوا ماء اتیناکم» که مقول قول مقدر است، جایز می‌باشد.

سوره اعراف آیه ۱۷۲

وقف بر «الست بر بکم» که فاصله میان سؤال و جواب است، جایز ولی در صورت امکان وصل آن اولی است.

وقف بر «قالوا بلی شهدنا» اولی است؛ زیرا جمله مابعد متعلق به محذوف و کلام خدای سبحان است و تقدیر آن (فعلنا ذلک ان لاتقولوا) می‌باشد. هر چند برخی ووقف بر «قالوا بلی» را صحیح دانسته و عبارت «شهدنا ان تقولوا» را کلام فرشتگان می‌دانند.

سوره اعراف آیه ۱۷۹

جمله «لهم قلوب لا یفقهون بها» ممکن است مستأنف قرارگیرد و جمله های مابعد عطف بر آن بوده و وقف بر آن ها جایز است.

سوره اعراف آیه ۱۸۴

وقف بر «اولم یتفکروا» بنا بر استیناف مابعد، جایز است ولی بهتر است به ما بعد خود وصل شود.

سوره اعراف آیه ۱۸۵

در صورت وقف بر «من شیء» ابتدای از مابعد مرخص می باشد. ابتدای از «وما خلق الله من شیء» نامناسب است زیرا ممکن است «ما» نافی تصور گردد.

سوره اعراف آیه ۱۸۸

جمله «وما مسنی السوء» عطف بر جواب شرط بوده و سزاوار است بدان متصل گردد.

سوره اعراف آیه ۲۰۵

در صورت وقف بر «بالغدو والآصال» ابتدای از مابعد مرخص می باشد؛ زیرا در عبارت قبل ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره انفال آیه ۱

وقف بر «یسئلونک عن الانفال» که فاصله میان سؤال و جواب است و نیز وقف بر «قل الانفال لله والرسول» که انتهای جواب سؤال است، نیکوست. وصل بقیه عبارت ها که به یکدیگر عطف شده اند، اولی است.

سوره انفال آیه ۲

وقف بر «زادتهم ایمانا» و ابتدای از «واذا تليت عليهم آياته» صحیح است. در صورت عدم توانایی، وقف بر «وجلت قلوبهم» و ابتدای از مابعد قابل اغماض می باشد.

وقف بر «واذا تليت عليهم آياته» قبیح ناقص می باشد

سوره انفال آیه ۵

در صورت وقف بر «كما اخرجك ربك من بيتك بالحق» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف قابل توجیه است.

سوره انفال آیه ۷

وقف بر «تكون لكم» و ابتدای از «وتودون» صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد قابل توجیه می باشد.

سوره انفال آیه ۱۱

وقف بر «لیطهرکم به» و ابتدای از «وینزل علیکم» صحیح است. همچنین وقف بر «ویدهب عنکم رجز الشیطان» و ابتدای از همین عبارت صحیح می باشد.

سوره انفال آیه ۱۹

وقف بر «وان تعودوا نعد» و ابتدای از مابعد که عطف به جمله مستأنفه «ان تستفتحوا» می باشد، نیکوست و در صورت وقف بر «ولو کثرت» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره انفال آیه ۲۳

وقف بر «لأسمعهم» نیکوست زیرا جمله بعد با شرط دیگری آغاز شده است.

سوره انفال آیه ۲۶

وقف بر «فآویکم» وابتدای از همین کلمه نیکوست.

سوره انفال آیه ۲۷

وقف بر «لاتخونواالله والرسول» وابتدای از همین عبات صحیح است.

سوره انفال آیه ۲۹

وقف بر «ان تتقواالله يجعل لكم فرقانا» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره انفال آیه ۳۱

وقف بر «قالوا قدسمعنا» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط می باشد صحیح است. ابتدای از «ان هذا الا اساطیر الاولین» که ادامه سخن کافران است، ناپسند می باشد.

سوره انفال آیه ۳۲

در صورت وقف بر «حجارة من السماء» ابتدای از «فامطر علينا» هر چند مقول قول کافران است؛ ولی به جهت رعایت اتصال اجتناب ناپذیر می باشد.

سوره انفال آیه ۳۸

در صورت وقف بر «ما قدسلف» ابتدای از «ان ینتهوا» که آغاز جمله شرطیه است صحیح می باشد؛ ولی در صورت ناتوانی ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

سوره انفال آیه ۴۱

وقف بر «وللرسول» وابتدای از «فأن لله خمسه» و نیز وقف بر «ان کنتم ءامنتم بالله» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره انفال آیه ۴۲

وقف بر «ولکن ليقضى الله امرا کان مفعولا» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال «لیهلک من هلک عن بینة» به ماقبل خود، نیکوست.

سوره انفال آیه ۴۴

وقف بر «ویقللکم فی اعینهم» وابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال عبارت «لیقضى الله امرا کان مفعولا» به ماقبل خود، نیکوست.

سوره انفال آیه ۴۵

وقف بر «فاثبتوا» وابتدای از «اذا لقیم فئة» که آغاز شرط است صحیح می باشد. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

سوره انفال آیه ۴۷

در صورت وقف بر «ورثاءالناس» ابتدای از «خرجوا» که آغاز صله می باشد، قابل اغماض است.

سوره انفال آیه ۴۸

وقف بر عبارت «بریء منکم» وابتدای از «وقال» قابل قبول است.

سوره انفال آیه ۵۰

در صورت وقف بر «وادبارهم» ابتدای از قابل توجیه است. ابتدای از «الملئكة» که فاعل «یتوفی» است نامناسب است. در صورت اضطرار ابتدای از مابعد که مقول قول محذوف است قابل اغماض است.

سوره انفال آیه ۵۳

در صورت وقف بر «حتی یغیروا ما بانفسهم» ابتدای از مابعد مرخص می باشد؛ زیرا در عبارت قبل، ابتدای مناسبی یافت نمی شود.

سوره انفال آیه ۶۰

در صورت وقف بر «وعدوکم» ابتدای از «ترهبون به» قابل قبول است. وقف بر «لا تعلمونهم» و ابتدای از «الله يعلمهم» که با لفظ جلاله آغاز شده، نیکوست.

سوره انفال آیه ۷۰

وقف بر «یؤتکم خیرا مما اخذ منکم» و ابتدای از «ان يعلم الله ما فی قلوبکم خیرا» که آغاز شرط است صحیح می باشد.

سوره انفال آیه ۷۲

در صورت اضطرار وقف بر «والذین ءاوا و نصروا» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال قابل توجیه است.

سوره انفال آیه ۷۴

در صورت اضطرار وقف بر «والذین ءاوا و نصروا» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال قابل توجیه است. مانند آیه ۷۲

سوره توبه آیه ۲

در صورت وقف بر «غیر معجزی الله» ابتدای از «واعلوا» صحیح است؛ زیرا عبارت «وان الله مخزی الکافرین» عطف بر «انکم غیر معجزی الله» بوده و می بایست بدان متصل گردد.

سوره توبه آیه ۳

در صورت وقف بر «یوم الحج الاکبر» ابتدای از مابعد مرخص می باشد زیرا در عبارت قبل، ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره توبه آیه ۴

در صورت وقف بر «ولم یظاهروا علیکم احدا» ابتدای از «ثم لم ینقصوکم شیئا» جهت رعایت اتصال قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۵

وقف بر «حیث وجدتموهم» و ابتدای از «فاقتلوا المشرکین» که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد.

سوره توبه آیه ۱۲

وقف بر «فقاتلوا ائمة الکفر» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد. ابتدای از «انهم لا ایمان لهم» و وصل آن به «لعلهم ینتهون» پسندیده نیست؛ زیرا عبارت اخیر متعلق به «فقاتلوا ائمة الکفر» بوده و می بایست بدان متصل شود.

سوره توبه آیه ۱۳

وقف بر «اتخشونهم» جهت تأکید بر مضمون آن، بسیار نیکو و پسندیده است.

سوره توبه آیه ۱۶

وقف بر «ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره توبه آیه ۱۸

وقف بر «وءاتی الزکوة» وابتدای از «واقام الصلوة» نیکوست.

سوره توبه آیه ۱۹

در صورت وقف بر «والیوم الآخر» ابتدای از «کمن ءامن بالله» قابل توجیه است.

سوره توبه آیه ۲۰

وقف بر «وانفسهم» که فاصله میان مبتدا و خبر می باشد، قبیح است و در صورت وقف بر آن

تصور می شود این عبارت خبر ابتدای محذوف باشد به همین سبب وصل آیه (۲۰) به ماقبل

مغیر معنا و ناپسند می باشد .

سوره توبه آیه ۲۴

وقف بر «واموال اقترفتموها» ، «و تجارة تخشون کسادها» و «و مساکن ترضونها» وابتدای از

همان عبارت قابل قبول است. وقف بر «واموال» ، «و تجارة» و «و مساکن» که فاصله میان

صفت و موصوف است، نامناسب می باشد.

وقف بر «فتربصوا» حسن وابتدای از همین کلمه صحیح است. وقف بر «وجهاد فی سبيله»

ناقص بوده و سزاوار است از آن اجتناب گردد.

سوره توبه آیه ۲۵

در صورت وقف بر «اذ اعجبتمکم کثرتکم» ابتدای از «ویوم حنین» هرچند عطف به ماقبل بوده، پسندیده است؛ زیرا عبارت «اذ اعجبتمکم کثرتکم» متعلق به «ویوم حنین» می باشد و سزاوار است اتصال آن حفظ شود.

سوره توبه آیه ۲۹

وقف بر عبارت «حتى يعطوا الجزية» حسن و ابتدای از آن نیکوست؛ زیرا این عبارت متعلق به «قاتلوا» در آغاز آیه بوده و سزاوار است بدان متصل شود. در صورت اضطرار وقف بر «ولایدینون دین الحق» و بهتر از آن «من الذین اوتوا الكتاب» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۳۲

در صورت وقف بر عبارت «والمسیح بن مریم» ابتدای از مابعد مرخص می باشد؛ زیرا در عبارت قبل، ابتدای مناسبی یافت نمی شود.

سوره توبه آیه ۳۴

وقف بر «لیظهره علی الدین کله» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۳۵

وقف بر «لیأکلون اموال الناس بالباطل» و ابتدای از «ان کثیرا من الاحبار والرهبان» که آغاز جمله است، صحیح می باشد.

سوره توبه آیه ۳۷

در صورت وقف بر «یوم خلق السموت والارض» ابتدای از مابعد، بنابر استیناف صحیح است.

سوره توبه آیه ۳۸

در صورت وقف بر «ویحرمونه عاما» ابتدای از «یحلونه عاما» صحیح است، ابتدای از «ویحرمونه عاما» که عدل عبارت ماقبل است، نامناسب می باشد.

سوره توبه آیه ۴۰

وقف بر «اذهما فی الغار» وابتدای از «اذاخرجه الذین کفروا» صحیح است؛ در صورت عدم توانایی وقف بر کلمه «کفروا» مناسب می باشد. وقف بر «ثانی اثین» نامناسب است.

سوره توبه آیه ۴۲

وقف بر «لخرجنا معکم» وابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است. در این صورت وقف بر «یهلکون انفسهم» نیکوست؛ زیرا جمله مابعد به «سیحلفون بالله» مربوط می شود که باوقف بر «لخرجنا معکم» این ارتباط قطع شده است.

سوره توبه آیه ۴۳

وقف بر «عفا الله عنک» جایز بوده ولی وصل آن به مابعد که بیان تعلیل عتاب است، اولویت دارد.

سوره توبه آیه ۴۴

در صورت وقف بر «وارتابت قلوبهم» ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۴۷

در صورت وقف بر «یبغونکم الفتنه» ابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است.

سوره توبه آیه ۴۸

وقف بر «وَقَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۵۴

وقف بر «بِرَسُولِهِ» و ابتدای از «الَا» قابل قبول است. وقف دیگر «الَا وَهَمْ كَسَالِي» می باشد و ابتدای از «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ» صحیح است. وقف بر «وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ» مغیر معناست و چنین مفهوم می گردد که منافقان نماز نمی گزارند در حالی که منافقان از روی سستی و کسالت نماز می خوانند.

سوره توبه آیه ۵۸

وقف بر «وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ» و ابتدای از ما بعد که با شرط آغاز شده جایز است.

سوره توبه آیه ۵۹

وقف بر «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره توبه آیه ۶۰

در صورت وقف بر «وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبِهِمْ» و یا وقف بر «وَفِي الرِّقَابِ» ابتدای از «وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبِهِمْ» قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۶۲

در صورت وقف بر «لِيَرْضَوْكُمْ» ابتدای از ما بعد بنا بر استیناف جایز است ولی چنانچه توانایی باشد وصل آن اولویت دارد.

سوره توبه آیه ۶۹

وقف بر «واولادا» وابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است. در صورت وقف بر «بخلاقهم» ابتدای از «فاستمتعتم بخلاقکم» صحیح است زیرا عبارت «وخضتم کالذی خاضوا» عطف بر آن است. به همین سبب، ابتدای از «کما استمتع الذین» مناسب نمی باشد.

سوره توبه آیه ۷۱

در صورت وقف بر «ویؤتون الزکوة» ابتدای از «ویقیمون الصلوة» صحیح است زیرا صلوة و زکوة قرین یکدیگر بوده و سزاوار نیست از هم جدا شوند.

سوره توبه آیه ۷۲

در صورت وقف بر «خالدین فیها» ابتدای از «جنات» قابل قبول است؛ زیرا کلمه «مساکن» عطف بر «جنات» بوده و سزاوار است اتصال آن رعایت گردد.

سوره توبه آیه ۷۴

وقف بر «ولقد قالوا کلمة الکفر» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره توبه آیه ۷۷

در صورت وقف بر «ما وعدوه» ابتدای از «بما اخلفوا الله» قابل توجیه است؛ زیرا عبارت «وبما کانوا یکذبون» عطف بر آن است.

سوره توبه آیه ۷۹

در صورت وقف بر «فیسخرون منهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است. ولی در صورت امکان وصل آن اولویت دارد زیرا بهتر است عبارت «سخر الله منهم» خبر «الذین

یلمزون» در آغاز آیه باشد؛ بنابر این قول، وقف بر کلمه «جهدهم» و ابتدای از «والذین لا یجدون» قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۸۱

وقف بر «ان یجاهدوا» و بهتر از آن «فی سبیل الله» و ابتدای از «وکرهوا» صحیح است.

سوره توبه آیه ۸۳

در صورت ناتوانی، وقف بر کلمه «ابدا» و ابتدای از «فقل» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره توبه آیه ۸۶

وقف بر «استأذنک اولوا الطول منهم» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جزای شرط است، صحیح می باشد.

در صورت وقف بر «وجاهدوا مع رسوله» ابتدای از مابعد قابل توجیه است؛ ابتدای از «وجاهدوا مع رسوله» و یا «ان ءامنوا بالله» چندان مناسب نمی باشد.

سوره توبه آیه ۹۱

در صورت وقف بر «حرج» ابتدای از «ولا علی الذین» جهت بازگشت برای اتصال کلام، قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۹۲

وقف بر «حزنا» و ابتدای از «تولوا» صحیح است. در صورت ناتوانی، وقف بر «لا اجد ما احملکم علیه» و ابتدای از «قلت» قابل اغماض می باشد. وقف بر کلمه «تولوا» نامناسب است

زیرا جمله مابعد حالیه بوده و می بایست بدان متصل گردد تا روشن شود که آنان باچشمان اشکبار از نزد پیامبر(ص) برگشتند.

سوره توبه آیه ۱۰۰

وقف بر «رضی الله عنهم ورضوا عنه» وابتدای از همین عبارت که خبر «السابقون الاولون» می باشد صحیح است.

سوره توبه آیه ۱۰۱

وقف بر کلمه «منافقون» وابتدای از مابعد بنا بر استیناف جایز است. ولی وقف بر عبارت «ومن اهل المدینة» اولویت دارد؛ زیرا بهتر است عطف به ماقبل شود و عبارت «مردوا علی النفاق» با تقدیر (هم مردوا علی النفاق) نیز به «ومن اهل المدینة» باز گردد.

سوره توبه آیه ۱۰۴

در صورت وقف بر «ویأخذ الصدقات» ابتدای از مابعد مرخص می باشد؛ زیرا در عبارت قبل، ابتدای مناسبی یافت نمی شود و بازگشت به «أَنَّ اللَّهَ» بجز رعایت اتصال فایده دیگری ندارد.

سوره توبه آیه ۱۰۷

در صورت وقف بر «وتفریقاً بین المؤمنین» ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال مقبول است.

سوره توبه آیه ۱۰۹

وقف بر «جرف هار» و ابتدای از «ام من اسس بنیانه» ک با «أم» متصله آغاز شده، مناسب است.

سوره توبه آیه ۱۱۲

وقف بر «الساجدون» وابتدای از «الراکعون» و نیز وقف بر «والناهون عن المنکر» وابتدای از «الآمرون بالمعروف» صحیح است تا عبارت های معادل، باهم خوانده شوند.

سوره توبه آیه ۱۱۳

وقف بر «ولوکانوا اولی قریبی» وابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال قابل قبول است. ابتدای از «ان یتغفروا للمشرکین» مغیر معنا و ناپسند است.

سوره توبه آیه ۱۱۴

در صورت وقف بر کلمه «ایّاه» ابتدای از مابعد که متضمن معنای شرط است، جایز می باشد.

سوره توبه آیه ۱۱۷

در صورت وقف بر «فی ساعة العسرة» ابتدای از «الذین اتبعوه» توصیه می شود تا این عبارت به مهاجرین و انصار باز گردد. چنانچه از کلمه «والانصار» ابتداء گردد عبارت «الذین اتبعوه فی ساعة العسرة» فقط صفت انصار تلقی می شود.

سوره توبه آیه ۱۱۸

وقف بر «وضاقت علیهم انفسهم» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۱۲۰

ابتدای از «ان یتخلفوا» مغیر معنا و نامناسب است.

در صورت وقف بر «یغیظ الکفار» ابتدای از «ولایطئون موطئا» قابل قبول است.

سوره توبه آیه ۱۲۱

در صورت اضطرار وقف بر «الا کتب لهم» وابتدای از مابعد که کلام مفهومی است؛ قابل اغماض است. ابتدای ازماقبل مناسب نیست.

سوره توبه آیه ۱۲۲

وقف بر «لیتفقها فی الدین» وابتدای ارهمین عبارت صحیح می باشد.

سوره توبه آیه ۱۲۵

وقف بر «فزادتهم رجسا الی رجسهم» وابتدای ارهمین عبارت قابل قبول می باشد.

سوره توبه آیه ۱۲۶

وقف بر «ثم لا یتوبون» وابتدای ارهمین عبارت قابل قبول است. در صورت وقف بر «او مرتین» ابتدای از «یفتنون» قابل اغماض می باشد

سوره توبه آیه ۱۲۷

در صورت وقف بر «نظر بعضهم الی بعض» ابتدای از همین عبارت صحیح می باشد. ابتدای از مابعد جایز نیست؛ زیرا عبارت «ثم انصرفوا» عطف بر «نظر بعضهم» می باشد.

سوره توبه آیه ۱۲۸

وقف بر «عزیز علیه ما عنتم» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره توبه آیه ۱۲۹

وقف بر «لا اله الا هو» وابتدای از مابعد که با خبر مقدم آغاز شده صحیح می باشد.

سوره یونس آیه ۲

وقف بر «وبشر الذين آمنوا» وابتدای از همین عبارت صحیح است. وقف بر «ان انذر الناس» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است. ابتدای از مابعدنیزکه با بشارت آغاز می شود، قابل توجیه است.

سوره یونس آیه ۳

ابتدای از «ما من شفیع» که با نفی آغاز شده نیکوست.

سوره یونس آیه ۶

در صورت اضطرار، وقف بر «لآیات» وابتدای از همین کلمه قابل قبول است.

سوره یونس آیه ۱۲

وقف بر «او قائما» ابتدای از مابعد جایز است.

وقف بر «فلما كشفنا عنه ضره» که فاصله میان شرط و جزا است، نامناسب می باشد.

سوره یونس آیه ۱۳

وقف بر «لما ظلموا» حسن ولی ابتدای از مابعد که مشتمل بر جمله حالیه می باشد، نامناسب است.

سوره یونس آیه ۱۵

وقف بر «واذا تتلى عليهم آياتنا بینات» که فاصله میان شرط و جزا است، جایز نمی باشد. در صورت اضطرار وقف بر «قال الذين لا يرجون لقاءنا» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول است.

سوره یونس آیه ۱۸

وقف بر «ویقولون» وابتدای از همین کلمه جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره یونس آیه ۲۲

وقف بر «جاءتها ریح عاصف» وابتدای از همین عبارت که جواب «حتی اذا» می باشد نیکوست. همچنین وقف بر «دعوا الله مخلصین له الدین» وابتدای از همین عبارت نیکوست زیرا مقصود اصلی از کلام است.

سوره یونس آیه ۲۴

وقف بر «والانعام» وابتدای از مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده جایز است.

وقف بر «اتاها امرنا» و بهتر از آن «لیلا او نهارا» وابتدای از «اتاها امرنا» که آغاز جواب است، صحیح می باشد.

سوره یونس آیه ۲۷

ابتدای از «ما لهم من الله من عاصم» که با نفی آغاز شده نیکوست.

سوره یونس آیه ۳۱

در صورت وقف بر «قل من یرزقکم من السموت والارض» ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

در صورت وقف بر «والابصار» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

وصل تمامی موارد بالا اولویت دارد.

سوره یونس آیه ۳۷

وقف بر «ولکن تصدیق الذی بین یدیه» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است. وقف بر «ولکن» در اینجا ناپسند و سبب برداشت غلط می‌گردد.

سوره یونس آیه ۴۴

وقف بر «ولکن» در اینجا ناپسند و سبب برداشت غلط می‌گردد.

سوره یونس آیه ۵۴

وقف بر «وقضی بینهم بالقسط» به سبب آن که جمله ما بعد، بیان و تأکید برای آن است. مناسب نیست.

سوره یونس آیه ۵۷

در صورت وقف بر «وشفاء لما فی الصدور» ابتدای صحیح عبات «قد جاء تکم» می‌باشد؛ ابتدای از «وشفاء» که عطف بر «موعظة» بوده و نقش فاعل «قد جاء تکم» را ایفاء می‌کند، نامناسب است. زیرا ممکن است تصور شود که «وشفاء» خبر مبتدای محذوف باشد.

سوره یونس آیه ۵۹

در صورت وقف بر «فجعلتم منه حراما وحلالا» ابتدای از مابعد که به نوعی تکرار استفهام در آغاز آیه بوده و تداعی استیناف می‌کند، نیکوست. در این صورت وصل «قل ۛ الله اذن لکم» به مابعد که با «ام» متصله آغاز می‌شود، مطلوب است. و نیز در صورتی که از ابتدای آیه تا «قل ۛ الله اذن لکم» بایک نفس خوانده شود، تکرار همین عبارت جهت رعایت اتصال، نیکوست.

سوره یونس آیه ۶۱

وقف بر « الا كنا عليكم شهدا » وابتدای از همین عبارت قابل قبول است. وقف بر «وماتعملون من عمل» که پیش از (الا) آمده، ناپسند است وابتدای از این عبارت نیز که عطف به ماقبل خویش می‌باشد، چنان مناسب به نظر نمی‌رسد.

در صورت وقف بر «ولافی السماء» ابتدای از مابعد، قابل اغماض می‌باشد.
(مانند آیه ۵۹ سوره انعام)

سوره یونس آیه ۷۱

وقف بر «فعلى الله توكلت» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، صحیح می‌باشد. در صورت وقف بر «ثم لایکن امرکم علیکم غمة» ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره یونس آیه ۷۸

در صورت وقف بر «فی الارض» ابتدای از مابعد که ادامه سخن کافران است، صحیح نمی‌باشد. بازگشت به عبارت قبل (وتكون لكما الكبرياء فی الارض) جهت حفظ اتصال توصیه می‌شود.

سوره یونس آیه ۸۸

در صورت وقف بر «فی الحیوة الدنیا» ابتدای از «ربنا انک ءاتیت» صحیح است؛ در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد به جهت تکرار ربنا برای تأکید، قابل اغماض می‌باشد. در هر دو صورت وقف بر «لیضلوا عن سبیلک» نیکو وپسندیده است.

سوره یونس آیه ۹۰

در صورت وقف بر «بنوا اسراءیل» ابتدای از «قال ءامنتم» که آغاز جواب شرط می‌باشد، صحیح است.

سوره یونس آیه ۹۸

در صورت وقف بر «الا قوم یونس» ابتدای از همین عبارت صحیح است. سجاوندی ابتدای از «لما ءامنوا» را بنا بر استیفاء، جایز می‌شمارد.

سوره یونس آیه ۱۰۴

وقف بر «من دون الله» وابتدای از «فلا اعبد» که آغاز جواب شرط است، صحیح می‌باشد.

سوره هود آیه ۴

وقف بر «الی اجل مسمی» وابتدای از «یمتعکم» قابل قبول است؛ زیرا کلمه «ویؤت» عطف بر آن می‌باشد.

سوره هود آیه ۷

وقف بر «لیبلوکم» وابتدای از همین کلمه صحیح است در صورت وقف بر «وکان عرشه علی الماء» تکرار این عبارت برای وصل به مابعد، مغیر معنا و ناپسند می‌باشد؛ زیرا این گونه مستفاد می‌گردد که عرش خدا بر روی آب قرار گرفته تا شمارا بیازماید. در صورتی که «لیبلوکم» متعلق به «خلق السموت والارض» می‌باشد و مفهوم آن چنین است: خداوند آسمان ها و زمین را آفرید تا شمارا بیازماید.

در صورت عدم توانایی، وقف بر «لیقولن الذین کفروا» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره هود آیه ۲۷

در صورت وقف بر «الا بشرنا مثلنا» ابتدای از مابعد بهتر از بازگشت به «ما نراک» می باشد.
وقف بر «بادی الرأی» و ابتدای از «وما نراک اتبعک» قابل قبول است. در صورت عدم توانایی،
ناگزیر از ابتدای به مابعد می باشیم.

سوره هود آیه ۲۸

وقف بر «وءاتانی رحمة من عنده» و ابتدای از «ان كنت علی بینة من ربی» که با ادات شرط
آغاز شده صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از «وءاتانی رحمة» نیز قابل قبول
است. در صورت وقف بر «فعمیت علیکم» ابتدای از مابعد که با استفهام آغاز شده قابل
اغماض می باشد.

سوره هود آیه ۳۱

ابتدای از «الله اعلم بما فی انفسکم» و وصل آن به ما بعد نامناسب است؛ زیرا عبارت «انی اذا
لمن الظالمین» متعلق به «ولا اقول لکم» می باشد که جمله معترضه
«الله اعلم بما فی انفسکم» میان آن فاصله شده است.

سوره هود آیه ۳۶

در صورت وقف بر «الا من قءامن» ابتدای از مابعد قابل توجیه است در صورت توانایی،
ابتدای از «انه لن یؤمن» اولویت دارد.

سوره هود آیه ۴۰

وقف بر «زوجین اثبین» و ابتدای از «قلنا حمل فیها» که آغاز جواب شرط است صحیح می-
باشد.

سوره هود آیه ۴۲

در صورت وقف بر «کالجبال» ابتدای از مابعد قابل اغماض می باشد. در صورت وقف بر «یابنی
ارکب معنا» ابتدای از «ونادی نوح ابنه» صحیح و ابتدای از «یابنی» قابل قبول است. ابتدای
از «وکان فی معزل» که حالیه است در هیچ شرایطی صحیح نمی باشد

سوره هود آیه ۴۴

در صورت وقف بر «ویاسماء اقلعی» ابتدای از مابعد صحیح است و نیازی به برگشت به ماقبل
نیست.

سوره هود آیه ۴۵

در صورت عدم توانایی قرائت این آیه در یک نفس وقف بر «ونادی نوح ربه» و ابتدای از
مابعد قابل توجیه است.

سوره هود آیه ۴۶

وقف بر «انه عمل غیر صالح» و ابتدای از مابعد که با فاء آغاز شده نیکوست.

سوره هود آیه ۵۲

در صورت وقف بر «ویزدکم قوه الی قوتکم» و یا حداقل کلمه «مدرارا» ابتدای از «ثم توبوا
الیه» صحیح است زیرا عبارت «ولاتتولوا مجرمین» عطف بر آن است.

سوره هود آیه ۵۳

در صورت وقف بر «ومانحن بتارکی ءالھتنا عن قولک» ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال قابل قبول است.

سوره هود آیه ۵۸

در صورت وقف بر «برحمة منا» ابتدای از «نجینا هودا» صحیح می باشد. ابتدای از «والذین ءامنوا» علی رغم شیوع آن ناپسند است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد (ونجیناهم) قابل اغماض است.

سوره هود آیه ۶۲

در صورت وقف بر «وءاتانی منه رحمة» ابتدای از «ان کنت علی بینة من ربی» که با ادات شرط آغاز شده صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از «وءاتانی» جهت رعایت اتصال، قابل اغماض می باشد.

سوره هود آیه ۶۴

در صورت وقف بر کلمه «ءایة» ابتدای از مابعد که با «فاء» آغاز شده جایز است (مانند آیه ۷۳ سوره اعراف).

سوره هود آیه ۶۶

در صورت وقف بر «برحمة منا» ابتدای از «نجینا صالحا» صحیح می باشد. ابتدای از «والذین ءامنوا» علی رغم شیوع آن ناپسند است.

سوره هود آیه ۷۷

در صورت وقف بر «وضاق بهم ذرعا» ابتدای از «سیء بهم» که آغاز جواب شرط استقابل قبول است.

سوره هود آیه ۹۴

در صورت وقف بر «برحمة منا» ابتدای از «نجینا شعیبا» صحیح می باشد. ابتدای از «والذین ءامنوا» که عطف بر مفعول می باشد علی رغم شیوع آن ناپسند است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد (واخذت الذین ظلموا الصیحة) قابل توجیه است.

سوره هود آیه ۱۱۳

وقف بر «فتمسکم النار» وابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره هود آیه ۱۱۶

وقف بر «فی الارض» ابتدای از «ینهون» صحیح می باشد؛ ابتدای از «اولوابقیة» که فاعل «کان» می باشد، چندان مناسب نیست.

سوره هود آیه ۱۲۳

در صورت وقف بر «والیه یرجع الامرکله» ابتدای از مابعد بنابر استیناف جایز است ولی در صورت توانایی، وصل آن اولویت دارد.

سوره یوسف آیه ۳

در صورت وقف بر «هذالقرءان» ابتدای از مابعد بنابر استیناف قابل توجیه است.

سوره یوسف آیه ۴

در صورت اضطراب وقف بر «والشمس والقمر» ابتدای از «یاابت» که آغاز مقول قول است، صحیح می‌باشد. ابتدای از «والشمس والقمر» نامناسب است؛ زیرا با ضمیر در «رأیهم» تناسب ندارد. به همین سبب برخی قاریان از «احد عشر کوکبا» ابتداء نموده اند که قابل توجیه است.

سوره یوسف آیه ۶

در صورت وقف بر «ويعلمک من تأویل الاحادیث» ابتدای از همین عبارت صحیح است زیرا عبارت مابعد بدان عطف گردیده است. در صورت عدم توانایی ابتدای از «وایتم نعمته علیک» نیز قابل اغماض است.

سوره یوسف آیه ۸

در صورت وقف بر «ونحن عصبه» ابتدای از مابعد که ادامه سخن برادران یوسف می‌باشد چندان مناسب نمی‌باشد. ابتدای از «ونحن عصبه» جهت رعایت اتصال، مقبول است.

سوره یوسف آیه ۹

در صورت وقف بر «یخل لکم وجه ایکم» ابتدای از همین عبارت هر چند جواب فعل امر (اقتلوا) می‌باشد قابل توجیه است؛ ابتدای از مابعد که ادامه گفتار پیشین است، چندان مناسب نمی‌باشد.

سوره یوسف آیه ۲۰

در صورت وقف بر «دراهم معدودة» ابتدای از مابعد که عطف بر جمله مستأنفه می‌باشد، صحیح است.

سوره یوسف آیه ۲۴

وقف بر «ولقد همت به» وابتدای از مابعد که جمله مستأنفه و جواب شرط متأخر می باشد نیکوست. وصل جمله اول به دوم ووقف بر «وهمّ بها» مغیر معناست وچنین مفهوم می شود که یوسف نیز قصد آن زن را نمود در صورتی که کامل جمله «وهمّ بها لولا ان رءابرهان ربّه» بوده ومفهوم آن چنین است: یوسف نیز اگر برهان پروردگار خویش را نمی-دید، قصد وی می نمود.

سوره یوسف آیه ۲۶

در صورت وقف بر «فصدقت» ابتدای از «ان کان» که آغاز جمله شرطیه است صحیح می باشد. ابتدای از مابعد بسیار نامناسب بوده ومفهوم آن حکایت از دروغگویی یوسف صدیق دارد در حالی که عبارت «وهو من الکاذبین» ادامه جواب شرط است یعنی اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد وی از دروغگویان است.

سوره یوسف آیه ۲۷

عبارت «وهو من الصادقین» عطف بر جواب شرط می باشد و سزاوار است به وصل خوانده شود ولی تکرار آنکه به مفهوم تأیید راستگویی یوسف پیامبر در سخنان خویش می-باشد، بسیار لطیف وزیباست. شاطبی به نقل از ابن جزری وقف بر «فکذبت» وابتدای از «وهو من الصادقین» را اختیار کرده است.

سوره یوسف آیه ۲۹

وقف بر «یوسف اعرض عن هذا» وابتدای از مابعد که خطاب از یوسف به همسر عزیز تغییر یافته است، بسیار نیکو وپسندیده می باشد.

وصل عبارت «واستغفری لذنبک» به مابعد که تعلیل برای آن است، نیکو می باشد.

سوره یوسف آیه ۳۱

در صورت ناتوانی وقف بر «ارسلت الیهن» وابتدای از همین عبارت نیکوست تا ادامه داستان که مشتمل بر مراسم پذیرایی است در یک نفس خوانده شود.

در صورت وقف بر «ماهدابشرا» ابتدای از «وقلن حاش لله» صحیح است ولی تکرار «ان هذا الا ملک کریم» جهت تأکید و تأیید مضمون آن، خالی از لطف نمی باشد.

سوره یوسف آیه ۳۶

وقف بر «ودخل معه السجن فتیان» نیکوست؛ زیرا جمله بعد که با سخن یکی از آن دو آغاز می گردد، بهتر است مستأنف قرار گیرد.

وقف بر «تأکل الطیر منه» وابتدای از مابعد که از گفته یکی از آن دو، به سخن مشترک آنان عدول گردیده است، نیکومی باشد.

سوره یوسف آیه ۴۲

وقف بر «اذکرنی عند ربک» بنابر استیناف ما بعد جایز است. در صورت وقف بر «فأنساه الشیطان» ابتدای از مابعد، که به یوسف پیامبر بر می گردد، قابل توجیه است.

سوره یوسف آیه ۴۳

در صورت وقف بر «یاکلهن سبع عجاف» ابتدای از «انی اری» صحیح است. ابتدای از «یاکلهن» مناسب نبوده و مفهوم کلام تغییر می یابد.

سوره یوسف آیه ۴۶

در صورت وقف بر «یاکلهن سبع عجاف» ابتدای ار «افتنا» قابل قبول بوده و ابتدای از «یاکلهن» مناسب نمی باشد.

در صورت وقف بر «واخرباسات» ابتدای از مابعد، به جهت طول کلام مرخص شمرده شده است.

سوره یوسف آیه ۵۱

در صورت وقف بر «الآن ححص الحق» ابتدای از مابعد هرچند داخل در گفتار همسر عزیز می باشد، قابل اغماض است.

سوره یوسف آیه ۵۳

این آیه ادامه گفتار پیشین است و سزاوار است اتصال آن حفظ شود؛ بنابراین آغاز تلاوت از این آیه علی رغم شیوع آن که در ابتدای جزء قرار گرفته مناسب نمی باشد. قطع تلاوت در آیه قبل نیز نامناسب است.

سوره یوسف آیه ۶۲

وقف بر «اذانقلبوا الی اهلهم» و ابتدای از «لعلهم یعرفونها» قابل قبول است. زیرا عبارت «لعلهم یرجعون» متعلق به فعل امر (اجعلوا بضاعتهم فی رحالهم» در آغاز آیه می باشد و سزاوار است اتصال آن حفظ شود. ابتدای از «اذانقلبوا الی اهلهم» نامناسب است.

سوره یوسف آیه ۶۳

در صورت وقف بر «منع منا الکیل» ابتدای از «قالوا یا ابانا» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد، که کلام مفهومی است قابل توجیه می باشد.

سوره یوسف آیه ۶۵

وقف بر «هذه بضاعتنا ردت الینا» وابتدای ازما بعد که استیناف در حیز قول است، به جهت التفات در کلام، نیکوست.

سوره یوسف آیه ۶۸

در صورت وقف بر «من شیء» ابتدای از «ماکان یعنی عنهم» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره یوسف آیه ۷۰

در صورت وقف بر «جعل السقایة فی رحل اخیه» ابتدای ازما بعد قابل توجیه است؛ زیرا کیل رایوسف درون بار برادرش قرار داد ولی جارچی که مطلع نبود ندا در داد که ای کاروانیان شما دزدی کرده اید. ظاهرا دو حادثه جداگانه بوده است.

سوره یوسف آیه ۷۶

وقف بر «کذک کدنا لیوسف» وابتدای ازما بعد که با حرف نفی آغاز شده، نیکوست.

سوره یوسف آیه ۷۹

در صورت وقف بر کلمه «عنده» ابتدای ازما بعد مرخص و قابل توجیه می باشد.

سوره یوسف آیه ۸۰

وقف بر «خلصوا نجیا» و نیز «ومن قبل ما فرطتم فی یوسف» وابتدای ازما بعد آن بنابر استیناف نیکوست.

سوره یوسف آیه ۸۱

وقف بر «وماشهدنا الا بماعلمنا» وابتدای ازهمین عبارت قابل قبول است.

سوره یوسف آیه ۸۴

در صورت وقف بر «وقال یاسفی علی یوسف» وابتدای از مابعد آن بنا بر استیناف جایز می- باشد.

سوره یوسف آیه ۸۸

وقف بر «وجئنا ببضاعة مزجاة» وابتدای از «قالوا» ویا «مسنا واهلناالضر» صحیح است. وقف بر «مسنا» که فاصله میان فعل وفاعل است، و نیز وقف بر «وجئنا ببضاعة» که فاصله میان صفت و موصوف است، صحیح نمی باشد.

سوره یوسف آیه ۹۰

وقف بر «قالوا ائتك لانت یوسف» که استفهام تعجیبی است نیکو می باشد.

وصل «قال انا یوسف وهذا اخی» به مابعد که ادامه کلام یوسف است، نیکوست.

سوره یوسف آیه ۹۲

وقف بر «قال لا تثریب علیکم الیوم» وقف بیان مقصود است تا تصور نشود که «الیوم» متعلق به مابعد باشد. جمله «یغفرالله لکم» مستأنف و در حیز قول است.

سوره یوسف آیه ۹۲

در صورت وقف بر «یأت بصیرا» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره یوسف آیه ۱۰۰

وقف بر «وخرواله سجدا» وابتدای از مابعد بنا بر استیناف، نیکوست.

ابتدای از «وقداحسن بی» که فراز دیگری از گفتار یوسف می باشد، نیکوست.

سوره یوسف آیه ۱۰۸

وقف بر «ادعوالی الله» ناقص می باشد؛ زیرا عبارت «علی بصیره» حال از برای فاعل «ادعوا» می باشد و سزاوار است بدان متصل گردد.

سوره یوسف آیه ۱۱۱

وقف بر «ولکن تصدیق الذی بین یدیه» وابتدای از همین عبارت نیکوست.

سوره رعد آیه ۳

وقف بر «ومن کل الثمرات» هرچند مغیر معنا نیست ولی بر خلاف سیاق کلام و برخلاف مراد متکلم است؛ زیرا این عبارت مرفوع و خبر مقدم برای «جعل فیها زوجین اثنین» می باشد. در صورت وصل به ماقبل ووقف بر آن، عطف بر «رواسی وانهارا» تلقی شده و منصوب می گردد.

سوره رعد آیه ۴

در صورت وقف بر «صنوان و غیر صنوان» ابتدای از کلمه «ونخیل» قابل توجیه است؛ زیرا این عبارت صرفاً صفت نخیل می باشد. در صورت وقف بر «یسقی بماء واحد» ابتدای از مابعد که جمله حالیه است، نامناسب می باشد. مفهوم کلام چنین است: میوه ها از یک آب سیراب می شوند در حالی که دارای طعم های متفاوتی می باشند.

سوره رعد آیه ۱۳

وقف بر «من خيفته» وابتدای از مابعد هر چند عطف به ما قبل می باشد به جهت طول کلام، جایز است.

سوره رعد آیه ۱۵

در صورت وقف بر «طوعا و کرها» ابتدای از مابعد صحیح نیست؛ زیرا کلمه «وظلالهم» عطف به «من فی السموات والارض» می باشد و بایست بدان وصل شود.

سوره رعد آیه ۱۶

وقف بر «قل من رب السموات والارض» که فاصله میان سؤال و جواب است جایز ولی وصل آن اولویت دارد.

ابتدای از «قل اتخذتم من دونه اولیاء» که جمله مستأنفه دیگری است، بسیار نیکوست. وصل عبارت «قل لله» به این جمله از مصادیق وصل نامناسب می باشد.

وقف بر «قل هل یستوی الاعمی والبصیر» که جمله مابعد با «ام» منقطعه آغاز شده جایز است.

سوره رعد آیه ۲۲

وقف بر «سراً و علانیه» وابتدای از «وانفقوا مما رزقناهم» قابل قبول است.

سوره رعد آیه ۲۵

وقف بر «ان یوصل» وابتدای از «ویقطعون» قابل قبول است.

وقف بر «ما امرالله به» مغیر معنا است زیراممکن است تصور گردد خداوند به قطع آن امرکرده در صورتی که انتهای کلام «ما امرالله به ان یوصل» یعنی آن چه که خدابه وصل آن دستور داده است می باشد.

سوره رعد آیه ۳۰

وقف بر «او حینا الیک» وابتدای از «لتتلوا علیهم» صحیح است؛ ابتدای از «قدخلت من قبلها امم» ووصل آن به «لتتلوا علیهم الذی او حینا الیک» موهم این است که این عبارت تعلیل برای «قدخلت» باشد در صورتی که تعلیل برای «ارسلناک» می باشد.

وقف بر «لا اله الا هو» وابتدای از «علیه توکلت» جهت تأکید بر مضمون آن، بسیار نیکو وپسندیده است.

سوره رعد آیه ۳۱

وقف بر «اوتحل قریبا من دارهم» وابتدای از «تصیبهم» که آغاز خبر «لا یزال» می باشد، صحیح است.

سوره رعد آیه ۳۷

ابتدای از «مالک من الله من ولی ولا واق» که به معنای نفی ولایت از پیامبر اکرم (ص) به صورت مطلق می باشد، «اقبح» ودر صورت اعتقاد به مضمون آن «کفرآمیز» می باشد.

سوره ابراهیم آیه ۱

وقف بر «الی النور» وابتدای از «لتخرج الناس» صحیح است. زیرا عبارت «الی صراط العزیز الحمید» متعلق به آن می باشد.

سوره ابراهیم آیه ۴

وقف بر «لیبین لهم» نیکوست؛ زیرا عبارت مابعد مستأنف بوده و داخل در بیان پیامبران نیست.

سوره ابراهیم آیه ۶

در صورت وقف بر «یسومونکم سوء العذاب» ابتدای ازهمین عبارت صحیح است. ابتدای از مابعد که باواو عطف آغاز شده صحیح نمی‌باشد. برخلاف آیه ۴۹ سوره بقره که بدون واو (یذبحون ابناءکم) آمده و استیناف بیانی است.

سوره ابراهیم آیه ۹

وقف بر «وتمود» هر چند جایز شمرده شده ولی وقف بر «والذین من بعدهم» صحیح است؛ زیرا بهتر است این عبارت عطف به کلمات قبل باشد که معنای آیه چنین است: آیا داستان قوم نوح و عاد و تمود و کسانی که بعد از آن‌ها بودند به شما نرسیده است. داستان آن‌ها را فقط خدا می‌داند.

چنانچه از عبارت «والذین من بعدهم» ابتداء شده و به مابعد خود وصل شود معنای جمله چنین می‌شود: داستان کسانی را که بعد از آنان آمدند، فقط خدا می‌داند. بدیهی است چنین معنایی ضعیف و مردود است.

سوره ابراهیم آیه ۱۰

در صورت وقف بر «ءاباؤنا» ابتدای از مابعد قابل توجیه است. زیرا می‌تواند جواب شرط مقدر باشد.

سوره ابراهیم آیه ۱۸

وقف بر «مثل الذین کفروا برہم» بنا براین کہ خبر آن حذف شدہ باشد، جایز است ولی وصل آن اولویت دارد. زیرا بہتر است اعمالہم بدل از «الذین کفروا» و «کرماذ اشتدت بہ الریح» خبر آن باشد.

سورہ ابراہیم آیہ ۲۱

در صورت وقف بر «انا کنا لکم تبعاً» ابتدای از ہمین عبارت جہت برگشت برای رعایت اتصال کلام، قابل قبول است.

سورہ ابراہیم آیہ ۲۳

در صورت اضطرار وقف بر «الانہار» و ابتدای از «جنات» قابل قبول است.

سورہ ابراہیم آیہ ۲۴

در صورت اضطرار وقف بر «کشجرة طيبة» و ابتدای از ہمین عبارت برای برقراری اتصال کلام، قابل قبول است.

سورہ ابراہیم آیہ ۲۶

در صورت وقف بر «اجتث من فوق الارض» ابتدای از «کشجرة خبيثة» کہ آغاز خبر می- باشد، صحیح است.

سورہ ابراہیم آیہ ۲۷

وقف بر عبارت «وفى الآخرة» جایز ولی در صورت امکان، وصل آن بہ مابعدکہ معادل و مکمل آن می باشد، اولویت دارد.

سجاوندی ابتدای از «ویضل الله الظالمین» و وصل آن به مابعد را به جهت تکرار لفظ جلاله در آن، نیکو دانسته است.

سوره ابراهیم آیه ۳۱

وقف بر «یقیموا الصلوة» و بهتر از آن «سراً و علانیه» و ابتدای از «یقیموا الصلوة» صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از «وینفقوا مما رزقناهم» نیز قابل قبول است.

سوره ابراهیم آیه ۳۲

در صورت ناتوانی وقف بر «ماء» و ابتدای از «وانزل» صحیح است.

وقف بر عبارت های «رزقالکم»، «بأمره»، «الانهار»، «دائین» و «النهار» با وجود عطف، نیکو می باشد تا میان نعمت های گوناگون و بی شمار خداوند که بر هر کدام از آن شکری واجب است، فاصله شود.

سوره ابراهیم آیه ۳۷

وقف بر «ربنا لیقیموا الصلوة» و ابتدای از مابعد آن که با «فاء فصیحت» آغاز شده مناسب است. در صورت وقف بر «عند بیتک المحرم» ابتدای از مابعد که با تکرار «ربنا» تداعی استیناف می کند، قابل توجیه است، در این صورت وصل آن به مابعد، مناسب نمی باشد.

سوره ابراهیم آیه ۴۰

وقف بر «رب اجعلنی مقیم الصلوة» حسن ولی ابتدای از مابعد آن، قبیح می باشد.

سوره ابراهیم آیه ۴۴

در صورت اضطرار وقف بر «فیقول الذین کفروا» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره ابراهیم آیه ۴۵

در صورت وقف بر «کیف فعلنا بهم» ابتدای از مابعد، جایز است.

سوره ابراهیم آیه ۵۲

در صورت وقف بر «اله واحد» ابتدای از «ولیعلموا» قابل قبول است.

سوره حجر آیه ۶۵

در صورت وقف بر «واتبع ادبارهم» ابتدای از مابعد که با وجود عطف، التفات از مفرد به جمع انجام شده است، قابل توجیه است.

سوره حجر آیه ۸۸

در صورت وقف بر «ولا تحزن علیهم» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره نحل آیه ۲

وقف بر «ان اندروا» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

در صورت وقف بر «من عباده» نیز، ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

سوره نحل آیه ۱۴

در صورت وقف بر «تلبسونها» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز می باشد.

سوره نحل آیه ۲۶

وقف بر «من القواعد» و ابتدای از «فأتی الله بنیانهم» صحیح است.

سوره نحل آیه ۳۲

وقف بر «يقولون سلام علیکم» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال صحیح می باشد.

سوره نحل آیه ۳۵

در صورت وقف بر «ولاء اباؤنا» ابتدای از «لوشاء الله» که آغاز کلام است اجتناب ناپذیرمی -
باشد.

سوره نحل آیه ۴۵

وقف بر «ان یخسف الله بهم الارض» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره نحل آیه ۴۸

در صورت وقف بر «والشمائل» و بهتر از آن «سجدا لله» ابتدای از «یفیؤا ظلاله» صحیح است.

سوره نحل آیه ۶۲

وقف بر «فزین لهم الشیطان اعمالهم» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره نحل آیه ۶۴

در صورت وقف بر «اختلفوا فیه» ابتدای از «الا لتبین لهم» قابل قبول است.

سوره نحل آیه ۷۵

وقف بر «رزقا حسنا» وابتدای از «ومن رزقناه» صحیح است.

سوره نحل آیه ۷۶

وقف بر «لا یقدر علی شیء» وابتدای از «احدهم ابکم» قابل قبول است.

عبارت «وهو علی صراط مستقیم» عطف به «یامر بالعدل» و داخل در صله بوده و می بایست به
یکدیگر وصل گردد.

سوره نحل آیه ۷۸

در صورت وقف بر «لاتعلمون شیئا» ابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است؛ ولی در صورت توانایی، وصل آن اولویت دارد.

سوره نحل آیه ۸۰

بهترین وقف وابتدای حسن، در این آیه وقف بر «ویوم اقامتکم» وابتدای از «وجعل لکم من جلود الانعام بیوتا» می باشد. در صورت عدم توانایی وقف بر کلمه «بیوتا» قابل قبول است. همچنین در صورت اضطرار، ابتدای از «ومن اوصافها» رخصت داده شده است.

سوره نحل آیه ۸۱

در صورت وقف بر عبارت « وجعل لکم من الجبال اکنانا» ابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد نیز، قابل اغماض است.

سوره نحل آیه ۸۶

در صورت اضطرار، وقف بر «هؤلاء شرکاؤنا» وابتدای از «قالوا» قابل قبول می باشد.

سوره نحل آیه ۹۰

در صورت وقف بر «وایتاء ذی القربی» ابتدای مناسبی در عبارت قبل به جز آغاز آیه وجود ندارد. بنابراین در صورت اضطرار، ابتدای از مابعد مرخص می باشد.

سوره نحل آیه ۹۱

در صورت وقف بر «ولاتتنقضوا الایمان بعد توکیدها» ابتدای از همین عبارت صحیح است، جمله بعد حال برای فاعل «لاتتنقضوا» می باشد.

سوره نحل آیه ۹۴

در صورت اضطرار، وقف بر «فتزلّ قدم بعد ثبوتها» وابتدای ازهمین عبارت، قابل قبول می-
باشد.

سوره نحل آیه ۱۰۱

وقف بر «والله اعلم بما ينزل» که جمله معترضه و فاصله میان شرط و جزاء می‌باشد،
صحیح نیست. در صورت اضطرار، وقف بر «قالوا» وابتدای ازهمین کلمه که آغاز جواب شرط
است، قابل قبول می‌باشد.

سوره نحل آیه ۱۰۲

وقف بر «لیثبت الذین ءامنوا» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره نحل آیه ۱۰۶

بهترین وقف وابتداء اضطراری در این آیه، وقف بر «ولکن» وابتدای از همین کلمه می‌باشد
تا با کمترین برگشت، اتصال آیه رعایت گردد. وقف بر «ولکن من شرح بالكفر صدرا» که
تکرار جمله شرطیه (من کفر بالله) بوده و برای اتصال آن به جواب شرط آمده، نامناسب است.
در صورت وقف بر «وقلبه مطمئن بالایمان» ابتدای از این جمله که حالیه می‌باشد مناسب
نبوده و ابتدای از مابعد، مرخص شمرده شده است.

سوره نحل آیه ۱۱۰

در صورت وقف بر «ثم جاهدوا وصبروا» ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، اجتناب
نا پذیر است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد که به نوعی تکرار (من بعد ما فتنوا) می-
باشد قابل توجیه است.

سوره نحل آیه ۱۱۲

وقف بر «فكفرت بانعم الله» وابتدای از همین عبارت صحیح است. وقف بر «يأتيتها رزقها من كل مكان» ناقص می‌باشد، زیرا کمال معنای آن در عبارت مابعد است. در صورت ناتوانی، وقف بر آن وابتدای از مابعد قابل اغماض می‌باشد.

سوره نحل آیه ۱۱۶

در صورت وقف بر «وهذا حرام» ابتدای از «هذا حلال وهذا حرام» مغیّر معنا و ناپسند بوده و چاره ای جز تکرار آغاز آیه و یا در صورت ناتوانی، ابتدای از مابعد نمی‌باشد.

سوره نحل آیه ۱۱۹

در صورت وقف بر «ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا» ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، اجتناب نا پذیر است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد که به نوعی تکرار ماقبل می‌باشد، قابل توجیه است.

سوره اسراء آیه ۱

وقف بر «الذی بارکنا حوله» وابتدای از «اسرى بعبده» صحیح است؛ زیرا عبارت «لنریه من اياتنا» بدان تعلق دارد.

سوره اسراء آیه ۴

وقف بر «لتفسدن فی الارض مرتین» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۵

وقف بر «اولی باس شدید» و ابتدای از «بعثنا علیکم» که آغاز جواب شرط می باشد، صحیح است.

سوره اسراء آیه ۷

در صورت وقف بر «کما دخلوه اول مرة» ابتدای از «ولیدخلوا المسجد» صحیح می باشد.

سوره اسراء آیه ۹

وقف بر «ویبشّر المؤمنین» و بهتر از آن «الذین یعملون الصّالحات» حسن و ابتدای از «ویبشّر المؤمنین» صحیح می باشد.

سوره اسراء آیه ۱۲

وقف بر «لتبتغوا فضلا من ربکم» و ابتدای از همین عبارت صحیح است. ابتدای از «مبصرة» که مفعول دوم «وجعلنا» می باشد، صحیح نیست. در صورت وقف بر کلمه «مبصرة» ابتدای از «وجعلنا» صحیح می باشد، ابتدای از «مبصرة» که مفعول دوم «وجعلنا» می باشد، صحیح نبوده و در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد، قابل اغماض است.

سوره اسراء آیه ۱۶

وقف بر «فسسقوا فیها» و ابتدای از «امرنا مترفیها» که آغاز جواب شرط است صحیح می باشد. ابتدای از «فسسقوا فیها» که عطف به جواب شرط بوده و با فاء تعقیب آغاز شده چندان مناسب به نظر نمی رسد.

سوره اسراء آیه ۱۸

در صورت اضطراب وقف بر «لمن نرید» و ابتدای از «عجلنا» که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد. در صورت عدم توانایی ابتدای از «ثم جعلنا» نیز قابل اغماض است.

سوره اسراء آیه ۱۹

در صورت وقف بر «وهومؤمن» که انتهای شرط است ابتدای از «وسعی لها سعیها» جهت رعایت اتصال قابل توجیه است. در صورت عدم توانایی ابتدای از «فأولئک» نیز رخصت دارد.

سوره اسراء آیه ۲۳

وقف بر «فلاتقل لهما اف» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط می‌باشد، صحیح است.

سوره اسراء آیه ۲۴

در صورت وقف بر «الرحمة» ابتدای از مابعد که عطف بر جواب شرط می‌باشد، قابل اغماض است.

سوره اسراء آیه ۲۹

وقف بر «ولا تجعل یدک مغلولة الی عنقک» که کمال معنای آن در عبارت بعد می‌باشد، صحیح نبوده و سزاوار است به وصل خوانده شود.

سوره اسراء آیه ۴۷

وقف بر «واذهم نجوی» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال کلام نیکوست. ابتدای از مابعد که بدل از آن می‌باشد صحیح نیست.

سوره اسراء آیه ۵۷

وقف بر «الوسيلة» وابتدای از «یبتغون» قابل قبول است. وقف بر «یرجون رحمته» که فاصله میان رجاء و خوف می باشد، صحیح نیست.

سوره اسراء آیه ۶۱

در صورت وقف بر «فسجدوا الابلیس» ابتدای از مابعد بنابراین که استیناف بیانی قرار گیرد، قابل توجیه است.

سوره اسراء آیه ۶۲

وقف بر «لئن اخرتن الی یوم القيامة» که فاصله میان شرط و جزاء می باشد، صحیح نیست. در صورت اضطرار، وقف بر «کرمت علی» وابتدای از مابعد، مرخص می باشد.

سوره اسراء آیه ۶۴

وقف بر «ورجلک» وابتدای از «واجلب علیهم» جهت اتصال معطوفات، نیکوست.

سوره اسراء آیه ۶۸

وقف بر «اویرسل علیکم حاصبا» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۶۹

در صورت وقف بر «فیغرقکم بما کفرتم» ابتدای از «فیرسل علیکم» یا حداقل «فیغرقکم» جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۷۰

وقف بر «ورزقناهم من الطيبات» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۷۵

در صورت وقف بر «وضعف الممات» ابتدای از مابعد، نامناسب می باشد.

سوره اسراء آیه ۷۹

در صورت وقف بر «نافلة لك» ابتدای از مابعد که با ترجی آغاز شده، قابل توجیه است.

سوره اسراء آیه ۸۰

وقف بر «واخرجني مخرج صدق» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۸۲

در صورت وقف بر «ورحمة للمؤمنين» ابتدای از مابعد، بنابراین که ممکن است عطف بر جمله مستأنفه باشد، قابل توجیه است. در صورت برگشت به عبارت قبل، ابتدای از «هوشفاء» توصیه می گردد.

سوره اسراء آیه ۸۴

در صورت وقف بر «قل كل يعمل على شاكلته» ابتدای از مابعد، جایز است.

سوره اسراء آیه ۸۴

در صورت وقف بر «اوحينا اليك» ابتدای از «لنذهبن بالذی اوحينا اليك» نیکو و پسندیده نیست،

ابتدای از مابعد، قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۸۸

وقف بر «لایأتون بمثله» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط می باشد، صحیح است.
وقف بر «علی ان یأتوا بمثل هذاالقرءان» که فاصله میان شرط و جزاست، جایز نبوده و در صورت اضطرار، چاره ای جز ابتدای از مابعد نیست.

سوره اسراء آیه ۹۸

وقف بر «انذا کنا عظاما ورفاتا» که فاصله میان شرط و جزا می باشد صحیح نمی باشد، در صورت اضطرار وقف بر «وقالوا» وابتدای از همین کلمه قابل قبول است.

سوره اسراء آیه ۹۹

وقف بر «ان یخلق مثلهم» که انتهاء استفهام می باشد، جایز وابتدای از مابعد قابل توجیه می - باشد. چنانچه بر عبارت «وجعل لهم اجلا لاریب فیه» وقف گردد، ابتدای از مابعد جایز بوده و نیازی به اعاده عبارت قبل نیست.

سوره اسراء آیه ۱۰۲

در صورت وقف بر کلمه «بصائر» ابتدای از «مانزل» موجّه و در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد، قابل اغماض است.

سوره اسراء آیه ۱۰۴

در صورت اضطرار، وقف بر «اسکنوا الارض» وابتدای از مابعد که با «فایذا» آغاز شده قابل توجیه است.

سوره اسراء آیه ۱۱۰

عبارت «وابتغ بین ذلک سبیلاً» تأکید مضمون ماقبل بوده و سزاوار است بدان متصل گردد.

سوره اسراء آیه ۱۱۱

وقف بر «ولم یکن له شریک فی الملک» وابتدای از همین عبارت، جهت اتصال معطوفات، قابل قبول می باشد.

سوره کهف آیه ۲

وقف بر «ویبشّر المؤمنین» و بهتر از آن «الذین یعملون الصّالحات» حسن و ابتدای از «ویبشّر المؤمنین» صحیح می باشد.

سوره کهف آیه ۱۰

وقف بر «رحمة» وابتدای از «فقالوا» صحیح بوده و در صورت ناتوانی وقف بر «فقالوا» نیز اشکالی ندارد.

سوره کهف آیه ۱۴

در صورت وقف بر «ربنا رب السموات والارض» ابتدای از مابعد به شرط قرائت تا پایان آیه قابل توجیه می باشد.

سوره کهف آیه ۱۶

وقف بر «فأووا الی الکهف» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره کهف آیه ۱۷

در صورت وقف بر «ذات الیمین» ابتدای از «واذا غربت» که با شرط دیگری آغاز شده، قابل

توجیه است. بدیهی است در صورت توانایی، وصل آن اولویت دارد.

سوره کهف آیه ۱۹

در صورت وقف بر «الی المدینة» ابتدای از «فابعثوا» و در صورت وقف بر «برزق منه» ابتدای از «فلیأتکم» صحیح است. وقف بر «فلینظر ایها ازکی طعاما» که کمال معنای آن در عبارت مابعد می باشد، چندان مناسب به نظر نمی رسد.

سوره کهف آیه ۲۱

وقف بر «لاریب فیها» و ابتدای از «وان الساعة» قابل قبول است.

سوره کهف آیه ۲۸

ابتدای از «ترید زینة الحیوة الدنیا» معنایی برخلاف مراد و مقصود خداوند ایفاد می کند. این جمله حالیه بوده و می بایست به جمله قبل، متصل گردد.

سوره کهف آیه ۳۱

وقف بر «من ذهب» و ابتدای از «یحلون فیها» صحیح است. وقف بر «من اساور» ناقص می باشد.

در صورت وقف بر «واستبرق» ابتدای از «ویلبسون» قابل قبول است.

سوره کهف آیه ۳۲

وقف بر «جنتین من اعناب» و ابتدای از «جعلنا» که آغاز جمله وصفیه است صحیح می باشد.

سوره کهف آیه ۳۳

در صورت وقف بر «وکان له ثمر» ابتدای از مابعد بنابر استیناف قابل توجیه است.

سوره کَهِف آیه ۳۷

وقف بر «تراب» وابتدای از «اکفرت» که آغاز مقول قول است، قابل قبول می‌باشد.

سوره کَهِف آیه ۴۰

وقف بر «واحیط بثمره» وابتدای از مابعد، قابل توجیه است؛ زیرا می‌تواند مستأنفه قرار گیرد.

سوره کَهِف آیه ۴۵

وقف بر «فاختلط به نبات الارض» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره کَهِف آیه ۴۸

در صورت وقف بر کلمه «صفا» ابتدای از مابعد که مقول قول مقدر است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره کَهِف آیه ۴۹

وقف بر «ویقولون یاویلنا» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره کَهِف آیه ۵۰

در صورت وقف بر «الا ابلیس» وابتدای از «فسجدوا» صحیح می‌باشد.

سوره کَهِف آیه ۵۱

در صورت وقف بر «ولا خلق انفسهم» ابتدای از مابعد که عطف بر جمله مستأنفه است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره کَهِف آیه ۵۲

وقف بر «فلم يستجيبوا لهم» وابتدای از «فدعوهم» صحیح است. وقف بر «فدعوهم» مناسب نیست؛ زیرا کمال معنای آن در عبارت مابعد است.

سوره کهف آیه ۵۵

وقف بر «الا ان تأتیهم سنة الاولین» وابتدای از همین عبارت قابل قبول می‌باشد. وقف بر «ویستغفروا ربهم» که پیش از ادات استثناء واقع شده پسندیده نیست و در صورت اتمام نفس ابتدای از همین عبارت اجتناب ناپذیر است.

سوره کهف آیه ۷۱

وقف بر «فانطلقا» وابتدای از مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده است، جایز می‌باشد. در دو مورد دیگر نیز این گونه است.

وقف بر «خرقها» با این تقدیر که جمله مابعد جواب شرط باشد، جایز نیست.

سوره کهف آیه ۷۴

وقف بر کلمه «فقتله» جایز نیست؛ زیرا جمله مابعد، جواب شرط (اذا) می‌باشد و سزاوار است بدان متصل گردد.

سوره کهف آیه ۷۷

در صورت وقف بر «فابوا ان یضیفوهما» که جواب شرط (اذا) است. ابتدای از مابعد جایز می‌نماید

سوره کهف آیه ۷۹

وقف بر «فی البحر» حسن وابتدای از مابعد که ادامه مقول قول است، قابل توجیه است. وقف بر «فاردت ان اعیبها» که آغاز فراز بعدی کلام بوده وکمال معنای آن در عبارت مابعدمی باشد. پسندیده نیست.

سوره کهف آیه ۸۲

در صورت وقف بر «وکان ابوهم صالحا» ابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است.

سوره کهف آیه ۹۴

وقف بر «فهل نجعل لك خرجا» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

در صورت وقف بر «فی الارض» ابتدای از مابعد، دارای وجه است.

سوره کهف آیه ۱۰۵

وقف بر «فحبطت اعمالهم» وابتدای از همین عبارت نیکوست.

سوره کهف آیه ۱۰۹

وقف بر «کلمات ربی» وابتدای از «لنفد البحر» قابل قبول است و همچنین است در صورتی که به جهت عدم توانایی بر عبارت «لنفد البحر» وقف گردد.

سوره کهف آیه ۱۱۰

وقف بر «فلیعمل عملا صالحا» وابتدای از همین عبارت که جواب شرط است، صحیح می باشد

سوره مریم آیه ۸

در صورت وقف بر «وکانت امراتی عاقرا» ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره مریم آیه ۲۳

در صورت وقف بر «قالت یالیتنی مت قبل هذا» ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره مریم آیه ۲۶

در صورت وقف بر کلمه «صوما» ابتدای از «فقولی» که آغاز جواب شرط است صحیح می-
باشد.

سوره مریم آیه ۵۸

وقف بر «وممن حملنا مع نوح» ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره مریم آیه ۹۸

در صورت وقف بر «من قرن» ابتدای از مابعد که با استفهام آغاز شده قابل توجیه می باشد.

سوره طه آیه ۱۰

وقف بر کلمه «نارا» و ابتدای از «انی ءانست» و یا «ءانست» قابل قبول است.

سوره طه آیه ۳۹

وقف بر «بالساحل» و ابتدای از «فلیلقه الیم» قابل قبول می باشد.

سوره طه آیه ۵۳

وقف بر کلمه «ماء» و ابتدای از «وانزل» صحیح است. در صورت اضطرار، وقف بر «سبلا» و
ابتدای از مابعد مرخص می باشد.

سوره طه آیه ۶۳

وقف بر «بسحرهما» و ابتدای از «یریدان» قابل قبول می باشد.

سوره طه آیه ۷۷

وقف بر «یبسا» وابتدای از «فاضرب لهم» قابل قبول است؛ زیرا جمله مابعد حالیه می باشد.

سوره طه آیه ۸۷

وقف بر «ولکنا حملنا اوزارا من زینة القوم» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره طه آیه ۹۶

وقف بر «فنبذتها» وابتدای از «فقبضت قبضة من اثر الرسول» صحیح است. در صورت عدم

توانایی ابتدای از «فنبذتها» نیز قابل قبول می باشد.

سوره طه آیه ۱۱۳

وقف بر «لعلهم یتقون» وابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره طه آیه ۱۳۴

وقف بر «لولا ارسلت الینا رسولا» وابتدای از «لقالوا» که آغاز جواب شرط است، صحیح می -

باشد.

سوره انبیاء آیه ۲

وقف بر «الا استمعوه» مغیر معناست، زیرا عبارت «وهم یلعبون» که حالیه می باشد مفهوم کلام

را این گونه کامل می کند که آنان می شنوند درحالی بدان توجه نکرده و به سرگرمی و بازی

مشغول هستند.

سوره انبیاء آیه ۵

وقف بر «فلیأتنا بآیه» وابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت وقف بر «بل

هوشاعر» تکرار این عبارت ناپسند بوده وابتدای از مابعد، موجّه می باشد.

سوره انبیاء آیه ۲۸

وقف بر «لمن ارتضی» وابتدای از «ولایشفعون» قابل قبول است.

سوره انبیاء آیه ۳۶

وقف بر «یتخذونک الازوا» وابتدای از همین عبارت صحیح است و در صورت وقف بر «التهتکم» ابتدای از «اهدالذی» که آغاز سخن کافران است نیز قابل قبول می باشد. در صورت عدم توانایی، وقف بر کلمه «هزوا» وابتدای از مابعد آن که مقول قول مقدر است، قابل اغماض است.

سوره انبیاء آیه ۳۹

در صورت اضطرار وقف بر کلمه «النار» حسن وابتدای از «حین لایکفون» صحیح است. ابتدای از «لایکفون» که مضاف الیه می باشد، جایز نیست.

سوره انبیاء آیه ۴۱

وقف بر «فحاق بالذین سخروامنهم» که فاصله میان فعل وفاعل است، صحیح نمی باشد. در صورت اضطرار وقف بر «من قبلک» وابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره انبیاء آیه ۵۶

در صورت وقف بر «فطرهن» ابتدای از مابعد که جمله مفهومی است، قابل اغماض می باشد.

سوره انبیاء آیه ۵۹

وقف بر «قالوا من فعل هذا بالهتنا» بنا بر این که «من» استفهامیه باشد، جایز است. ولی اگر موصوله فرض شود، وقف بر آن جایز نمی باشد.

سوره انبیاء آیه ۷۳

در صورت وقف بر «فعل الخیرات» ابتدای از «واوحینا الیهم» صحیح است.

سوره انبیاء آیه ۷۸

در صورت وقف بر «اذنفت فیہ غنم القوم» ابتدای از «اذیحکمان فی الحرث» صحیح است؛

زیرا عبارت «وکنا لحکمهم شاهدین» به آن بازمی‌گردد.

سوره انبیاء آیه ۸۷

وقف بر کلمه «سبحانک» و ابتدای از «فنادی» صحیح است. در صورت عدم توانایی، وقف

بر «فظن ان ان تقدیر علیه» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است. ابتدای از مابعد نیز که

متعلق به محذوف

است، موجه می‌باشد.

سوره انبیاء آیه ۹۴

وقف بر «فلاکفران لسعیه» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، جایز می‌باشد.

سوره انبیاء آیه ۹۷

در صورت وقف بر «فإذا هی شاخصة ابصارالذین کفروا» ابتدای از همین عبارت صحیح

است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد، که مقول قول مقدر است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره انبیاء آیه ۱۰۳

وقف بر «تتلقیهم الملائكة» و ابتدای از همین عبارت صحیح است. وقف بر «هذایومکم» که

فاصله میان موصوف و صفت آن است، چندان مناسب نمی‌باشد.

سوره انبیاء آیه ۱۰۵

در صورت ناتوانی، وقف بر «من بعد الذکر» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل اغماض می باشد.

سوره حج آیه ۲

وقف بر «وتضع کل ذات حمل حملها» ابتدای از همین عبارت صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد نیز، موجه می باشد.

سوره حج آیه ۵

یا ایها الناس.....لتبین لکم.

وقف بر «من تراب» ابتدای از فإنا خلقناکم که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد. در صورت اضطرار، وقف بر «من علقه» ابتدای از همین عبارت جایز است. وقف بر «ثم من مضغة» به دلیل آوردن صفت برای آن، مناسب نمی باشد.

وتری الارض هامدة.....من کل زوج بهیج

وقف بر «اهتزت وربت» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می - باشد.

سوره حج آیه ۱۱

در صورت وقف بر «انقلب علی وجهه» ابتدای از مابعد که جمله مفیدی است، قابل توجیه می باشد.

سوره حج آیه ۱۵

وقف بر «ثم ليقطع» وابتدای از «فليمدد بسبب الی السماء» که آغاز جواب شرط می باشد، صحیح است.

سوره حج آیه ۱۷

در صورت وقف بر «والذین اشركوا» ابتدای از مابعد، قابل توجیه بوده و برگشت به عبارت قبل مغیر معنا می باشد؛

سوره حج آیه ۱۸

در صورت اضطرار، وقف بر «والشمس والقمر» یا «والنجوم» وابتدای از «والشمس والقمر» قابل توجیه است. زیرا خورشید و ماه و ستارگان در آسمان، کوه ها و درختان و جنبندگان در زمین قرار داشته و بدین شکل از یکدیگر جدا می شوند.

سوره حج آیه ۲۲

در صورت وقف بر «اعیدوا فیها» ابتدای از مابعد که مقول قول مقدر است، قابل توجیه می باشد.

سوره حج آیه ۲۳

وقف بر «الانهار» وابتدای از «جنات» قابل قبول است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد نیز بنا بر استیناف، جایز است ولی بهتر است حالیه گرفته شود.

سوره حج آیه ۲۶

وقف بر «ان لا تشرك بی شیئا» وابتدای از همین کلمه قابل قبول است.

سوره حج آیه ۲۷

وقف بر «وعلی کل ضامر» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره حج آیه ۴۰

در صورت اضطرار، وقف بر «ومساجد» وابتدای ازهمین عبارت جهت اتصال موصوف و صفت، قابل قبول است. ابتدای ار «لهدمت صوامع» که آغاز جواب «لولا» می باشد علی رغم شیوع آن، جای سؤال بوده و مزیتی ندارد.

سوره حج آیه ۴۱

وقف بر «اقاموا الصلوة وءاتوا الزکوة» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال و رعایت نظائر نیکوست.

سوره حج آیه ۴۵

در صورت وقف بر «فهی خاویة علی عروشها» به سبب طول کلام و فقدان ابتدای مناسب در عبارت قبل، ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

سوره حج آیه ۵۲

وقف بر «فینسخ الله ما یلقى الشیطان» نیکو و ابتدای ازهمین عبارت صحیح است. وقف بر «القی الشیطان فی امنیته» به جهت حساس بودن موضوع و آغاز عبارت بعد با «فاء» تعقیب آمده است، چندان مناسب نمی باشد. در صورت وقف اضطراری بر آن، ابتدای از مابعد قابل قبول بوده و تکرار عبارت قبل، وجهی ندارد.

سوره حج آیه ۵۵

وقف بر «حتی تأتیهم الساعة بغتة» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره حج آیه ۶۱

در صورت وقف بر «ویولج النهار فی الیل» به سبب طول کلام و فقدان ابتدای مناسب در عبارت قبل، ابتدای از مابعد رخصت داده شده است.

سوره حج آیه ۶۲

در صورت وقف بر «هو الباطل» ابتدای از «وانّ ما یدعون» جهت اتصال معطوفات قابل قبول است. ابتدای از مابعد نیز مرخص می‌باشد.

سوره حج آیه ۶۵

در صورت وقف بر عبارت «والفلک تجری بامرہ» ابتدای از «ویمسک السماء» جایز است؛ زیرا می‌تواند مستأنف قرار گیرد.

سوره حج آیه ۷۷

وقف بر «واعبدوا ربکم» و ابتدای از «ارکعوا» که آغاز جمله بعد از نداء می‌باشد، قابل قبول است.

سوره حج آیه ۷۸

وقف بر «لیکون الرسول شهیدا علیکم» و ابتدای از همین عبارت صحیح است. ابتدای از «وفی هذا» نامناسب می‌باشد.

سوره مؤمنون آیه ۱۹

در صورت وقف بر «اعناب» ابتدای از مابعد قابل توجیه می‌باشد.

سوره مؤمنون آیه ۲۳

در صورت وقف بر «اعبدواالله» ابتدای از «فقال» صحیح می‌باشد؛ زیرا عبارت مابعد داخل در گفتار نوح (ع) بوده و ارتباط محکمی به ماقبل خود دارد.

سوره مؤمنون آیه ۲۴

در صورت وقف بر «یرید ان یفضل علیکم» ابتدای از «ما هذا» که آغاز سخن کافران است، ابتدای اضطراری به شمار می‌رود. ابتدای از «بشر مثلکم» جهت بازگشت به قبل برای رعایت اتصال کلام قابل قبول است. ابتدای از مابعد نیز که ادامه سخن کافران می‌باشد مرخص شمرده می‌شود.

سوره مؤمنون آیه ۲۷

در صورت وقف بر «باعیننا ووحینا» ابتدای از مابعد که با شرط آغاز شده است، قابل توجیه می‌باشد.

در صورت ناتوانی وقف بر «من کل زوجین اثنین» و ابتدای از «فاسلک فیها» که آغاز جواب شرط است، صحیح می‌باشد.

سوره مؤمنون آیه ۳۳

در صورت وقف بر «بشر مثلکم» ابتدای از «ما هذا» که آغاز سخن کافران است، ابتدای اضطراری به شمار می‌رود. ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت به قبل، برای رعایت اتصال کلام، قابل قبول است.

سوره مؤمنون آیه ۸۸

ابتدای از «وهو یجیر ولا یجار علیه» و وصل آن به «ان کنتم تعلمون» مناسب نیست؛ زیرا این عبارت، شرط متأخر برای «قل من بیده ملکوت کل شیء» می باشد.

سوره مؤمنون آیه ۱۱۷

وقف بر «لابرهان له به» که فاصله میان شرط و جزاء می باشد، جایز نبوده و در صورت وقف اضطراری، تکرار این عبارت برای رعایت اتصال کلام، ضروری است.

سوره نور آیه ۴

وقف بر «فاجلدوهم ثمانین جلدة» و ابتدای از همین عبارت صحیح است.

سوره نور آیه ۶

در صورت وقف بر «اربع شهادات بالله» ابتدای از مابعد، مغیر معنا بوده و لازم است از «فشهادة احدثهم» که آغاز خبر می باشد ابتداء گردد.

سوره نور آیه ۸

در صورت وقف بر «ان تشهد اربع شهادات بالله» ابتدای از همین عبارت، قابل قبول می باشد. ابتدای از مابعد، مفهومی خلاف مراد خداوند را القاء می کند.

سوره نور آیه ۳۱

وقف بر «او ابنائهن» «اونسائهن» «او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال» و ابتدای از همین عبارات توصیه می گردد.

سوره نور آیه ۳۵

وقف بر کلمه «مصباح» مستحسن است؛ زیرا تکرار همان کلمه در عبارت بعد، به منزله استیناف بوده و ابتدای از آن نیکو می‌باشد. کلمه «یوقد» خبر دوم برای المصباح می‌باشد و سزاوار است بدان متصل گردد. در صورت اضطرار، وقف بر «شجرة مباركة زيتونة» و ابتدای از «یوقد» صحیح است و در صورت وقف بر «لاشرقية ولاغربية» ابتدای از آن، مناسب نبوده و بهتر است از مابعد ابتداء گردد.

سوره نور آیه ۳۷

در صورت وقف بر «وايتاء الزكوة» ابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است. بنابراین وقف بر «یخافون یوما» وجهی ندارد.

سوره نور آیه ۳۹

در صورت وقف بر «ماء» ابتدای از مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده جایز می‌باشد.

سوره نور آیه ۴۳

در صورت وقف بر «من خلاله» ابتدای از مابعد، بنا بر استیناف جایز است. در صورت وقف بر «ثم يجعله ركاما» ابتدای از «ثم یؤلف بينه» صحیح است؛ زیرا انبوه گردانیدن ابرها پس از پیوند میان قطعات آن است.

سوره نور آیه ۵۵

وقف بر «ليستخلفنهم فی الارض» و ابتدای از همین عبارت صحیح است و در صورت وقف بر «ارتضى لهم» ابتدای از «وليمکنن لهم» قابل قبول می‌باشد.

سوره نور آیه ۵۸

در صورت ناتوانی، وقف بر «ملکت ایمانکم» وابتدای از «لیستأذنکم» قابل قبول است.

سوره نور آیه ۶۰

در صورت اضطرار، وقف بر «فلیس علیهن جناح» وابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره نور آیه ۶۱

وقف بر «ولاعلی المریض حرج» وابتدای از همین عبارت برای اتصال معطوفات، قابل قبول می‌باشد. در صورت وقف بر «او بیوت ءاباءکم»، «او بیوت اخواتکم»، «او بیوت عماتکم» و «او بیوت خالاتکم» ابتدای از همان عبارات قابل قبول است ولی بهتر است مواردی همچون پدر و مادر، برادر و خواهر، عمو و عمه، دایی و خاله به یگدیگر متصل شوند.

سوره فرقان آیه ۲

وقف بر «ولم یکن له شریک فی الملک» وابتدای از همین عبارت برای اتصال معطوفات، قابل قبول می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۳

وقف بر «ولانفعا» وابتدای از «ولایملکون» جهت اتصال معطوفات، قابل قبول می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۷

در صورت وقف بر «ویمشی فی الاسواق» ابتدای از ماقبل که ادامه سخن کافران است، ابتدای اضطراری محسوب می‌شود. برگشت به عبارت قبل به جز آغاز آیه نیز مشکلی را حل نخواهد کرد.

سوره فرقان آیه ۱۰

در صورت وقف بر «الانهار» ابتدای از «جنات» چندان مناسب نیست؛ زیرا در ادامه آیه عبارت «ویجعل لک قصورا» عطف به «جعل لک» می‌باشد و سزاوار است اتصال آن حفظ شود. بنابر این ابتدای از «ان شاء» یا حداقل «جعل لک» قابل قبول می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۱۷

در صورت وقف بر «هؤلاء» ابتدای از «فبقول» صحیح می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۱۸

وقف بر «من اولیاء» و ابتدای از مابعد، به جهت طول کلام، قابل اغماض است. در این آیه وقف بر «ولکن» توصیه نمی‌شود.

سوره فرقان آیه ۴۱

در صورت وقف بر «ان یتخذونک الا هزوا» ابتدای از همین عبارت صحیح بوده و در صورت ناتوانی، ابتدای از مابعد که مقول قول مقدر است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۴۶

در صورت وقف بر «ساکنا» ابتدای از عبارت قبل جهت رعایت اتصال قابل قبول بوده و ابتدای از مابعد نیز قابل توجیه است؛ زیرا ضمیر در آن به «ظل» باز می‌گردد که با وقف بر کلمه «ساکنا» این اتصال، قطع شده است.

سوره فرقان آیه ۵۳

در صورت وقف بر «وهذا ملح اجاج» ابتدای از مابعد از باب طول کلام، مرخص می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۶۰

در صورت وقف بر «قالوا وما الرحمن» ابتدای از همین عبارت صحیح است. ابتدای از مابعد که بخش دیگری از سخن کافران است، ناپسند می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۶۱

در صورت وقف بر «بروجا» ابتدای از «جعل» قابل قبول می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۶۳

در صورت وقف بر «هونا» ابتدای از مابعد قابل توجیه می‌باشد.

سوره فرقان آیه ۷۰

در صورت وقف بر «صالحا» ابتدای از مابعد قابل اغماض است. وقف بر «فأولئک» علی رغم شیوع آن، وجهی ندارد.

سوره فرقان آیه ۷۴

در صورت وقف بر «قرة اعین» ابتدای از مابعد قابل توجیه می‌باشد. هر چند ابتدای از «ربنا» خالی از لطف نیست.

سوره شعراء آیه ۹۳

وقف بر «من دون الله» و ابتدای از مابعد که با استفهام آغاز شده نیکوست؛ به ویژه اگر بر پایان آیه قبل، وقف شده باشد.

سوره شعراء آیه ۲۰۹

وقف بر «ذکری» و ابتدای از مابعد که عطف بر «لها منذرون» در آیه قبل می‌باشد، موجه است.

سوره نمل آیه ۵

در صورت وقف بر «سوء العذاب» ابتدای از مابعد که کلام مفیدی است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره نمل آیه ۷

در صورت وقف بر کلمه «نارا» ابتدای از «انی ءانست» و یا «ءانست» قابل قبول است و در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد که مستأنف و در حیز قول می‌باشد، دارای وجه است،

سوره نمل آیه ۹

در صورت وقف بر «ومن حولها» ابتدای از «نودی» صحیح است در صورت ناتوانی، ابتدای از مابعد، قابل توجیه می‌باشد.

سوره نمل آیه ۱۸

وقف بر «ادخلوا مساکنکم» حسن و ابتدای از «قالت نملة» صحیح است. در صورت عدم توانایی، وقف بر «قالت نملة» قابل قبول می‌باشد.

در جمله «لا يحطمنکم سلیمان و جنوده وهم لا يشعرون» تعلق لفظی شدیدی وجود دارد؛ زیرا عبارت «وهم لا يشعرون» حال از فاعل «لا يحطمنکم» بوده و معنای جمله چنین است: سلیمان و لشگریانش شما را ندانسته لگدمال نسازند. چنانچه عبارت «وهم لا يشعرون» از ماقبل خود جدا شود، چنین مفهوم می‌گردد که سلیمان و لشگریانش نمی‌فهمند.

سوره نمل آیه ۱۹

وقف بر «انعمت علیّ و علیّ والدی» حسن و ابتدای از «ان اشکر» قابل قبول است، زیرا «وان اعمل صالحا» عطف بر آن بوده و بدان تعلق لفظی دارد.

در صورت وقف بر «ترضاه» ابتدای از «وان اعمل صالحا» مقبول می‌باشد.

سوره نمل آیه ۲۴

وقف بر «وزین لهم الشیطان اعمالهم» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره نمل آیه ۳۶

در صورت وقف بر «فما ءاتانی الله خیر مما ءاتاکم» ابتدای از همین عبارت صحیح است. ابتدای از مابعد هرچند با «بل» آغاز شده داخل در مقول قول بوده و سزاوار است اتصال آن حفظ شود.

سوره نمل آیه ۴۵

در صورت وقف بر «ان اعبدو الله» ابتدای از مابعد که با «فاذا» آغاز شده است، قابل توجه است.

سوره نمل آیه ۵۱

در صورت وقف بر «مکرهم» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره نمل آیه ۶۰

وقف بر «وانزل من السماء ماء» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است. در صورت وقف بر «ذات بهجة» ابتدای از «فأنبئنا به» مقبول می‌باشد.

سوره نمل آیه ۶۱

وقف بر «وجعل خلالها انهارا» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره نمل آیه ۸۲

در صورت وقف بر «تکلمهم» ابتدای از «اخرجنا لهم» که آغاز جواب شرط است، صحیح می-
باشد.

سوره نمل آیه ۸۴

در صورت وقف بر «ولم تحیطوا بها علما» ابتدای از مابعد جایز است؛ زیرا «ام» می تواند
منقطعه باشد.

سوره نمل آیه ۹۰

در صورت وقف بر «فکبت وجوههم فی النار» ابتدای از مابعد که مقول قول مقدر می باشد ،
قابل توجیه است.

سوره قصص آیه ۴

در صورت وقف بر «یستضعف طائفة منهم» ابتدای از همین عبارت قابل قبول است و در
صورت عدم توانایی، ابتدای از ما بعد قابل توجیه است، زیرا می تواند استیناف بیانی
و پاسخ سؤال مقدر باشد.

سوره قصص آیه ۱۲

در صورت وقف بر من «وحرمنا علیه المراضع من قبل» ابتدای از مابعد قابل توجیه است زیرا
این جمله معترضه می باشد.

سوره قصص آیه ۱۳

وقف بر «ولتعلم ان وعدالله حق» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات قابل قبول است.

سوره قصص آیه ۱۵

در صورت وقف بر «یقتتلان» ابتدای از «فوجد فیها» صحیح است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد بنابر قطع صفت قابل اغماض است.

سوره قصص آیه ۱۸

ابتدای از «فإذالذی استنصره بالامس یستصرخه» از باب اضطرار قابل اغماض است.

سوره قصص آیه ۲۰

وقف بر «لیقتلوك» وابتدای از مابعد قابل توجیه است ولی به نظر می‌رسد وقف بر «فاخرج» و ابتدای از «قال یا موسی» که آغاز سخن مؤمن آل فرعون است، اولویت داشته باشد.

سوره فصص آیه ۲۳

در صورت وقف بر «یسقون» ابتدای از «وجد» که آغاز جواب شرط است صحیح می‌باشد ولی در صورت اضطرار ابتدای از مابعد که عطف بر جواب شرط شده، قابل اغماض است.

سوره قصص آیه ۲۳

وقف بر «قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء» وابتدای از «وابونا شیخ کبیر» که استیناف بیانی است هرچند داخل در گفتار است نیکو می‌باشد؛ زیرا در صورت وصل ممکن است تصور

گردد که کلمه «ابونا» عطف بر «الرعاء» شده است

در صورت وقف بر «علی استحياء» ابتدای از «قالت» قابل اغماض است. در صورت توانایی سزاوار است اتصال آن حفظ شود؛ زیرا کمال معنای عبارت اول در جمله بعدی است.

سوره قصص آیه ۲۹

در صورت وقف بر «نارا» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز است.

سوره قصص آیه ۳۰

در صورت اضطرار، وقف بر «من الشجرة» و ابتدای از «نودی یاموسی» صحیح می‌باشد.

وقف بر «ان یاموسی» وجهی ندارد.

سوره قصص آیه ۳۸

در صورت وقف بر «غیری» ابتدای از مابعد، که در آن التفات از جمع به مفرد صورت گرفته،

قابل توجیه می‌باشد.

سوره قصص آیه ۴۳

در صورت وقف بر «بصائر للناس» ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره قصص آیه ۴۶

وقف بر «ولکن رحمة من ربک» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره قصص آیه ۴۷

در صورت اضطرار، وقف بر «فبقولوا» وابتدای از همین کلمه، صحیح است. وقف بر «لولا» ارسلت الینارسولا» وجهی ندارد.

سوره قصص آیه ۵۳

در صورت اضطرار، وقف بر «قالوا ءامننا به» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط می باشد، صحیح است.

سوره قصص آیه ۵۴

در صورت وقف بر «ویدرءون بالحسنة السيئة» ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره قصص آیه ۵۵

در صورت وقف بر «ولکم اعمالکم» ابتدای از «وقالوا» قابل قبول است؛ زیرا این کلمه آغاز جمله ای است که عطف به جواب شرط می باشد.

سوره قصص آیه ۶۱

در صورت عدم توانایی، وقف بر «الدنیا» وابتدای از «کمن متعناه» قابل قبول است.

سوره قصص آیه ۷۱

در صورت وقف اضطراری بر «یوم القیامة» ابتدای از مابعد که جزای شرط است، صحیح نمی باشد. ابتدای ان «ان جعل» که آغاز شرط است، صحیح می باشد. وقف بر «من اله غیر الله» ناقص بوده و وجهی ندارد.

سوره قصص آیه ۷۲

در این آیه نیز در صورت اضطرار، وقف بر «یوم القيامة» و ابتدای از «ان جعل» که آغاز شرط است صحیح می‌باشد. وقف بر «من اله غیر الله» وجهی ندارد.

سوره قصص آیه ۷۳

در صورت اضطرار، وقف بر «ولتبتغوا من فضله» و ابتدای از «لتسکنوا فیه» قابل قبول است. وقف بر «لتسکنوا فیه» و نیز ابتدای از «ولتبتغوا من فضله» نامناسب می‌باشد. زیرا لف و نشر مرتب می‌باشد و سزاوار است اتصال آن حفظ گردد.

سوره قصص آیه ۷۵

وقف بر «فعلموا ان الحق لله» صحیح و ابتدای از مابعد قابل توجیه است. در صورت وقف بر «فقلنا هاتوا برهانکم» ابتدای از همین عبارت، صحیح و در صورت اضطرار، ابتدای از «فعلموا» که می‌تواند عطف بر محذوف باشد، قابل توجیه است.

سوره قصص آیه ۷۹

در صورت وقف بر کلمه «قارون» ابتدای از «یالیت لنا مثل ما اوتی قارون» که آغاز سخن دنیا طلبان است پسندیده نمی‌باشد. در صورت اضطرار، ابتدای از مابعد که ادامه سخن آنان می‌باشد، اجتناب ناپذیر است.

سوره قصص آیه ۸۰

در صورت اضطرار وقف بر «ویلکم» و ابتدای از همین کلمه برای رعایت اتصال قابل قبول است. در صورت وقف بر «وعمل صالحا» ابتدای از «ثواب الله خیر» بهتر از ابتدای از «ویلکم» می‌باشد.

سوره قصص آیه ۸۱

وقف بر «فخسفنا به وبداره الارض» وابتدای از مابعد که جمله مستقلی است، قابل توجیه است.

سوره قصص آیه ۸۲

وقف بر «ویکأن الله» ناپسند است، در صورت اضطرار وقف بر «یقولون» وابتدای از همین کلمه قابل قبول می باشد.

سوره قصص آیه ۸۷

وقف بر «الیک» وابتدای از مابعد نیکوست. وصل «وادع الی ربک» به مابعد که کمال معنا در آن است، پسندیده می باشد.

سوره عنکبوت آیه ۷

در صورت وقف بر «لنکفرن عنهم سیئاتهم» ابتدای از همین عبارت که آغاز خبر می باشد، صحیح است.

سوره عنکبوت آیه ۱۰

در صورت وقف بر «کعذاب الله» ابتدای از «فإذا اودی فی اله» که آغاز شرط است، صحیح می باشد در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد که با شرط دیگری آغاز شده قابل توجیه است.

سوره عنکبوت آیه ۱۲

وقف بر «ولنحمل خطایاکم» وابتدای از مابعد جایز است؛ زیرا جمله بعدی بهتر است مستأنف قرار گیرد. وصل عبارت «انهم لکاذبون» به ماقبل خود که تکمیل کننده مفهوم آن است، نیکو وپسندیده می باشد.

سوره عنکبوت آیه ۱۴

در صورت وقف بر «الا خمسین عاما» ابتدای از «فلبت فیهم» صحیح است ودر صورت ناتوانی، ابتدای از مابعد (فأخذهم الطوفان) که عطف به محذوف است، قابل توجیه می باشد.

سوره عنکبوت آیه ۱۷

در صورت وقف اضطراری بر «لا یملکون لکم رزقا» ابتدای از مابعد، که دارای معنای مفیدی است، قابل توجیه می باشد.

سوره عنکبوت آیه ۲۳

وقف بر «اولئک یئسوا من رحمتی» وابتدای از همین عبارت صحیح است؛ زیرا جمله مابعد عطف بر خبر می باشد.

سوره عنکبوت آیه ۲۷

در صورت وقف بر «والکتاب» ابتدای از مابعد تا پایان آیه به جهت تقابل دنیا و آخرت، قابل توجیه است.

سوره عنکبوت آیه ۳۳

در صورت وقف بر «وضاق بهم ذرعا» ابتدای از «سیء بهم» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره عنكبوت آیه ۳۶

در صورت وقف بر «والی مدین اخاهم شعیبا» ابتدای از مابعد هرچند با «فاء» آغاز شده، قابل توجیه است.

سوره عنكبوت آیه ۴۰

وقف بر عبارات «فمنهم من ارسلنا علیه حاصبا»، «ومنهم من اخذته الصیحة»، «ومنهم من خسفنا به الارض» و «ومنهم من اغرقنا» جهت تفصیل چهار نوع عذاب برای چهار گروه (۱). عاد ۲. ثمود، ۳. قارون ۴. فرعون وهامان) قابل توجیه می باشد.

سوره عنكبوت آیه ۴۱

وقف بر «اتخذت بیتا» بنا بر استیناف جمله بعد جایز است. در صورت وقف بر عبارت «کمثل العنكبوت» ابتدای از «اتخذت بیتا» چندان موجه به نظر نمی رسد.

سوره عنكبوت آیه ۵۰

وقف بر «من ربّه» که پایان گفته کافران است، وابتدای از مابعد که کلام خدای سبحان می باشد، نیکوست.

سوره عنكبوت آیه ۵۳

وقف بر «لجائهم العذاب» حسن می باشد و ابتدای از مابعد (که نوع نزول عذاب را بیان می کند) قابل توجیه است.

سوره عنكبوت آیه ۵۵

در صورت وقف بر «ومن تحت ارجلهم» ابتدای از ما بعد که مقول قول مقدر است، قابل قبول می‌باشد.

سوره عنكبوت آیه ۵۸

وقف بر «لنبؤئهم من الجنة غرفا» وابتدای از همین عبارت که آغاز خبر می‌باشد، صحیح است.

سوره عنكبوت آیه ۶۵

در صورت وقف بر «مخلصين له الدين» ابتدای از مابعد که با شرط دیگری آغاز شده، قابل توجیه است.

سوره روم آیه ۹

در صورت وقف بر «مما عمروها» ابتدای از «واثاروا الارض» جهت اتصال معطوفات صحیح است. ابتدای از «وعمروها» چون ضمیر در آن به «الارض» باز می‌گردد، مناسب نیست.

سوره روم آیه ۱۰

در صورت وقف بر «ان كذبوا بايات الله» وابتدای از همین عبارت که اسم «كان» به شمار می‌رود، قابل قبول است.

سوره روم آیه ۲۴

در صورت وقف بر «ماء» ابتدای از «وينزل» جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره روم آیه ۲۸

وقف بر «فأنتم فيه سواء» وابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره روم آیه ۳۳

در صورت وقف بر «منیبین الیه» ابتدای از مابعد که با شرط دیگری آغاز شده، قابل توجیه است.

سوره روم آیه ۴۱

وقف بر «لیذیقهم بعض الذی عملوا» و ابتدای از همین عبارت که با لام تعلیل آغاز شده، جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره روم آیه ۴۶

در صورت وقف بر «ولتجرى الفلك بأمره» و ابتدای از همین عبارت، جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره روم آیه ۴۸

در صورت وقف بر «کیف یشاء» ابتدای از «فتثیر سحابا» صحیح است ابتدای از «فیبسطه» چندان مناسب نیست؛ زیرا این کلمه عطف به «فتثیر» بوده و ضمیر در آن نیز، به «سحاب» باز می‌گردد،

سوره روم آیه ۵۴

وقف بر «ثم جعل من بعد ضعف قوّة» و ابتدای از همین عبارت، جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره لقمان آیه ۶

در صورت وقف بر «بغیر علم» ابتدای از «لیضل عن سبیل الله» جهت اتصال جملات، صحیح است.

سوره لقمان آیه ۷

در صورت وقف بر «کأن لم یسمعها» ابتدای از «ولی مستکبرا» که آغاز جواب شرط است، جهت رعایت اتصال، صحیح است. ابتدای از «کأن لم یسمعها» که متعلق به ماقبل خویش می باشد، چندان مناسب به نظر نمی رسد.

سوره لقمان آیه ۱۴

وقف بر «ووصینا الانسان بوالدیه» وابتدای از مابعد که با جمله معترضه آغاز شده، قابل توجیه است؛ در این صورت، وقف بر عبارت «وفصاله فی عامین» که پایان جمله معترضه است موجّه بوده و وصل آن به عبارت «ان اشکر لی و لوالدیک» چندان مناسب به نظر نمی رسد؛ زیرا این عبارت متعلق به «ووصینا الانسان» در آغاز آیه بوده و جمله معترضه آن را قطع کرده است. در صورت توانایی اتصال تمامی جملات، نیکوست.

سوره لقمان آیه ۱۵

در صورت وقف بر «فلاتطعهما» تکرار این عبارت برای اتصال به مابعد که تکمیل کننده آن است، نیکوست.

سوره لقمان آیه ۱۶

در صورت اضطرار، وقف بر «فی الارض» وابتدای از «فتکن» جهت برگشت برای اتصال کلام، اجتناب ناپذیر است.

سوره لقمان آیه ۲۷

در صورت ناتوانی، وقف بر «سبعة ابحر» و ابتدای از «والبحریمده» قابل توجیه است. وقف بر «والبحریمده» یا «من بعده» و نیز ابتدای از «من بعده سبعة ابحر» معیّر معنا بوده و بسیار ناپسند است؛ زیرا «سبعة ابحر» فاعل «یمده» می باشد و سزاوار نیست از یکدیگر جدا شوند.

سوره لقمان آیه ۲۹

در صورت وقف بر «وسخر الشمس والقمر» ابتدای از همین عبارت، جهت اتصال معطوفات، اجتناب ناپذیر است. چنانچه بر عبارت «کل یجری الی اجل مسمی» وقف گردد، ابتدای از مابعد رخصت داده شده است؛ زیرا در عبارت قبل، ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره لقمان آیه ۳۰

در صورت وقف بر «الباطل» و ابتدای از «وانّ ما یدعون» جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره لقمان آیه ۳۱

در صورت وقف بر «مخلصین له الدین» ابتدای از مابعد که با شرط دیگری آغاز شده، قابل توجیه است. ولی در صورت توانایی ابتدای از «دعوا لله» اولویت دارد.

سوره لقمان آیه ۳۳

در صورت وقف بر «عن ولده» ابتدای از «واخشوا یوما» جهت برگشت برای اتصال جملات، صحیح است. ابتدای از «لا یجزی والد عن ولده» که صفت «یوما» می باشد، نامناسب است.

سوره سجده آیه ۳

در صورت وقف بر «من قبلک» ابتدای از «لتندرقوما» صحیح است. ابتدای از «ما اتاهم من نذیر» که وصف برای «قوما» می‌باشد، مناسب نیست.

سوره سجده آیه ۵

در صورت اضطرار، وقف بر «الی الارض» وابتدای از «ثم یعرج الیه» قابل اغماض می‌باشد.

سوره سجده آیه ۱۲

در صورت وقف بر «عند ربهم» ابتدای از مابعد که متعلق به فعل محذوف است، قابل توجیه است؛ در عبارت قبل نیز ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره سجده آیه ۱۲

در صورت اضطرار، وقف بر «هدیها» و ابتدای از ما بعد قابل اغماض می‌باشد. در غیر این صورت وقف بر «ولکن» یا «حق القول منی» وابتدای از «ولکن» جهت رعایت اتصال، اجتناب ناپذیر است.

سوره سجده آیه ۲۷

وقف بر «زرعا» وابتدای از «فخرج به» جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره احزاب آیه ۶

در صورت وقف بر «من المؤمنین والمهاجرین» ابتدای از مابعد بنا بر این که استثناء منقطع باشد، قابل توجیه است؛ در عبارت قبل نیز ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره احزاب آیه ۹

در صورت وقف بر «اذکروا نعمة الله علیکم» ابتدای از همین عبارت، صحیح است؛ زیرا عبارت مابعد بیان و تفسیر «نعمه الله» است که مفعول «اذکروا» می باشد. وقف بر «اذ جاء تکم جنود» مغیر معناست؛ زیرا نعمت خداوند، آمدن لشکر کافران نیست بلکه نعمت، امداد الهی است.

سوره احزاب آیه ۱۰

در صورت اضطرار، وقف بر «ومن اسفل منکم» و ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره احزاب آیه ۱۲

در صورت وقف بر «والذین فی قلوبهم مرض» ابتدای از ما بعد که سخن منافقان است. بسیار ناپسند و مذموم و کفرآمیز می باشد؛ لذا برگشت به عبارت قبل، اجتناب ناپذیر است.

سوره احزاب آیه ۱۳

وقف بر «یقولون ان بیوتنا عورة» که پایان سخن منافقان است، جایز بوده و ابتدای از مابعد که کلام خدای سبحان در پاسخ آن است، نیکو می باشد. در ضمن وصل «وماهی بعورة» به عبارت بعد که ادامه کلام پروردگار متعال می باشد، پسندیده است.

سوره احزاب آیه ۲۱

وقف بر «والیوم الآخر» و ابتدای از «لمن کان یرجو الله» صحیح است. در صورت وقف بر «اسوة حسنة» ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل توجیه می باشد.

سوره احزاب آیه ۲۲

در صورت وقف بر «قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۲۴

در صورت اضطرار، وقف بر «بصدقهم» ابتدای از مابعد، باوجود تعلق لفظی، مرخص می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۲۶

وقف بر «وقذف فی قلوبهم الرعب» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است. در صورت وقف بر «من صیاصیهم» ابتدای از مابعد، باوجود تعلق لفظی، قابل توجیه می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۲۸

وقف بر «فتعالین امتعکن» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول بوده و نیازی به اعاده از «ان کنتن» نمی‌باشد. در صورت وقف اضطراری بر «الحیوة الدنیا» ابتدای از «قل لازواجک» اولی است.

سوره احزاب آیه ۲۹

در صورت ناتوانی، وقف بر «والدارالآخرة» و ابتدای از مابعد که آغاز جواب شرط است، قابل اغماض می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۳۱

وقف بر «نَوْتَهَا اجْرَهَا مَرَّتَيْنِ» وابتدای از وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول است.

سوره احزاب آیه ۳۲

وقف بر «ان اتقین» وابتدای از مابعد، صحیح است؛ زیرا بهتر است این عبارت شرط متأخر برای «لستن كَأحد من النساء» باشد. ولی چنانچه جواب شرط را «فلاتخضعن بالقول» بدانیم وصل آن به مابعد قابل توجیه می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۳۵

در این آیه وقف اختیاری وجود ندارد؛ زیرا عبارت «اعدالله لهم مغفرة واجرا عظیما» خبر «ان» در آغاز آیه می‌باشد. چنانچه در هربخش از مطوفات ای آیه وقف شود ابتدای از همان عبارت قابل قبول است. توصیه می‌گردد، بر وصف مؤنث وقف شده واز وصف مذکر ابتدا گردد. ابتدای از «والذاکرین الله کثیرا والذاکرات» ووصل آن به مابعد موجب ایهام می‌شود که «اعدالله لهم مغفرة واجرا عظیما» فقط به این فقره باز می‌گردد. بنابراین در صورت وقف بر «والذاکرات» ابتدای از مابعد قابل توجیه می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۳۷

در صورت وقف بر «واتق الله» که پایان سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) به فرزند خوانده خویش می‌باشد، ابتدای از مابعد (وتخفی فی نفسک ما الله مبدیة) هرچند حال از فاعل «واذ تقول» بوده قابل قبول است؛ زیرا در صورت وصل به ماقبل، تصور می‌گردد این جمله ادامه کلام پیامبر (ص) باشد.

در صورت اضطرار، وقف بر «لکی لایکون علی المؤمنین حرج» و ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره احزاب آیه ۴۹

در صورت وقف اضطراری بر «ان تمسوهن» ابتدای از «اذانکحتم المؤمنات» که آغاز شرط است صحیح می باشد در صورت عدم توانایی ابتدای از «ثم طلقتموهن» نیز قابل رخصت است.

سوره احزاب آیه ۵۰

وقف بر «مما افاء الله علیک» و ابتدای از «وماملکت یمینک» صحیح است. در صورت وقف بر «التي هاجرن معک» ابتدای از مابعد، مرخص شمرده می شود. وقف بر «ان اراد النبی» نامناسب و چه بسا مغیّر معنا می باشد.

سوره احزاب آیه ۵۳

وقف بر «الا ان یؤذن لکم» و ابتدای از «لاتدخلوا بیوت النبی» که آغاز جمله بعد از نداء می باشد، صحیح است. در مرحله بعد، وقف بر «فادخلوا» و ابتدای از «ولکن» قابل قبول می باشد.

سوره احزاب آیه ۵۵

وقف بر «ولا ابناء اخوانهن» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول می باشد.

سوره احزاب آیه ۵۷

وقف بر «لعنهم الله في الدنيا والآخرة» وابتدای از همین عبارت که آغاز خبر بوده و جمله «واعذّ لهم عذابا مهينا» نیز عطف بر آن است، صحیح می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۵۸

وقف بر «فقد احتملوا» مفید معنا نبوده و نامناسب است وقف بر «بهتانا» حسن می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۵۹

در صورت وقف بر عبارت «ونساء المؤمنین» ابتدای از «قل لازواجك» که آغاز جمله بعد از نداء می‌باشد، صحیح است.

سوره احزاب آیه ۶۰

وقف بر «لنغرينك بهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول است.

سوره احزاب آیه ۷۲

وقف بر «فأبين ان يحملنها» و بهتر از آن «وأشفقن فيها» وابتدای از «فأبين ان يحملنها» قابل قبول است. ابتدای از «وأشفقن فيها» که تأکید و بیان دیگری از عبارت ماقبل است، نامناسب می‌باشد.

سوره احزاب آیه ۷۳

در صورت وقف بر «والمشركين والمشركات» ابتدای از مابعد، قابل رخصت است؛ زیرا در عبارت قبل ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره سبأ آیه ۳

در صورت وقف بر «ولافی الارض» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، رخصت داده شده است.

سوره سبأ آیه ۶

در صورت وقف بر «هو الحق» چاره ای بجز ابتدای از «الذی انزل الیک» نمی باشد. ابتدای از «هو الحق» صحیح نیست؛ زیرا این عبارت، مفعول اول برای «یری» و کلمه «الحق» مفعول دوم آن بوده و «هو» نیز ضمیر فصل است.

سوره سبأ آیه ۷

وقف بر «ینبئکم» و ابتدای از «هل ندلکم» که آغاز سخن کافران می باشد، از باب وقف و ابتدای اضطراری، قابل قبول است.

سوره سبأ آیه ۱۴

در صورت اضطرار، وقف بر «دابّة الارض» و ابتدای از «ما دلّهم» که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره سبأ آیه ۱۶

بهترین محل برای وقف حسن، کلمه «اثل» می باشد. در غیر این صورت وقف بر «جنتین» اجتناب ناپذیر است. در هر صورت ابتدای از «ویدلّناهم» قابل قبول می باشد.

سوره سبأ آیه ۱۹

وقف بر «فجعلناهم احادیث» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، صحیح است.

سوره سبأ آیه ۲۲

در صورت وقف بر «ولافی الارض» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، مرخص می‌باشد.

سوره سبأ آیه ۲۸

در صورت اضطرار، وقف بر «بشیرا ونذیرا» و ابتدای از مابعد، قابل اغماض می‌باشد. وقف بر «ولکن» در این جا وجهی ندارد؛ زیرا جمله ماقبل آن مستقل بوده و دارای معنای کاملی است.

سوره سبأ آیه ۳۱

در صورت وقف بر «یرجع بعضهم الی بعض القول» ابتدای از همین عبارت صحیح بوده و ابتدای از مابعد نیز، بنا بر استیناف قابل توجیه می‌باشد.

سوره سبأ آیه ۳۳

در صورت اضطرار، وقف بر «بل مکر الیل والنهار» و ابتدای از همین عبارت که سرآغاز سخن مستضعفان است، قابل قبول می‌باشد.

سوره سبأ آیه ۳۴

در صورت عدم توانایی، وقف بر «الا قال مترفوها» و ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره سبأ آیه ۳۷

وقف بر «و عمل صالحا» و ابتدای از «الا من ءامن» قابل قبول است. ابتدای از مابعد آن نیز، بنا بر استیناف قابل توجیه می‌باشد. در صورت وقف اضطراری بر کلمه «زلفی» ابتدای از مابعد باین توجیه که استثناء منقطع و «الا» به معنای لکن باشد، جایز است. در صورت وقف بر «بما عملوا» ابتدای از «فأولئك» قابل قبول است.

سوره سبأ آیه ۴۲

در صورت وقف بر «نفعاً ولا ضرراً» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، بنا بر استیناف، قابل توجیه است.

سوره سبأ آیه ۴۳

در صورت وقف بر «ءاباؤکم» ابتدای از «قالوا» که آغاز شرط است، صحیح می‌باشد. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، رخصت داده شده است.

سوره فاطر آیه ۶

در صورت وقف بر «فسقناه الی بلد میت» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره فاطر آیه ۱۴

در صورت اضطرار، وقف بر «لایسمعوا دعاءکم» و ابتدای از مابعد که با شرط دیگری آغاز می‌شود، قابل توجیه است.

سوره فاطر آیه ۲۵

در صورت وقف بر «من قبلهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، قابل توجیه است.

سوره فاطر آیه ۲۹

در صورت اضطرار، وقف بر «سرا وعلانیه» که پایان اسم «ان» است، قابل توجیه و ابتدای از «واقامواالصلوة» قابل قبول می باشد.

سوره فاطر آیه ۴۰

در صورت وقف بر «فی السموات» ابتدای از «ارونی» که آغاز استفهام است، صحیح می باشد و در صورت عدم توانایی؛ ابتدای از مابعد قابل توجیه است؛ زیرا «ام» می تواند منقطعه و به معنای «بل» باشد.

سوره فاطر آیه ۴۵

در صورت اضطرار، وقف بر «ولکن» و ابتدای از همین کلمه قابل قبول است. ابتدای از «ماترک علی ظهرها من دابة» که جواب «لو امتناعیه» است وجه چندانی ندارد.

سوره یس آیه ۴۷

وقف بر «قال الذین کفروا للذین ءامنوا» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، صحیح می باشد.

سوره صافات آیه ۱۰۲

در صورت اضطرار، وقف بر «انی اذبحک» و ابتدای از «قال یابنی» که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره ص آیه ۲۳

در صورت وقف بر «ولی نعمة واحدة» ابتدای از «له تسع وتسعون نعمة» قابل قبول است. با ابتدای از مابعد، ممکن است چنین تصور گردد که این جمله سخن داوود پیامبر (ع) باشد.

سوره ص آیه ۲۶

در صورت وقف بر «فی الارض» ابتدای از مابعد، که دارای معنای مفیدی است، قابل توجیه است.

سوره زمر آیه ۳

وقف بر کلمه «زلزلی» جایز است؛ زیرا جمله بعد که با «ان» آغاز شده بهتر است مستأنف قرار گیرد.

سوره زمر آیه ۸

در صورت وقف بر «دعا ربّه منبیا الیه» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل توجیه است. ولی در صورت توانایی بهتر است از «دعا ربّه» که آغاز جواب شرط است، ابتداء گردد.

در صورت وقف بر «نسی ما کان یدعوالیه من قبل» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره زمر آیه ۲۰

در صورت وقف بر «غرف مبنیة» ابتدای از «لهم غرف» که آغاز خبر می باشد، صحیح است.

سوره زمر آیه ۲۱

وقف بر «مختلفا الوانه» وابتدای از «ثم یخرج به زرعاً» جهت برگشت برای اتصال معطوفات قابل قبول است.

سوره زمر آیه ۲۳

در صورت وقف بر «یخسون ربهم» ابتدای از «تقشعر منه» که آغاز جمله وصفیه است، صحیح بوده و در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد (ثم تلین) قابل توجیه است. ابتدای از «الذین یخسون ربهم» که مضاف الیه می باشد، ناصواب است.

سوره زمر آیه ۲۹

در صورت وقف بر «ورجلا سلما لرجل» ابتدای از ما بعد که با استفهام آغاز شده، جایز است. ولی در صورت توانایی وصل آن نیکوست.

سوره زمر آیه ۳۸

در صورت وقف بر «هل هن کاشفات ضره» ابتدای از این عبارت مناسب نیست بلکه ابتدای از «ان ارادنی الله بضر» که آغاز شرط است صحیح می باشد؛ زیرا جمله «او ارادنی برحمة» عطف بر آن است و سزاوار است اتصال آن ها حفظ شود.

سوره زمر آیه ۴۶

وقف بر «انت تحکم بین عبادک» وابتدای از همین عبارت، جهت رعایت اتصال صحیح است.

سوره زمر آیه ۴۷

وقف بر «لافتدوا به» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد. ابتدای از «ومثله معه» که عطف به ماقبل می باشد. مناسب نیست.

سوره زمر آیه ۵۵

وقف بر «من قبل ان یأتیکم العذاب بغتة» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول می باشد.

سوره زمر آیه ۶۷

در صورت وقف بر «وما قدر والله حقّ قدره» ابتدای از مابعد بنابر استیناف جایز است. و نیز وقف بر «یوم القیامة» و ابتدای از «والارض» صحیح می باشد.

سوره زمر آیه ۶۹

در صورت وقف بر «واشرق الارض بنور ربها» ابتدای از مابعد بنابر استیناف جایز است. عبارت «وهم لایظلمون» با عبارت قبل از خود، کمال اتصال را داشته و سزاوار است متصل خوانده شوند.

سوره زمر آیه ۷۱

در صورت وقف بر «یتلون علیکم ءایات ربکم» ابتدای از «وقال لهم خزنتها» صحیح است و در صورت عدم توانایی، وقف بر «وقال لهم خزنتها» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول می باشد.

همچنین ابتدای از «یتلون علیکم» نیز قابل توجیه است.

سوره زمر آیه ۷۳

وقف بر «طبتم» و ابتدای از «وقال لهم خزنتها» صحیح است. و در صورت عدم توانایی، وقف بر «وقال لهم خزنتها» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول می باشد.

سوره غافر آیه ۴

در صورت وقف بر «الا الذین کفروا» ابتدای از مابعد بنابر استیناف جایز است.

سوره غافر آیه ۷

در صورت وقف بر «ویستغفرون للذین ءامنوا» ابتدای از مابعد که مقول قول محذوف می باشد، قابل توجیه است.

وقف بر «یسبحون بحمد ربهم» و ابتدای از همین عبارت قابل قبول می باشد.

در صورت وقف بر «فاغفر للذین تابوا» ابتدای از همین عبارت جهت برگشت برای اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره غافر آیه ۱۰

وقف بر «ینادون لمقت الله اکبر من مقتکم انفسکم» و ابتدای از «ینادون» که آغاز خبر «ان» است، صحیح می باشد. ابتدای از «لمقت الله» نیز قابل اغماض است.

سوره غافر آیه ۱۴

در صورت وقف بر «رفیع الدرجات ذوالعرش» ابتدای از مابعد، بنابر استیناف جایز است.

سوره غافر آیه ۲۵

وقف بر «قالوا اقتلوا ابناء الذین ءامنوا معه» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره غافر آیه ۲۸

وقف بر «ان یقول ربی الله» و ابتدای از «اتقتلون رجلا» که آغاز مقول قول است، قابل قبول می باشد.

سوره غافر آیه ۲۹

در صورت وقف بر «فی الارض» ابتدای از ما بعد که با استفهام آغاز شده، قابل توجیه است.

سوره غافر آیه ۳۹

در صورت وقف بر «متاع» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره غافر آیه ۴۰

وقف بر «فأولئك یدخلون الجنة» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل

قبول می‌باشد.

سوره غافر آیه ۴۲

در صورت وقف بر «مالیس لی به علم» ابتدای از مابعد، مرخص می‌باشد.

سوره غافر آیه ۴۳

در صورت وقف بر «ولا فی الآخرة» ابتدای از مابعد، رخصت داده شده است.

سوره غافر آیه ۴۷

وقف بر «للذین استکبروا» و ابتدای از «فیقول» قابل قبول است. در صورت اضطرار، وقف بر «أنا

کنا لکم تبعاً» ابتدای از همین عبارت جهت برگشت برای اتصال جملات، قابل قبول است.

سوره غافر آیه ۵۶

در صورت وقف اضطراری بر کلمه «اتیهم» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل

رخصت می‌باشد.

سوره غافر آیه ۵۷

وقف بر «اکبر من خلق الناس» وابتدای از ما بعد، قابل توجیه است.

سوره غافر آیه ۵۹

وقف بر «لا ریب فیها» وابتدای از ما بعد، قابل توجیه است.

سوره غافر آیه ۶۴

وقف بر «فأحسن صورکم» وابتدای از «وصورکم» جهت برگشت برای اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره غافر آیه ۶۶

در صورت وقف بر «لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي» وابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره غافر آیه ۶۷

در صورت وقف بر «ثم یخرجکم طفلاً» ابتدای از مابعد، قابل توجیه می‌باشد.

سوره غافر آیه ۸۰

در صورت اضطرار ابتدای از «وعلیها وعلى الفلک تحملون» قابل توجیه است.

سوره غافر آیه ۸۳

در صورت وقف بر «فرحوا بما عندهم من العلم» ابتدای از مابعد، بنابر استیناف قابل توجیه می‌باشد.

سوره غافر آیه ۸۴

در صورت وقف بر «قالوا ءامنا بالله وحده» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره فصلت آیه ۵

در صورت وقف بر کلمه «حجاب» ابتدای از «ومن بیننا» جهت رعایت اتصال معطوفات، اجتناب ناپذیر است.

سوره فصلت آیه ۶

در صورت وقف بر «انما الهکم اله واحد» ابتدای از همین عبارت و یا بهتر از آن «یوحی الی» قابل قبول است.

سوره فصلت آیه ۱۷

وقف بر «فاستحبوا العمی علی الهدی» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد که شامل عقاب قوم ثمود می باشد، قابل توجیه است.

سوره فصلت آیه ۲۲

در صورت اضطرار، وقف بر «ولکن» و ابتدای از همین کلمه قابل اغماض است. وقف بر «لکن ظننتم» نیز مانعی ندارد.

سوره فصلت آیه ۲۵

در قورت وقف بر «وما خلفهم» ابتدای از «فزینوا لهم» صحیح است. در صورت عدم توانایی ابتدای از مابعد، قابل توجیه می باشد.

سوره فصلت آیه ۲۹

در صورت اضطرار، وقف بر «نجعلهما تحت اقدامنا» وابتدای از «ارنا الذین» قابل قبول است .
ابتدای از «ربنا» که آغاز سخن کافران است، قابل توجیه نمی باشد.

سوره فصلت آیه ۳۰

وقف بر «الا تخافوا ولا تحزنوا» وابتدای از «تتنزل علیهم الملائكة» که آغاز خبر «ان» می باشد، صحیح است. ابتدای از «الا تخافوا» در مرتبه دوم قرار دارد.

سوره فصلت آیه ۳۳

در صورت وقف بر «وعمل صالحا» ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره فصلت آیه ۳۴

در صورت وقف بر «ادفع بالتی هی احسن» ابتدای از مابعد جایز می باشد.

سوره فصلت آیه ۳۹

وقف بر «خاشعة» مناسب نیست، زیرا نشانه خدا در ادامه آیه بیان شده است و سزاوار است سخن کامل گردد.

سوره فصلت آیه ۴۷

وقف بر «من اکمامها» و نیز «من انثی» که پیش از «الّا» قرار دارد، مغیر معنا بوده و می بایست از آن اجتناب گردد.

سوره فصلت آیه ۵۰

وقف بر «لیقولن هذا لی» وابتدای از همین عبارت مناسب است. در صورت وقف بر «قائمة» ابتدای از «وما اظن الساعة قائمة» کفرآمیز تلقی شده و لازم است از آن اجتناب گردد. لذا ابتدای از مابعد، رخصت داده شده است.

سوره فصلت آیه ۵۲

در صورت وقف بر «ثم کفرتم به» ابتدای از «ان کان» که آغاز جمله شرطیه است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره شوری آیه ۶

وقف بر «الله حفیظ علیهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز جمله خبریه است، صحیح می‌باشد.

سوره شوری آیه ۷

وقف بر «ومن حولها» وابتدای از «لتنذر» جهت اتصال معطوفات، صحیح است.

سوره شوری آیه ۱۳

در صورت اضطرار، وقف بر «والذی اوحینا الیک» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره شوری آیه ۱۵

در این آیه وقف بر «ولاتتبع اهوائهم»، «وامرت لاعدل بینکم» و «لاحجة بیننا و بینکم» وابتدای از مابعد این جملات، نیکو و پسندیده است.

سوره شوری آیه ۱۶

وقف بر «حجتهم داحضة عند ربهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز خبر است، صحیح می-
باشد. وقف بر «حجتهم» مغیر معنا بوده و ممکن است به اشتباه نایب فاعل «استجیب له»
تصور شود. در صورت عدم توانایی وقف بر «من بعد ما استجیب له» وابتدای از مابعد، عالمانه
تلقی می گردد.

سوره شوری آیه ۵۱

وقف بر «او من وراء حجاب» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول
است.

سوره زخرف آیه ۱۳

در صورت وقف بر «اذا استویتم علیه» ابتدای از «ثم تذکروا» صحیح است؛ زیرا عبارت
«وتقولوا» بر آن عطف گردیده است.

سوره زخرف آیه ۲۳

در صورت اضطرار، وقف بر «الا قال مترفوها» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول می باشد.

سوره زخرف آیه ۳۳

در صورت وقف بر «سقفا من فضة» وابتدای از «لجعلنا» که آغاز شرط است، قابل توجیه
می باشد. وقف بر «لمن یکفر بالرحمن» و نیز ابتدای از این عبارت، نامفهوم و نامناسب است.

سوره زخرف آیه ۴۵

در صورت وقف بر «من رسلنا» ابتدای از مابعد که با استفهام آغاز گردیده است، مرخص
شمرده شده و خالی از لطف نمی باشد.

سوره زخرف آیه ۴۶

در صورت وقف بر «وملائه» ابتدای از مابعد مفهوم بوده و قابل رخصت می‌باشد.

سوره زخرف آیه ۶۳

وقف بر «قال قد جئتمکم بالحکمة» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط می‌باشد، صحیح است.

سوره زخرف آیه ۸۵

در صورت عدم توانایی، وقف بر «ومابینهما» وابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره دخان آیه ۵۴

وقف بر «کذلک» بنا بر این که خبر مبتدای محذوف (الامر کذلک) باشد، قابل توجیه است.

سوره جاثیه آیه ۵

در صورت وقف بر «فاحیا به الارض بعد موتها» ابتدای از این عبارت مناسب نبوده وابتدای از «وما انزل الله» جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره جاثیه آیه ۱۲

وقف بر «ولتبتغوا من فضله» وابتدای از «لتجری الفلک فیه بأمره» که آغاز تعلیل است، صحیح می‌باشد.

سوره جاثیه آیه ۱۴

در صورت وقف بر «ایام الله» ابتدای از «یغفروا» که آغاز گفتار است، قابل قبول می‌باشد. در صورت اضطرار ابتدای از مابعد نیز قابل اغماض است.

سوره جاثیه آیه ۲۱

در صورت وقف بر «وعملوا الصالحات» ابتدای از مابعد که حالیه می‌باشد، صحیح نیست؛ لذا ابتدای از «ان نجعلهم» اجتناب ناپذیر است.

سوره جاثیه آیه ۲۲

در صورت وقف بر «بالحق» ابتدای از مابعد که با لام تعلیل آغاز شده و به همراه واو آمده است، جایز به شمار می‌رود.

سوره جاثیه آیه ۲۳

وقف بر «وختم علی سمعه وقلبه» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول می‌باشد. در صورت وقف بر «وجعل علی بصره غشاوة» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره جاثیه آیه ۲۵

در صورت وقف بر «بآبائنا» ابتدای از «ماکان حجتهم» که آغاز جواب شرط است، صحیح می‌باشد.

سوره جاثیه آیه ۲۸

وقف بر «کل امة تدعی الی کتابها» وابتدای از مابعد که مقول قول مقدر است، جایز می‌باشد.

سوره جاثیه آیه ۳۲

وقف بر «قلتم ما ندری ما الساعة» وابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، جایز می‌باشد. ابتدای از مابعد نامناسب است.

سوره جائیه آیه ۳۴

وقف بر «وماؤیکم النار» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است. در صورت وقف بر «هذا» ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل اغماض می‌باشد.

سوره احقاف آیه ۴

در صورت وقف بر «ارونی ماذاخلقوا من الارض» ابتدای از همین عبارت که با استفهام آغاز شده، صحیح است. ابتدای از مابعد که با «ام متصله» آغاز گردیده جایز نیست.

سوره احقاف آیه ۵

در صورت وقف بر «یوم القيامة» ابتدای از «من لا یتجیب له» قابل توجیه است. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد مرخص است.

سوره احقاف آیه ۱۰

در صورت عدم توانایی، وقف بر «علی مثله» وابتدای از «وشهد شاهد من بنی اسرائیل» جهت بازگشت برای اتصال کلام، قابل توجیه است.

سوره احقاف آیه ۱۵

وقف بر «وعلی والدی» وابتدای از «قال رب» که جواب شرط می‌باشد، صحیح است. در صورت عدم توانایی، وقف بر «ان اشکر نعمتک» وابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره احقاف آیه ۱۷

وقف بر «وهما يستغيثان الله» وابتدای از همین عبارت، صحیح است و در صورت وقف بر «وقد خلت القرون من قبلی» ابتدای از این عبارت که حالیه است مناسب نبوده لذا ابتدای از مابعد مرخص می باشد.

سوره احقاف آیه ۲۰

در صورت وقف بر «ویوم يعرض الذين كفروا على النار» ابتدای از مابعد که مقول قول مقدر است، موجه می باشد. در صورت وقف بر «واسمعتهم بها» ابتدای از مابعد، قابل قبول است. در صورت وقف بر «فی الارض» ابتدای از «بما كنتم تقولون» اجتناب ناپذیر است.

سوره احقاف آیه ۲۱

در صورت وقف بر «ان لا تعبدوا الله» ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت برای اتصال کلام، قابل قبول است.

سوره احقاف آیه ۲۶

در صورت وقف بر «وافئدة» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است. و در صورت وقف بر «بآیات الله» نیز ابتدای از مابعد، قابل توجیه می باشد.

سوره احقاف آیه ۲۹

در صورت وقف بر «یستمعون القرآن» ابتدای از مابعد، جایز می نماید.

سوره احقاف آیه ۳۰

در صورت وقف بر «مصدقالمابین یدیه» ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره احقاف آیه ۳۱

در صورت وقف بر «یغفر لکم من ذنوبکم» ابتدای از همین عبارت، قابل قبول است.

سوره احقاف آیه ۳۳

وقف بر «بقادر» و ابتدای از همین کلمه قابل قبول می‌باشد.

سوره محمد (ص) آیه ۲

وقف بر «وهو الحق من ربهم» که فاصله میان مبتدا و خبر می‌باشد، جایز نیست. لذا وقف

بر «کفر عنهم سیئاتهم» و ابتدای از همین عبارت که آغاز خبر است، صحیح می‌باشد.

در صورت وقف اضطراری بر «وهو الحق من ربهم» ابتدای از «وءامنوا بما نزل علی محمد»

برای بازگشت به قبل و رعایت اتصال، قابل قبول است. در صورت عدم توانایی، چاره ای بجز

ابتدای از آغاز خبر نمی‌باشد.

سوره محمد (ص) آیه ۵

وقف بر «فضرب الرقاب» و ابتدای از مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده جایز می‌باشد.

وقف بر «حتی اذا ائخنتموهم» که سر آغاز سخنی دیگر است، مناسب نمی‌باشد.

وقف بر «ذلک» بنا بر استیناف مابعد، جایز است.

سوره محمد (ص) آیه ۱۵

وقف بر «وانهار من لبن لم یتغیر طعمه» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل

قبول است.

سوره محمد (ص) آیه ۱۶

وقف بر «ومنهم من يستمع اليك» وابتدای از مابعد که با «حتی اذا» آغاز شده نیکو می باشد؛ زیرا در صورت وصل تصور می گردد که «حتی اذا» متعلق به ماقبل باشد.

سوره محمد(ص) آیه ۲۰

وقف بر «وذكر فيها القتال» که فاصله میان شرط و جواب می باشد، صحیح نیست. همچنین وقف بر «رایت الذین فی قلوبهم مرض» که از افعال قلوب می باشد، نامناسب است. لذا وقف بر «ینظرون اليك» وابتدای از «رایت الذین» که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره محمد(ص) آیه ۲۵

وقف بر «من بعد ما تبين لهم الهدى» که فاصله میان مبتدا و خبر می باشد، جایز نیست. وقف بر «الشیطان سؤل لهم» وابتدای از همین عبارت که آغاز خبر است، صحیح می باشد.

سوره محمد(ص) آیه ۲۶

وقف بر «کرهوا مانزل الله» که فاصله میان قول و مقول است، جایز نمی باشد و نیز ابتدای از «مانزل الله» که مفعول «کرهوا» می باشد، مغیّر معناست.

سوره محمد(ص) آیه ۳۲

در این آیه نیز (مانند آیه ۲۵) وقف بر «من بعد ما تبين لهم الهدى» که فاصله میان مبتدا و خبر است، جایز نمی باشد. وقف بر «لن يضرّوا الله شيئا» وابتدای از همین عبارت که آغاز خبر می باشد، صحیح است. در صورت عدم توانایی، وقف بر «وشاقّوا الرسول» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال اسم «ان» به خبر آن، قابل قبول است.

سوره محمد(ص) آیه ۳۴

وقف بر «ثم ماتوا وهم كفار» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال عبارات، قابل قبول است.

سوره محمد(ص) آیه ۳۵

وقف بر «وانتم الاعلون» وابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز است.

سوره محمد(ص) آیه ۳۸

در صورت وقف بر «تدعون لتنفقوا فی سبیل الله» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره فتح آیه ۲

وقف بر «ویتم نعمته علیک» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

در صورت وقف بر «وماتأخر» چاره ای بجز ابتدای از مابعد، نمی باشد.

سوره فتح آیه ۵

در صورت وقف بر «الانهار» ویا «خالدین فیها» ابتدای از مابعد، رخصت داده شده است. در

غیر این صورت بازگشت به «جنات» می تواند موجّه تلقی گردد.

سوره فتح آیه ۶

در صورت وقف بر «والمشركین والمشرکات» ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و تکمیل

کلام، قابل قبول است.

سوره فتح آیه ۸

در صورت وقف بر «وتعزروه وتوقروه» ابتدای از مابعد، بنا بر این که مرجع ضمیر در آن به

«الله» باز می گردد، جایز می باشد.

سوره فتح آیه ۱۰

در صورت وقف بر «انما یبایعون الله» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز است.

سوره فتح آیه ۱۲

وقف بر «وزین ذلک فی قلوبکم» وابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

در صورت وقف بر «الی اهلیم ابداء» ابتدای از مابعد به دلیل عدم وجود ابتدای مناسب در عبارت قبل، قابل توجیه می‌باشد.

سوره فتح آیه ۱۸

در صورت وقف بر «اذ یبایعونک تحت الشجرة» ابتدای از مابعد، قابل توجیه می‌باشد.

سوره فتح آیه ۲۰

در صورت وقف بر «وکف ایدی الناس عنکم» ابتدای از مابعد که با لام تعلیل آغاز شده و به همراه واو آمده است، جایز شمرده می‌شود.

سوره فتح آیه ۲۶

وقف بر «حمیة الجاهلیة» وابتدای از مابعد، به جهت طول کلام قابل توجیه می‌باشد. ولی در صورت توانایی وقف بر «وعلی المؤمنین» وابتدای از «وانزل» صحیح است. مبادا با وقف بر «علی رسوله» مؤمنان را از پیامبر (ص) جدا کنیم.

سوره فتح آیه ۲۷

در صورت وقف بر «ءامنین» ابتدای از مابعد که حالیه است، جایز نمی‌باشد؛ لذا ابتدای از «ءامنین» جهت بازگشت و تکمیل کلام، قابل توجیه است. ابتدای از «ان شاء الله» که متعلق به «لتدخلن» می‌باشد، صحیح نیست.

سوره فتح آیه ۲۹

در صورت وقف بر «فاستغلظ فاستوی علی سوقه» ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره حجرات آیه ۲

وقف بر «ولاتجهروا له بالقول» و ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره حجرات آیه ۶

وقف بر «فتبینوا» و ابتدای از «ان جاءکم فاسق نبیا» که آغاز جمله شرطیه است، صحیح می‌باشد. در صورت عدم توانایی، ابتدای از «فتبینوا» که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد.

سوره حجرات آیه ۷

وقف بر «وزینه فی قلوبکم» و ابتدای از «ولکن الله حبیب الیکم الایمان» صحیح است. ابتدای از «لعنتم» که جواب «لو امتناعیه» می‌باشد، نامناسب است.

سوره حجرات آیه ۱۱

در صورت وقف بر «عسی ان یكونوا خیرا منهم» ابتدای از «لایسخر قوم من قوم» که آغاز جمله بعد از منادی است، صحیح می‌باشد. در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد (ولا نساء) مرخص می‌باشد.

سوره حجرات آیه ۱۵

وقف بر «ثم لم یرتابوا» و ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره ق آیه ۶

وقف بر «کیف بنیناها» و ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و رعایت اتصال، قابل قبول است.

ابتدای از «بنیناها» موجب تغییر معنای عبارت، از استفهام به خبر گردیده و مناسب نمی‌باشد.

سوره ق آیه ۱۴

وصل عبارت «واصحاب الایکة وقوم تبع» به مابعد نامناسب است؛ زیرا کلمه «کل» به همه اقوام مذکور که هشت گروه می‌باشند باز می‌گردد، در صورتی که در این آیه تنها دو گروه از آنان آمده است.

سوره ق آیه ۳۲

وقف بر «هذا ما توعدون» و ابتدای از مابعد، به دلیل وجود جمله معترضه، جایز است.

سوره ق آیه ۳۶

در صورت وقف بر «فلقبوا فی البلاد» ابتدای از «هل من محیص» که مقول قول مقدر است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره ق آیه ۳۸

در صورت وقف بر «فی ستة ایام» ابتدای از مابعد که عطف بر جمله مستأنفه می‌باشد، جایز است.

سوره ذاریات آیه ۱۴

در صورت وقف بر «ذوقوا فتنکم» ابتدای از مابعد که بامبتدا آغاز شده، جایز است. بدیهی است وصل آن، اولویت دارد.

سوره ذاریات آیه ۲۳

در صورت وقف بر «فورب السماء والارض» ابتدای از مابعد که کلام مفیدی است، قابل توجیه می‌باشد.

سوره طور آیه ۲۱

وقف بر «الحقنا بهم ذریتهم» وابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و رعایت اتصال، قابل قبول است. در صورت اضطرار، ابتدای از مابعد قابل اغماض می‌باشد.

سوره نجم آیه ۲۶

در صورت وقف بر «لا تغنی شفاعتہم شیئا» ابتدای از همین عبارت، صحیح است.

سوره نجم آیه ۳۱

وقف بر «لیجزی الذین اساءوا بما عملوا» وابتدای از همین عبارت جهت بازگشت ورعایت اتصال، صحیح است.

سوره قمر آیه ۴۳

در صورت وقف بر «اکفارکم خیر من اولئکم» ابتدای از مابعد که با «ام متصله» آغاز گردیده جایز نیست.

سوره رحمن آیه ۳۳

وقف بر «والارض» که فاصله میان شرط و جواب آن است، جایز نمی‌باشد. در صورت اضطرار، ابتدای از «ان استطعتم که آغاز جمله شرطیه است، صحیح است.

سوره واقعه آیه ۶۵

در صورت وقف بر «لونشاء لجعلناه حطاما» ابتدای از مابعد، قابل توجیه می‌باشد.

سوره واقعه آیه ۷۰

در صورت وقف بر «لونشاء جعلناه اجاجا» ابتدای از مابعد که با تحضیض آغاز شده، قابل قبول است.

سوره حدید آیه ۴

وصل «وهو معکم اینما کنتم» به عبارت بعد، مناسب نیست؛ زیرا این عبارت باضمیر آغاز شده در صورتی که جمله بعد با اسم ظاهر ولفظ جلاله «الله» شروع شده است.

در آیه بعد (له ملک السموات والارض والی الله ترجع الامور) نیز این گونه است.

سوره حدید آیه ۱۲

در صورت وقف بر «وبایمانهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، قابل توجیه می‌باشد.

سوره حدید آیه ۱۳

در صورت وقف بر «انظرونا نقتبس من نورکم» ابتدای از مابعد جایز است. وقف بر «فالتمسوا

نورا» و ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز است.

سوره حدید آیه ۱۶

در صورت وقف بر «وما نزل من الحق» ابتدای از مابعد، مرخص می‌باشد. ابتدای از «وما نزل

من الحق» مناسب نیست. در صورت اصرار بر بازگشت به قبل، ابتدای از «ان تخشع قلوبهم»

قابل توجیه می‌باشد.

سوره حدید آیه ۱۸

وقف بر «واقرضوا الله قرضاً حسناً» صحیح نیست؛ زیرا فاصله میان اسم و خبر «ان» می‌باشد.

وقف بر «یضاعف لهم» و ابتدای از همین عبارت که آغاز خبر می‌باشد، صحیح است

سوره حدید آیه ۱۹

وقف بر «اولئک هم الصدیقون» بنا بر استیناف جمله بعد، قابل توجیه است ولی با توجه به

ترجیح عطف بر استیناف، وصل آن قطعاً اولویت دارد.

وقف بر عبارت «عند ربهم» و ابتدای از مابعد، صحیح است. وقف بر «لهم اجرهم ونورهم» که

فاصله میان ایمان و کفر می‌باشد، نیکوست.

سوره حدید آیه ۲۰

در صورت وقف بر «وتفاخر بینکم» ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و اتصال معطوفات، قابل قبول است ولی ابتدای از «لعب ولهو» که آغار خبر است، اولویت دارد.

سوره حدید آیه ۲۱

در صورت وقف بر «وجنة عرضها كعرض السماء والارض» ابتدای از همین عبارت جهت بازگشت و اتصال معطوفات، قابل توجیه است.

سوره حدید آیه ۲۵

در صورت وقف بر «ومنافع للناس» ابتدای از مابعد قابل توجیه می‌باشد ولی در صورت توانایی، ابتدای از «فیه بأس شدید» اولویت دارد. ابتدای از «ومنافع للناس» نامناسب است.

سوره حدید آیه ۲۷

در صورت وقف بر «وقفینا بعیسی بن مریم» ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

وقف بر کلمه «ورحمة» و ابتدای از «ورهبانیة» جایز است؛ زیرا این کلمه عطف بر ماقبل خود نشده و نصب آن از باب اشتغال است. بنابراین وقف بر «ورهبانیة» مغیر معنا بوده و نیز وقف بر «ورهبانیة ابتدعوها» حداقل نامناسب است.

وقف بر «ماکتبناها علیهم» که با حرف نفی آغاز شده و پیش از «الا» قرار دارد، مغیر معناست. وقف بر «الا ابتغاء رضوان الله» و ابتدای از «ماکتبناها علیهم» صحیح بوده و در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد (فما رعوها) قابل رخصت می‌باشد.

سوره حدید آیه ۲۸

در صورت وقف بر «يُؤْتِكُمْ كَفْلِينَ مِنْ رَحْمَتِهِ» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب فعل طلب می‌باشد، قابل قبول است.

سوره حدید آیه ۲۹

وقف بر «وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است. در صورت وقف بر «مَنْ فَضَلَ اللَّهُ» ابتدای از مابعد که عطف به «أَنْ لَا يَقْدِرُونَ» می‌باشد، صحیح نیست ولی در صورت اضطرار، قابل اغماض است. در صورت توانایی، ابتدای از «أَنْ لَا يَقْدِرُونَ» اولی است.

سوره مجادله آیه ۱

در صورت وقف بر «وَتَشْتَكِي» الی الله» ابتدای از مابعد، قابل قبول بوده و برگشت به عبارت قبل

ضرورت ندارد.

سوره مجادله آیه ۳

در صورت وقف بر «فَتَحْرِيرِ رَقَبَةٍ» ابتدای از همین عبارت که آغاز خبر می‌باشد، صحیح است. ابتدای از «ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا» مناسب نمی‌باشد.

سوره مجادله آیه ۷

وقف بر «وَلَاخْمِسَةَ الْإِسْهَمِ» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره مجادله آیه ۸

در صورت وقف بر «ومعصیت الرسول» ابتدای از مابعد، که با شرط دیگری آغاز گردیده، جایز می‌باشد. جمله «ویقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله بما نقول» حالیه بوده و سزاوار است به ماقبل خود متصل گردد.

سوره مجادله آیه ۹

در صورت وقف بر «ومعصیت الرسول» ابتدای از «فلاتتناجوا بالاثم والعدوان» که آغاز جواب شرط می‌باشد، صحیح است.

سوره مجادله آیه ۱۱

در صورت وقف بر «فافسحوا» ابتدای از «اذا قیل لکم» که آغاز جمله شرطیه است، صحیح می‌باشد.

سوره مجادله آیه ۱۴

در صورت وقف بر «غضب الله علیهم» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، قابل توجیه است.

سوره مجادله آیه ۲۲

وقف بر «لا تجد قوما یؤمنون بالله والیوم الآخر» مغیر معنا و ناپسند می‌باشد. وقف بر «ورسوله» حسن و بهتر از آن وقف بر «ولوکان اءاباءهم» می‌باشد و ابتدای از همین عبارت قابل قبول است.

سوره حشر آیه ۶

در صورت وقف بر «فما اوچفتم علیه من خیل ولا رکاب» ابتدای از همین عبارت جهت اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره حشر آیه ۷

وقف بر «وابن السبیل» یا حداقل «ولذی القربی» و ابتدای از «فله و للرسول» صحیح است. سعی گردد باوقف بر «وللرسول» میان پیامبر و خویشاوندان آن حضرت، فاصله نشود.

سوره حشر آیه ۸

وقف بر «یتغون فضلا من ربهم ورضوانا» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال عبارات، قابل قبول است.

سوره حشر آیه ۹

وقف بر «یحبون من هاجر الیهم» و نیز «ولا یجدون فی صدورهم حاجة مما اوتوا» و ابتدای از هر کدام جهت اتصال عبارات، قابل قبول است.

سوره حشر آیه ۱۰

وقف بر «یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان» و ابتدای از همین عبارت نیکوست. وقف بر «ربنا اغفر لنا» که موجب جدایی از برادران مؤمن می شود، پسندیده نیست؛ زیرا آنان به خود و برادران دینی خویش دعا کردند.

در صورت وقف بر «ولاتجعل فی قلوبنا غلا للذین ءامنوا» بهتر است این عبارت برای وصل به مابعد تکرار گردد. هر چند در صورت ناتوانی، ابتدای از مابعد نیز رخصت داده شده است.

سوره حشر آیه ۱۱

در صورت وقف بر «یقولون لاخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب» و بهتر از آن «لنخرجن معکم» ابتدای از «یقولون» صحیح بوده و ابتدای از «لئن اخرجتم» که آغاز سخن منافقان

است، مناسب نمی‌باشد؛ مگر در نهایت اضطرار آن هم از باب حکایت اجتناب ناپذیر است. در این صورت وقف بر «وان قوتلتم لنصرنکم» و ابتدای ازما بعد که کلام خداوند در ردّ سخن منافقان است، جهت القاء درست معنا و مفهوم آیه، نیکو و پسندیده است. بنابراین اتصال عبارت «والله یشهد انهم لکاذبون» به «يقولون» نیکو است و تنها وصل آن به «لئن اخرجتم لنخرجن معکم» صحیح به نظر نمی‌رسد.

سوره حشر آیه ۱۲

وقف بر عبارات «لایخرجون معهم» و «لاینصرونهم» و ابتدای ازما بعد آن جهت تفصیل و تأکید بر هر کدام از آن، خالی از لطف نیست. آغاز هر جمله با لام تأکید، چنین تداعی می‌کند.

سوره حشر آیه ۱۶

در صورت وقف بر «اذ قال للانسان اکفر» ابتدای از ما بعد که با شرط آغاز شده جایز است؛ ولی در صورت توانایی، وصل آن اولویت دارد.

جمله «انی اخاف الله رب العالمین» ادامه سخن ابلیس بوده و داخل در «مثل» می‌باشد؛ لذا می‌بایست اتصال آن حفظ گردد.

سوره حشر آیه ۱۸

در صورت وقف بر «ولتنظر نفس ما قدمت لغد» ابتدای از ما بعد (واتقواالله) و وصل آن به «ان الله خبیر بما تعملون» که برای تعلیل می‌باشد، مفهوم لطیفی را در بر دارد.

سوره حشر آیه ۲۳

وقف بر «الملک» و ابتدای از همین کلمه برای رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره ممتحنه آیه ۱

در صورت وقف بر «لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء» ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، صحیح است. ابتدای از مابعد نیز که می‌تواند استیناف بیانی قرار گیرد، جایز می‌باشد. وقف بر «من الحق» و ابتدای از مابعد نیز بنابر استیناف، جایز است. در این صورت وقف بر «ان تؤمنوا بالله ربکم» نیکوست؛ زیرا جمله مابعد شرط متأخر برای «لا تتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء» در آغاز آیه بوده که با وقف بردو جمله قبل، این اتصال قطع شده است.

سوره ممتحنه آیه ۳

وقف بر «لن تنفعکم ارحامکم ولا اولادکم یوم القیامة» و ابتدای از مابعد، نیکوست؛ زیرا عبارت «یوم القیامة» ظرف زمان و متعلق به «لن تنفعکم» می‌باشد.

سوره ممتحنه آیه ۴

وقف بر «ومماتعدون من دون الله» و ابتدای از «اذقالوا لقومهم» صحیح است و در صورت عدم توانایی، وقف بر «والذین امنوا معه» و ابتدای از مابعد قابل توجیه می‌باشد. در ادامه قرائت، وقف بر «حتی تؤمنوا بالله وحده» و ابتدای از مابعد که ممکن است استثناء منقطع و یا استثنا از «قدکان لکم اسوة حسنة فی ابراهیم» باشد، توجیه پذیر است. ولی در صورت توانایی، سزاوار است بر «لأستغفرن لک» یا حداقل «لأیبه» وقف و سپس از «الا قول ابراهیم» ابتداء گردد که در این صورت اتصال جملات به خوبی رعایت شده است.

سوره ممتحنه آیه ۸

در صورت اضطرار، وقف بر «ولم یخرجوکم من دیارکم» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل اغماض است.

سوره ممتحنه آیه ۹

در صورت عدم توانایی، وقف بر «واخرجوکم من دیارکم» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل گذشت می باشد.

سوره ممتحنه آیه ۱۲

وقف بر «یفتینه بین ایدیهنّ وارجلهنّ» یا حد اقل «ولایأتین بهتان» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل قبول است. در صورت وقف بر کلمه «شیئا» ابتدای از «بیایعنک» قابل قبول می باشد، ابتدای از «ان لایشرکن بالله» نیز قابل توجه است.

سوره ممتحنه آیه ۱۳

در صورت وقف بر «لاتتولوا قوما غضب الله علیهم» ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، صحیح است. ابتدای از مابعد نیز که می تواند مستأنف قرار گیرد، جایز می باشد.

سوره صف آیه ۴

در صورت وقف بر «یقاتلون فی سبیلہ صفا» ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره صف آیه ۶

در صورت وقف بر «مصدقا لما بین یدی من التوریه» ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل توجه است.

سوره صف آیه ۹

وقف بر «لیظهره علی الدین کله» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره صف آیه ۱۲

در صورت عدم توانایی، وقف بر «ویدخلکم جنات تجری من تحتها الانهار» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، صحیح است.

سوره صف آیه ۱۴

وقف بر «کونوا انصارالله کما قال عیسی بن مریم» هرچند در فاصله میان قول مقول انجام گرفته ولی خالی از لطف نیست. در این صورت ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، صحیح است.

سوره جمعه آیه ۱

در صورت وقف بر «وما فی الارض» ابتدای از مابعد که مشتمل بر صفات «الله» بوده و میان آنها فاصله شده، قابل اغماض می باشد.

سوره جمعه آیه ۲

وقف بر «یتلوا علیهم آياته» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، صحیح است. در صورت وقف بر «ويعلمهم الكتاب والحكمة» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است.

سوره جمعه آیه ۶

وقف بر «فتمنوا الموت» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل قبول است. در صورت توانایی، ابتدای از «ان زعمتم» که آغاز شرط است، صحیح می‌باشد.

در صورت وقف بر «من دون الناس» ابتدای از «ان زعمتم» که آغاز شرط است، صحیح بوده ولی در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد که مشتمل بر جواب شرط است؛ مرخص می‌باشد

سوره جمعه آیه ۹

وقف بر «فاسعوا الی ذکر الله» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد.

در صورت وقف بر «اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة» ابتدای از همین عبارت که آغاز شرط است، صحیح بوده و در صورت عدم توانایی، ابتدای از مابعد که مشتمل بر جواب شرط است؛ مرخص می‌باشد.

سوره جمعه آیه ۱۰

در صورت وقف بر «وابتغوا من فضل الله» ابتدای از مابعد (واذکروا الله کثیرا) قابل توجیه است؛ زیرا عبارت «لعلکم تفلحون» بدان تعلق داشته و ارتباطی به عبارات قبل ندارد.

سوره منافقون آیه ۵

وقف بر «لوّوا رءوسهم» و ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد.

سوره منافقون آیه ۷

در صورت وقف بر «ولله خزائن السموات والارض» ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره منافقون آیه ۸

در صورت وقف بر «ولله العزة ولرسوله وللمؤمنين» ابتدای از مابعد قابل توجیه می باشد.

سوره منافقون آیه ۱۰

وقف بر «فيقول رب لولا اخرتن الى اجل قريب» وابتدای از همین عبارت جهت رعایت

اتصال، قابل قبول است. در صورت وقف بر «من قبل ان يأتى احدهم الموت» وابتدای از همین

عبارت، قابل اغماض می باشد.

سوره تغابن آیه ۶

وقف بر «فقالوا ابشر يهودنا» وابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره تغابن آیه ۹

وقف بر «يكفر عنه سيئاته» ویا «ويدخله جنات تجري من تحتها الانهار» وابتدای از همان

عبارات

جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره طلاق آیه ۲

در صورت وقف بر «او فارقوهن بمعروف» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز است.

سوره طلاق آیه ۴

در صورت وقف بر «فعدتهن ثلاثة اشهر» ابتدای از همین عبارت که جواب شرط است جهت

رعایت اتصال، صحیح است.

سوره طلاق آیه ۱۲

در صورت وقف بر «ومن الارض مثلهن» ابتدای از مابعد که می تواند مستأنفه قرار گیرد، جایز است.

سوره تحریم آیه ۱

جمله «تبتغی مرضات ازواجک» حالیه بوده ووقف بر ماقبل آن، صحیح به نظر نمی رسد.

سوره تحریم آیه ۳

در صورت وقف بر کلمه «حدیثا» ابتدای از ما بعد که با شرط آغاز شده، جایز می باشد.

سوره تحریم آیه ۵

در صورت وقف بر «ان یبدله ازواجاً خیراً منکن» ابتدای از همین عبارت که خبر عسی است جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره تحریم آیه ۶

در صورت وقف بر «وقودها للناس والحجارة» ابتدای از مابعد بنا بر استیناف، جایز می باشد. در صورت ناتوانی، وقف بر «قوانفسکم واهلیکم نارا» ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، صحیح است. در فراز بعدی وقف بر «علیها ملائکة غلاظ شداد» وابتدای از همین عبارت، قابل قبول می باشد. وقف بر «علیها ملائکة» که سبب جدا کردن صفت از موصوف می گردد، نامناسب است؛ زیرا کمال معنا در غلاظ و شداد بودن فرشتگان موکل بر دوزخ می باشد.

سوره تحریم آیه ۸

وقف بر «عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم» و ابتدای از همین عبارت جهت رعایت اتصال، صحیح است. در صورت عدم توانایی، وقف بر «نصوحا» و ابتدای از مابعد که می تواند استیناف بیانی تلقی گردد، قابل توجیه است. در صورت وقف بر «تجری من تحتها الانهار» ابتدای از «ویدخلکم جنات» صحیح بوده و در صورت اضطرار ابتدای از مابعد (یوم لا یخزی الله النبى) رخصت داده شده است.

سوره تحریم آیه ۱۰

در صورت وقف بر کلمه «شیئا» ابتدای از «فخانتاهما» صحیح می باشد ابتدای از «فلم یغنیا» که با فاء تعقیب آغاز شده مناسب نیست. در صورت ناتوانی، ابتدای از مابعد (وقیل) مرخص می باشد.

سوره تحریم آیه ۱۱

وقف بر «فی الجنة» و ابتدای از «اذقالت» صحیح است و در صورت عدم توانایی، وقف بر «فرعون» و ابتدای از مابعد، دارای توجیه است؛ زیرا می تواند مفعول (اذکر) مقدر باشد.

سوره تحریم آیه ۱۲

وقف بر «فنفخنا فیه من روحنا» و ابتدای از همین عبارت جهت اتصال عبارات، قابل قبول است.

سوره ملک آیه ۹

در صورت وقف بر «من شیء» ابتدای از مابعد، بنابر این که جمله «ان انتم الا فی ضلال کبیر» کلام فرشتگان و موکلان دوزخ در پاسخ کافران باشد، قابل توجیه است. ولی در صورت

توانایی، ابتدای از «فکذبنا» اولویت دارد؛ زیرا عبارت فوق بهتر است ادامه گفته دوزخیان به نذیر باشد.

سوره ملک آیه ۲۷

در صورت وقف بر «سیئت وجوه الذین کفروا» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد. در صورت اضطرار، ابتدای از مابعد که دارای معنای مفیدی است، قابل گذشت می‌باشد.

سوره ملک آیه ۲۸

وقف بر «اورحمنا» که فاصله میان شرط و جزا بوده، صحیح نیست، ولی در صورتی که اضطرار بر آن وقف گردد، ابتدای از مابعد که با استفهام آغاز شده مرخص می‌باشد. در صورت توانایی، ابتدای از «ان اهلکنی الله» اجتناب ناپذیر است.

سوره ملک آیه ۳۰

در صورت وقف بر «ان اصبح ماؤکم غورا» ابتدای از همین عبارت که آغاز شرط است، صحیح می‌باشد.

سوره قلم آیه ۷

در صورت وقف بر «عن سبيله» ابتدای از مابعد، رخصت داده شده است.

سوره قلم آیه ۳۶

وقف بر «مالکم» جایز است؛ زیرا جمله بعد، با استفهام آغاز شده است.

سوره قلم آیه ۴۱

در صورت وقف بر «ام لهم شركاء» ابتدای از مابعد، قابل توجیه ایت.

سوره قلم آیه ۵۸

در صورت وقف بر «ولا تكن كصاحب الحوت» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است؛ زیرا می-

تواند مفعول (اذکر) مقدر قرار گیرد. در صورت توانایی، وصل آن اولویت دارد.

سوره حاقه آیه ۷

وقف بر «حسوما» و ابتدای از مابعد که در آن التفات صورت گرفته، قابل توجیه می باشد.

سوره حاقه آیه ۲۴

وقف بر «كلوا واشربوا» و ابتدای از مابعد، که با مفعول فعل محذوف آغاز شده قابل توجیه

است.

سوره معارج آیه ۴۳

در صورت وقف بر «سراعا» ابتدای از مابعد که با تشبیه آغاز شده و توضیح و بیان ما قبل می-

باشد، قابل رخصت است.

سوره نوح آیه ۱

در صورت وقف بر «ان انذر قومك» و ابتدای از همین عبارت برای رعایت اتصال، قابل قبول

است.

سوره نوح آیه ۷

در صورت وقف بر «واستغشوا ثيابهم» ابتدای از «جعلوا اصابعهم في اذانهم» که آغاز جواب

شرط است، قابل قبول می باشد.

سوره نوح آیه ۲۳

در صورت وقف بر «ولاتذرنّ وداّ ولا سواعا» ابتدای از همین عبارت جهت برگشت برای اتصال معطوفات، قابل قبول است.

سوره نوح آیه ۲۸

در صورت وقف بر «والمؤمنات» ابتدای از مابعد، که مشتمل بر نفرین ستمکاران است، مرخص می‌باشد؛ زیرا در عبارت قبل ابتدای مناسبی وجود ندارد.

سوره جن آیه ۲۶

وقف بر «عالم الغیب» باین توجیه که خبر مبتدای محذوف (هو) باشد، جایز است.

سوره جن آیه ۲۷

در صورت وقف بر «الا من ارتضى من رسول» که استثنای از عبارت «فلا يظهر علی غیبه احدا» می‌باشد، ابتدای از مابعد قابل توجیه است.

سوره مزمل آیه ۲۰

در صورت وقف بر «یبتغون من فضل الله» ابتدای از «وآخرون یضربون فی الارض» جهت رعایت اتصال، قابل قبول است.

سوره انسان آیه ۲

در صورت وقف بر «نبتلیه» ابتدای از مابعد، که عطف بر «انا خلقنا الانسان» می‌باشد، قابل توجیه است.

سوره انسان آیه ۱۹

در صورت وقف بر «ولدان مخلدون» ابتدای از مابعد که با شرط آغاز می‌گردد، قابل اغماض است.

سوره نبأ آیه ۴۰

در صورت وقف بر «انا انذرناکم عذاباً قریباً» ابتدای از مابعد، قابل قبول است.

سوره عبس آیه ۱۷

وقف بر «قتل الانسان» که عبارت بعد مشتمل بر تعجب می‌باشد، صحیح است.

سوره بروج آیه ۱۰

در صورت وقف بر «فلهم عذاب جهنم» ابتدای از همین عبارت که آغاز خبر است، قابل قبول می‌باشد. در صورت وقف بر «ثم لم یتوبوا» ابتدای از مابعد قابل اغماض است.

سوره بروج آیه ۱۰

سوره فجر آیه ۱۵

در صورت وقف بر «فأکرمه ونعمه» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد.

سوره فجر آیه ۱۶

در صورت وقف بر «فقدر علیه رزقه» ابتدای از همین عبارت که آغاز جواب شرط است، قابل قبول می‌باشد.

سوره قدر آیه ۵

در صورت وقف بر «بإذن ربهم» ابتدای از مابعد، قابل توجیه است زیرا «من کل امر» می تواند خبرمقدم و «سلام» مبتدای مؤخر باشد.

سوره بینه آیه ۱

وقف بر «والمشركين» که فاصله میان اسم و خبر «لم یکن» می باشد، صحیح نیست.

سوره بینه آیه ۵

در صورت وقف بر «مخلصین له الدین» ابتدای از مابعد جایز نمی باشد. ابتدای از «الا

لیعبدوالله»

یا «لیعبدوالله» اجتناب ناپذیر است.

ضمیمه اول : موارد شایع وقف اختیاری

- در وقف اختیاری عبارت بعد یکی از موارد زیر می باشد:
- فعل مستأنف مانند: عفا الله عما سلف مائده/۹۵
- فعل امر مانند : قل هو من عند انفسکم آل عمران/۱۵۴
- فعل نهی مانند: فلا تذهب نفسک علیهم حسرات فاطر/۸
- حرف نفی مانند: ماکان لهم الخیرة قصص/۶۸

- ان الکافرون الا فی غرور ملک/۲۰
- حرف استفهام مانند: هل تعلم له سمیا مریم/۶۵
- افلا یشکرون یس/۳۵
- فهل انتم شاکرون انبیاء/۸۰
- مبتدا مانند: والله بكل شیء علیم بقره/۲۸۲
- والله بما تعملون علیم بقره/۲۸۳
- وهو علی کل شیء قدیر ملک/۱

- خبرمقدم مانند: ولهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون بقره/۱۰
- اسم اشاره مانند: ذلک بما عصوا وکانوا یعتدون آل عمران/۱۱۳
- انّ مانند: ان الله علی کل شیء قدیر بقره/۲۸۴
- مصدر فعل محذوف مانند: نصیبا مفروضا نساء/۷

- بل مانند: بل لعنهم الله بكفرهم بقره/ ۸۸
- یاء نداء مانند: یا ایها الذین ءامنوا صلوا علیه وسلموا تسلیما احزاب / ۵۶
- شرط مانند : من یشأ الله یضله ومن یشأ یجعله علی صراط مستقیم

انعام/ ۳۹

- الا استفتاحیه مانند : الا ان حزب الله هم المفلحون مجادله/ ۲۲
- نِعَمَ مانند: نعم الثواب كهف/ ۳۱
- بئس مانند: بئس الشراب ۲۹
- سین مانند: ستکذب شهادتهم وهم یسئلون زخرف/ ۱۹
- سوف مانند : سوف تعلمون تکاثر/ ۳،۴
- قد مانند: قد جنناک بآیه من ربک طه/ ۴۷
- لام مفتوح مانند: لینبذن قی الحطمة همزه/ ۴

ضمیمه دوم: موارد شایع وقف اضطراری

وقف میان فعل و فاعل مانند:

وقال لهم * خزنتها سلام عليكم

سيصيب الذين اجرموا * صغار عند الله

كذلك يوحى اليك والى الذين من قبلك * الله العزيز الحكيم

ان الذين كفروا لن تغنى عنهم * اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا

فحاق بالذين سخروا منهم * ما كانوا به يستهزءون

انما يعمر مساجد الله * من امن بالله

فأكلا منها فبدت لهما * سوءاتهما وطفقا يخسفان عليهما من ورق الجنة

كبر على المشركين * ما تدعوهم اليه

قل يوم الفتح لا ينفع الذين ظلموا * ايمانهم

فواصل آيات

يسبح له فيها بالغدو والآصال * رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله

وقف میان فعل و نائب فاعل مانند:

زين للذين كفروا * الحيوۃ الدنيا

كانما اغشيت * وجوههم قطعا من اليل مظلما

انا قد اوحى الينا * ان العذاب على من كذب وتولى

اذ عرض عليه بالعشى * الصافنات الجياد

وهو محرم عليكم * اخرا جهم (شبه فعل)

واتقوا يوما لاتجزى نفس عن نفس شيئا و لا يقبل منها * شفاعة و لا يؤخذ منها * عدل و لا

هم ينصرون

وقف ميان فعل و مفعول به مانند:

نبد فريق من الذين اوتوا الكتاب * كتاب الله وراء ظهورهم كانوا لا يعلمون

قل انى اخاف ان عصيت ربي * عذاب يوم عظيم

لقد لقينا من سفرنا هذا * نصبا

فانزلنا على الذين ظلموا * رجزا من السماء بما كانوا يفسقون

ربما يودالذين كفروا * لو كانوا مسلمين

فاوحى اليهم * ان سبحوا بكرة وعشيا

واذ تأذن ربك * ليعثن عليهم الى يوم القيامة * من يسومهم * سوء العذاب

ولتسمعن من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم ومن الذين اشركوا * اذى كثيرا

وان امراة خافت من بعها * نشوزا او اعراضا

اولا يذكر الانسان * انا خلقناه من قبل ولم يك شيئا

ومن يشرك بالله فقد افترى * اثما عظيما

قل انى نهيت ان اعبد * الذين تدعون * من دون الله

واسئل من ارسلنا قبلك من رسلنا * اجعلنا من دون الرحمن الهة يعبدون زخرف / ٤٥

شبه فعل مانند: فهل انتم مغنون عنا * نصيبا من النار غافر/ ٤٧

فواصل آيات

ارءيت الذي ينهى * عبدا اذا صلى

كد ٧. وقف ميان مفعول اول ومفعول دوم مانند:

الذي جعل لكم الارض * فراشا بقره/ ٢٢

واذ واعدنا موسى * اربعين ليلة بقره/ ٥١

ربنا واجعلنا * مسلمين لك بقره/ ١٢٨

سل بني اسرائيل * كم ءاتيناهم من ءاية بينة

وءاتى المال على حبه * ذوى القربى بقره/ ١٧٧

فآتاهم الله * ثواب الدنيا آل عمران/ ١٤٨

ستجدون ءاخرين يريدون ان يأمنونكم ويأمنوا قومهم * كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها

نساء/ ٩١

يسألک اهل الكتاب * ان تنزل عليهم * کتابا من السماء نساء/ ١٥٣

يسألونک * ماذا احل لهم مائده/ ٤

لتجدن اشد الناس عداوة للذين ءامنوا * اليهود والذين اشركوا مائده/ ٨٣

جعل الله الکعبة البيت الحرا * قياما للناس مائده/ ٩٧

واتخذوا ءاياتى وما نذروا * هزوا كهف/ ٥٦

واورثنا بنى اسرائيل * الكتاب غافر/ ٥٣

واسئل من ارسلنا قبلك من رسلنا اجعلنا من دون الرحمن * ءالهة يعبدون زخرف/٤٥

ذلكم بأنكم اتخذتم ءايات الله * هزوا جاثيه/٣٥

ياايها الذين ءامنوا اتقواالله وءامنوا برسوله يؤتكم * كفلين من رحمته حديد/٢٨

وقف ميان فعل ومفعول فيه مانند:

ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم * فى السبت بقره/٦٥

فما جزاء من يفعل ذلك منكم الاخزى * فى الحيوۃ الدنيا بقره/٨٥

انا لننصر رسلنا والذين ءامنوا * فى الحيوۃ الدنيا عافر/٥٢

ظرف زمان مانند :

قل انى نهيت ان اعبدالذين تدعون من دون الله * لما جاءنى البينات من ربي غافر/٦١

فلم يك ينفعهم ايمانهم * لما راوا بأسنا غافر/٨٥

ان الذين يغضون اصواتهم * عند رسول الله حجرات/٣

فواصل آيات

سوره بقره آيات ٢١٩-٢٢٠ كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون * فى الدنيا

والآخرة

كد ٩- وقف ميان فعل ومفعول له مانند:

اوكصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون اصابعهم فى ءاذانهم من الصواعق *

حذرالموت بقره/١٩

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ كَفَارًا * حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ

بقره/١٠٩

شهر رمضان

الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ * هَدَىٰ لِلنَّاسِ بقره/١٨٥

فَإِنْ لَّمْ تَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٍ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ * أَنْ تَضِلَّ أَحَدُهُمَا فَتَذَكَّرَ

أَحَدُهُمَا الْآخَرَىٰ بقره/٢٨٣

وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا * لِيَا بَأْسَنتَهُمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ نِسَاءَ/٤٦

يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ * (خَشِيَّةٌ) أَنْ تَضِلُّوا نِسَاءَ/١٧٤

أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ * مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ مَائِدَه/٩٦

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ * سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ * افْتَرَاءً عَلَى اللَّهِ

انعام/١٤٠

وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ * أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ حَجَرَاتِ/٢

وَقِفْ مِيقَانَ فَعْلٍ وَمَفْعُولٍ مُّطْلَقٍ مَّانِدًا:

حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ * جَهْرَةً بقره/٥٥

فَكَلُّوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ * رَغَدًا بقره/٥٨

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا * نَبَاتًا حَسَنًا آل عمران/٣٦

وَلَهُ اسْلَمٌ مِّنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ * طَوْعًا أَوْ كَرْهًا آل عمران/٨٣

فَقَدْ ضَلَّ * ضَلَالًا بَعِيدًا نِسَاءَ/١٣٦

انا فتحنا لك * فتحا مينا فتح/ ١

وينصرک الله * نصرأ عزیزا فتح/ ٣

وقف میان مبتدا و خبر مانند:

والذین کفروا و کذبوا بآیاتنا * اولئک اصحاب النار بقره/ ٣٩

الذین ءاتیناهم الکتاب * یتلونه حق تلاوته * اولئک یؤمنون به بقره/ ١٢٤

مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله * کمثل حبة انبتت سبع سنابل بقره/ ٢٦١

الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لا یتبعون ما انفقوا منا ولا اذی * لهم اجرهم عند ربهم

بقره/ ٢٦٢

ومثل الذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات الله و تثبیتا من انفسهم * کمثل جنة بربرة اصابها

وابل بقره/ ٢٦٥

الذین ینفقون اموالهم بالیل والنهار سرا وعلانية * لهم اجرهم عند ربهم بقره/ ٢٧٤

والذین ءامنوا و عملوا الصالحات * لانکلف نفسا الا وسعها * اولئک اصحاب الجنة

اعراف/ ٤٢

والذین عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها وءامنوا * ان ربک من بعدها لغفور رحیم

اعراف/ ١٥٣

الذین تتوفیهم الملائكة * یقولون سلام علیکم نحل/ ٣٤

لقد علمت ما هؤلاء * ینطقون انبیاء/ ٦٥

وقف میان خبر مقدم و مبتدا مانند:

وعلى ابصارهم * غشاوة بقره/٩

وللكافرين * عذاب اليم بقره/

ولقد علموا لمن اشتريه ماله فى الآخرة * من خلاق بقره/١٠٢

ومالكم من دون الله * من ولى ولا نصير بقره/

وعلى الذين يطيقونه * فدية طعام مسكين بقره/١٨٤

قل لا اقول لكم عندى * خزائن الله انعام/٥٠

وعلى الذين هادوا * حرما عليهم كل ذى ظفر انعام/١٤٦

وقف میان اسم و خبر حروف مشبهة بالفعل مانند وقف بر لعلی کانهم یالیتنى

مانند: ان الذين ءامنوا والذين هادوا والنصارى والصابئين من ءامن بالله واليوم الآخر وعمل

صالحا * فلهم اجرهم عند ربهم بقره/٦١

ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه للناس فى الكتاب * اولئك

يلعنهم الله بقره/١٥٨

ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهاروالسحاب المسخر بين السماء

والارض * لايات لقوم يعقلون بقره/١٦٤

ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات ويشترون به ثمنا قليلا * اولئك ما يأكلون فى بطونهم
الا النار بقره/١٧٤

ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار* لآيات لاولى الالباب آل عمران/١٩٠
ليقولنَّ كأن لم تكن بينكم وبينه مودّة ياليتنى * كنت معهم فأفوز فوزا عظيما نساء/٧٣
وماتدرى لعل الله * يحدث بعد ذلك امرا طلاق/١

وقف ميان اسم وخبر افعال ناقصه مانند:

واصبح الذين تمنوا مكانه بالامس * يقولون ويكأن الله * يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر
قصص / ٨٢

ولايزال الذين كفروا * تصيبهم بما صنعوا قارعة رعد/٣١
لم يكن الذين كفروا من اهل الكتاب والمشركين * منفكين حتى تأتيهم البينة
وقف ميان اسم وخبر افعال قلوب مانند:

ولا تحسبنّ الذين قتلوا فى سبيل الله * امواتا آل عمران/١٦٩
ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفرالله يجدهالله * غفورا رحيمًا نساء/١١٢
ترى اعينهم * تقيض من الدمع مما عرفوا من الحق مائده/٨٤
وانى لأظنك يافرعون * مشبورا اسراء/١٠٢
وما اظنُّ الساعة * قائمة كهف/٣٥

وما تفعلوا من خير تجدوه عند الله * هو خيرا واعظم اجرا مزمل/٢٠

وقف بر افعال مقاربه (کاد ، کرب ، اوشک ، اخلولق ، حری ، عسی ، اخذ ، جعل ، شرع ، طفق ، علق ، هبّ).

مانند: اذا اخرج يده لم يكده * يريها

وينزل من السماء من جبال فيها من برد فيصيب به من يشاء ويصرفه عن من يشاء يكاد *
سنابرقه يذهب بالابصار

لا يسخر قوم من قوم عسى * ان يكونوا خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى * ان يكن خيرا
منهنّ

وقف میان اسم و خبر افعال مقاربه مانند:

فأكلا منها فبدت لهما سوءاتهما وطفقا * يخصفان عليهما من ورق الجنة
وان بكاد الذين كفروا * ليزلقونك بابصارهم لما سمعواالذكر

وقف بر ادات شرط مانند:

ولما جائهم كتاب من عندالله صدق لما معهم و كانوا من قبل يستفتحون على الذين
كفروا فلما * جائهم ما عرفوا كفروا به
يا بنى ءادم اما * يأتينكم رسل منكم يقصون عليكم ءاياتى فمن * اتقى واصلح فلا خوف

عليهم ولا هم يحزنون اعراف/ ٣٥

واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن * جائهم نذير ل يكونن اهدى من احدى الامم فاطر/ ٤٢

كد ٢٣- وقف ميان شرط و جزاء مانند:

و اذا قيل لهم لا تفسدوا فى الارض * قالوا انما نحن مصلحون

وان كنتم فى ريب مما نزلنا على عبدنا * فأتوا بسورة من مثله بقره/ ٢٣

كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا * قالوا هذا الذى رزقنا من قبل بقره/ ٢٥

فلما انباهم باسمائهم * قال الم اقل لكم انى اعلم غيب السموات والارض

فاما يأتينكم منى هدى * فمن تبع هداى * فلاخوف عليهم

فلولا فضل الله عليكم ورحمته * لكنتم من الخاسرين

ولما جائهم كتاب من عندالله مصدق لما معهم وكانوا من قبل يستفتحون على الذين كفروا *

فلما جائهم ما عرفوا * كفروا به

ولو انهم ءامنوا واتقوا * لمتوبة من عند الله خير

بلى من اسلم وجهه لله وهو محسن * فله اجره عند ربه بقره/ ١١٣

ولئن اتبعت اهواءهم بعدالذى جاءك من العلم * مالک من الله من ولى ولا نصير بقره/ ١٠٨

اينما تكونوا * يأت بكم الله جميعا

فمن كان منكم مريضا او على سفر * فعدة من ايام اخر

فمن كان منكم مريضا اوبه اذى من رأسه * ففدية من صيام او صدقة او نسك

وما تفعلوا من خير * يعلمه الله

وما تفعلوا من خير* فإن الله به عليم

فإن كان الذى عليه الحق سفيها او ضعيفا او لا يستطيع ان يمل هو* فليملل وليه بالعدل

بقره/ ٢٨٣

وان تبدوا ما فى انفسكم او تخفوه* يحاسبكم به الله

ومن يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله* يجد الله غفورا رحيمًا نساء/ ١١٢

كلما جاءهم بما لا تهوى انفسهم* فريقا كذبوا وفريقا يقتلون مائده/ ٧٠

ولو نزلنا عليك كتابا فى قرطاس فلمسوه بايديهم* لقال الذين كفروا ان هذا الا سحر مبين

انعام/ ٧

ولو نزلنا عليهم الملائكة وكلمهم الموتى وحشرنا عليهم كل شىء قبلا* ما كانوا ليؤمنوا

انعام/ ١١١

يا بنى ادم اما يأتينكم رسل منكم يقصون عليكم آياتى* فمن اتقى واصلح* فلا خوف

عليهم ولا هم يحزنون اعراف/ ٣٥

واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءهم نذير* ليكونن اهدى من احدى الامم فاطر/ ٤٢

قل ارايتم ان اهلكنى الله ومن معى او رحمتنا* فمن يجير الكافرين من عذاب اليم ملك/ ٢٩

فواصل آيات

سوره حجر آيات ١٤-١٥ ولو فتحنا عليهم بابا من السماء فيه يercجون* لقالوا انما سكرت

ابصارنا بل نحن قوم مسحورون (شرط وجزاء)

سوره شعراء آيات ٢٠٥-٢٠٧ افرايت ان متعناهم سنين * ثم جائهم ما كانوا يوعدون * ما اغنى عنهم ما كانوا يمتعون (شرط وجزاء)

سوره صافات آيات ١٤٢-١٤٣ فلولا انه كان من المسبحين * للبت في بطنه الى يوم يبعثون (شرط وجزاء)

سوره صافات آيات ١٦٧-١٦٩ وان كانوا ليقولون * لو ان عندنا ذكرا من الاولين * لكنا عباد الله المخلصين (مقول قول مشتمل بر شرط وجزاء)

سوره واقعه آيات ٨٦-٨٧ فلولا ان كنتم غير مدينين * ترجعونها ان كنتم صادقين (تكرر شرط سابق)

سوره واقعه آيات ٨٨-٨٩ فاما ان كان من المقربين * فروح وريحان وجنة نعيم

سوره واقعه آيات ٩٠-٩١ واما ان كان من اصحاب اليمين * فسلام لك من اصحاب اليمين

سوره واقعه آيات ٩٢-٩٤ واما ان كان من المكذبين الضالين * فنزل من حميم * وتصلية جحيم

سوره حاقه آيات ٤٤-٤٧ ولو تقول علينا بعض الأفاويل * لأخذنا منه باليمين * ثم لقطعنا منه الوتين * فما منكم من احد عنه حاجزين (شرط وجزاء)

سوره انشقاق آيات ٧-٩ فأما من اوتى كتابه بيمينه * فسوف يحاسب حسابا يسيرا * وينقلب الى اهله مسرورا

سوره انشقاق آيات ١٠-١٢ واما من اوتى كتابه وراء ظهره * فسوف يدعوا ثورا * ويصلى سعيرا

سوره لیل آیات ۵-۷ فأما من أعطى واتقى * وصدق بالحسنى * فسنيسره لليسرى
سوره لیل آیات ۸-۱۰ وأما من بخل واستغنى * وكذب بالحسنى * فسنيسره للعسرى
سوره قارعه آیات ۶-۷ فأما من ثقلت موازينه * فهو فى عيشة راضية
سوره قارعه آیات ۸-۹ وأما من خفت موازينه * فأمه هاوية
سوره نصر آیات ۱-۳ إذا جاء نصر الله والفتح * ورايت الناس يدخلون فى دين الله
افواجا * فسبح بحمد ربك واستغفره

وقف میان فعل طلب وجواب آن مانند:

قالوا ادع لنا ربك * يبين لنا ماهى بقره / ۶۶

وقالوا كونوا هودا اونصارى * تهتدوا بقره / ۱۳۷

قل ان كنتم تحبون الله فاتبعونى * يحببكم الله آل عمران / ۳۱

واذ اعتزتموهم وما يعبدون الا الله فأووا الى الكهف * ينشر لكم ربكم من رحمته كهف / ۱۶

قاتلوهم * يعذبهم الله بأيديكم توبه / ۱۴

ياايها الذين ءامنوا اتقوا الله وءامنوا برسوله * يؤتكم كفلين من رحمته حديد / ۲۸

يا ايهاالذين ءامنوا اذا قيل لكم تفسحوا فى المجالس فافسحوا * يفسح الله لكم مجادله / ۱۱

فواصل آیات

سوره شعراء آیات ۳۶-۳۷ قالوا ارجه واخاه وابعث فى المدائن حاشرين * يأتوك بكل سحار

عليم (جواب فعل طلب)

سوره مؤمنون آیات ۹۹-۱۰۰ حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون * لعلی اعمل صالحا فیما ترکت (جواب فعل طلب)

سوره احزاب آیات ۷۰-۷۱ یا ایها الذین ءامنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا * يصلح لكم اعمالکم ويغفر لكم ذنوبکم (جواب فعل طلب)

سوره نوح آیات ۲-۴ قال یا قوم انی لكم نذیر مبين * ان اعبدوا الله واتقوه واطيعون * يغفر لكم من ذنوبکم ويؤخرکم الى اجل مسمى (جواب فعل طلب)

سوره نوح آیات ۱۰-۱۲ فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا * يرسل السماء علیکم مدرارا * ويمدکم بأموال وبنین ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا (جواب فعل طلب)
کد ۲۵-وقف میان قسم ومتعلق آن مانند:

فکیف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ایدیکم ثم جاءوک یحلفون * بالله ان اردنا الا احسانا وتوفیقا نساء/ ۶۲

ویقول الذین کفروا اهؤلاء الذین اقساموا * بالله جهدا یمانهم انهم لمعکم مائده/ ۵۳
فیقسمان * بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدینا
وسیحلفون * بالله لو استطعنا لخرجنا معکم توبه/ ۴۲

وقف میان قسم وجواب قسم مانند:

ویقول الذین کفروا اهؤلاء الذین اقساموا بالله جهدا یمانهم * انهم لمعکم مائده/ ۵۳
فکیف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ایدیکم ثم جاءوک یحلفون بالله * ان اردنا الا احسانا
وتوفیقا نساء/ ۶۲

فيقسمان بالله * لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا مائده/١٠٧

وسيحلفون بالله * لو استطعنا لخرجنا معكم توبه/٤٢

فشهادة احدهم اربع شهادات بالله * انه لمن الصادقين نور/٦

واقسموا بالله جهد ايمانهم * لئن جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم فاطر/٤٢

واقسموا بالله جهدايمانهم * لئن امرتهم ليخرجن نور/٥٣

ثم لم تكن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا * ما كنا مشركين انعام/٢٣

سوره يس آيات ٢-٤ والقرءان الحكيم * انك لمن المرسلين * على صراط مستقيم

سوره صافات آيات ١-٤ والصفات صفا * فالزاجرات زجر * فالتاليات ذكرا *

ان الهكم لواحد

سوره دخان آيات ٢-٣ والكتاب المبين * انا انزلناه في ليلة مباركة

سوره ذاريات آيات ١-٦ والذاريات ذروا * فالحاملات وقرا * فالجاريات يسرا *

فالمقسمات امرا * ان ماتوعدون لصادق * وان الدين لواقع

سوره طور آيات ١-٧ والطور * وكتاب مسطور * فى رق منشور * والبيت المعمور

* والسقف المرفوع * والبحر المسجور * ان عذاب ربك لواقع

سوره نجم آيات ١-٣ والنجم اذا هوى * ما ضل صاحبكم وما غوى * وما ينطق عن الهوى

سوره قلم آيات ١-٢ ن والقلم وما يسطرون * ما انت بنعمة ربك بمجنون

سوره مرسلات آيات ١-٧ والمرسلات عرفا * فالعاصفات عصفا * فالناشرات نشرا

* فالفارقات فرقا * فالملقيات ذكرا * عذرا او نذرا * ان ما تواعدون لواقع

سوره تكوير آيات ٢١-١٥ فلا اقسم بالخنس * الجوار الكنس * والليل اذا عسعس * والصبح

اذا تنفس * انه لقول رسول كريم * ذى قوة عند ذى العرش مكين * مطاع ثم امين

انشقاق آيات ١٩-١٦ فلا اقسم بالشفق * والليل وما وسق * والقمر اذا اتسق * لتركبن طبقا عن

طبق

سوره بروج آيات ٣-١ والسماء ذات البروج * واليوم الموعود * وشاهد ومشهود

سوره بروج آيات ٥-٤ قتل اصحاب الأخدود * النار ذات الوقود

سوره طارق آيات ٤-١ والسماء والطارق * وما ادريك ما الطارق * النجم الثاقب * ان كل

نفس لما عليها حافظ

سوره بلد ٤-١ لا اقسم بهذا البلد * وانت حل بهذا البلد * و والد وما ولد * لقد خلقنا الإنسان

سوره شمس

فى كبد

آيات ٨-١ والشمس وضحيها * والقمر اذا تليها * والنهار اذا جليها * والليل اذا يغشيها

* والسماء وما بنيتها * والأرض وما طحيها * ونفس وما سويها * فألهمها فجورها وتقويها

سوره ليل آيات ٤-١ والليل اذا يغشى * والنهار اذا تجلى * وما خلق الذكر والأنثى * ان

سعيكم لشتى

سوره ضحى آيات ٣-١ والضحى * والليل اذا سجدى * ما ودعك ربك وما قلى

سوره تين آيات ٣-١ والتين والزيتون * وطور سينين * وهذا البلد الأمين

سوره تين آيات ٦-٤ لقد خلقنا الإنسان فى احسن تقويم * ثم رددناه اسفل سافلين

سوره عاديات آيات ١-٥ والعاديات صباحا* فالموريات قدحا* فالمغيرات صباحا* فأثرن

به نقعا* فوسطن به جمعا

سوره عصر ١-٣ والعصر* إن الإنسان لفي خسر* الا الذين ءامنوا وعملوا الصالحات

وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر

وقف میان قول ومقول آن مانند:

واذا لقوا الذين ءامنوا قالوا * ءامنا واذا خلوا الى شياطينهم قالوا * انا معكم انما نحن

مستهزون بقره / ١٤

واذا قيل لهم* لا تفسدوا فى الارض بقره / ١١

فلما انبأهم باسماءهم قال* الم اقل لكم* انى اعلم غيب السموات والارض بقره / ٣٣

ليقولنَّ كأن لم تكن بينكم وبينه مودة* ياليتنى كنت معهم فأفوز فوزا عظيما نساء / ٧٣

قل لا اقول لكم* عندى خزائن الله انعام / ٥٠

ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب* هذا حلال وهذا حرام نحل / ١١٦

وقف میان اجزاء مقول قول با عطف مانند:

وقلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو* ولكم فى الارض مستقر ومتاع الى حين بقره / ٣٦

واذ قال ابراهيم رب اجعل هذا بلداً آمناً * وارزق اهلك من الثمرات من آمن منهم بالله واليوم

الآخر بقره/١٢٦

قل اتحاجوننا في الله وهو ربنا وربكم * ولنا اعمالنا ولكم اعمالكم ونحن له مخلصون

بقره/١٣٩

الذين اذا اصابتهم مصيبة قالوا انا لله * وانا اليه راجعون بقره/١٥٦

ومنهم من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة * وقنا عذاب النار بقره/٢٠١

قل فيهما اثم كبير ومنافع للناس * واثمهما اكبر من نفعهما بقره/٢١٩

ولما برزوا لجالوت وجنوده قالوا ربنا افرغ علينا صبراً * وثبت اقدامنا * وانصرنا على القوم

الكافرين بقره/٢٥٠

وما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا في امرنا * وثبت اقدامنا * وانصرنا

على القوم الكافرين آل عمران/١٤٧

الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها * واجعل لنا من لدنك ولياً * واجعل

لنا من لدنك نصيراً نساء/٧٥

الم تر الى الذين قيل لهم كفوا ايديكم * واقيموا الصلوة * وءاتوا الزكاة نساء/٧٧

قل كل من عند الله * فما لهؤلاء القوم لا يكادون يفقهون حديثاً نساء/٧٨

فواصل آيات

اسراء آيات ٩٠-٩٣ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعاً * او تكون لك

جنة من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها تفتجيراً * او تسقط السماء علينا كسفاً او تأتي بالله

والمملكة قبيلة* اويكون لك بيت من زخرف او ترقى فى السماء ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل
علينا كتابا نقرؤه

سوره كهف آيات ٣٥-٣٦ ودخل جنته وهو ظالم لنفسه قال ماظن ان تبید هذه ابدًا * وما
اظن الساعة قائمة

سوره كهف آيات ٦٧-٦٨ قال انك لن تستطيع معى صبرا * وكيف تصبر على ما لم تحط به
خبرا

سوره مؤمنون آيات ٣٣-٣٨ وقال الملاء من قومه الذين كفروا وكذبوا بقاء الآخرة وترفناهم
فى الحیوة الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون منه ويشرب مما تشربون * ولئن اطعمتم
بشرا مثلكم انكم اذا لخاسرون * ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون *
هیهات هیهات لما توعدون * ان هى الا حیوتنا الدنيا نموت ونحیا ومانحن بمبعوثین * ان هو
الا رجل افترى على الله كذبا ومانحن له بمؤمنین

سوره مؤمنون آيات ٩٧-٩٨ وقل رب اعوذ بك من همزات الشیاطین * واعوذ بك رب ان
یحضرون

سوره نوح آيات ٥-٦ قال رب انى دعوت قومى لیلا ونهارا * فلم یزدهم دعائى الا فرارا
سوره نوح آيات ٨-٩ ثم انى دعوتهم جهارا * ثم انى اعلنت لهم واسررت لهم اسرارا
سوره شعراء آيات ١٨٥-١٨٦ قالوا انما انت من المسحرین * وما انت الا بشرا مثلنا وان نظنک
لمن الکاذبین

وقف میان اجزاء قول بدون عطف مانند:

وقالوا سمعنا واطعنا * غفرانك ربنا واليك المصير بقره/٢٨٥

ربنا تقبل منا * انك انت السميع العليم بقره/١٢٩

قال استبدلون الذى هو ادنى بالذى هو خير * اهبطوا مصرا فإن لكم ما سألتم بقره/٦١

فتوبوا الى بارئكم فاقتلوا انفسكم * ذلكم خير لكم عند بارئكم فتاب عليكم بقره/٥٤

قال كذلك * الله يفعل ما يشاء آل عمران/٤٠

قال كذلك * الله يخلق ما يشاء آل عمران/٤٧

قال الحواريون نحن انصارالله * ءامنا بالله آل عمران/٥٢

قال ان سألتك عن شىء بعدها فلا تصاحبني * قد بلغت من لدنى عذرا

فأتياه فقولا انا رسولا ربك فأرسل معنا بنى اسرائيل ولا تعذبهم * قد جئناك بأية من ربك

قال الذين يريدون الحياة الدنيا ياليت لنا مثل ما اوتى قارون انه لذو حظ عظيم (قصص/٧٩)

قال ءامنتم له قبل ان ءاذن لكم انه لكبيركم الذى علمكم السحر فلسوف تعلمون * لأقطعن

ايديكم وارجلكم من خلاف ولأصلبنكم اجمعين شعراء/٤٩سوره نحل آيات ٤٥-٤٧

فواصل آيات

يوسف آيات ١١-١٢ قالوا يا ابانا مالك لا تأمنا على يوسف وانا له لناصحون * ارسله معنا غدا

يرتع ويلعب وانا له لحافظون (حيز قول)

سوره مؤمنون آيات ٩٣-٩٤ قل رب اماترينى ما يوعدون * رب فلا تجعلنى فى القوم الظالمين

(حيز قول)

سوره شعراء آیات ۱۶-۱۷ فأتيا فرعون فقولا انا رسولا رب العالمين * ان ارسل معنا بنى
اسرائيل (تفسير)

سوره شعراء آیات ۳۹-۴۰ وقيل للناس هل انتم مجتمعون * لعلنا نتبع السحرة ان كانوا هم
الغالبون (حيز قول)

(سوره شعراء آیات ۹۶-۹۸ قالوا وهم فيها يختصمون * تالله ان كنا لفي ضلال مبين * اذ
نسويكم برب العالمين (مقول قول)

صافات آیات ۱۵-۱۷ وقالوا ان هذا الاسحر مبين * انذا متنا وكنا ترابا وعظاما ائنا
لمبعوثون * اوءاباؤنا الاولون (حيز قول)

سوره نوح آیات ۱۰-۱۲ فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا * يرسل السماء عليكم مدرارا
* ويمددكم بأموال وبنين ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا (جواب فعل طلب)

سوره كافرون آیات ۱-۲ قل يا ايها الكافرون * لا اعبد ما تعبدون (جواب نداء)

سوره فلق آیات ۱-۶ قل اعوذ برب الفلق * من شر ما خلق * ومن شر غاسق اذا وقب *
ومن شر النفاثات فى العقد * ومن شر حاسد اذا حسد

سوره ناس آیات ۱-۶ قل اعوذ برب الناس * ملك الناس * اله الناس * من شر الوسواس
الخناس * الذى يوسوس فى صدور الناس * من الجنة والناس (بدل)

وقف میان صله وموصول مانند:

مانند: ان الذين يكتُمون ما * انزلنا من البينات والهدى من بعد ما * بيناه للناس فى الكتاب

اولئك يلعنهم الله بقره/١٥٨

لا تحسبن الذين يفرحون بما * اوتوا ويحبون ان يحمدا بما * لم يفعلوا آل عمران/١٨٨

وقف ميان اجزاء صله مانند:

الذين يؤمنون بالغيب * ويقيمون الصلوة * ومما رزقناهم ينفقون بقره/٣

الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه * ويقطعون ما امر الله به ان يوصل * ويفسدون فى الارض

بقره/٢٧

الذى خلق لكم ما فى الارض جميعا * ثم استوى على العرش * فسويهن سبع سموات

بقره/٢٩

ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه * وسعى فى خرابها بقره/١١٤

ان الذين يكتُمون ما انزل الله من الكتاب * ويشترون به ثمنا قليلا بقره/١٧٤

ومن الناس من يعجبك قوله فى الحياة الدنيا * ويشهد الله على ما فى قلبه بقره/٢٠٤

الذين ينفقون اموالهم فى سبيل الله * ثم لا يتبعون ما انفقوا منا ولا اذى بقره/٢٦٣

كالذى ينفق ماله رياء الناس * ولا يؤمن بالله واليوم الآخر بقره/٢٦٤

ان الذين ءامنوا وعملوا الصالحات * واقاموا الصلوة * وءاتوا الزكوة * وانفقوا مما رزقناهم

سرا وعلانية بقره/٢٧٧

لا تحسبن الذين يفرحون بما اوتوا * ويحبون ان يحمدوا بما لم يفعلوا آل عمران/١٨٨

الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب * يشترون الضلالة ويريدون ان تضلوا السبيل

نساء/٤٤

الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب * يؤمنون بالجبت والطاغوت * و يقولون للذين

كفروا هؤلاء اهدى من الذين ءامنوا سبيلا نساء/٥١

وقف ميان علت ومعلل مانند:

قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم * ليحاجوكم به عند ربكم بقره/٧٦

وكذلك جعلناكم امة وسطا * لتكونوا شهداء على الناس بقره/١٤٤

يا ايها الذين ءامنوا لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا لآخوانهم اذا ضربوا فى الارض او كانوا غزى

لو كانوا عندنا ماماتوا وماقتلوا * ليجعل الله ذلك حسرة فى قلوبهم آل عمران/١٥٩

وينزل عليكم من السماء ماء * ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان انفال/١٣

ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال وهذا حرام * لتفتروا على الله الكذب

نحل/١١٦

ويجادل الذين كفروا بالباطل * ليدحضوا به الحق كهف/

ومن الناس من يشتري لهو الحديث * ليضل عن سبيل الله بغير علم لقمان/٦

وهمت كل امة برسولهم * لياخذوه غافر/٥

يلقى الروح من امره على من يشاء من عباده * لينذر يوم التلاق غافر/١٥

وقال رجل مؤمن من آل فرعون اتقتلون رجلا * (ل) ان يقول ربى الله غافر/٢٨

ولله ما فى السموات وما فى الارض * ليجزى الذين اساءوا بما عملوا نجم/٣١

الله الذى جعل لكم الليل * لتسكنوا فيه غافر/٥٧

وكذلك انزلناه قرءانا عربيا * لتنذر ام القرى ومن حولها شورى/٧

قل للذين ءامنوا يغفروا للذين لا يرجون ايام الله * ليجزى قوما بما كانوا يكسبون جاثيه/١٤

هو الذى انزل السكينة فى قلوب المؤمنين * ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم فتح/٥

هو الذى ينزل على عبده ءايات بينات * ليخرجكم من الظلمات الى النور حديد/٩

لقد ارسلنا رسلنا وانزلنا معهم الكتاب والميزان * ليقوم الناس بالقسط حديد/٢٥

هو الذى خلق الموت والحياة * ليبلوكم ايكم احسن عملا ملك/٢

يومئذ يصدر الناس اشتاتا * ليروا اعمالهم زلزال/٦

مثال براى فواصل آيات

سوره انفال آيات ٣٦-٣٧ والذين كفروا الى جهنم يحشرون * ليميز الله الخبيث من الطيب

ويجعل الخبيث بعضه على بعض ميركمه جميعا فيجعله فى جهنم (تعليل)

سوره نحل آيات ٢٤-٢٥ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولين * ليحملوا

اوزارهم كاملة يوم القيامة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم (لام عاقبة)

سوره نحل آيات ٥٤-٥٥ ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق منهم بربهم يشركون * ليكفروا

بما ءاتيناهم (لام تعليل يا عاقبة)

سوره مريم آيات ٩٠-٩١ تكاد السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا *

ان دعوا للرحمن ولدا (تعليل)

سوره طه آيات ٢٢-٢٣ واضم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء ءاية اخرى *

لنريك من ءاياتنا الكبرى (تعليل)

سوره فرقان آيات ٤٨-٤٩ وانزلنا من السماء ماء طهورا * لنحيى به بلدة ميتا ونسقيه مما

خلقنا انعاما واناسى كثيرا (تعليل) سوره نحل آيات ٢٤-٢٥ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم

قالوا اساطير الاولين * ليحملوا اوزارهم كاملة يوم القيامة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم

(لام عاقبة)

سوره عنكبوت آيات ٦٥-٦٦ فاذا ركبوا فى الفلك دعوا الله مخلصين له الدين فلما نجيهم الى

البر اذا هم يشركون * ليكفروا بما ءاتيناهم وليتمتعوا فسوف تعلمون (لام عاقبه)

سوره روم آيات ٣٣-٣٤ واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا اذاقهم منه رحمة اذا

فريق منهم بربهم يشركون * ليكفروا بما ءاتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون (لام عاقبه)

سوره فاطر آيات ٢٩-٣٠ ان الذين يتلون كتاب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا

وعلانية يرجون تجارة لن تبور * ليوفيهم اجرهم ويزيدهم من فضله انه غفور شكور (تعليل)

سوره يس آيات ٥-٦ تنزيل العزيز الرحيم* لتنذر قوما ما نذرء اباؤهم فهم غافلون (تعليل)

سوره يس آيات ٣٤-٣٥ وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب وفجرنا فيها من العيون *

ليأكلوا من ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون (تعليل)

سوره يس آيات ٦٩-٧٠ ان هو الا ذكر وقرءان مبين* لينذر من كان حيا ويحق القول على

الكافرين (تعليل)

سوره زخرف آيات ١٢-١٣ والذي خلق الأزواج كلها وجعل لكم من الفلك والأنعام ما

تركبون* لتستوا على ظهره ثم تذكروا نعمة ربكم اذا استويتم عليه وتقولوا سبحان الذي سخر

لنا وما كنا له مقرنين* وانا الى ربنا لمنقلبون (لام عاقبة)

سوره فتح آيات ١-٣ انا فتحنا لك فتحا مبينا* ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر

ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما* وينصرك الله نصرًا عزيزا (تعليل)

سوره فتح آيات ٨-٩ انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا* لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه

وتوقروه وتسبحوه بكرة واصيلا (تعليل)

سوره ذاريات آيات ٣٢-٣٤ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين* لترسل عليهم حجارة من

طين* مسومة عند ربك للمسرفين (تعليل - مسومة صفت دوم برای حجارة)

سوره نوح آيات ١٩-٢٠ والله جعل لكم الأرض بساطا* لتسلكوا منها سبلا فجاجا (تعليل)

سوره انفال آيات ٣٦-٣٧ والذين كفروا الى جهنم يحشرون* ليميز الله الخبيث من الطيب

ويجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم (تعليل)

سوره نحل آيات ٢٤-٢٥ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولين * ليحملوا

اوزارهم كاملة يوم القيامة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم (لام عاقبة)

سوره نحل آيات ٥٤-٥٥ ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق منهم بربهم يشركون * ليكفروا

بما ءاتيناهم (لام تعليل يا عاقبة)

سوره مريم آيات ٩٠-٩١ تكاد السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدًا *
ان دعوا للرحمن ولدا (تعليل)

سوره طه آيات ٢٢-٢٣ واضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء ءاية اخرى *
لنريك من ءاياتنا الكبرى (تعليل)

سوره فرقان آيات ٤٨-٤٩ وانزلنا من السماء ماء طهورا * لنحيى به بلدة ميتا ونسقيه مما
خلقنا انعاما واناسى كثيرا (تعليل)

سوره روم آيات ٣٣-٣٤ واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا اذاقهم منه رحمة اذا
فريق منهم بربهم يشركون * ليكفروا بما ءاتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون (لام عاقبه)

سوره فاطر آيات ٢٩-٣٠ ان الذين يتلون كتاب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا
وعلانية يرجون تجارة لن تبور * ليوفيهم اجرهم ويزيدهم من فضله انه غفور شكور (تعليل)

سوره يس آيات ٥-٦ تنزيل العزيز الرحيم * لتندر قوما ما نذر ءاباؤهم فهم غافلون (تعليل)

سوره زخرف آيات ١٢-١٣ والذى خلق الأزواج كلها وجعل لكم من الفلك والأنعام ما
تركبون * لتستوا على ظهره ثم تذكروا نعمة ربكم اذا استويتم عليه وتقولوا سبحان الذى سخر

لنا وما كنا له مقرنين * وانا الى ربنا لمنقلبون (لام عاقبة)

سوره فتح آیات ۱-۳ انا فتحنا لك فتحا مبينا* ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر

ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما* وينصرك الله نصرا عزيزا (تعليل)

سوره فتح آیات ۸-۹ انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا* لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه

وتوقروه وتسبحوه بكرة واصيلا (تعليل)

سوره ذاريات آیات ۳۲-۳۴ قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين* لنرسل عليهم حجارة من

طين* مسومة عند ربك للمسرفين (تعليل - مسومة صفت دوم برای حجارة)

سوره

سوره نوح آیات ۱۹-۲۰ والله جعل لكم الأرض بساطا* لتسلكوا منها سبلا فجاجا (تعليل)

سوره جن آیات ۱۶-۱۷ وان لو استقاموا على الطريقة لأسقيناكم ماء غدقا* لنفتنهم

فيه (تعليل)

سوره نبا آیات ۱۴-۱۶ وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجا* لنخرج به حبا ونباتا* وجنات

الفا (تعليل)

سوره قريش آیات ۱-۲ لايلاف قريش* ايلا فهم رحلة الشتاء والصيف

وقف میان تمیز و ممیز مانند:

فی قلوبهم مرض فزادهم الله* مرضا

فانفجرت منه اثنتا عشرة* عينا

فلن يقبل من احدهم مالا الارض* ذهبا

لتجدن اشد الناس * عداوة للذين ءامنوا اليهود والذين اشركوا

ان عدة الشهور عندالله اثنا عشر * شهرا فى كتاب الله

اذ قال يوسف لابييه يا ابت انى رايت احد عشر * كوكبا

قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الرأس * شيبا

وقف ميان حال و ذوالحال مانند:

ومن الناس من يقول ءامنا بالله وباليوم الآخر * وما هم بمؤمنين بقره/ ٨

كيف تكفرون بالله * وكنتم امواتا فاحياكم بقره/ ٢٧

ويسفك الدماء * ونحن نسيح بحمدك ونقدس لك بقره/ ٣٠

فأغرقنا ءال فرعون * وانتم تنظرون بقره/ ٥٠

فأخذتكم الصاعقة * وانتم تنظرون بقره/ ٥٥

قل اتحاجوننا فى الله * وهو ربنا وربكم بقره/ ١٣٩

ام حسبتم اى يدخلوا الجنة * ولما يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم بقره/ ١١٥

الله ولى الذين ءامنوا * يخرجهم من الظلمات الى النور بقره/ ١٥٧

والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت * يخرجونهم من الظلمات الى النور بقره/ ١٥٧

افغير دين الله تبغون * وله اسلم من فى السموات والارض طوعا اوكرها واليه ترجعون آل

عمران/ ٨٣

يا اهل الكتاب لم تكفرون بآيات الله * والله شهيد على ما تعملون آل عمران/ ٩٨

تلك آيات الله * نتلوها عليك بالحق بقره/٢٥٢ آل عمران/١٠٨

خاشعين لله * لا يشترون بآيات الله ثمنا قليلا آل عمران/١٩٩

يستخفون من الناس ولا يسخفون من الله * وهو معهم اذ يبیتون ما لا يرضى من القول نساء/١٠٨

وءاتيناه الانجيل * فيه هدى ونور و مصدقا لما بين يديه من التورية مائده ٤٦ كالذى استهوته

الشياطين فى الارض حيران * له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا انعام/٧١

نظر بعضهم الى بعض * (قائلين) هل يريكم من احد توبه/١٢٦

وقضى بينهم بالقسط * وهم لا يظلمون يونس/٤٧ و٥٤

نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك هذا القرءان * و ان كنت من قبله لمن

الغافلين يوسف/٣

قل هذه سبلى ادعوا الى الله * على بصيرة انا ومن اتبعنى يوسف/١٠٦

فوجد فيها رجلين يقتتلان * هذا من شيعته وهذا من عدوه قصص/١٤

الذى احلنا دار المقامة من فضله * لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب فاطر/٣٥

فلما رأوا بأسنا قالوا ءامنا بالله * وحده غافر/٨٤

وتنذر يوم الجمع * لا ريب فيه شورى/٧

جعل لكم من انفسكم ازواجا ومن الانعام ازواجا * يذروكم فيه شورى/١١

ترى الظالمين مشفقين مما كسبوا * وهو واقع بهم شورى/٢٢

وترهبهم يعرضون عليها * خاشعين من الذل * ينظرون من طرف خفى شورى/٤٥

لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله * ءامين * محلقين رءوسكم ومقصرين * لا تخافون

ولكن قولوا اسلمنا * ولما يدخل الايمان فى قلوبكم حجرات/١٤

قل اتعلمون الله بدينكم والله يعلم ما فى السموات وما فى الارض حجرات/١٦

خشعة ابصارهم * ترهقهم ذلة * وقد كانوا يدعون الى السجود * وهم سالمون

حال مقدم مانند: خشعا ابصارهم * يخرجون من الأجدات * كأنهم جراد منتشر قمر/٦

يوم يخرجون من الاجداث * سراعا * كأنهم الى نصب يوفضون معارج/٢٣

سوره بقره آيات ١٦٢-١٦٣ اولئك عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين * خالدین فيها

(حال وذوالحال)

سوره آل عمران آيات ٨٧-٨٨ اولئك جزاؤهم ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين *

خالدین فيها (حال وذوالحال)

سوره سوره انعام آيات ١٦٢ قل ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين * لا

شريك له (حال يا استيناف)

سوره انفال آيات ٥-٦ وان فريقا من المؤمنين لكارهون * يجادلونك فى الحق بعد ما تبين

كأنما يساقون الى الموت وهم ينظرون (حال يا استيناف)

سوره توبه آيات ٢١-٢٢ يبشرهم ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فيها نعيم مقيم

*خالدین فيها ابا (حال وذوالحال)

سوره هود آیات ۸۲-۸۳ فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل
منزود* مسومة عند ربك (حال)

سوره هود آیات ۹۴-۹۵ فأخذت الذين ظلموا الصيحة فأصبحوا في ديارهم جاثمين*
كأن لم يغنوا فيها (حال از فاعل اصبحوا)

سوره هود آیات ۱۰۶-۱۰۷ فأما الذين شقوا ففي النار لهم فيها زفير وشهيق*
خالدين فيها ما دامت السموات والارض الا ماشاء ربك

سوره ابراهيم آیات ۴۲-۴۳ انما يؤخرهم ليوم تشخص فيه الابصار* مهطعين مقنعي
رءوسهم لا يرتد اليهم طرفهم وافئدتهم هواء (حال از ضمير در يؤخرهم)

سوره كهف آیات ۲-۳ ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا* ماكتين
فيه ابدا (حال از ضمير در لهم)

سوره كهف آیات ۱۰۷-۱۰۸ ان الذين ءامنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس
نزلا* خالدین فيها لا یبغون عنها حولا (حال از ضمير در لهم)

سوره انبياء آیات ۳-۴ ما يأتيهم من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون* لاهية
قلوبهم (حال از فاعل استمعوه یا فاعل يلعبون)

سوره مؤمنون آیات ۶۶-۶۷ قد كانت ءاياتي تتلى عليكم فكنتم على اعقابكم تنكصون*
ربهم راجعون* اولئك يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون
مستكبرين به سامرا تهجرون (حال از فاعل تنكصون)

سوره شعراء آیات ۴۶-۴۸ فألقى السحرة ساجدين * قالوا ءامنا برب العالمين * رب موسى
وهرون (بدل اشتمال يا حال از فاعل القى)

سوره شعراء آیات ۲۰۰-۲۰۱ كذلك سلكناه فى قلوب المجرمين * لا يؤمنون به حتى
يروا العذاب الاليم (حال از مجرمين يا هاء در سلكناه)

سوره احزاب آیات ۱۸-۱۹ قد يعلم الله المعوقين منكم والقائلين لاخوانهم هلم الينا ولا يأتون
البأس الا قليلا * اشحة عليكم (حال از فاعل يأتون)

سوره صافات آیات ۹۵-۹۶ قال اتعبدون ما تنحتون * والله خلقكم وما تعملون (جمله حالیه)
سوره فصلت آیات ۳۱-۳۲ نحن اولياؤكم فى الحياة الدنيا وفى الآخرة ولكم فيها ما تشتهى
انفسكم ولكم فيها ما تدعون * نزلا من غفور رحيم (حال از مفعول تدعون)

سوره قمر آیات ۶-۸ يوم يدع الداع الى شىء نكر * خشعا ابصارهم يخرجون من الأجداث
كأنهم جراد منتشر (حال برای فاعل يخرجون -)

سوره ملك آیات ۷-۸ اذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا وهى تفور * تكاد تميز من الغيظ
(حال از فاعل تفور)

سوره قلم آیات ۴۲-۴۳ يوم يكشف عن ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون * خاشعة
ابصارهم ترهقهم ذلة

سوره معارج آیات ۴۲-۴۴ فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذى يوعدون * يوم
يخرجون من الأجداث سراعا كأنهم الى نصب يوفضون * خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة (بدل
از يومهم)

سوره انسان آيات ۱۱-۱۳ وجزيبهم بما صبروا جنة وحريرا* متكئين فيها على الأرائك
لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا (حال)

سوره نازعات آيات ۶-۷ يوم ترجف الراجفة* تتبعها الرادفة (حال)

سوره مطفيين آيات ۲۲-۲۴ ان الأبرار لفي نعيم* على الأرائك ينظرون* تعرف في
وجوههم نضرة النعيم (حال يا استيناف)

سوره بروج آيات ۲۱-۲۲ بل الذين كفروا في تكذيب* والله من وراءهم محيط (حالیه)

آيات ۱۶-۱۷ بل تؤثرن الحيوۃ الدنيا* والآخرة خير وابقى (حال)

آيات ۱۸-۱۹ ان هذا لفي الصحف الأولى* صحف ابراهيم وموسى (بدل)

وقف میان مستثنى و مستثنى منه مانند:

مانند: واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا* الا ابليس كان من الجن ففسق عن امر ربه

كهف/ ۵۱

فما جزاء من يفعل ذلك منكم* الا خزي في الحيوۃ الدنيا بقره/ ۸۵

وما جعلنا القبلة التي كنت عليها* الا لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه بقره/ ۱۴۳

ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء* الا ان تتقوا منهم تقية آل عمران/ ۲۸

فكيف اذا اصابتهم مصيبة بما قدمت ايديهم ثم جاءوك يحلفون بالله ان اردنا* الا احسانا

وتوفيقا نساء/ ۶۲

سوره نساء آيات ۸۹-۹۰ ولا تتخذوا منهم وليا ولا نصيرا* الا الذين يصلون الى قوم بينكم
وبينهم ميثاق (استثناء)

سوره نساء آيات ۹۷-۹۸ فأولئك مأويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصا* الا المستضعفين
من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبيلا (استثناء)

سوره نساء آيات ۱۶۸-۱۶۹ ان الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا*
الا طريق جهنم خالدين فيها ابدا (استثناء)

سوره هود آيات ۱۱۸-۱۱۹ ولو شاء ربك لجل الناس امة واحدة ولا يزالون مختلفين*
الا من رحم ربك

سوره حجر آيات ۳۰-۳۱ فسجد الملائكة كلهم اجمعون* الا ابليس ابى ان يكون مع
الساجدين

سوره حجر آيات ۳۹-۴۰ قال رب بما اغويتنى لأزینن لهم فى الارض ولأغوينهم اجمعين*
الا عبادك منهم المخلصون

سوره حجر آيات ۵۹-۶۰ الا ال لوط انا لمنجوهم اجمعين* الا امرأته قدرنا انها لمن
الغابرين

سوره مؤمنون آيات ۵-۶ والذين هم لفروجهم حافظون* الا على ازواجهم او ما ملكت
ایمانهم فإنهم غير ملومين

سوره فرقان آيات ٤٨-٤٩ ومن يفعل ذلك يلق اثمًا * يضاعف له العذاب يوم القيامة ويخلد فيه مهانًا * الا من تاب وءامن وعمل عملا صالحا فأولئك يبدل الله سيئاتهم حسنات (يضاعف بدل از يلق)

سوره شعراء آيات ٨٧-٨٩ ولا تخزنى يوم يبعثون * يوم لا ينفع مال ولا بنون * الا من اتى الله بقلب سليم

سوره شعراء آيات ١٧٠-١٧١ فنجيناه واهله اجمعين * الا عجوزا فى الغابرين

سوره شعراء آيات ٢٢٥-٢٢٧ الم تر انهم فى كل واد يهيمون * وانهم يقولون

مالا يفعلون * الا الذين ءامنوا وعملوا الصالحات وذكروا الله كثيرا وانتصروا من بعد ما ظلموا

سوره يس آيات ٤٣-٤٤ وان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون * الا رحمة منا

ومتاعا الى حين

سوره صافات آيات ٧٣-٧٤ فانظر كيف كان عاقبة المنذرين * الا عباد الله المخلصين

سوره صافات آيات ١٢٧-١٢٨ فكذبوه فإنهم لمحضرون * الا عباد الله المخلصين

سوره صافات آيات ١٣٤-١٣٦ اذ نجيناه واهله اجمعين * الا عجوزا فى الغابرين * ثم دمرنا

الآخرين

سوره صافات آيات ١٦١-١٦٣ فإنكم وما تعبدون * ما انتم عليه بفاتنين * الا من هو صالح

الجحيم (خبر ان)

سوره ص آيات ٨٢-٨٣ قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين * الا عبادك منهم المخلصين

سوره زخرف آیات ۲۶-۲۷ واذ قال ابراهيم لأبيه وقومه انى براء مما تعبدون * الا الذى
فطرني فإنه سيهدين

سوره معارج آیات ۲۹-۳۰ والذين هم لفروجهم حافظون * الا على ازواجهم او ما ملكت
ايمانهم فإنهم غير ملومين

سوره جن آیات ۲۲-۲۳ قل انى لن يجيرنى من الله احد ولن اجد من دونه ملتحدا * الا بلاغا
من الله ورسالاته

سوره مدثر آیات ۳۸-۳۹ كل نفس بما كسبت رهينة * الا اصحاب اليمين

سوره نبا آیات ۲۴-۲۶ لا يذوقون فيها بردا لاشرابا * الا حميما وغساقا * جزاء
وفاقا (مفعول مطلق فعل محذوف)

سوره اعلى آیات ۶-۷ سنقرئك فلا تنسى * الا ما شاء الله

سوره ليل آیات ۱۹-۲۰ وما لأحد عنده من نعمة تجزى * الا ابتغاء وجه ربه الأعلى

سوره عصر ۱-۳ والعصر * إن الإنسان لفي خسر * الا الذين ءامنوا وعملوا الصالحات
وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر

وقف میان مؤکد ومؤکد مانند:

هوالذی خلق لکم ما فی الارض * جمیعا

فسجد الملائكة * کلهم * اجمعون

والذی خلق الازواج * کلها زخرف/ ۱۲

وقف میان معطوف و معطوف علیه مانند:

عطف مفرد به مفرد مانند:

فیه ظلمات * ورعد * وبرق بقره/ ۱۹

فاتقوا النار الی وقودها الناس * والحجارة بقره/ ۲۴

ولکم فی الارض مستقر * ومتاع الی حین بقره/ ۳۶

واذ ءاتینا موسی الكتاب * والفرقان لعلکم تهتدون بقره/ ۵۳

مما تنبت الارض من بقلها * وقتائها * وفومها * وعدسها * وبصلها بقره/ ۶۱

وضربت علیهم الذلة * والمسکنة بقره/ ۶۱

واذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت * واسماعیل بقره/ ۱۲۷

ام تقولون ان ابراهیم واسماعیل واسحاق و یعقوب كانوا هودا * اونصارى بقره/ ۱۴۰

قل لله المشرق * والمغرب بقره/ ۱۴۲

اولئک علیهم صلوات من ربهم * ورحمة بقره/ ۱۵۷

شهر رمضان الذى انزل فيه القرآن هدى للناس * وبينات من الهدى * والفرقان بقره/١٨٥
قل هي مواقيت للناس * والحج بقره/ ١٩٠
فأولئك حبّطت اعمالهم فى الدنيا * والآخرة بقره/٢١٧
والله يدعوا الى الجنة * والمغفرة بإذنه بقره/٢٢١
فإمساک بمعروف * او تسريح بإحسان بقره/٢٢٩
فآمنوا بالله * ورسله آل عمران/ ١٧٩
من بعد وصية يوصى بها * اودين نساء/ ١١
ولكل جعلنا موالى مما ترك الوالدين * والاقربون نساء/ ٣٣
فامسحوا بوجوهكم * وايديكم نساء/ ٤٢
فأولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين * والصديقين * والشهداء * والصالحين
نساء/ ٦٩
فسيدخلهم فى رحمة منه * وفضل نساء/ ١٧٥ يتتغون فضلا من ربهم * ورضوانا مائده/٢
وتعاونوا على البر * والتقوى * ولا تعاونوا على الاثم * والعدوان مائده/٢
فقد جاءكم بشير * ونذير مائده/ ١٩
لكل جعلنا منكم شرعة * ومنهاجا مائده/ ٤٨
جعل الله الكعبة البيت الحرام قياما للناس * والشهر الحرام * والهدى * والقلائد مائده/٩٧
تكلم الناس فى المهد * وكهلا مائده/ ١١٠
عالم الغيب * والشهادة انعام/ ٧٣

اولئك الذين ءاتيناهم الكتاب * والحكم * والنبوة انعام/ ٨٨

ان الله فالحب * والنوى انعام/ ٩٥

وتمت كلمت ربك صدقا * وعدلا انعام/ ١١٥

فقد جاءكم بينة من ربكم * وهدى * ورحمة انعام/ ١٥٧

عطف مفرد به جملة مانند:

يخادعون الله * والذين ءامنوا

يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذى خلقكم * والذين من قبلكم (عطف بر ضمير منصوب)

يعلمون الناس السحر* وما انزل على الملكين ببابل هاروت وماروت بقره/ ١٠٢ قولوا ءامنا

بالله * وما انزل الينا * وما انزل الى ابراهيم واسماعيل واسحاق ويعقوب والاسباط * وما اوتى

موسى وعيسى * وما اوتى النبيون من ربهم بقره/ ١٣٨ فلما جاوزه هو * والذين ءامنو معه

زين للناس حب الشهوات من النساء * والبنين * والقناطر المقنطرة من الذهب * والفضة *

والخيل المسومة * والانعام * والحرث آل عمران/ ١٤

ومالنا لا نؤمن بالله * وما جاءنا من الحق

وانفقوا مما رزقناهم سرا * وعلانية بقره/ ٢٧٧

عطف جملة به جملة همراه با تعلق لفظى

الله يستهزئ بهم * ويمدهم فى طغيانهم يعمهون

عطف مفرد به جمله مانند:

سوره نساء آیات ۶۷-۶۸ واذا لآتيناهم من لدنا اجرا عظيما * ولهديناهم صراطا مستقيما

سوره نساء آیات ۱۰۵-۱۰۶ ولا تكن للخائنين خصيما * واستغفر الله

سوره نساء آیات ۱۵۶-۱۵۷ وبكفرهم وقولهم على مريم بهتاناً عظيماً * وقولهم انا قتلنا عيسى

بن مريم رسول الله

سوره انعام آیات ۷۱-۷۲ وامرنا لنسلم لرب العالمين * وان اقيموا الصلوة واتقوه (عطف)

سوره اعراف آیات ۱۶-۱۷ قال فيما اغويتني لأقعدن لهم صراطك المستقيم * ثم لآتينهم من

بين ايديهم ومن خلفهم وعن ايمانهم وعن شمائلهم ولا تجد اكثرهم شاكرين

سوره اعراف آیات ۱۷۲-۱۷۳ ان تقولوا يوم القيامة انا كنا عن هذا لغافلين * او تقولوا انما

اشركنا ابائنا من قبل وكنا ذرية من بعدهم (عطف)

سوره انفال آیات ۶۲-۶۳ هو الذي ايدك بنصره وبالمؤمنين * والف بين قلوبهم (عطف)

سوره توبه آیات ۱۴-۱۵ قاتلوهم يعذبهم الله بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صور

قوم مؤمنين * ويذهب غيظ قلوبهم (عطف بر جواب فعل طلب)

سوره يونس آیات ۱۰۴-۱۰۵ وامرت ان اكون من المؤمنين * وان اقم وجهك للدين حنيفا

سوره هود آیات ۱۲۱-۱۲۲ وقل للذين لا يؤمنون اعملوا على مكانتكم انا عاملون * وانتظروا

انا منتظرون

سوره ابراهيم آیات ۱۳-۱۴ فأوحى اليهم ربهم لنهلكن الظالمين * ولنسكنكم الارض من بعدهم

سوره ابراهيم آیات ۱۹-۲۰ ان يشأ يذهبكم ويأت بخلق جديد * وما ذلك على الله بعزيز

سوره حجر آيات ١٦-١٨ ولقد جعلنا فى السماء بروجاً وزيناها للنظرين* وحفظناها من كل شيطان رجيم

سوره حجر آيات ٣٤-٣٥ قال فاخرج منها فإنك رجيم* وان عليك اللعنة الى يوم الدين

سوره حجر آيات ٤٩-٥٠ نبى عبادى انا الغفور الرحيم* وان عذابى هو العذاب الاليم

سوره حجر آيات ٦٨-٦٩ قال ان هؤلاء ضيفى فلا تفضحون* واتقوا الله ولا تفضحون

سوره حجر آيات ٧٣-٧٤ فأخذتهم الصيحة مشرقين* فجعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليهم

حجارة من سجيل

سوره حجر آيات ٧٨-٧٩ وان كان اصحاب الأيكة لظالمين* فانتقمنا منهم وانهما لبإمام مبين

سوره نحل آيات ١٥-١٦ والقى فى الارض رواسى ان تميد بكم وانهارا وسبلا لعلكم

تهتدون* وعلامات (عطف بر رواسى)

سوره حجر آيات ٩٧-٩٩ ولقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون* فسبح بحمد ربك

وكن من الساجدين* واعبد ربك حتى يأتىك اليقين افأمن الذين مكروا السيئات ان

يخسف الله بهم الارض او يأتهم العذاب من حيث لا يشعرون* او يأخذهم فى تقلبهم فما هم

بمعجزين* او يأخذهم على تخوف فإن ربكم لراءوف رحيم

سوره نحل آيات ٦٨-٦٩ واوحى ربك الى النحل ان اتخذى من الجبال بيوتا ومن الشجر

ومما يعرشون* ثم كلى من كل الثمرات فاسلكى سبل ربك ذللا

سوره اسراء آيات ٩-١٠ ان هذا القرءان يهدى للتى هى اقوم ويبشر المؤمنين الذين يعملون

الصالحات ان لهم اجرا كبيرا* وان الذين لا يؤمنون بالآخرة اعتدنا لهم عذابا اليما سوره اسراء

آيات ٥٠-٥١ قل كونوا حجارة او حديدا * او خلقا مما يكبر في صدوركم

سوره اسراء آيات ٤٨-٤٩ افأمنتم ان يخسف بكم جانب البر او يرسل عليكم حاصبا ثم

لا تجدوا لكم وكيلا * ام امنتم ان يعيدكم فيه تارة اخرى

اسراء آيات ٩٠-٩٣ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا * او تكون لك

جنة من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها تفجيرا * او تسقط السماء علينا كسفا او تأتي بالله

والملائكة قبيلنا * او يكون لك بيت من زخرف او ترقى في السماء ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل

علينا كتابا نقرأه
سوره

اسراء آيات ١٠٧-١٠٨ ان الذين اوتوا العلم من قبله اذا يتلى عليهم يخرون للاذقان سجدا *
ويقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا

سوره كهف آيات ٣٢-٣٣ لتا الجنة اءاتت اكلها ولم تظلم منه شيئا وفجرنا خلالهما نهرا *
وكان له ثمر

سوره كهف آيات ٣٥-٣٦ ودخل جنته وهو ظالم لنفسه قال ما اظن ان تبيد هذه ابدا * وما
اظن الساعة قائمة

سوره كهف آيات ٦٧-٦٨ قال انك لن تستطيع معي صبرا * وكيف تصبر على ما لم تحط به
خبرا

سوره كهف آيات ٨٤-٨٥ انا مكنا له في الارض وءاتيناه من كل شيء سببا * فاتبع سببا

سوره مريم آيات ١٢-١٥ يا يحيى خذ الكتاب بقوة وءاتيناه الحكم صبيا * وحنانا من لدنا

وزكوة وكان تقيا * وبرا بوالديه ولم يكن جبارا عصيا * وسلام عليه يوم ولد ويوم

يموت ويوم يبعث حيا

سوره مريم آيات ٥٦- ٥٧ واذكر فى الكتاب ادريس انه كان صديقا نبيا * ورفعناه مكانا
عليا

سوره مريم آيات ٨٥- ٨٦ يوم نحشر المتقين الى الرحمن وفدا * ونسوق المجرمين الى
جهنم وردا

سوره طه آيات ٢٥- ٢٨ قال رب اشرح لى صدرى * ويسر لى امرى * واحلل عقدة من
لسانى * يفقهوا قولى (جواب فعل طلب)

سوره طه آيات ١١٨- ١١٩ ان لك الاتجوع فيها ولا تعرى * وانك لا تظمؤا فيها ولا تضحى

سوره حج آيات ٦- ٧ ذلك بأن الله هو الحق وانه يحيى الموتى وانه على كل شىء قدير *
وان الساعة لآتية لا ريب فيها وان الله يبعث من فى القبور

سوره حج آيات ٤١- ٤٤ وان يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد و ثمود * وقوم ابراهيم
وقوم لوط * واصحاب مدين

سوره مؤمنون آيات ٣٣- ٣٨ وقال الملائم من قومه الذين كفروا وكذبوا بلقاء الآخرة وترفناهم
فى الحيوه الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون منه ويشرب مما تشربون * ولئن اطعمتم

بشرا مثلكم انكم اذا لخاسرون * ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون *

هيهات هيهات لما توعدون * ان هى الا حيوتنا الدنيا نموت ونحيا وما نحن بمبعوثين * ان هو

الا رجل افترى على الله كذبا وما نحن له بمؤمنين

سوره مؤمنون آيات ٥٧-٦١ ان الذين هم من خشية ربهم مشفقون* والذين هم بآيات ربهم يؤمنون* والذين هم بربهم لا يشركون* والذين يؤتون ما آتوا وقلوبهم وجة انهم الى ربهم راجعون* اولئك يسارعون في الخيرات وهم لها سابقون

سوره مؤمنون آيات ٩٧-٩٨ وقل رب اعوذ بك من همزات الشياطين* واعوذ بك رب ان يحضرون

سوره فرقان آيات ٧-٨ وقالوا مال هذا الرسول يأكل الطعام ويمشى في الاسواق لولا انزل عليه ملك فيكون معه نذيرا* او يلقى اليه كنز او تكون له جنة يأكل منها

سوره فرقان آيات ٣٧-٣٨ وقوم نوح لما كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلنا للناس آية واعتدنا للظالمين عذابا اليما* وعادا وشمود واصحاب الرس وقرونا بين ذلك كثيرا (مفعول فعل محذوف - دمرنا عطف بر واعتدنا)

سوره فرقان آيات ٤٥-٤٦ الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس عليه دليلا* ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا

سوره شعراء آيات ١٨-١٩ قال الم نربك فينا وليدا ولبثت فينا من عمرك سنين* وفعلت فعلتك التي فعلت وانت من الكافرين

سوره شعراء آيات ٧٢-٧٣ قال هل يسمعونكم اذ تدعون* او ينفعونكم او يضرون

سوره شعراء آيات ٧٥-٧٦ قال افرايتم ما كنتم تعبدون* انتم وءاباؤكم الاقدمون* فانهم عدولى الا رب العالمين* الذى خلقنى فهو يهدين

سوره شعراء آيات ۷۹-۸۰ والذی هو یطعمنی ویسقین * واذا مرضت فهو یشفین

سوره شعراء آيات ۹۰-۹۱ وازلفت الجنة للمتقین * وبرزت الجحیم للغاوین

سوره شعراء آيات ۹۴-۹۵ فکبکبوا فیها هم والغاوان * وجنود ابلیس اجمعون (عطف بر واو

کبکبوا) سوره شعراء آيات ۹۶-۹۸ قالوا وهم فیها یختصمون * تالله ان کنا لفی

ضلال مبین

سوره شعراء آيات ۱۰۷-۱۰۸ انی لکم رسول امین * فاتقواالله واطیعون

سوره شعراء آيات ۱۲۵-۱۲۶ انی لکم رسول امین * فاتقواالله واطیعون

سوره شعراء آيات ۱۴۳-۱۴۴ انی لکم رسول امین * فاتقواالله واطیعون

سوره شعراء آيات ۱۷۸-۱۷۹ انی لکم رسول امین * فاتقواالله واطیعون

سوره شعراء آيات ۱۸۵-۱۸۶ قالوا انما انت من المسحرین * وما انت الا بشرا مثلنا وان نظنک

لمن الکاذبین

سوره شعراء آيات ۱۶۲-۱۶۳ انی لکم رسول امین * فاتقواالله واطیعون

سوره شعراء آيات ۱۶۵-۱۶۶ اتأتون الذکران من العالمین * وتذرون ما خلق لکم ربکم من

ازواجکم بل انتم قوم عادون

سوره نمل آيات ۹-۱۰ یا موسی انه انا الله العزیز الحکیم * والقی عصاک (عطف بر جواب

نداء)

سوره نمل آيات ٩١-٩٢ وامرت ان اكون من المسلمين * وان اتلواالقرءان

سوره قصص آيات ٥-٦ ونريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارسوره نمل آيات ٩-

١٠ يا موسى انه انا الله العزيز الحكيم * والى عصاك (عطف بر جواب نداء

سوره قصص آيات ٣٠-٣١ فلما اتىها نودى من شاطئ الوادى الايمن فى البقعة المباركة من

الشجرة ان يا موسى انى انما الله رب العالمين * وان الق عصاك (عطف بر ان يا موسى)

سوره نمل آيات ٩١-٩٢ وامرت ان اكون من المسلمين * وان اتلواالقرءان

سوره قصص آيات ٥-٦ ونريد ان نمن على الذين استضعفوا فى الارض ونجعلهم ائمة

ونجعلهم الوارثين * ونمكن لهم فى الارض ونرى فرعون وهامان وجنودهما منهم ما كانوا

يحذرون

سوره احزاب آيات ٤١-٤٢ يا ايها الذين ءامنوااذكروالله ذكرا كثيرا* وسبحوه بكرة واصيلا

سوره احزاب آيات ٤٥-٤٦ يا ايها النبى انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا* وداعيا الى الله

ياذنه وسراجا منيرا

سوره فاطر آيات ١٩-٢١ وما يستوى الاعمى والبصير* ولا الظلمات ولا النور* ولا الظل

ولا الحرور

سوره يس آيات ٤١-٤٢ وءاية لهم انا حملنا ذريتهم فى الفلك المشحون* وخلقنا لهم من

مثله مايركبون

سوره صافات آيات ٣٥-٣٦ انهم كانوا اذا قيل لهم لااله الا الله يستكبرون* ويقولون ائنا

لتاركو ءالهننا لشاعر مجنون (عطف بر خبر كان)

سوره صافات آيات ٥٦-٥٧ قال تالله ان كدت لتردين * ولولا نعمة ربي لكنت من المحضرين

سوره صافات آيات ٦٩-٧٠ انهم الفواء ابائهم ضالين * فهم على اثارهم يهرعون

سوره صافات آيات ٨٨-٨٩ فنظر نظرة فى النجوم * فقال انى سقيم

سوره صافات آيات ١٠٣-١٠٥ فلما اسلما وتله للحين * وناديناه ان يا ابراهيم * قد

صدقت الرؤيا

سوره صافات آيات ١٣٧-١٣٨ وانكم لتمرون عليهم مصبحين * وبالليل

سوره صافات آيات ١٤٠-١٤١ اذ ابق الى الفلك المشحون * فساهم فكان من المدحضين

سوره صافات آيات ١٥٦-١٥٧ ام لكم سلطان مبين * فأتوا بكتابكم ان كنتم صادقين

سوره ص آيات ١٢-١٣ كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وفرعون ذو الاوتاد * وشمود وقوم لوط

واصحاب الايكة (عطف برفاعل)

سوره ص آيات ١٨-١٩ انا سخرنا الجبال معه يسبحن بالعشى والاشراق * والطير محشورة

كل له اواب(عطف برمفعول)

سوره ص آيات ٣١-٣٢ اذ عرض عليه بالعشى الصافنات الجياد * فقال انى احببت حب

الخير عن ذكر ربي حتى توارت بالحجاب

سوره ص آيات ٣٦-٣٨ فسخرنا له الريح تجرى بامرہ رخاء حيث اصاب * والشياطين كل

بناء وغواص * وءاخرين مقرنين فى الاصفاد (عطف برمفعول)

سوره ص آيات ٧٧-٧٨ قال فاخرج منها فانك رجيم * وان عليك اللعنة الى يوم الدين

سوره زمر آیات ۱۱-۱۲ قل انى امرت ان اعبدالله مخلصا له الدين * وامرت لأن اكون اول

المسلمين

سوره شوری آیات ۴۹-۵۰ لله ملك السموات والارض يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء اناثا

ويهب لمن يشاء الذكور* اويزوجهم ذكرا واناثا ويجعل من يشاء عقيما انه عليم قدير (عطف

بريهب)

سوره زخرف آیات ۳۳-۳۵ ولولا ان يكون الناس امة واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن

لبيوتهم سقفا من فضة ومعارج عليها يظهرون* ولبيوتهم ابوابا وسرا عليها يتكئون* وزخرفا

سوره زخرف آیات ۴۱-۴۲ فإما نذهبن بك فإنا منهم منتقمون* او نرينك الذى وعدناهم

فإنا عليهم مقتدرون

سوره زخرف آیات ۵۵-۵۶ فلما ءاسفونا انقمنا منهم فأغرقناهم اجمعين* فجعلناهم سلفا

ومثلا للآخرين

سوره دخان آیات ۱۳-۱۴ انى لهم الذكرى وقد جاءهم رسول مبين* ثم تولوا عنه وقالوا

معلم مجنون

سوره دخان آیات ۲۳-۲۴ فأسر بعبادى ليلا انكم متبعون* واترك البحر رهوا انهم جند

سوره

مغرقون

دخان آیات ۲۵-۲۷ كم تركوا من جنات وعيون و زروع ومقام كريم* ونعمة كانوا فيها

فاكهين* كذلك واورثناها قوما اخرين

سوره دخان آيات ٤٧-٤٨ خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم * ثم صبوا فوق رأسه من عذاب
الحميم

سوره جاثيه آيات ٤-٥ وفي خلقكم وما يبث من دابة آيات لقوم يوقنون * واختلاف الليل
والنهار وما انزل الله من السماء من رزق فأحيا به الارض بعد موتها وتصريف الرياح آيات
لقوم يعقلون

سوره فتح آيات ١٨-١٩ لقد رضى الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم ما فى
قلوبهم فأنزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا * ومغانم كثيرة يأخذونها

سوره ق آيات ٩-١١ ونزلنا من السماء ماء مباركا فأنبتنا به جنات وحب الحصيد*

سوره ق آيات ١٢-١٤ كذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس و ثمود* وعاد وفرعون واخوان
لوط * واصحاب الأيكة وقوم تبع

سوره ذاريات آيات ٢٠-٢١ وفى الأرض آيات للموقنين * وفى انفسكم

سوره ذاريات آيات ٢٦-٢٧ فراغ الى اهله فجاء بعجل سمين * فقربه اليهم قال الا تأكلون

سوره نجم آيات ٣٢-٣٣ افرايت الذى تولى * واعطى قليلا واكدى

سوره نجم آيات ٣٦-٣٧ ام لم ينبأ بما فى صحف موسى * وابراهيم الذى وفى

سوره نجم آيات ٣٨-٤٠ ان لا تزر وازرة وزر اخرى * وان ليس للانسان الا ما سعى * وان

سعيه سوف يرى * ثم يجزيه الجزاء الأوفى

سوره الرحمن آيات ١٠-١٢ والارض وضعها للانام * فيها فاكهة والنخل ذات الاكمام *

والحب ذوالعصف والريحان(عطف به فاكهة)

سوره الرحمن آيات ١٤-١٥ خلق الإنسان من صلصال كالفخار* وخلق الجن من مارج من نار
سوره واقعه آيات ٤-٦ اذا رجت الارض رجا* وبست الجبال بسا* فكانت
هباء منبثا (عطف)

سوره واقعه آيات ٢٨-٣٤ فى سدر مخضود* وطلح منضود* و ظل ممدود* وماء
مسكوب* وفاكهة كثيرة* لامقطوعة ولا ممنوعة* وفرش مرفوعة

وقف ميان صفت وموصوف مانند:

جنات* تجرى من تحتها الانهار

مثل براى فواصل آيات

سوره بقره آيات ٢-٣ هدى للمتقين* الذين يؤمنون بالغيب (صفت وموصوف)

سوره بقره آيات ٢٦-٢٧ وما يضل به الا الفاسقين* الذين ينقضون عهدالله من بعد ميثاقه

سوره آل عمران آيات ١٣٣-١٣٤ وسارعوا الى مغفرة من ربكم وجنة عرضها كعرض السماء

والارض اعدت للمتقين* الذين ينفقون فى السراء والضراء والكاظمين الغيظ والعافين عن

الناس (صفت وموصوف)

سوره آل عمران آيات ١٩٠-١٩١ ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار

لآيات لاولى الالباب*الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم

سوره مائده آيات ١٥-١٦ قد جائكم من الله نور وكتاب مبين* يهدى به الله من اتبع رضوانه

سبيل السلام (صفت وموصوف)

سوره اعراف آیات ۴۴-۴۵ فأذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظالمين* الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة كافرون

سوره اعراف آیات ۵۰-۵۱ قالول ان الله حرمهم على الكافرين* الذين اتخذوا دينهم لهوا ولعبا وغرتهم الحياة الدنيا (صفت وموصوف)

سوره هود آیات ۱۸-۱۹ الا لعنة الله على الظالمين* الذين يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة هم كافرون (صفت وموصوف)

سوره نحل آیات ۲۷-۲۸ قال الذين اوتوا العلم ان الخزي اليوم والسوء على الكافرين* الذين تتوفيههم الملائكة ظالمي انفسهم

سوره نحل آیات ۳۱-۳۲ كذلك يجزي الله المتقين* الذين تتوفيههم الملائكة الذين تتوفيههم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون

سوره مريم آیات ۵-۶ واني خفت الموالي من ورائى وكانت امرأتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا* يرثنى ويرث من آل يعقوب واجعله رب رضيا (نعت براى وليا)

سوره انبياء آیات ۴۸-۴۹ ولقد اتينا موسى وهرون الفرقان وضياء وذكرنا للمتقين* الذين يخشون ربهم بالغيب وهم من الساعة مشفقون سورة مؤمنون آیات ۱-۲ قد افلح المؤمنون* الذين هم فى صلواتهم خاشعون

سوره مؤمنون آیات ۱۰-۱۱ اولئك هم الوارثون* الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون سورة نمل آیات ۱-۳ تلك آيات الكتاب المبين* هدى وبشرى للمؤمنين* الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون (خبر دوم يا حال از آیات)

سوره فاطر آیات ۳۴-۳۵ وقالوا الحمد لله الذى اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شكور* الذى
احلنا دار المقامة من فضله لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب

سوره صافات آیات ۵۱-۵۲ قال قائل منهم انى كان لى قرين* يقول ائتک لمن المصدقين
(نعت برای قرین)

سوره صافات آیات ۶۴-۶۵ انها شجرة تخرج فى اصل الجحيم* طلعتها كأنه رءوس
الشیاطین (صفت دوم برای شجرة)

سوره فصلت آیات ۶-۷ فویل للمشرکین* الذین لا یؤتون الزکوة وهم بالآخرة هم کافرون
سوره فصلت آیات ۴۱-۴۲ ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم وانه لکتاب عزیز* لا یأتیه
الباطل من بین یدیه ومن خلفه تنزیل من حکیم حمید (جمله نعت برای کتاب)

سوره احقاف آیات ۲۴-۲۵ فلما رأوه عارضا مستقبل اودیتهم قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو
ما استعجلتم به ریح فیها عذاب الیم* تدمر کل شیء بأمر ربها فأصبحوا لا یرى الا مساکنهم
(نعت)

سوره ق آیات ۲۴-۲۶ القیا فی جهنم کل کفار عنید* مناع للخیر معتدمریب* الذى جعل
مع الله الهاء اخر فألقیاه فی العذاب الشدید (صفت بعد از صفت)

سوره ذاریات آیات ۷-۹ والسماء ذات الحبک* انکم لفی قول مختلف* یؤفک عنه من افک
(صفت دوم برای قول)

سوره ذاریات آیات ۱۰-۱۲ قتل الخراصون* الذین هم فی غمرة ساهون* یسئلون ایان
یوم الدین (حال از هم)

سوره واقعه آيات ۲۲-۲۳ و حور عين * كأمثال اللؤلؤ المكنون (صفت دوم)

سوره ملك آيات ۲-۳ وهو العزيز الغفور * الذى خلق سبع سموات طباقا ما ترى فى خلق الرحمن من تفاوت

سوره قلم آيات ۱۰-۱۴ ولا تطع كل حلاف مهين * هماز مشاء بنميم * مناع للخير معتد اثيم * عتل بعد ذلك زنيم * ان كان ذامال وبنين

سوره جن آيات ۱-۲ قل اوحى الى انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرءانا عجبا * يهدى الى الرشده فأمانا به ولن نشرك بربنا احدا

سوره بينه آيات ۲-۳ رسول من الله يتلوا صحفا مطهرة * فيها كتب قيمة

وقف میان مبدل منه وبدل مانند:

صراط الذين انعمت عليهم * غير المغضوب عليهم

وما انزل على الملكين ببابل * هاروت وماروت

ويقطعون ما امر الله به * ان يوصل

وارزق اهله من الثمرات * من ءامن منهم بالله واليوم الآخر

يسئلونك عن الشهر الحرام * قتال فيه

ولا تجعلوا الله عرضة لايمانكم * ان تبروا وتتقوا وتصلحوا بين الناس بقره/۲۲۴

انى قد جئتكم ببينة من ربكم * انى اخلق لكم من الطين كهيئة الطير باذنى

فيه آيات بينات * مقام ابراهيم آل عمران/۹۷

ولله على الناس حج البيت * من استطاع اليه سبيلا آل عمران / ٩٧

قل اننى هدانى ربي الى صراط مستقيم * دينا قيما * ملة ابراهيم حنيفا انعام / ١٦٤

قال الملاء الذين استكبروا من قومه للذين استضعفوا * لمن ءامن منهم اعراف / ٧٥

سوره آل عمران آيات ٣٣-٣٤ ان الله اصطفى ءام ونوحا وءال ابراهيم وءال عمران على

العالمين * ذرية بعضها من بعض (بدل يا حال)

سوره نساء آيات ٢٦-٢٧ ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا * الذين يبخلون ويأمرون

الناس بالبخل (بدل)

سوره نساء آيات ٩٥-٩٦ وفضل الله المجاهدين على القاعدین اجرا عظيما * درجات منه

ومغفرة ورحمة (بدل ومبدل منه)

سوره رعد آيات ٢٢-٢٣ اولئك لهم عقبى الدار * جنات عدن يدخلونها ومن صلح من ءابائهم

وازواجهم وذرياتهم (بدل از عقبى الدار)

سوره ابراهيم آيات ١-٢ كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور بأذن ربهم

الى صراط العزيز الحميد * الله الذى له ما فى السموات وما فى الارض (بدل)

سوره ابراهيم آيات ٢٨-٢٩ الم تر الى الذين بدلوا نعمة الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار *

جهنم يصلونها وبئس القرار (بدل از دار البوار)

سوره مريم آيات ٥٩-٦١ فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف

يلقون غيا * الا من تاب فأولئك يدخلون الجنة ولا يظلمون شيئا * جنات عدن التى وعد

الرحمن عباده بالغيب (بدل از جنه)

سوره طه آیات ۲۹-۳۰ واجعل لی وزیرا من اهلی * هرون اخی (بدل)

سوره طه آیات ۷۵-۷۶ ومن یآته مؤمنا قد عمل الصالحات فاولئک لهم الدرجات العلی *

جنات عدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها (بدل)

سوره فرقان آیات ۶۸-۶۹ ومن یفعل ذلک یلق اثاما * یضاعف له العذاب یوم القیامة ویخلد

فیہ مهانا * الا من تاب وءامن وعمل عملا صالحا فأولئک یدل الله سیئاتهم حسنات)

یضاعف بدل از یلق)

سوره شعراء آیات ۱۰-۱۱ واذ نادى ربک موسى ان ائت القوم الظالمین * قوم فرعون (بدل)

سوره شعراء آیات ۱۳۲-۱۳۴ واتقوا الذی امدکم بما تعملون * امدکم با نعم وبنین *

وجنات وعیون (بدل)

سوره روم آیات ۳۱-۳۲ ولا تكونوا من المشرکین * من الذین فرقوا دینهم وکانو شیعا (بدل)

سوره فاطر آیات ۴۲-۴۳ واقسموا بالله جهد ایمانهم لئن جاءهم نذیر لیکونن اهدى من احدى

الامم فلما جاءهم نذیر مازادهم الا نفورا * استکبارا فی الارض ومکر السیء (مفعول له یا

بدل از نفورا)

سوره یس آیات ۲۰-۲۱ وجاء من اقصال مدینة رجل یسعی قال یا قوم اتبعوا المرسلین *

اتبعوا من لایستلکم اجرا وهم مهتدون (بدل)

سوره ص آیات ۴۹-۵۰ وان للمتقین لحسن مآب * جنات عدن مفتحة لهم الابواب (بدل)

سوره غافر آیات ۱۵-۱۶ رفیع الدرجات ذو العرش یلقى الروح من امره علی من یشاء من

عباده لینذر یوم التلاق * یوم هم بارزون لا یخفی علی الله منهم شیء (بدل از یوم)

سوره غافر آیات ۳۰-۳۱ وقال الذى ءامن يا قوم انى اخاف عليكم مثل يوم الاحزاب * مثل
دأب قوم نوح وعاد وشمود والذين من بعدهم (بدل)

سوره غافر آیات ۳۲-۳۳ ويا قوم انى عليكم يوم التناد * يوم تولون مدبرين مالكم من الله
من عاصم (بدل از يوم)

سوره غافر آیات ۳۶-۳۷ وقال فرعون يا هامان ابن لى صرحا لعلى ابلى الاسباب * اسباب
السموات فأطلع الى اله موسى وانى لأظنه كاذبا (بدل)

سوره غافر آیات ۵۱-۵۲ انا لنصر رسنا والذين ءامنوا فى الحيوه الدنيا ويوم يقوم الاشهاد
* يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم (بدل از يوم)

سوره شورى آیات ۵۳-۵۴ وانك لتهدى الى صراط مستقيم * صراط الله الذى له ما فى
السموات وما فى الارض (بدل)

سوره دخان آیات ۳۰-۳۱ ولقد نجينا بنى اسرائيل من العذاب المهين * من فرعون (بدل)

سوره دخان آیات ۴۰-۴۲ ان يوم الفصل ميقاتهم اجمعين * يوم لا يغنى مولى عن مولى
شيئا ولا هم ينصرون * الا من رحم الله (بدل از يوم)

سوره ق آیات ۳۲-۳۴ هذا ما توعدون لكل اواب حفيظ * من خشى الرحمن بالغيب وجاء
بقلب منيب * ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود (من خشى بدل از لكل)

سوره ق آیات ۴۱-۴۲ واستمع يوم يناد المناد من مكان قريب * يوم يسمعون الصيحة بالحق
ذلك يوم الخروج (بدل از يوم)

سوره طور آيات ٤٥-٤٦ فذرهم حتى يلاقوا يومهم الذى فيه يصعقون * يوم لا يغنى عنهم
كيدهم شيئاً ولا هم ينصرون (بدل از يومهم)

سوره قمر آيات ٤-٥ ولقد جاءهم من الأنبياء ما فيه مزدجر * حكمة بالغة (بدل)

سوره معارج آيات ٤٢-٤٤ فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذى يوعدون * يوم
يخرجون من الأجداث سراعا كأنهم الى نصب يوفضون * خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة (بدل
از يومهم)

سوره انسان آيات ١٥-١٦ ويطاف عليهم بآنية من فضة واكواب كانت قواريرا * قواريرا من
فضة قدروها تقديرا (بدل)

سوره انسان آيات ١٧-١٨ ويسقون فيها كأسا كان مزاجها زنجبيلا * عينا فيها تسمى سلسبيلا
سوره نبا آيات ٣٦-٣٧ جزاء من ربك عطاء حسابا * رب السوات والأرض وما بينهما
الرحمن لا يملكون منه خطابا (بدل)

سوره مطفيين آيات ٤-٦ الا يظن اولئك انهم مبعوثون * ليوم عظيم * يوم يقوم الناس لرب
العالمين (بدل از يوم)

سوره مطفيين آيات ١٠-١١ ويل يومئذ للمكذبين * الذين يكذبون بيوم الدين

سوره مطفيين آيات ١٢-١٣ وما يكذب به الا كل معتد اثيم * اذا تتلى عليه آياتنا قال
اساطير الأولين (جمله وصفيه)

سوره مطفيين آيات ٢٠-٢١ كتاب مرقوم * يشهده المقربون (خبردوم)

سوره مطفيين آيات ٢٢-٢٤ ان الأبرار لفي نعيم * على الأرائك ينظرون * تعرف فى

وجوههم نضرة النعيم (حال يا استيناف)

سوره مطفيين آيات ٣٤-٣٥ فاليوم الذين ءامنوا من الكفار يضحكون * على الأرائك
ينظرون

سوره قريش آيات ١-٢ لا يلاف قريش * ايلا فهم رحلة الشتاء والصيف (بدل)

وقف ميان ظرف ومتعلق آن مانند:

وانما توفون اجوركم * يوم القيامة آل عمران / ١٨٥

وله الملك * يوم ينفخ فى الصور انعام/ ٧٣

لن تنفعكم ارحامكم ولا اولادكم * يوم القيامة ممتحنه/ ٣

ويدخلكم جنات تجرى من تحتها الانهار * يوم لا يخزى الله النبى والذين ءامنوا معه تحريم/

سوره آل عمران آيات ١٠٥-١٠٦ واولئك لهم عذاب عظيم * يوم تبيض وجوه وتسود وجوه

(ظرف)

سوره توبه آيات ٣٤-٣٥ والذين يكتزون الذهب والفضة ولا ينفقونها فى سبيل الله فبشرهم

بعذاب اليم * يوم يحمى عليها فى نار جهنم فتكوى بها جباههم وجنوبهم وظهورهم (ظرف)

سوره طور آيات ٨-١٠ ما له من دافع * يوم تمور السماء مورا * وتسير الجبال سيرا

سوره نبا آيات ١٧-٢٠ ان يوم الفصل كان ميقاتا * يوم ينفخ فى الصور فتأتون افواجا *

وفتحت السماء فكانت ابوابا * وسيرت الجبال فكانت سرابا (ظرف)

وقف میان جار ومجرور ومتعلق آن مانند:

زين للناس حب الشهوات * من النساء والبنين والقناطر المقنطرة * من الذهب والفضة آل

عمران/ ۱۴

ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار آيات * لاولى الالباب آل عمران/ ۱۹۰

فأولئك مع الذين انعم الله عليهم * من النبيين

وإذا جاءتهم آية قالوا لن نؤمن * حتى نؤتى مثل ما أوتى رسل الله

قل اننى هدانى ربى * الى صراط مستقيم

فانزلنا على الذين ظلموا رجزا * من السماء * بما كانوا يفسقون

ان عدة الشهور عندالله اثنا عشر شهرا * فى كتاب الله

نحن نقص عليك احسن القصص * بما اوحينا اليك هذا القرآن

يلقى الروح * من امره * على من يشاء * من عباده لينذر يوم التلاق غافر/ ۱۵

وبشر المؤمنين * بأن لهم من الله فضلا كبيرا احزاب/ ۴۷

قل ارايتم ان اهلكنى الله ومن معى او رحمتنا فمن يجير الكافرين * من عذاب اليم ملك/ ۲۹

لم يكن الذين كفروا * من اهل الكتاب والمشركين منفكين * حتى تأتتهم البينة

سوره آل عمران آيات ۳-۴ وانزل التوريه والانجيل * من قبل هدى للناس (جار ومجرور

ومتعلق)

سوره هود آيات ۵۴-۵۵ قال انى اشهدوا الله واشهدوا انى برىء مما تشركون * من

دونه (جار ومجرور ومتعلق)

سوره هود آيات ٩٦-٩٧ ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين * الى فرعون وملآيه
فأتبعوا امر فرعون (جار ومجرور ومتعلق)

سوره شعراء آيات ٩٢-٩٣ وقيل لهم اين ماكنتم تعبدون * من دون الله هل ينصرونكم
اوينتصرون (متعلق به تعبدون)

سوره شعراء آيات ١٩٣-١٩٥ نزل به الروح الامين * على قلبك لتكون من المنذرين * بلسان
عربى مبين

سوره روم آيات ٤-٥ ويومئذ يفرح المؤمنون * بنصر الله

سوره يس آيات ٢-٤ والقرءان الحكيم * انك لمن المرسلين * على صراط مستقيم

سوره يس آيات ٢٦-٢٧ قيل ادخل الجنة قال ياليت قومى يعلمون * بماغفر لى ربي وجعلنى
من المكرمين

سوره صافات آيات ٢٢-٢٣ احشروا الذين ظلموا وازواجهم وماكانوا يعبدون * من دون الله
فاهدوهم الى صراط الحجيم

سوره غافر آيات ٢٣-٢٤ ولقد ارسلنا موسى وسلطان مبين * الى فرعون وهامان وقارون
فقالوا ساحر كذاب

سوره غافر آيات ٧٣-٧٤ ثم قيل لهم اين ما كنتم تشركون * من دون الله قالوا ضلوا عنا بل
نكن ندعوا من قبل شيئا

سوره نجم آيات ٤٥-٤٦ وانه خلق الزوجين الذكر والانثى * من نطفة اذا تمنى

سوره قمر آيات ٥٤-٥٥ ان المتقين فى جنات ونهر * فى مقعد صدق عند مليك مقتدر

سوره واقعه آیات ۱۰-۱۲ والسابقون السابقون * اولئك المقربون * فى جنات العیم
سوره واقعه آیات ۱۷-۱۹ يطوف عليهم ولدان مخلدون * بأكواب وباريق وكأس من معین
سوره واقعه آیات ۳۵-۳۸ انا انشأناهن انشاء * فجعلناهن ابكارا * عربا اترابا * لأصحاب
الیمین (نعت)

سوره واقعه آیات ۶۰-۶۱ نحن قدرنا بینكم الموت وما نحن بمسبوقین * على ان نبذل امثالكم
وننشئكم فى ما لاتعلمون

سوره معارج آیات ۲۴-۲۵ والذین فى اموالهم حق معلوم * للسائل والمحروم
سوره معارج آیات ۴۰-۴۱ فلا اقسم برب المشارق والمغرب انا لقادرون * على ان نبذل
خیرا منهم وما نحن بمسبوقین

سوره مدثر آیات ۸-۱۰ فاذا نقر فى الناقور * فذلک یومئذ یوم عسیر * على الکافرین غیر
یسیر

سوره مطففین آیات ۴-۶ الا یظن اولئک انهم مبعوثون * لیوم عظیم * یوم یقوم الناس
لرب العالمین (بدل از یوم)

سوره مطففین آیات ۳۴-۳۵ فالیوم الذین ءامنوا من الکفار یضحکون * على الأرائک
ینظرون

سوره فلق آیات ۱-۶ قل اعوذ برب الفلق * من شر ما خلق * ومن شر غاسق اذا وقب *
ومن شر النفاثات فى العقد * ومن شر حاسد اذا حسد

سوره ناس آيات ١-٦ قل اعوذ برب الناس * ملك الناس * اله الناس * من شر الوسواس

الخناس * الذى يوسوس فى صدور الناس * من الجنة والناس (بدل)

وقف ميان تفسير ومفسر مانند:

واذ اخذنا ميثاق بنى اسرائيل * لا تعبدون الا الله

بقره/٨٣ واذ اخذنا ميثاقكم * لا تسفكون دماءكم بقره/٨٤

و وصى بها ابراهيم بنيه ويعقوب * يا بنى ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم

مسلمون بقره/١٣٢

ضمیمه سوم ارتباط لفظی در فواصل آیات:

(سوره بقره آیات ۲-۳ هدی للمتقین* الذین یؤمنون بالغیب (صفت وموصوف

سوره بقره آیات ۲۶-۲۷ وما یضل به الا الفاسقین* الذین ینقضون عهدالله من بعد ميثاقه

(صفت وموصوف

سوره بقره آیات ۱۶۲-۱۶۳ اولئک علیهم لعنة الله والملئكة والناس اجمعین* خالدین

فیها (حال وذوالحال)

سوره بقره آیات ۲۱۹-۲۲۰ كذلك یبین الله لکم الآیات لعلکم تتفکرون* فی الدنيا

والآخرة (مفعول فیہ)

سوره آل عمران آیات ۳-۴ وانزل التوریه والانجیل* من قبل هدی للناس (جار ومجرور

ومتعلق)

سوره آل عمران آیات ۳۳-۳۴ ان الله اصطفیٰ ام ونوحا وءال ابراهیم وءال عمران علی

(العالمین* ذریة بعضها من بعض (بدل یا حال

سوره آل عمران آیات ۸۷-۸۸ اولئک جزاؤهم ان علیهم لعنة الله والملئكة والناس

(اجمعین* خالدین فیها (حال وذوالحال

سوره آل عمران آیات ۱۰۵-۱۰۶ واولئک لهم عذاب عظیم* یوم تبیض وجوه وتسودّ

وجوه (ظرف)

سوره آل عمران آیات ۱۳۳-۱۳۴ وسارعوا الی مغفرة من ربکم

وجنة عرضها كعرض السماء والارض اعدت للمتقين* الذين ينفقون فى السراء والضراء
والكاظمين الغيظ والعافين عن الناس (صفت وموصوف)

سوره آل عمران آيات ١٦٦-١٦٧ وما اصابكم يوم التقى الجمعان فباذن الله وليعلم
المؤمنين* وليعلم الذين نافقوا(عطف به جمله تعليليه)

سوره آل عمران آيات ١٩٠-

١٩١ ان فى خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار لآيات لاولى

الالباب*الذين يذكرون الله قياما وقعودا وعلى جنوبهم

سوره نساء آيات ٢٦-٢٧

(ان الله لا يحب من كان مختالا فخورا* الذين يبخلون ويأمرون الناس بالبخل (بدل

سوره نساء آيات ٦٧-٦٨ واذا لاتيناهم من لدنا اجرا عظيما* ولهديناهم صراطا مستقيما
(عطف)

سوره نساء آيات ٨٩-٩٠ ولاتتخذوا منهم وليا ولانصيرا* الا الذين يصلون الى قوم

(بينكم وبينهم ميثاق (استثناء

سوره نساء آيات ٩٥-٩٦ وفضل الله المجاهدين على القاعدين اجرا عظيما* درجات منه

(ومغفرة ورحمة(بدل ومبدل منه

سوره نساء آیات ۹۷-۹۸ فأولئك مأويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصا * الا
المستضعفين من الرجال والنساء والولدان لا يستطيعون حيلة ولا يهتدون سبيلا (استثناء)

سوره نساء آیات ۱۰۵-۱۰۶ ولا تكن

للخائنين خصيما * واستغفر الله (عطف)

سوره نساء آیات ۱۱۷-۱۱۸ وان يدعون الا شيطانا مريدا * لعنه الله (وصف يا

استيناف)

سوره نساء آیات ۱۳۸-۱۳۹ بشر المنافقين بأن لهم عذابا اليما * الذين يتخذون

الكافرين اولياء من دون المؤمنين (صفت وموصوف)

سوره نساء آیات ۱۵۶-۱۵۷ وبكفرهم وقولهم على مريم بهتاننا عظيما * وقولهم انا قتلنا

عيسى بن مريم رسول الله (عطف)

سوره نساء آیات ۱۶۸-۱۶۹ ان الذين كفروا وظلموا لم يكن

(الله ليغفر لهم ولا ليهديهم طريقا * الا طريق جهنم خالدين فيها ابدًا (استثناء

سوره مائده آیات ۱۵-۱۶ قد جائكم من الله نور وكتاب مبين * يهدي به الله من اتبع

(رضوانه سبل السلام (صفت وموصوف)

سوره انعام آیات ۷۱-۷۲ وامرنا لنسلم لرب العالمين * وان اقيموا الصلوة واتقوه (عطف)

سوره انعام آیات ۸۴-۸۶ ومن ذریته داود وسليمان وايوب ويوسف وموسى وهارون....

وكلا فضلنا على العالمين

سوره انعام آیات ۱۶۲ قل ان صلاتى ونسكى ومحياى ومماتى لله رب العالمين * لا

(شريك له (حال يا استيناف

سوره اعراف آیات ۱۶-۱۷ قال فيما اغويتنى لأقعدن لهم صراطك المستقيم* ثم

لآتينهم من بين ايديهم ومن خلفهم وعن ايمانهم وعن شمائلهم ولا تجد اكثرهم شاكرين

سوره اعراف آیات ۴۴-۴۵ فأذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظالمين* الذين يصدون

عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة كافرون

سوره اعراف آیات ۵۰-۵۱ قالول ان الله حرمهم على

الكافرين* الذين اتخذوا دينهم لهوا ولعبا وغرتهم الحيوۃ الدنيا (صفت وموصوف)

سوره اعراف آیات

۱۷۲-۱۷۳ ان تقولوا يوم القيامة انا كنا عن هذا لغافلين* او تقولوا انما اشركء اباؤنا من

(قبل وكنا ذرية من بعدهم (عطف

سوره انفال آیات ۵-۶ وان فريقا من المؤمنین لكارهون* يجادلونك فى الحق بعد ما

تبين كأنما يساقون الى الموت وهم ينظرون (حال يا استيناف)

سوره انفال آيات ٣٦-٣٧ والذین کفروا الی جهنم یحشرون* لیمیز الله الخبیث من الطیب ویجعل الخبیث بعضه علی بعض میرکمه جمیعا فیجعلہ فی جهنم (تعلیل)

سوره انفال آيات ٦٢-٦٣ هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین* والف بین قلوبهم (عطف)

سوره توبه آيات ١٤-١٥ قاتلوهم یعذبهم الله بأیدیکم ویخزهم وینصرکم علیهم ویشف صور قوم مؤمنین* ویذهب غیظ قلوبهم (عطف بر جواب فعل طلب)

سوره توبه آيات ٢١-٢٢ یشرهم ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فیها نعیم مقیم (*خالدین فیها ابداء) حال وذوالحال

سوره توبه آيات ٣٤-٣٥ والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم* یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم (ظرف)

سوره یونس آيات ٧-٨ ان الذین لا یرجون لقاءنا ورضوا بالحیوة الدنیا واطمأنوا بها والذین هم عن آياتنا غافلون* اولئک ماویهم النار بما كانوا یکسبون (اسم وخبر ان)

سوره یونس آیات ۹۶-۹۷ ان الذین حقت علیهم کلمت ربک لایؤمنون* ولوجاءتهم
(کل ءایة حتی یروا العذاب الالیم) شرط متأخر

سوره یونس آیات ۱۰۴-۱۰۵ وامرت ان اکون من المؤمنین* وان اقم وجهک للذین
حنیفا (عطف)

سوره هود آیات ۱۸-۱۹ الا لعنة الله على الظالمین* الذین یصدون عن سبیل الله
ویبغونها عوجا وهم بالآخرة هم کافرون (صفت وموصوف)

سوره هود آیات ۵۴-۵۵ قال انی اشهدوا الله واشهدوا انی برىء مما تشرکون*
(من دونه) جار ومجرور ومتعلق

سوره هود آیات ۶۷-۶۸ وأخذ الذین ظلموا الصیحة فأصبحوا فی ديارهم جاثمین*
(کأن لم یغنوا فیها) حال از فاعل اصبحوا

سوره هود آیات ۸۲-۸۳ فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها وامطرنا علیها حجارة من
(سجیل منضود)* مسومة عند ربک) حال

سوره هود آیات ۹۴-۹۵ فأخذت الذین ظلموا الصیحة فأصبحوا فی ديارهم جاثمین*
کأن لم یغنوا فیها (حال از فاعل اصبحوا)

سوره هود آيات ٩٦-٩٧ ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين *الى فرعون وملآيه
فأتبعوا امر فرعون (جار ومجرور ومتعلق)

سوره هود آيات ١٠٦-١٠٧ فأما الذين شقوا ففي النار لهم فيها زفير وشهيق *خالدين
فيها ما دامت السموات والارض الا ماشاء ربك

سوره هود آيات ١١٨-١١٩ ولو شاء ربك لجل الناس امة واحدة ولايزالون مختلفين *
الا من رحم ربك

سوره هود آيات ١٢١ - وقل للذين لا يؤمنون اعملوا على مكانتكم انا عاملون
*وانتظروا انا منتظرون ١٢٢

سوره يوسف آيات ١١-١٢ قالوا يا ابانا مالك لاتأمننا على يوسف وانا له لناصحون *
ارسله معنا غدا يرتع ويلعب وانا له لحافظون (حيز قول)

سوره رعد آیات ۱۹-۲۰ انما يتذكر اولوا الالباب * الذين يوفون بعهد الله ولا ينقضون

الميثاق

سوره رعد آیات ۲۲- اولئك لهم عقبى الدار* جنات عدن يدخلونها ومن صلح

من ابائهم وازواجهم وذرياتهم (بدل از عقبى الدار)

سوره رعد آیات ۲۳-۲۴ والملائكة يدخلون عليهم من

(كل باب * سلام عليكم بما صبرتم (مفعول قول مقدر حال از ملائكه

سوره ابراهيم آیات ۱-۲ كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور بأذن

ربهم الى صراط العزيز الحميد* الله الذى له ما فى السموات وما فى الارض (بدل)

سوره ابراهيم آیات ۱۳-۱۴ فأوحى اليهم ربهم لنهلكن الظالمين* ولنسكنكم الارض من

بعدهم (عطف)

سوره ابراهيم آیات ۱۶-۱۷ من ورائه جهنم ويسقى من ماء صديد*

يتجرعه ولا يكاد يسيغه ويأتيه الموت من كل مكان وما هو بميت (حال از فاعل يسقى يا

استيناف)

سوره ابراهيم آیات ۱۹-۲۰ ان يشأ يذهبكم ويأت بخلق جديد* وما ذلك على الله

بعزيز (عطف)

سوره ابراهيم آیات ۲۴-۲۵ الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها في السماء * تؤتي اكلها كل حين باذن ربها(حال يا وصف برای شجره)

سوره ابراهيم آیات ۲۸-۲۹ الم تر الى الذين بدلوا نعمة الله كفرا واحلوا قومهم دار البوار* جهنم يصلونها ويئس القرار (بدل از دار البوار)

سوره ابراهيم آیات ۴۲-۴۳ انما يؤخرهم ليوم تشخص فيه الابصار * مهطعين مقنعي رءوسهم لا يرتد اليهم طرفهم وافئدتهم هواء (حال از ضمير در يؤخرهم)

سوره حجر آیات ۱۲-۱۳ كذلك نسلكه في قلوب المجرمين * لا يؤمنون به وقد خلت سنة الاولين (استيناف بياني يا حال از مفعول نسلكه)

سوره حجر آیات ۱۴-۱۵ ولو فتحنا عليهم بابا من السماء فظلوا فيه يعرجون * لقالوا انما سكرت ابصارنا بل نحن قوم مسحورون (شرط وجزاء)

سوره حجر آیات ۱۶-۱۸ ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها للناظرين * وحفظناها من كل شيطان رجيم * الا من استرق السمع فأتبعه شهاب مبين (عطف)

سوره حجر آيات ٣٠-٣١ فسجد الملائكة كلهم اجمعون* الا ابليس ابى ان يكون مع
الساجدين

سوره حجر آيات ٣٤-٣٥ قال فاخرج منها فانك رجيم* وان عليك اللعنة الى يوم
الدين

سوره حجر آيات ٣٧-٣٨ قال فانك من المنظرين* الى يوم الوقت المعلوم

سوره حجر آيات ٣٩-٤٠ قال رب بما اغويتنى لأزبنن لهم فى الارض ولأغوينهم
اجمعين* الا عبادك منهم المخلصون

سوره حجر آيات ٤٣-٤٤ وان جهنم لموعدهم اجمعين* لها سبعة ابواب لكل باب منهم
جزء مقسوم (خبر دوم)

سوره حجر آيات ٤٩-٥٠ نبى عبادى انى انا الغفور الرحيم* وان عذابى هو العذاب
الاليم

سوره حجر آيات ٥٩-٦٠ الاء لوط انا لمنجوههم اجمعين * الامراته قدرنا انها
لمن الغابرين

سوره حجر آيات ٦٨-٦٩ قال ان هؤلاء ضيفى فلا تفضحون * واتقوا الله ولا تفضحون

سوره حجر آيات ٧٣-٧٤ فأخذتهم الصيحة مشرقين * فجعلنا عاليها سافلها وامطرنا
عليهم حجارة من سجيل

سوره حجر آيات ٧٨-٧٩ وان كان اصحاب الأيكة لظالمين * فانتقمنا منهم وانهما لبإمام
مبين

سوره حجر آيات ٩٠-٩١ كما انزلنا على المقتسمين * الذين جعلوا القرآن عضين

سوره حجر آيات ٩٢-٩٣ فوربك لنسئلنهم اجمعين * عما كانوا يعملون

سوره حجر آيات ٩٥-٩٦ انا كفيناك المستهزيين * الذين يجعلون مع الله الهاء اخر

سوره حجر آيات ٩٧-٩٩ ولقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون* فسبح بحمد ربك وكن من الساجدين* واعبد ربك حتى ياتيك اليقين

سوره نحل آيات ١٥-١٦ والقي في الارض رواسى ان تميد بكم وانهارا وسبلا لعلكم (تهتدون* وعلامات (عطف بر رواسى

سوره نحل آيات ٢٤-٢٥ واذا قيل لهم ماذا انزل ربكم قالوا اساطير الاولين* ليحملوا اوزارهم كاملة يوم القيامة ومن اوزار الذين يضلونهم بغير علم (لام عاقبة)

سوره نحل آيات ٢٧-٢٨ قال الذين اوتوا العلم ان الخزي اليوم والسوء على الكافرين* الذين تتوفيهم الملائكة ظالمى انفسهم

سوره نحل آيات ٣١-٣٢ كذلك يجزى الله المتقين* الذين تتوفيهم الملائكة الذين تتوفيهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون

سوره نحل آيات ٤٥-٤٧ افامن الذين مكروا السيئات ان يخسف الله بهم الارض او ياتيهم العذاب من حيث لا يشعرون* او ياخذهم فى تقلبهم فما هم بمعجزين* او ياخذهم على تخوف فان ربكم لراءوف رحيم

سوره نحل آیات ۵۴-۵۵ ثم اذا كشف الضر عنكم اذا فريق منهم بربهم يشركون*
(ليكفروا بما ءاتيناهم) (لام تعليل يا عاقبة)

سوره نحل آیات ۶۸-۶۹ واوحى ربك الى النحل ان اتخذى من الجبال بيوتا ومن
الشجر ومما يعرشون* ثم كلى من كل الثمرات فاسلكى سبل ربك ذللا

سوره نحل آیات ۱۲۰-۱۲۱ ان ابراهيم كان امة قانتا لله حنيفا ولم يك من المشركين*
شاكرا لأنعمه (خبر دوم برای كان)

سوره اسراء آیات ۹-۱۰ ان هذا القرءان يهدى للتى هي اقوم

ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا كبيرا* وان الذين لا يؤمنون
بالآخرة اعتدنا لهم عذابا اليما سوره اسراء آیات ۵۰-۵۱ قل كونوا حجارة او حديدا*
او خلقا مما يكبر فى صدوركم

سوره اسراء آیات ۶۸-۶۹ افأمتتم ان يخسف بكم جانب البر او يرسل عليكم حاصبا ثم
لا تجدوا لكم وكيلا* ام امنتتم ان يعيدكم فيه تارة اخرى

سوره اسراء آیات ۸۶-۸۷ ولئن شئنا لنذهبن بالذى اوحينا لك ثم لا تجد لك به علينا
وكيلا* الا رحمة من ربك

اسراء آیات ۹۰-۹۳ وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارص ينبوعا* او تكون
لك جنة من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها تفجيرا* او تسقط السماء علينا كسفا او

تأتى بالله والملئكة قبيلاً* اويكون لك بيت من زخرف او ترقى فى السماء ولن تؤمن
لرقيق حتى تنزل علينا كتابا نقرؤه

سوره اسراء آيات ١٠٧-١٠٨ ان الذين اتوا العلم من قبله اذا يتلى عليهم يخرون
للاذقان سجدا* ويقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا

سوره كهف آيات ٢-٣ ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا*
(ماكتين فيه ابداء) (حال از ضمير در لهم

سوره كهف آيات ٣٢-٣٣ كلتا الجنتين ءاتت اكلها ولم تظلم منه شيئا وفجرنا خلالهما
نهارا* وكان له ثمر

سوره كهف آيات ٣٥-٣٦ ودخل جنته وهو ظالم لنفسه قال ما اظن

ان تبيد هذه ابداء* وما اظن الساعة قائمة

سوره كهف آيات ٦٧-٦٨ قال انك لن

تستطيع معى صبرا* وكيف تصبر على ما لم تحط به خبرا

سوره كهف آيات ٨٤-٨٥ انا مكنا له فى الارض وءاتيناه من كل شىء سببا* فاتبع

سببا

سوره كهف آيات ۱۰۷-۱۰۸ ان الذين ءامنوا وعملوا الصالحات كانت لهم جنات الفردوس نزلا * خالدین فیها لا یبغون عنها حولا (حال از ضمیر در لهم)

سوره مریم آيات ۵-۶ وانی خفت الموالی من وراءی وکانت امرأتی عاقرا فهب لی من (لدنک ولیا * یرثنی ویرث من آل یعقوب واجعله رب رضیا (نعت برای ولیا
سوره مریم آيات ۱۲-۱۵ یا یحیی خذ الكتاب بقوة وءاتیناه الحکم صبیا * وحنانا من
لدنا و زکوة وکان تقیا * وبرا بوالدیه ولم یکن جبارا عصیا * و سلام علیه یوم ولد و یوم
یموت و یوم یربعث حیا

سوره مریم آيات ۵۶-۵۷ واذکر فی الكتاب ادیس انه کان صدیقا نبیا * ورفعناه
مکانا علیا

سوره مریم آيات ۵۹-۶۱ فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات
فسوف یلقون غیا * الا من تاب فأولئک یدخلون الجنة ولا یظلمون شیئا * جنات عدن
(التی وعد الرحمن عباده بالغیب (بدل از جنة

سوره مریم آيات ۸۵-۸۶ یوم نحشر المتقین الی الرحمن وفدا * ونسوق المجرمین الی
جهنم وردا

سوره مریم آیات ۹۰-۹۱ تکاد السموات يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر

(الجبال هداً * ان دعوا للرحمن ولدا (تعليل

سوره طه آیات ۲۲-۲۳ واضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء ءاية

(اخرى * لنريك من ءاياتنا الكبرى(تعليل

سوره طه آیات ۲۵-۲۸ قال رب اشرح لي صدري * ويسر لي امری * واحلل عقدة من

لسانی * يفقهوا قولي (جواب فعل طلب)

سوره طه آیات ۲۹-۳۰ واجعل لي وزيراً من اهلی * هرون اخي (بدل)

سوره طه آیات ۳۱-۳۵ اشدد به ازری * واشركه فی امری * کی نسبحك

كثيراً * ونذكرک كثيرا * انك كنت بنا بصيرا

سوره طه آیات ۳۷-۳۹ ولقد مننا عليك مرة اخرى * اذ اوحينا الى امك ما يوحى *

(ان اذفيه في التابوت فاذفيه في اليم فليلقه اليم بالساحل(تفسير

سوره طه آیات ۷۵-۷۶ ومن يآته مؤمناً قد عمل الصالحات فاولئك لهم الدرجات

العلی * جنات عدن تجرى من تحتها الانهار خالدین فیها (بدل)

سوره طه آیات ۹۲-۹۳ قال يا هرون ما منعك اذ رايتهم

ضلوا * ان لا تتبعن افصيت امری سوره طه آیات ۱۰۱-۱۰۲ من اعرض عنه فانه

يحمل يوم القيامة وزراً * خالدین فيه سوره طه آیات ۱۰۵-۱۰۷ ويستلونك

عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا* فيذرها قاعا صفصفا* لا تری فیها عوجا ولا امتا
(نعت)

سوره طه آیات ۱۱۸-۱۱۹ ان لك الاتجوع فیها ولا تعری* وانك لا تظموا فیها

ولا تضحی سوره انبیاء آیات ۳-۴ ما یأتیه من ذکر من ربهم محدث الا

استمعوه وهم یلعبون* لاهیة قلوبهم (حال از فاعل استمعوه یا فاعل یلعبون)

سوره انبیاء آیات ۲۶-۲۷ بل عباد

مکرمون* لا یسبقونه بالقول وهم بامرہ یعملون (خبر دوم) سوره انبیاء آیات ۴۹-

۴۸ ولقد آتینا موسی وهرون الفرقان و ضیاء و ذکرا للمتقین* الذین یخشون ربهم بالغیب

وهم من الساعة مشفقون سوره

انبیاء آیات ۱۰۱-۱۰۲ ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون*

(لا یسمعون حسیسها) خبر دوم برای ان

سوره حج آیات ۶-۷ ذلک بأن الله هو الحق وانه یحیی الموتی وانه علی کل شیء

قدیر* وان الساعة لآتیة لاریب فیها وان الله یربعث من فی القبور

سوره حج آیات ۲۷-۲۸ واذن فی الناس بالحج یأتوک رجالا وعلی کل ضامر یأتین

من کل فج عمیق* لیشهدوا منافع لهم

سوره حج آیات ۳۰-۳۱ فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا

قول الزور* حنفاء لله غیر مشرکین به

سوره حج آیات ۳۴-۳۵ وبشر المخبثین*

الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم والصابرين على ما اصابهم والمقيمي الصلوة ومما

رزقناهم ينفقون
سوره حج آيات ٤١-

٤٤ وان يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد و ثمود* وقوم ابراهيم وقوم لوط*

واصحاب مدين

سوره مؤمنون آيات ١-٢ قد افلح المؤمنون* الذين هم فى صلوتهم خاشعون

سوره مؤمنون آيات ٥-٦ والذين هم لفروجهم حافظون* الا على ازواجهم او

ما ملكت ايماهم فإنهم غير ملومين

سوره مؤمنون آيات ١٠-١١ اولئك هم الوارثون* الذين يرثون الفردوس هم فيها

خالدون
سوره مؤمنون آيات ٣٣-٣٨ وقال الملائ من قومه الذين كفروا وكذبوا

بلقاء الآخرة و اترفناهم فى الحيوه الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون منه

ويشرب مما تشربون* ولئن اطعمتم بشرا مثلكم انكم اذا لخاسرون* ايعدكم انكم اذا متم

وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون* هيهات هيهات لما توعدون* ان هى الا حيوتنا

الدنيا نموت ونحيا ومانحن بمبعوثين* ان هو الا رجل افترى على الله كذبا ومانحن له

بمؤمنين

سوره مؤمنون آيات ٤٥-٤٦ ثم ارسلنا موسى واخاه هرون بآياتنا وسلطان مبين* الى

فرعون وملايه فاستكبروا وكانوا قوما عالين

سوره مؤمنون آيات ٥٥-٥٦ ايحسبون ان ما نمدهم به من مال وبنين* نسارع لهم فى

الخيرات
سوره مؤمنون آيات ٥٧-٦١ ان الذين هم من خشية ربهم مشفقون*

والذين هم بآيات ربهم يؤمنون * والذين هم بربهم لا يشركون * والذين يؤتون ما آتوا
وقلوبهم وجلة انهم الى ربهم راجعون * اولئك يسارعون فى الخيرات وهم لها سابقون
سوره مؤمنون آيات ٤٦-٤٧ قد كانت

ءاياتى تتلى عليكم فكنتم على اعقابكم تنكصون * مستكبرين به سامرا تهجرون (حال
از فاعل تنكصون) سوره مؤمنون آيات ٩١-

٩٢ سبحان الله عما يصفون عالم الغيب والشهادة فتعالى عما يشركون سوره مؤمنون
آيات ٩٣-٩٤ قل رب اماترينى ما يوعدون * رب فلا تجعلنى فى القوم الظالمين (حيز
قول)

سوره مؤمنون آيات ٩٧-٩٨ وقل رب اعوذ بك من همزات الشياطين * واعوذ بك رب
ان يحضرون

سوره مؤمنون آيات ٩٩-١٠٠ حتى اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون * لعلنى
(اعمل صالحا فيما تركت (جواب فعل طلب)

سوره نور آيات ٤-٥ والذين يرمون المحنات ثم لم يأتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين
جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك هم الفاسقون * الا الذين تابوا من بعد ذلك
واصلحوا فإن الله غفور رحيم

سوره نور آيات ٨-٩ ويدروا عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين

*والخامسة ان غضب الله عليها ان كان من الصادقين

سوره نور آيات ٢٣-٢٤ ان الذين يرمون المحصنات الغافلات

المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخرة ولهم عذاب عظيم * يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم

وارجلهم بما كانوا يعملون سورة نور آيات ٣٦-٣٧ في بيت اذن الله

ان ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو والآصال * رجال لا تلهيهم تجارة ولابيع

عن ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة (فعل وفاعل) سورة فرقان آيات

٧-٨ وقالوا مال هذا الرسول يأكل الطعام ويمشى في الاسواق لولا انزل عليه ملك

فيكون معه نذيرا* او يلقي اليه كنز او تكون له جنة يأكل منها

سوره فرقان آيات ٣٧-٣٨ وقوم نوح لما كذبوا الرسل اغرقناهم وجعلنا للناس آية

واعتدنا للظالمين عذابا اليما * وعادا وشمود واصحاب الرس وقرونا بين ذلك كثيرا

((مفعول فعل محذوف - دمرنا عطف بر واعتدنا

سوره فرقان آيات ٤٥-٤٦ الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا

الشمس عليه دليلا* ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا

سوره فرقان آيات ٤٨-٤٩ وانزلنا من السماء ماء طهورا * لنحيى به

(بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا) (تعليل

سوره فرقان آيات ٤٨-٤٩ ومن يفعل ذلك يلق اثاما * يضاعف له العذاب يوم القيامة

ويخلد فيه مهانا * الا من تاب وعمل عملا صالحا فأولئك يبدل الله سيئاتهم

حسنت (يضاعف بدل از يلق)

سوره فرقان آيات ۷۵-۷۶ اولئك يجزون الغرفة

بما صبروا ويلقون فيها تحية وسلاما * خالدين فيها حسنت مستقرا ومقاما

سوره شعراء آيات ۱۰-۱۱ واذ

نادى ربك موسى ان ائت القوم الظالمين * قوم فرعون (بدل) سورة شعراء آيات

۱۶-۱۷ فأتيا فرعون فقولا انا رسولا رب العالمين * ان ارسل معنا بنى اسرائيل

سوره شعراء آيات ۱۸-۱۹ قال الم نربك فينا وليدا ولبثت فينا من عمرك سنين *

وفعلت فعلتك التى فعلت وانت من الكافرين

سوره شعراء آيات ۳۶-۳۷ قالوا ارجه واخاه وابعث فى المدائن حاشرين * يأتوك بكل

سحار عليهم

سوره شعراء آيات ۳۹-۴۰ وقيل للناس هل انتم مجتمعون * لعلنا نتبع السحرة ان كانوا

هم الغالبون

سوره شعراء آيات ۴۶-۴۸ فألقى السحرة ساجدين * قالوا ءامنا برب العالمين * رب

موسى وهرون (بدل اشتمال يا حال از فاعل القى)

سوره شعراء آيات ۵۴-۵۶ ان هؤلاء لشرذمة قليلون * وانهم لنا

لغائظون * وانا لجميع حاذرون سورة شعراء آيات ۷۲-۷۳ قال هل يسمعونكم اذ

تدعون * او ينفعونكم او يضرون سورة شعراء آيات ۷۵-۷۶ قال

افرايتم ما كنتم تعبدون * انتم وءاباؤكم الاقدمون * فإنهم عدولى الا رب العالمين * الذى

خلقنى فهو يهدين

سوره شعراء آيات

سوره ۷۹-۸۰ والذى هو يطعمنى ويسقين * واذا مرضت فهو يشفين

سوره شعراء آيات ۸۷-۸۹ ولا تخزنى يوم يبعثون* يوم لا ينفع مال ولا بنون* الا من اتى الله

بقلب سليم

سوره شعراء آيات ۹۰-۹۱ وازلفت الجنة للمتقين* وبرزت الجحيم

لغاوين سوره شعراء آيات ۹۲-۹۳ وقيل لهم اين ماكنتم تعبدون*

من دون الله هل ينصرونكم او ينتصرون (متعلق به تعبدون)

سوره شعراء آيات ۹۴-۹۵ فككبوا فيها هم

والغاون* و جنود ابليس اجمعون (عطف بر واو ككبوا)

سوره شعراء آيات ۹۶-۹۸ قالوا وهم فيها يختصمون* تالله ان كنا لفي ضلال مبين* اذ

نسويكم رب العالمين (مقول قول)

سوره شعراء آيات ۱۰۰-۱۰۱ فما لنا من شافعين* ولا صديق حميم (عطف بر شافعين)

سوره شعراء آيات ۱۰۷-۱۰۸ انى لكم رسول امين* فاتقوا الله واطيعون

سوره شعراء آيات ۱۲۵-۱۲۶ انى لكم رسول امين* فاتقوا الله

واطيعون

سوره شعراء آيات ۱۳۲-۱۳۴ واتقوا الذى

(امدكم بما تعملون* امدكم با نعام وبنين* وجنات وعيون) بدل

سوره شعراء آیات ۱۳۷-۱۳۸ ان هذا الا خلق الاولين * وما نحن بمعذبين

سوره شعراء آیات ۱۴۳-۱۴۴ انى لكم رسول امين * فاتقوا الله واطيعون

سوره شعراء آیات ۱۴۶-۱۴۸ اتركون فيما ههنا امنين * فى جنات

(وعيون * و زروع ونخل طلعتها هضيم (بدل از ما در فيما

سوره شعراء آیات ۱۵۱-۱۵۲ ولا تطيعوا امر المسرفين * الذين يفسدون فى الارض ولا

يصلحون سوره شعراء آیات ۱۶۲-۱۶۳ انى لكم رسول امين * فاتقوا الله واطيعون

سوره شعراء آیات ۱۶۵-۱۶۶ اتأتون الذکران من العالمين

* وتذرون ما خلق لكم ربكم من ازواجکم بل انتم قوم عادون

سوره شعراء آیات ۱۷۰-۱۷۱ فنجيناها واهله اجمعين * الا عجوزا فى الغابرين

سوره شعراء آیات ۱۷۸-۱۷۹ انى لكم رسول امين * فاتقوا الله واطيعون

سوره شعراء آیات ۱۸۵-۱۸۶ قالوا انما انت من

المسحرين * وما انت الا بشرا مثلنا وان نظنک لمن الکاذبين

سوره شعراء آیات ۱۹۳-۱۹۵ نزل به الروح الامين * على قلبک لتكون من المنذرين *

بلسان عربى مبين

سوره شعراء آیات ۲۰۰-۲۰۱ کذلک سلکناه فی قلوب المجرمین * لایؤمنون به
حتی یروالعذاب الالیم (حال از مجرمین یا هاء در سلکناه)

سوره شعراء آیات ۲۰۵-۲۰۷ افرایت ان متعناهم سنین * ثم جائهم ما
(کانوا یوعدون * ما اغنی عنهم ما کانوا یمتعون (شرط وجزاء
سوره شعراء آیات ۲۱۷-۲۱۹ وتوکل علی العزیز الرحیم * الذی یریک حین تقوم *
وتقلبک فی الساجدین (عطف بر کاف در یریک)

سوره شعراء آیات ۲۲۵-۲۲۷ الم تر انهم فی کل واد
یهیمون * وانهم یقولون ما لایفعلون * الا الذین ءامنوا وعملوا الصالحات و ذکر و الله کثیرا
وانتصروا من بعد ما ظلموا
سوره نمل آیات ۱-۳ تلک آیات
الکتاب المبین * هدی وبشری للمؤمنین * الذین یمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم
بالآخره هم یوقنون (خبر دوم یا حال از آیات)
سوره
نمل آیات ۹-۱۰ یا موسی انه انا الله العزیز الحکیم * والقی عصاک (عطف بر جواب
نداء) سوره نمل آیات ۳۰-۳۱ انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم * ان
لاتعلوا علی واتونی مسلمین

سوره نمل آیات ۹۱-۹۲ وامرت ان اکون من المسلمین * وان اتلوا القرءان
سوره قصص آیات ۵-۶ ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض
ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض

سوره نمل آیات ۹-۱۰ یا موسی انه انا الله العزیز الحکیم * والقی عصاک (عطف بر جواب نداء)

سوره نمل آیات ۹۱-۹۲ وامرت ان اکون من المسلمین * وان اتلوا القرآن

سوره قصص آیات ۵-۶ ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الأرض ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین * ونمکن لهم فی الارض ونری فرعون وهامان وجنودهما منهم ما کانوا یحذرون

سوره قصص آیات ۳۰-۳۱ فلما اتیها نودی من شاطئ الوادی الایمن فی البقعة المبارکة من الشجرة ان یا موسی انی انما الله رب العالمین * وان التقی عصاک (عطف بر ان یا موسی)

سوره عنکبوت آیات ۶۵-۶۶ فإذا ركبوا فی الفلک دعو الله مخلصین له الدین فلما نجیهم الی البر اذا هم یشرکون * لیکفروا بما ءاتیناهم ولیتمتعوا فسوف تعلمون (لام عاقبه)

سوره روم آیات ۲-۴ غلب الروم * فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون * فی بضع سنین

سوره روم آیات ۴-۵ ویومئذ یفرح المؤمنون * بنصر الله

سوره روم آيات ٣١-٣٢ ولا تكونوا من المشركين* من الذين فرقوا دينهم وكانوا شيعا
(بدل)

سوره روم آيات ٣٣-٣٤ واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا اذاقهم منه
رحمة اذا فريق منهم بربهم يشركون* ليكفروا بما ءاتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون(لام
عاقبه)

سوره لقمان آيات ٢-٤ تلك آيات الكتاب الحكيم* هدى ورحمة للمحسنين* الذين
يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالآخرة هم يوقنون (خبر دوم يا حال از آيات)

سوره لقمان آيات ٨-٩ ان الذين ءامنوا وعملوا الصالحات لهم جنات النعيم* خالدين فيها
وعدا لله حقا

سوره احزاب آيات ١٨-١٩ قد يعلم الله المعوقين منكم والقائلين لاخوانهم هلم الينا ولا
يأتون البأس الا قليلا* اشحة عليكم (حال از فاعل يأتون)

سوره احزاب آيات ٢٣-٢٤ من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله

عليه فممنهم من قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا* ليجزى الله الصادقين
بصدقهم ويعذب المنافقين ان شاء او يتوب عليهم (لام تعليل متعلق به فعل محذوف)

سوره احزاب آيات ٤١-٤٢ يا ايها

الذين ءامنوا واذكروا الله ذكرا كثيرا* وسبحوه بكرة واصيلا سورة احزاب آيات ٤٥-

٤٦ يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا* وداعيا الى الله باذنه وسراجا منيرا

سوره احزاب آيات ٦٤-٦٥ ان الله لعن الكافرين واعد لهم سعيرا* خالدون فيها ابدًا

لا يجدون وليا ولا نصيرا

سوره احزاب آيات ٧٠-٧١ يا ايها الذين ءامنوا اتقوا الله وقلوا قولا سديدا* يصلح لكم

اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم (جواب فعل طلب)

سوره سبأ آيات ١٠-١١ ولقد ءاتينا داود منا فضلا يا جبال اوبي معه والطير والننا له

الحديد* ان اعمل سابغات وقدر في السرد واعملوا صالحا انى بما تعملون عليهم (متعلق

به الننا) سورة فاطر آيات ١٩-٢١ وما يستوى الاعمى والبصير* ولا

الظلمات ولا النور* ولا الظل ولا الحرور

سوره فاطر آيات ٢٩-٣٠ ان الذين يتلون كتاب الله واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم

سرا وعلانية يرجون تجارة لن تبور* ليوفيهم اجرهم ويزيدهم من فضله انه غفور

شكور (تعليل) سورة فاطر آيات ٣٤-٣٥ وقالوا الحمد لله الذى اذهب عنا

الحزن ان ربنا لغفور شكور* الذى احلنا دار المقامة من فضله لا يمسنا فيها نصب

ولا يمسنا فيها لغوب سورة فاطر آيات ٤٢-٤٣

واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءهم نذير ليكونن اهدى من احدى الامم فلما جاءهم

نذير ما زادهم الا نفورا * استكبارا فى الارض ومكر السىء (مفعول له يا بدل از نفورا)

سوره يس آيات ۲-۴ والقرءان الحكيم * انك لمن المرسلين * على صراط مستقيم

سوره يس آيات ۵-۶ تنزيل العزيز الرحيم * لتنذر قوما ما نذراء اباؤهم فهم

غافلون (تعليل) سوره يس آيات ۲۰-۲۱ وجاء من اقصال مدينة رجل يسعى قال

يا قوم اتبعوا المرسلين * اتبعوا من لا يستلکم اجرا وهم مهتدون (بدل)

سوره يس آيات ۲۶-۲۷ قيل ادخل الجنة قال

يالىت قومى يعلمون * بما غفر لى ربي وجعلنى من المكرمين

سوره يس آيات ۳۴-۳۵ وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب وفجرنا فيها من العيون

* لياكلوا من ثمره وما عملته ايديهم افلا يشكرون (تعليل)

سوره يس آيات ۴۱-۴۲ وءاية لهم انا حملنا ذريتهم فى الفلك

المشحون * وخلقنا لهم من مثله ما يركبون

سوره يس آيات ۴۳-۴۴ وان نشأ نغرقهم فلا

صريخ لهم ولا هم ينقذون * الا رحمة منا ومتاعا الى حين

سوره يس آيات ۶۹-۷۰

ان هو الا ذكر وقرءان مبين * لينذر من كان حيا ويحق القول على الكافرين (تعليل) سوره

صافات آيات ۱-۴ والصفات صفا * فالزاجرات زجرا * فالتاليات ذكرا * ان الهكم

لواحد

سوره صافات آیات ۱۵-۱۷ وقالوا ان هذا الاسحر مبين * ائذا متنا وكنا ترابا وعظاما
ائنا لمبعوثون * اوءاباؤنا الاولون (حيز قول)

سوره صافات آیات ۲۲-۲۳ احشروا الذين ظلموا وازواجهم وماكانوا

يعبدون * من دون الله فاهدوهم الى صراط الحجيم

سوره صافات آیات ۳۵-۳۶ انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون * ويقولون ائنا
لتاركو الهتنا لشاعر مجنون (عطف بر خبر كان)

سوره صافات آیات ۴۱-۴۲ اولئك لهم رزق معلوم * فواكه وهم

مكرمون * فى جنات النعيم * على سرر متقابلين (بدل از رزق)

سوره صافات آیات ۴۵-۴۶ يطاف عليهم

(بكأس من معين * بيضاء لذة للشاربين) نعت دوم برای كأسا

سوره صافات آیات ۴۸-۴۹ وعندهم قاصرات الطرف عين * كأنهن بيض مكنون)
خبر ثانی برای قاصرات

سوره صافات آیات ۵۱-۵۲ قال قائل منهم انى كان لى قرين * يقول ائتك لمن
(المصدقين) نعت برای قرين

سوره صافات آیات ۵۶-۵۷ قال تالله ان كدت لتردين * ولولا نعمة ربى لكنت من
المحضرين

سوره صافات آيات ٥٨-٥٩ افما نحن بميتين * الا موتتنا الاولى وما نحن بمبعوثين
سوره صافات آيات ٦٤-٦٥ انها شجرة تخرج فى اصل الجحيم * طلعتها كأنه
(رءوس الشياطين) صفت دوم براى شجرة

سوره صافات آيات ٦٩-٧٠ انهم الفوا ءابائهم ضالين * فهم على ءاثارهم يهرعون
سوره صافات آيات ٧٣-٧٤ فانظر كيف كان عاقبة المنذرين * الا عبادالله
المخلصين

سوره صافات آيات ٩٥-٩٦ قال اتعبدون ماتنحتون
سقيم
*والله خلقكم وما تعملون (جملة حالیه) سوره صافات آيات ١٠٣-١٠٥ فلما

(اسلما وتله للحين * وناديناه ان يا ابراهيم * قد صدقت الرؤيا) عطف بر اسلما
سوره صافات آيات ١٢٥-١٢٦ اتدعون بعلا وتذرون احسن الخالقين * الله ربكم ورب
(ءاباءكم الاولين) بدل

سوره صافات آيات ١٢٧-١٢٨ فكذبوه فإنهم لمحضرون * الا عبادالله المخلصين
سوره صافات آيات ١٣٤-١٣٦ اذ نجيناه واهله اجمعين * الا عجوزا فى
الغابرين * ثم دمرنا الآخريين

سوره صافات آيات ١٣٧-١٣٨ وانكم لتمرون عليهم
مصبحين * وبالليل
الفلک المشحون * فساهم فكان من المدحضين سوره صافات آيات ١٤٢-

١٤٣ فلولا انه كان من المسبحين * للبت فى بطنه الى يوم يبعثون (شرط وجزاء)

سوره صافات آيات ١٥١-١٥٢ الا انهم من افكهم ليقولون * ولد الله وانهم لكاذبون
(مقول قول)

سوره صافات آيات ١٥٦-١٥٧ ام لكم سلطان مبين * فأتوا بكتابكم

ان كنتم صادقين سوره صافات آيات ١٦١-١٦٣ فإنكم وما تعبدون * ما

(انتم عليه بفاتنين * الامن هو صال الجحيم) خبر ان

سوره صافات آيات ١٦٧-١٦٩ وان كانوا ليقولون * لو ان عندنا ذكرا من الاولين * لكننا

عباد الله المخلصين (مقول قول مشتمل برشرط وجزاء)

سوره ص آيات ١٢-١٣ كذبت قبلهم قوم نوح وعاد

(و فرعون ذو الاوتاد * و ثمود و قوم لوط و اصحاب الايكة) عطف برفاعل

سوره ص آيات ١٨-١٩ انا سخرنا الجبال معه يسبحن بالعشى والاشراق * والطيور

محشورة كل له اواب (عطف برمفعول)

سوره ص آيات ٣١-٣٢ اذ عرض عليه بالعشى الصافنات

الحياد * فقال انى احببت حب الخير عن ذكر ربي حتى توارت بالحجاب

سوره ص آيات ٣٦-٣٨ فسخرنا له

الريح تجرى بامرہ رخاء حيث اصاب * والشياطين كل بناء وغواص * وءاخرين مقرنين

سوره ص

فى الاصفاد (عطف برمفعول)

آیات ۴۹-۵۰ وان للمتقين لحسن مآب * جنات عدن مفتحة لهم الابواب (بدل)

سوره ص آیات ۵۷-۵۸ هذا فليذوقوه حميم وغساق * وءاخر من شكله ازواج

(عطف بر هذا) سوره ص آیات ۶۷-۶۸ قل هو نبؤا عظيم * انتم عنه معرضون (خبر

دوم برای هو) سوره ص آیات ۷۳-۷۴ فسجد الملئكة كلهم اجمعين * الا

ابليس استكبر وكان من الكافرين سوره ص آیات ۷۷-۷۸ قال فاخرج منها فإنك

رجيم * وان عليك اللعنة الى يوم الدين سوره ص آیات ۸۰-۸۱ قال

فأنك من المنظرين * الى يوم الوقت المعلوم سوره ص آیات ۸۲-

۸۳ قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين * الا عبادك منهم المخلصين سوره زمر

آیات ۱۱-۱۲ قل انى امرت ان اعبدالله مخلصا له الدين * وامرت لأن اكون اول

المسلمين

سوره زمر آیات ۱۷-۱۸ والذين اجتنبوا الطاغوت ان يعبدوها وانا بوا الى

الاله لهم البشرى فبشر عباد * الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه (نعت)

سوره زمر آیات ۳۹-۴۰ قل يا قوم اعملوا على

مكاتتكم انى عامل فسوف تعلمون * من يأتیه عذاب يخزيه ويحل عليه عذاب مقيم

سوره زمر آیات ۵۵-۵۸

واتبعوا احسن ما انزل اليكم من ربكم من قبل ان بأتيكم العذاب بغتة وانتم لاتشعرون *

ان تقول نفس يا حسرتى على ما فرطت فى جنب الله وان كنت لمن الساخرين * اوتقول

لو ان الله هدينى لكنت من المتقين * اوتقول حين ترى العذاب لو ان لى كرة فأكون من

سوره غافر آيات ۲-۳ تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم * غافر الذنب وقابل

التوب شديد العقاب ذى الطول لا اله الا هو اليه المصير نعت ثالث براى الله)

سوره غافر آيات ۱۵-۱۶ رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح

من امره على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق * يوم هم بارزون لا يخفى على الله

منهم شىء (بدل از يوم) سوره غافر آيات ۲۳-۲۴ ولقد ارسلنا

موسى وسلطان مبين * الى فرعون وهامان وقارون فقالوا ساحر كذاب

سوره غافر آيات ۳۰-۳۱ وقال الذى ءامن يا قوم انى اخاف عليكم مثل يوم الاحزاب *

مثل دأب قوم نوح وعاد وشمود والذين من بعدهم (بدل)

سوره غافر آيات ۳۲-۳۳ ويا قوم انى عليكم يوم التناد * يوم تولون

مدبرين مالكم من الله من عاصم (بدل از يوم)

سوره غافر آيات ۳۶-۳۷ وقال فرعون يا هامان ابن

لى صرحا لعلى ابلغ الاسباب * اسباب السموات فأطلع الى اله موسى وانى لأظنه كاذبا

(بدل) سوره غافر آيات ۵۱-۵۲ انا لننصر

رسلنا والذين ءامنوا فى الحيوۃ الدنيا ويوم يقوم الاشهاد * يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم

(بدل از يوم) سوره غافر

آيات ۵۳-۵۴ ولقد ءاتينا موسى الهدى واورثنا بنى اسرائيل الكتاب * هدى وذكرى

(لأولى الألباب (مفعول له

سوره غافر آیات ۷۰-۷۲ الذین کذبوا بالکتاب وبما ارسلنا به رسلنا فسوف یعلون *
اذ الأغلال فی اعناقهم والسلاسل یسحبون* فی الحمیم ثم فی النار یسجرون (مفعول
به یعلمون یا متعلق به آن)

سوره غافر آیات ۷۳-۷۴ ثم قیل لهم این ما کنتم تشرکون

* من دون الله قالوا ضلوا عنا بل نکن ندعوا من قبل شیئا

سوره فصلت آیات ۳-۴ کتاب فصلت آیاته قرءانا عربیا لقوم یعلمون * بشیرا ونذیرا
فأعرض اکثرهم فهم لا یسمعون (صفت برای قرءانا یا حال از کتاب)

سوره فصلت آیات ۶-۷ و ویل للمشرکین * الذین لا یؤتون الزکوة

وهم بالآخرة هم کافرون سوره فصلت آیات ۳۱-۳۲ نحن اولیاءکم فی الحیوة

الدنیا و فی الآخرة ولکم فیها ما تشتهی انفسکم ولکم فیها ما تدعون* نزلا من غفور

رحیم (حال از مفعول تدعون) سوره فصلت آیات ۴۱-۴۲ ان

الذین کفروا بالذکر لما جاءهم وانه لکتاب عزیز* لا یأتیه الباطل من بین یدیه ومن خلفه

تنزیل من حکیم حمید (جمله نعت برای کتاب) سوره

شوری آیات ۴۹-۵۰ لله ملک السموات والارض یخلق ما یشاء یهب لمن یشاء انا

ویهب لمن یشاء الذکور* اویزوجهم ذکرانا وانا انا ویجعل من یشاء عقیما انه علیم قدیر (

عطف بریهب) سوره شوری آیات ۵۳-۵۴ وانک لتهدی الی صراط مستقیم*

(صراط الله الذی له ما فی السموات وما فی الارض) بدل

سوره زخرف آيات ٩-١٠ ولئن سألتهم من خلق السموات والارض ليقولن خلقهن

العزیز العليم * الذی جعل لکم الارض مهذا وجعل لکم فیها سبلا لعلکم تهتدون

سوره زخرف آيات ١٢-١٣ والذی خلق الأزواج کلها وجعل

لکم من الفلك والأنعام ما تרכبون * لتستوا علی ظهره ثم تذکروا نعمة ربکم اذا استویتم

علیه وتقولوا سبحان الذی سخر لنا وما کنا له مقرنین * وانا الی ربنا لمنقلبون (لام

عاقبة) سوره زخرف آيات ٢٦-

٢٧ واذ قال ابراهیم لأبیه وقومه انی براء مما تعبدون * الا الذی فطرنی فإنه سیهدین

سوره زخرف آيات ٣٣-٣٥ ولولا ان ینکون الناس امة واحدة لجعلنا لمن ینکفر بالرحمن

لبیوتهم سقفا من فضة ومعارج علیها ینظرون * ولبیوتهم ابوابا وسررا علیها یتکئون *

وزخرفا سوره زخرف آيات ٤١-٤٢ فإما نذهبن بک فإنا منهم منتقمون * او

نرینک الذی وعدناهم فإنا علیهم مقتدرون

سوره زخرف آيات ٥٥-٥٦ فلما ءاسفونا انقمنا منهم فأغرقناهم اجمعین * فجعلناهم

سلفا ومثلا للآخرین

سوره دخان آيات ٢-٣ والکتاب المبین * انا انزلناه فی لیلۃ

مبارکة سوره دخان آيات ٤-٥ فیها ینفرد کل امر حکیم *

امرا من عندها (حال ینل مفعول مطلق) سوره دخان آيات ٦-٧ انه هو السميع

العليم * رب السموات والارض وما بینهما ان کنتم مؤمنین

سوره دخان آیات ۱۰-۱۱

(فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين* يغشى الناس هذا عذاب اليم (نعت برای دخان

سوره دخان آیات ۱۳-۱۴ انی لهم الذکری وقد جاءهم رسول مبين* ثم تولوا عنه

وقالوا معلم مجنون

سوره دخان آیات ۱۷-۱۸ ولقد فتنا قبلهم قوم فرعون وجاءهم

رسول کریم* ان ادوا الیّ عبادالله انی لکم رسول امین (متعلق به جائهم)

سوره دخان آیات ۲۳-۲۴ فأسر بعبادی لیلا انکم

متبعون* واترک البحر رهوا انهم جند مغرقون سوره دخان آیات ۲۵-۲۷ کم ترکوا من

جنات وعیون و زروع ومقام کریم* ونعمة كانوا فيها فاکهين* كذلك واورثناها قوما

ءاخريين سوره دخان آیات

۳۰-۳۱ ولقد نجينا بنی اسرائیل من العذاب المهين* من فرعون (بدل) سوره

دخان آیات ۳۴-۳۶ ان هؤلاء ليقولون ان هی الا موتتنا الاولى وما نحن بمنشرين*

فأتوا بآباءنا ان كنتم صادقين

سوره دخان آیات ۴۰-۴۲ ان يوم الفصل ميقاتهم اجمعين* يوم لا يغنى مولى عن

مولى شيئاً ولاهم ينصرون* الا من رحم الله (بدل از يوم)

سوره دخان آیات ۴۳-۴۴ ان شجرة الزقوم* طعام الأثيم (خبر

ان) سوره دخان آیات ۴۵-۴۶ يغلى فى البطون* كغلى

الحميم (متعلق به محذوف مفعول مطلق) سوره دخان آیات ۴۷-۴۸ خذوه فاعتلوه

الى سواء الجحيم * ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحميم

سوره دخان آيات ٥١-٥٣ ان المتقين

(فى مقام كريم * فى جنات و عيون * يلبسون من سندس واستبرق متقابلين (بدل

سوره دخان ايات ٥٦-٥٧ اذوقون فيها الموت الا الموتة الأولى و وقىهم عذاب

(الجحيم * فضلا من ربك (مفعول مطلق نايب از مصدر

سوره جاثيه آيات ٤-٥ وفى خلقكم وما يبث من دابة آيات لقوم يوقنون * واختلاف

الليل والنهار وما انزل الله من السماء من رزق فأحيا به الارض بعد موتها وتصريف الرياح

آيات لقوم يعقلون سورة جاثيه آيات ٧-٨ ويل لكل افاك اثم * يسمع آيات الله

تتلى عليه ثم يصر مستكبرا كأن لم يسمعها فبشره بعذاب اليم (نعت)

سوره احقاف آيات ٢٤-٢٥ فلما رأوه عارضا

مستقبل اوديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب اليم *

تدمر كل شىء بأمر ربها فأصبحوا لا يرى الا مساكنهم (نعت) سورة فتح آيات ١-٣

انا فتحنا لك فتحا مبينا * ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك وما تأخر ويتم نعمته عليك

ويهديك صراطا مستقيما * وينصرك الله نصرا عزيزا (تعليل)

سوره فتح آيات ٨-٩ انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا * لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه

(وتوقروه وتسبحوه بكرة واصيلا (تعليل)

سوره فتح آيات ۱۸-۱۹ لقد رضى الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم

ما فى قلوبهم فأنزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا * ومغانم كثيرة يأخذونها

سوره ق آيات ۷-۸ والارض مددناها والقينا فيها رواسى وانبتنا فيها

من كل زوج بهيج * تبصرة وذكرى لكل عبد منيب (مفعول مطلق فعل محذوف)

سوره ق آيات ۹-۱۱ ونزلنا من السماء

ماء مباركا فانبتنا به جنات وحب الحصيد * والنخل باسقات لها طلع نضيد * رزقا للعباد

واحيينا به بلدة ميتا (مفعول له) سوره ق آيات

۱۲-۱۴ كذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس واثود * وعاد وفرعون واخوان لوط

* واصحاب الأيكة وقوم تبع

سوره ق آيات ۲۴-۲۶ القيا فى جهنم كل كفار عنيد * مناع للخير

معتدمريب * الذى جعل مع الله الهاء اخر فألقىاه فى العذاب الشديد (صفت بعد ازصفت)

سوره ق آيات ۳۲-۳۴ هذا ما توعدون لكل اواب

حفيظ * من خشى الرحمن بالغيب وجاء بقلب منيب * ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود

(من خشى بدال از لكل) سوره ق آيات ۴۱-۴۲

واستمع يوم يناد المناد من مكان قريب * يوم يسمعون الصيحة بالحق ذلك يوم الخروج

((بدل از يوم))

سوره ق آیات ۲۳-۴۴ انا نحن نحیی ونمیت والینا المصیر* یوم تشقق الأرض عنهم
سراعا ذلک حشر علینا یرسیر (ظرف زمان منصوب متعلق به المصیر)

سوره ذاریات آیات ۱-۶ والذاریات ذروا* فالحاملات وقرا

فالجاریات یرسا فالمقسمات امرا* ان ماتوعدون لصادق* وان الدین لواقع

سوره ذاریات آیات ۷-۹ والسما ذات

(الحبک)* انکم لفی قول مختلف* یؤفک عنه من افک (صفت دوم برای قول

سوره ذاریات آیات ۱۰-۱۲ قتل الخراصون* الذین هم فی غمره ساهون* یسئلون

(ایان یوم الدین) حال از هم

سوره ذاریات آیات ۲۰-۲۱ وفی الأرض آیات للموقنین* وفی انفسکم

سوره ذاریات آیات ۲۶-۲۷ فراغ الی اهله فجاء بعجل سمین* فقر به الیهم

قال الاتاکلون سوره ذاریات آیات ۳۲-۳۴ قالوا انا ارسلنا الی قوم مجرمین*

لنرسل علیهم حجارة من طین* مسومة عند ربک للمسرین (تعلیل - مسومة صفت

دوم برای حجارة) سوره طور آیات ۱-۷ والطور* وکتاب

مسطور* فی رق منشور* والبت المعمور* والسقف المرفوع* والبحر المسجور* ان

عذاب ربک لواقع سوره طور آیات ۸-

۱۰ ما له من دافع* یوم تمور السماء مورا* وتسیر الجبال سیرا سوره طور

آیات ۱۱-۱۲ فویل یومئذ للمکذبین* الذین هم فی خوض یلعبون

سوره طور آیات ۴۵-۴۶ فذرهم حتی یلاقوا یومهم الذی فیہ یصعقون* یوم لا یغنی

عنهم كيدهم شيئاً ولا هم ينصرون (بدل از يومهم)

سوره طور آیات ۴۸-۴۹ واصبر لحکم ربک فانک بأعیننا وسبح

بحمد ربک حین تقوم *ومن الیل فسیحه وادبار النجوم

سوره نجم آیات ۱-۳ والنجم اذا هوی * ما ضل صاحبکم وما غوی * وما ینطق عن

الھوی سوره نجم آیات ۴-۶ ن هو الا وحی یوحی * علمه شدید القوی *

ذومرة (صفت دوم برای وحی)

سوره نجم آیات ۶-۷ فاستوی * وهو بالأفق

الأعلى (حالیه) سوره نجم آیات ۸-۹ ثم دنی

فتدلی * فکان قاب قوسین او ادنی سوره نجم آیات

۱۳-۱۶ ولقد رآه نزلة اخرى * عند سدرة المنتهی * عندها جنة المأوی * اذ یغشی

السدره ما یغشی (در محل نصب متعلق به رءاه)

سوره نجم آیات ۳۲-۳۳ افرایت الذی تولى * واعطى قليلا واكدی

سوره نجم آیات ۳۶-۳۷ ام لم ینبأ بما فی صحف موسی * وابراهیم

الذی وفی سوره نجم آیات ۳۸-۴۰ ان لا تزر وازرة وزر اخرى * وان

لیس للانسان الا ماسعی * وان سعیه سوف یری * ثم یجزیه الجزاء الأوفی

سوره نجم آیات ۴۵-۴۶ وانه خلق الزوجین

الذکر والأنتی * من نطفة اذا تمنی سوره نجم آیات ۵۰-۵۲ وانه

اهلك عادا الأولى * وثمرودا فما ابقى (عطف برمفعول) سوره نجم آیات

٥٩-٦١ افمن هذا الحيث تعجبون* وتضحكون ولا تبكون* وانتم سامدون سورة

قمر آيات ٤-٥ ولقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر* حكمة بالغة (بدل)

سوره قمر آيات ٦-٨ يوم يدع الداع الى شىء نكر* خشعا ابصارهم يخرجون من
الأجدات كأنهم جراد منتشر (حال برای فاعل يخرجون -)

سوره قمر آيات ١٢-١٣ وحملناه على ذات الواح ودر *
تجرى بأعيننا جزاء لمن كان كفر سورة قمر آيات ٣٤-٣٥ انا ارسلنا عليهم حاصبا
الاءال لوط نجيناهم بسحر* نعمة من عندنا(مفعول مطلق فعل محذوف)

سوره قمر آيات ٥٤-٥٥ ان المتقين
فى جنات ونهر* فى مقعد صدق عند مليك مقتدر سورة الرحمن ١-
٤الرحمن* علم القرآن* خلق الانسان* علمه البيان (مبتدا وخبر) سورة
الرحمن آيات ٥-٦ الشمس والقمر بحسبان* والنجم والشجر يسجدان (عطف)

سوره الرحمن آيات ١٠-١٢ والارض وضعها للانام* فيها فاكهة والنخل ذات
الاکمام* والحب ذوالعصف والريحان(عطف به فاكهة)

سوره الرحمن آيات ١٤-١٥ خلق الإنسان من صلصال كالفخار*
وخلق الجن من مارج من نار سورة الرحمن آيات ١٩-٢٠ مرج البحرين يلتقيان*
بينهما برزخ لا يبغيان (حالیه) سورة واقعه ١-٢ اذا وقعت الواقعة* ليس
لوقعتها كاذبة سورة واقعه آيات ٤-٦ اذا رجت
الارض رجا* وبست الجبال بسا* فكانت هباء منبثا (عطف)

سوره واقعه

آيات ١٠-١٢ والسابقون السابقون * اولئك المقربون * فى جنات العيم سوره

واقعه آيات ١٣-١٤ ثلثة من الأولين * وقليل من الآخريين

سوره واقعه آيات ١٥-١٦ على سرر موضونة * متكئين عليها متقابلين (حاله)

سوره واقعه آيات ١٧-١٩ يطوف عليهم ولدان مخلدون *

بأكواب وباريق وكأس من معين سوره واقعه آيات ٢٢-٢٣ وحوور عين * كأمثال

اللؤلؤ المكنون (صفت دوم) سوره واقعه آيات ٢٥-٢٦ لا يسمعون

فيها لغوا ولا تأثيما * الا قليلا سلا ما سلا ما سوره واقعه آيات ٢٨-٣٤

فى سدر مخضود * وطلح منضود * و ظل ممدود * وماء مسكوب * وفاكهة كثيرة

* لامقطوعة * ولا ممنوعة * وفرش مرفوعة

سوره واقعه آيات ٣٢-٣٣ وفاكهة كثيرة * لامقطوعة * ولا ممنوعة (نعت دوم)

واقعه آيات ٣٥-٣٨ انا انشأناهن انشاء * فجعلناهن ابكارا * عربا اترابا

* لأصحاب اليمين (نعت)

سوره واقعه آيات ٤٢-٤٤ فى سموم وحميم * وظل

من يحموم * لا بارد ولا كريم (نعت)

وره واقعه آيات ٤٧-٤٨ وكانوا

يقولون اءذا متنا وكنا ترابا وعظاما اءنا لمبعوثون * اوءاباؤنا الأولون سورة واقعه آيات

(٤٩-٥٠ قل ان الأولين والآخرين * لمجموعون الى ميقات يوم معلوم (خبر ان

سوره واقعه آيات ٥١-٥٣ ثم انكم ايها الضالون المكذبون * لاآكلون من شجر من زقوم

* فمالتون منها البطون(خبر ان)

سوره واقعه آيات ٦٠-٦١ نحن قدرنا بينكم الموت وما نحن

بمسبوقين * على ان نبدل امثالكم وننشئكم فى ما لا تعلمون

سوره واقعه آيات ٦٦-٦٧ انا لمغرمون * بل نحن محرومون (حيز قول)

سوره واقعه آيات ٧٥-٧٩ فلا اقسم بموقع النجوم * وانه لقسم لو تعلمون

عظيم * انه لقرءان كريم * فى كتاب مكنون * لايمسه الا المطهرون

سوره واقعه آيات ٨١-٨٢ افبهذا الحديث انتم مدهنون

* وتجعلون رزقكم انكم تكذبون(عطف) سورة واقعه آيات ٨٣-٨٥ فلولا اذا بلغت

(الحلقوم * وانتم حينئذ تنظرون * ونحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون (حاليه

سوره واقعه آيات ٨٦-٨٧ فلولا ان كنتم غير مدينين * ترجعونها ان كنتم صادقين (تكرار

شرط سابق)

سوره واقعه آيات ٨٨-٨٩ فاما ان كان من المقربين * فروح وريحان

وجنة نعيم سورة واقعه آيات ٩٠-٩١ واما ان كان من اصحاب اليمين *

فسلام لك من اصحاب اليمين سورة واقعه آيات ٩٢-٩٤ واما ان كان من المكذبين

الضالين * فنزل من حميم * وتصلية جحيم سورة طلاق آيات ٢-٣ ومن يتق الله يجعل
(له مخرجا * ويرزقه من حيث لا يحتسب (عطف بر جواب شرط
سوره ملك آيات ٢-٣ وهو العزيز الغفور * الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى فى
خلق الرحمن من تفاوت
سوره ملك آيات ٧-٨ اذا القوا فيها سمعوا لهل شهيقا وهى تفور * تكاد تميز من الغيظ
((حال از فاعل تفور
سوره قلم آيات ١-٢ ن والقلم وما يسطرون * ما انت بنعمة ربك بمجنون
سوره قلم آيات ٥-٦ فستبصر وبيصرون * بأبيكم المفتون (مفعول به تبصر)
سوره قلم آيات ١٠-١٤ ولا تطع كل حلاف مهين * هماز مشاء
بنميم * مناع للخير معتد ائيم * عتل بعد ذلك زنيم * ان كان ذامال وبنين
سوره قلم آيات ١٧-١٨ انا بلونا هم كما بلونا
اصحاب الجنة اذ اقسوا ليصر منها مصبحين * ولا يستثنون
سوره قلم آيات ٢١-٢٢ فتنادوا مصبحين * ان اغدوا على حرثكم ان كنتم صارمين
سوره قلم آيات ٢٣-٢٤ فانطلقوا وهم يتخافتون * ان لا يدخلنها اليوم عليكم
مسكين
سوره قلم آيات ٢٦-٢٧ فلما رأوها قالوا انا لضالون * بل نحن
محرومون
سوره قلم آيات ٣٧-٣٨ ام لكم كتاب فيه تدرسون
* ان لكم فيه لما تخيرون
سوره قلم آيات ٤٢-٤٣ يوم يكشف عن
ساق ويدعون الى السجود فلا يستطيعون * خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة

سوره قلم آيات ٤٤-٤٥ سنستدرجهم من حيث لا يعلمون * واملى لهم

سوره حاقه آيات ١-٣ الحاقه * ما الحاقه * وما ادريك ما الحاقه

سوره حاقه آيات ١٣-١٥ فإذا نفخ فى الصور نفخة واحدة *

وحملت الأرض والجبال فدكتا دكة واحدة * فيومئذ وقعت الواقعة

سوره حاقه آيات ١٦-١٧ وانشقت السماء

فهى يومئذ واهية * والملك على ارجاءها

سوره حاقه آيات ٢١-٢٣ فهو

فى عيشة راضية * فى جنة عالية * قطوفها دانية

سوره حاقه آيات ٣٠-٣٢ خذوه فغلوه * ثم

الجحيم صلوه * ثم فى سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه

سوره حاقه آيات ٣٣-

٣٤ انه كان لا يؤمن بالله العظيم * ولا يحض على طعام المسكين

سوره حاقه آيات ٣٥-٣٧ فليس له

اليوم ههنا حميم * ولا طعام الا من غسلين * لا يأكله الا الخاطون (عطف بر اسم ليس -

لا يأكله صفت غسلين) سوره حاقه آيات ٣٨-٤٠ فلا اقسم بما

تبصرون * وما لاتبصرون * انه لقول رسول كريم

سوره حاقه آيات ٤٤-٤٧ ولو

تقول علينا بعض الأقاويل * لأخذنا منه باليمين * ثم لقطعنا منه الوتين * فما منكم من

احد عنه حاجزين (شرط وجزاء) سوره معارج

آيات ١-٢ سأل سائل بعذاب واقع * للكافرين ليس له دافع

سوره معارج آیات ۶-۷ انهم يرونه بعيدا * ونريه قريبا

سوره معارج آیات ۸-۹ يوم تكون السماء كالمهل * وتكون الجبال كالعهن *

وليسأل حميم حميما سوره معارج آیات ۱۱-۱۴ يود المجرم لو يفتدى من عذاب
يومئذ ببنيه * وصاحبه واخيه * وفصيلته التي تؤويه * ومن فى الأرض خميعا ثم ينجيه

سوره معارج آیات ۱۵-۱۶ كلا انها لظى *

نزاعة للشوى (حال) سوره معارج آیات ۱۷-۱۸

تدعوا من ادبر وتولى * فجمع فأوعى سوره معارج

آیات ۲۰-۲۱ ان الإنسان خلق هلوعا * اذا مسه الخیر منوعا * واذا مسه الشر جزوعا

سوره معارج آیات ۲۴-۲۵ والذين فى اموالهم حق معلوم * للسائل والمحروم

سوره معارج آیات ۲۹-۳۰ والذين هم لفروجهم حافظون * الا على ازواجهم

او ما ملكت ايماهم فإنهم غير ملومين

سوره معارج آیات ۳۶-۳۷ فما ل-الذين كفروا قبلك مهطعين *

(عن اليمين وعن الشمال عزيز (حال دوم وسوم

سوره معارج آیات ۴۰-۴۱ فلا اقسم برب المشارق والمغرب انا لقادرون * على ان

نبدل خيرا منهم وما نحن بمسبوقين

سوره معارج آیات ۴۲-۴۴ فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذى يوعدون

* يوم يخرجون من الأجدات سراعا كأنهم الى نصب يوفضون * خاشعة ابصارهم ترهقهم

ذلة (بدل از يومهم)

سوره نوح آيات ۲-۴ قال يا قوم انى لكم نذير مبين * ان

اعبدوا الله واتقوه واطيعون * يغفر لكم من ذنوبكم ويؤخركم الى اجل مسمى (جواب فعل
(طلب)

سوره نوح آيات ۵-۶ قال رب انى دعوت قومى ليلا ونهارا * فلم يزداهم دعائى الا

فرارا سورة نوح آيات ۸-۹ ثم انى دعوتهم جهارا * ثم انى اعلنت لهم واسررت
لهم اسرارا

سوره نوح آيات ۱۰-۱۲ فقلت استغفروا ربكم انه كان غفارا * يرسل السماء عليكم

مدرارا * ويمددكم بأموال وبنين ويجعل لكم جنات ويجعل لكم انهارا (جواب فعل طلب)

سوره نوح آيات ۱۴-۱۵ الم تر كيف خلق الله سبع سموات طباقا *

وجعل القمر فيهن نورا وجعل الشمس سراجا

سوره نوح آيات ۱۷-۱۸ والله انبتكم من الأرض نباتا * ثم يعيدكم فيها ويخرجكم

اخراجا سورة نوح آيات ۱۹-۲۰ والله جعل لكم الأرض بساطا * لتسلكوا منها

سبلا فجاجا (تعليل) سورة جن آيات ۱-۲ قل اوحى الى انه استمع نفر من الجن

فقالوا انا سمعنا قرءانا عجباً * يهذى الى الرشد فأمننا به ولن نشرك بربنا احدا (نعت

قرءانا) سورة جن آيات ۱۴-۱۵ وانا منا

المسلمون ومنا القاسطون فمن اسلم فأولئك تحروا رشدا * واما القاسطون فكانوا

لجهنم حطبا

سوره جن آیات ۱۶-۱۷ وان لو استقاموا على الطريقة لأسقينكم ماء غدقا * لنفتنهم
فيه (تعليل) سوره جن آیات ۲۲-۲۳ قل انى لن يجيرنى من الله احد ولن اجد من دونه
ملتحدا* الا بلاغا من الله ورسالاته

سوره مزمل آیات ۱-۴ يا ايها المزمل * قم الليل الا قليلا * نصفه وانقص منه قليلا*
(اوزد عليه ورتل القرءان ترتيبا (بدل)

سوره مزمل آیات ۱۲-۱۳ ان لدينا انكالا وجحيما* وطعاما ذاغصة وعذابا اليما (عطف
براسم ان) سوره مدثر آیات ۱-۲ يا ايها المدثر* قم فأندر

سوره مدثر آیات ۱-۷ يا ايها المدثر* قم فأندر* وربك فكبر*

وثيابك فطهر

سوره مدثر آیات ۸-۱۰ فإذا نقر فى الناقور* فذلك يومئذ يوم عسير* على الكافرين

غير يسير سوره مدثر آیات ۱۱-۱۵ ذرنى ومن خلقت وحيدا* وجعلت له مالا ممدودا

* وبنين شهودا* ومهدت له تمهيدا* ثم يطمع ان ازيد

سوره مدثر آیات ۱۸-۲۵ انه فكر وقدر* فقتل كيف قدر* ثم قتل كيف قدر* ثم

نظر* ثم عبس وبسر* ثم ادبر واستكبر* فقال ان هذا الا سحر يؤثر* ان هذا الا قول

البشر

سوره مدثر آیات ۲۴-۲۵ فقال ان هذا الا سحر يؤثر* ان هذا الا قول البشر (حيز

قول)

سوره مدثر آيات ٣٢-٣٧ كلا والقمر* والليل اذ ادبر* والصبح اذا اسفر* انها لإحدى

الكبر* نذيرا للبشر* لمن شاء منكم ان يتقدم او يتأخر

سوره مدثر آيات ٣٨-٣٩ كل نفس بما كسبت رهينة* الا اصحاب اليمين

سوره مدثر آيات ٤٠-٤١ فى جنات يتساءلون* عن المجرمين

سوره مدثر آيات ٤٣-٤٧ قالوا لم نك من المصلين* ولم نك نطعم المسكين* وكنا

نخوض مع الخائضين* وكنا نكذب بيوم الدين* حتى اتانا اليقين

سوره مدثر آيات ٥٠-٥١ كأنهم حمر مستنفرة* فرت من قسورة (صفت دوم)

سوره قيامة آيات ١-٢ لا اقسام بيوم القيامة* ولا اقسام بالنفس اللوامة

سوره قيامة آيات ٧-١٠ فإذا برق البصر* وخنس القمر* وجمع الشمس والقمر* يقول

الإنسان يومئذ ابن المفر

سوره قيامة آيات ١٤-١٥ بل الإنسان على نفسه بصيرة* ولو القى معاذيره (شرط

متأخر)

سوره قيامة آيات ٢٠-٢١ كلا بل تحبون العاجلة* وتذرون الآخرة

سوره قيامة آيات ٢٢-٢٣ وجوه يومئذ ناضرة* الى ربها ناظرة

سوره قيامة آيات ٢٤-٢٥ و وجوه يومئذ باسرة* تظن ان يفعل بها فاقرة (خبردوم)

سوره قيامة آيات ٢٦-٣٠ كلا اذا بلغت التراقي* وقيل من راق* وظن انه الفراق

والتفت الساق بالساق الى ربك يومئذ المساق

سوره قيامة آيات ٣١-٣٥ فلا صدق ولا صلى* ولكن كذب وتولى* ثم ذهب الى اهله

يتمطى* اولى لك فأولى* ثم اولى لك فأولى

سوره قيامة آيات ٣٧-٣٩ الم يك نطفة من منى يمى* ثم كان علقة فخلق فسوى*

فجعل منه الزوجين الذكر والانثى

سوره انسان آيات ١١-١٣ وجزيبهم بما صبروا جنة وحريرا* متكئين فيها على الأرائك

(لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا (حال

سوره انسان آيات ١٥-١٦ ويطاف عليهم بآنية من فضة واكواب كانت قواريرا *

(قواريرا من فضة قدروها تقديرا بدل)

سوره انسان آيات ١٧-١٨ ويسقون فيها كأسا كان مزاجها زنجبيلا* عينا فيها تسمى

سلسبيلا

سوره مرسلات آيات ١-٧ والمرسلات عرفا* فالعاصفات عصفا* فالناشرات نشرا

فالفارقات فرقا فالملقيات ذكرا* عذرا او نذرا* ان ما توعدون لواقع

سوره مرسلات آيات ٨-١١ فإذا النجوم طمست* واذا السماء فرجت* واذا الجبال

نسفت* واذا الرسل اقتت* لأى يوم اجلت

سوره مرسلات آيات ٢٠-٢٢ الم نخلقكم من ماء مهين* فجعلناه فى قرار مكين*

الى قدر معلوم* فقدرنا فنعم القادرون

سوره مرسلات آيات ٢٥-٢٧ الم نجعل الأرض كفاتا* احياء وامواتا* وجعلنا فيها

رواسى شامخات واسقيناكم ماء فراتا

سوره مرسلات آيات ٣٠-٣١ انطلقوا الى ظل ذى ثلث شعب* لا ظليل ولا يغنى من

اللهب(نعت) سوره مرسلات آيات ٣٥-٣٦ هذا يوم لا ينطقون* ولا يؤذن لهم فيعتذرون

سوره مرسلات آيات ٤١-٤٢ ان المتقين فى ظلال وعيون*

وفواكه مما يشتهون سورة نأ آيات ٢-٣ عن النبأ العظيم* الذى هم

فيه مختلفون

سورة نأ آيات ٦-٧ الم نجعل الأرض مهادا* والجبال اوتادا (عطف برمفعول)

سورة نأ آيات ٦-١١ الم نجعل الأرض مهادا* والجبال اوتادا* وخلقناكم

ازواجا* وجعلنا نومكم سباتا* وجعلنا الليل لباسا* وجعلنا النهار معاشا

سورة نأ آيات ١٢-١٣ وبنينا فوقكم سبعا شدادا* وجعلنا سراجا وهاجا

سورة نأ آيات ١٤-١٦ وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجا* لنخرج به حبا

ونباتا* وجنات الفافا (تعليل)

سورة نأ آيات ١٧-٢٠ ان يوم الفصل كان ميقاتا

* يوم ينفخ فى الصور فتأتون افواجا* وفتحت السماء فكانت ابوابا* وسيرت الجبال

فكانت سرايا (ظرف) سورة نأ آيات ٢١-٢٣ ان جهنم

(كانت مرصادا* للطاغين مآبا* لابئين فيها احقابا) حال

سورة نأ آيات ٢٤-٢٦ لا يذوقون فيها بردا لاشرابا* الا حميما وغساقا* جزاء

وفاقا (مفعول مطلق فعل محذوف)

سورة نأ آيات ٢٧-٢٨ انهم كانوا لا يرجون حسابا* وكذبوا

بآياتنا كذابا سورة نأ آيات ٣١-٣٤ ان للمتقين مفازا* حدائق

واعنابا* وكواعب اترابا* وكأسا دهاقا (بدل) سورة نأ آيات ٣٦-٣٧ جزاء من ربك

(عطاء حسابا* رب السوات والأرض وما بينهما الرحمن لا يملكون منه خطابا) (بدل)

سوره نازعات آیات ۱-۵ و النازعات غرقا* والناشطات نشطا* والسابحات سبحا*
فالسابقات سبقا* فالمدبرات امرا)

سوره نازعات آیات ۶-۷ يوم ترجف الراجفة* تتبعها الرادفة (حا

سوره نازعات آیات ۸-۹ قلوب يومئذ واجفة* ابصارها خاشعة (خبر دوم قلوب)

سوره نازعات آیات ۱۳-۱۴ فإنما هي زجرة واحدة* فإذا هم بالساهرة

سوره نازعات آیات ۱۶-۱۷ اذ ناديه ربه بالواد المقدس طوى*

اذهب الى فرعون انه طغى سورة نازعات آیات ۱۸-۱۹ فقل هل لك الى ان

تركى* واهدك الى ربك فتحشى سورة نازعات آیات ۲۳-۲۴ فحشر

فنادى* فقال انا ربكم الأعلى سورة نازعات آیات ۲۸-

۲۹ رفع سمكها فسويه* واغطش ليلها واخرج ضحيتها سورة نازعات

آیات ۳۵-۳۶ يوم يتذكر الإنسان ما سعى* وبرزت الجحيم لمن يرى

سوره نازعات آیات ۳۷-۳۹ فأما من طغى*ءاثر الحيوۃ الدنيا*فإن الجحيم هي المأوى

سوره نازعات آیات ۴۰-۴۱ واما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى*

فإن الجنة هي المأوى

سوره عبس آیات ۱-۲ عبس وتولى* ان جاءه الأعمى

سوره عبس آیات ۳-۴ وما يدريك لعله يزكى* او

يذكر فتنفعه الذكرى سورة عبس آیات ۵-۷ اما من

استغنى* فأنت له تصدى* وما عليك ان لا يزكى سورة عبس آیات

٨-١٠ واما من جاءك يسعى * وهو يخشى * فأنت عنه تلهي

سوره عبس آيات ١٣-١٦ فى

صحف مكرمة * مرفوعة مطهرة * بايدى سفرة * كرام بررة

سوره عبس آيات ١٩٠٢٢ من نطفة خلقه فقدره * ثم السبيل يسره * ثم اماته فأقبره *

ثم اذا شاء انشره

سوره عبس آيات ٢٥-٣٢ انا صببنا الماء صبا * ثم شققنا الأرض شقا

* فانبتنا فيها حبا * وعنبا وقضبا * وزيتونا ونخل * وحدائق غلبا * وفاكهة وابتا * متاعا

لكم ولأنعامكم

سوره عبس آيات ٣٤-٣٦ يوم يفر المرء من اخيه * وامه وابيه * وصاحبه وبنيه

سوره عبس آيات ٣٨-٣٩ وجوه يومئذ مسفرة * ضاحكة مستبشرة (خبر دوم)

سوره عبس آيات ٤٠-٤١ و وجوه يومئذ عليها غبرة * ترهقها قطرة (خبر دوم)

سوره تكوير آيات ٨-٩ واذا الموءودة سئلت * بأى ذنب قتلت (مفعول سئلت)

سوره تکویر آیات ۱۳-۱۴ واذا الجنة ازلفت* علمت نفس ما احضرت

سوره تکویر آیات ۱۵-۲۱ فلا اقسم بالخنس* الجوار الكنس* واللیل اذا عسعس

والصبح اذا تنفس انه لقول رسول کریم*ذی قوة عند ذی العرش مکین*مطاع ثم

امین

سوره تکویر آیات ۲۵-۲۶ وما هو بقول شیطان رجیم* فأین تذهبون

سوره تکویر آیات ۲۷-۲۸ ان هو الا ذکر للعالمین* لمن شاء منکم ان یتستقیم (جار

)ومجرور ومتعلق

سوره انفطار آیات ۱-۵ اذا السماء انفطرت* واذا الکواکب انتثرت* واذا البحار فجرت

واذا القبور بعثرت علمت نفس ما قدمت واخرت

سوره انفطار آیات ۶-۸ یا ایها الإنسان ما غرک بربک الکریم* الذی خلقک فسویک

فعدلک* فی ای صورة ما شاء ربک

سوره انفطار آیات ۱۰-۱۲ کلا بل تکذبون بالذین* وان علیکم لحافظین* کراما

کاتبین* یعلمون ما تفعلون

سوره انفطار آیات ۱۴-۱۶ و ان الفجار لفي جحيم * يصلونها يوم الدين * وما هم عنها

بغائبين

سوره مطفيين آیات ۱-۳ ويل للمطفيين * الذين اذا اکتالوا على الناس يستوفون * واذا

كالوهم او وزنوهم يخسرون

سوره مطفيين آیات ۴-۶ الا يظن اولئك انهم مبعوثون * ليوم

(عظيم * يوم يقوم الناس لرب العالمين (بدل از يوم

سوره مطفيين آیات ۱۰-۱۱ ويل يومئذ للمكذبين * الذين يكذبون بيوم الدين

سوره مطفيين آیات ۱۲-۱۳ وما يكذب به الا كل معتد اثيم * اذا تتلى عليه آياتنا قال

(اساطير الأولين (جمله وصفيه

سوره مطفيين آیات ۲۰-۲۱ كتاب مرقوم * يشهده المقربون (خبر دوم)

سوره مطفيين آیات ۲۲-۲۴ ان الأبرار لفي نعيم * على الأرائك ينظرون * تعرف في

(وجوههم نضرة النعيم (حال يا استيناف

سوره مطفيين آیات ۳۴-۳۵ فاليوم الذين ءامنوا من الكفار يضحكون * على الأرائك

ينظرون

سوره انشقاق آیات ۱-۵ اذا السماء انشقت* واذنت لربها وحقت* واذا الأرض

مدت* والقت ما فيها وتخلت* واذنت لربها وحقت

سوره انشقاق آیات ۷-۹ فأما من اوتى كتابه بيمينه* فسوف يحاسب حسابا يسيرا

*وينقلب الى اهله مسرورا

سوره انشقاق آیات ۱۰-۱۲ واما من اوتى كتابه وراء ظهره* فسوف يدعوا ثبورا

*ويصلى سعيرا

سوره انشقاق آیات ۱۶-۱۹ فلا اقسم بالشفق* والليل وما وسق* والقمر اذا اتسق

*لتركبن طبقا عن طبق

سوره انشقاق آیات ۲۰-۲۱ فما لهم لا يؤمنون* واذا قرئ

عليهم القرآن لا يسجدون

سوره بروج آیات ۱-۳ والسماء ذات البروج* واليوم الموعود* وشاهد ومشهود

سوره بروج آیات ۴-۵ قتل اصحاب الأخدود* النار ذات الوقود

سوره بروج آیات ۶-۷ اذ هم عليها قعود* وهم على ما يفعلون بالمؤمنين شهود

سوره بروج آیات ۸-۹ وما تقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله العزيز الحميد* الذى له ملك
السموات والأرض

سوره بروج آیات ۱۴-۱۶ وهو الغفور الودود* ذو العرش المجید فعال لما يريد

سوره بروج آیات ۱۷-۱۸ هل اتيك حديث الجنود* فرعون و ثمود(بدل از جنود)

سوره بروج آیات ۲۱-۲۲ بل الذين كفروا فى تكذيب* والله من وراءهم محيط(حاليه)

سوره طارق آیات ۱-۴ والسماء والطارق* وما ادريك ما الطارق* النجم الثاقب* ان
كل نفس لما عليها حافظ

سوره طارق آیات ۶-۷ خلق من ماء دافق* يخرج من بين الصلب والترائب (نعت)

سوره طارق آیات ۸-۱۰ انه على رجعه لقادر* يوم تبلى السرائر* فماله من قوة
ولاناصر

سوره طارق آیات ۱۱-۱۴ والسماء ذات الرجوع* والأرض ذات الصدع* انه لقول
فصل* وما هو بالهزل

سوره طارق آیات ۱۵-۱۶ انهم یکیدون کیدا *واکید کیدا

سوره اعلى آیات ۱-۲ سبح اسم ربك الأعلى * الذى خلق فسوى

سوره اعلى آیات ۴-۵ والذى اخرج المرعى * فجعله غثاء احوى

سوره اعلى آیات ۶-۷ سنقرئک فلا تنسى * الا ما شاء الله

سوره اعلى آیات ۱۱-۱۳ ويتجنبها الأشقى * الذى يصلى النار الكبرى * ثم لا يموت

فيها ولا يحيى

سوره اعلى آیات ۱۴-۱۵ قد افلح من تزكى * وذكر اسم ربه فصلى

سوره اعلى آیات ۱۶-۱۷ بل تؤثرون الحيوۃ الدنيا * والآخرة خير وابقى (حال)

سوره اعلى آیات ۱۸-۱۹ ان هذا لفي الصحف الأولى * صحف ابراهيم وموسى (بدل)

سوره غاشيه آیات ۲-۵ وجوه يومئذ خاشعة * عاملة ناصبة * تصلى نارا حامية *

تسقى من عين ءانية

سوره غاشيه آيات ٦-٧ ليس لهم طعام الا من ضريع* لا يسمن

ولا يغنى من جوع

سوره غاشيه آيات ٨-١١ وجوه يومئذ ناعمة* لسعيها راضية* فى جنة عالية*

لا تسمع فيها لاغية

سوره غاشيه آيات ١٣-١٦ فيها سرر مرفوعة* واكواب موضوعة* ونمارق مصفوفة

* وزرابى مبثوثة

سوره غاشيه آيات ١٧-٢٠ افلا ينظرون الى الابل كيف خلقت* والى السماء كيف

رفعت* والى الجبال كيف نصبت* والى الأرض كيف سطحت

سوره غاشيه آيات ٢١-٢٢ فذكر انما انت مذكر* لست عليهم بمسيطر (استيناف

بيانى)

سوره غاشيه آيات ٢٣-٢٤ الامن تولى وكفر* فيعذبه الله العذاب الأكبر

سوره فجر آيات ١-٤ والفجر* وليال عشر* والشفع والوتر* والليل اذا يسر

سوره فجر آیات ۶-۸ الم تر كيف فعل ربك بعاد* ارم ذات العماد* التي لم يخلق مثلها
فى البلاد

سوره فجر آیات ۱۰-۱۲ وفرعون ذى الأوتاد* الذين طغوا فى البلاد* فأكثروا فيها
الفساد

سوره فجر آیات ۱۷-۲۰ كلا بل لا تكرمون اليتيم* ولا تحاضون على طعام المسكين*
وتأكلون التراث اكلا لما* وتحبون المال حبا جما

سوره فجر آیات ۲۱-۲۲ كلا اذا دكت الأرض دكا دكا* وجاء ربك والملك صفا صفا

سوره فجر آیات ۲۵-۲۶ فيومئذ لا يعذب عذابه احد* ولا يوثق وبقاه احد

سوره فجر آیات ۲۷-۲۸ يا ايها النفس المطمئنة* ارجعى الى ربك راضية
مرضية(جواب نداء)

سوره فجر آیات ۲۹-۳۰ فادخلى فى عبادى* واخلى جنتى

سوره بلد ۱-۴ لا اقسم بهذا البلد* وانت حل بهذا البلد* و والد وما ولد* لقد خلقنا

الإنسان فى كبد

سوره بلد آیات ۸-۱۰ الم نجعل له عينين* ولسانا وشفيتين* وهديناه النجدین

سوره بلد آیات ۱۳-۱۶ فك رقبة* او اطعام فى يوم ذى مسغبة* يتيما ذا مقربة* او

مسكيناً ذا متربة

سوره شمس آیات ۱-۸ والشمس وضحيها* والقمر اذا تليها* والنهار

اذا جليها* والليل اذا يغشيها* والسماء وما بنيتها* والأرض وما طحيها* ونفس وما

سويها* فألهمها فجورها وتقويها

سوره شمس آیات ۷-۸ ونفس وما سويها* فألهمها فجورها وتقويها

سوره شمس آیات ۹-۱۰ قد افلح من زكيا* وقد خاب من دسيها

سوره شمس آیات ۱۱-۱۳ كذبت ثمود بطغويها* اذ انبعث اشقيها* فقال لهم رسول الله

ناقة الله وسقيها

سوره شمس آیات ۱۴-۱۵ فکذبوه فعقروها فدمدم عليهم ربهم بذنبهم

فسويها * ولا يخاف عقبيها

سوره ليل آیات ۱-۴ والليل اذا يغشى * والنهار اذا تجلى * وما خلق الذكر والأنثى * ان

سعيكم لشتى

سوره ليل آیات ۵-۷ فأما من أعطى واتقى * وصدق بالحسنى *

فسنيسره لليسرى

سوره ليل آیات ۸-۱۰ وأما من بخل واستغنى * وكذب بالحسنى * فسنيسره للعسرى

سوره ليل آیات ۱۲-۱۳ ان علينا للهدى * وان لنا للآخرة والأولى

سوره ليل آیات ۱۵-۱۶ لا يصلحها الا الأشقى * الذى كذب وتولى

سوره ليل آیات ۱۹-۲۰ وما لأحد عنده من نعمة تجزى * الا ابتغاء وجه ربه الأعلى

سوره ضحى آیات ۱-۳ والضحى * والليل اذا سجى * ما ودعك ربك وما قلى

سوره ضحی آیات ۶-۸ الم یجدک یتیمًا فآوی * ووجدک ضالًا فهدی * و وجدک
عائلاً فأغنی

سوره شرح آیات ۱-۴ الم نشرح لک صدرك * و وضعنا عنک وزرک * الذی انقض
ظہرک * ورفعنا لک ذکرک

سوره شرح آیات ۵-۶ فإن مع العسر یسرا * إن مع العسر یسرا

سوره شرح آیات ۷-۸ فإذا فرغت فانصب * والی ربک فارغب

سوره تین آیات ۱-۳ والتین والزیتون * وطور سینین * وهذ البلد الامین

سوره تین آیات ۴-۶ لقد خلقنا الإنسان فی احسن تقویم * ثم رددناه اسفل سافلین

سوره علق آیات ۳-۵ اقرأ وربک الأکرم * الذی علم بالقلم * علم الإنسان ما لم یعلم

سوره علق آیات ۶-۷ کلا إن الإنسان * لیطغی أن رءاه استغنی

سوره علق آیات ۹-۱۰ ارءیت الذی* ینهی عبدا اذا صلی (مفعول به)

سوره علق آیات ۱۱-۱۲ ارءیت ان کان علی الهدی* او امر بالتقوی

سوره علق آیات ۱۳-۱۴ ارءیت ان کذب وتولی* الم یعلم بأن الله یری

سوره علق آیات ۱۵-۱۶ کلا لئن لم ینته لسفعا بالناصیة* ناصیة کاذبة خاطئة

سوره علق آیات ۱۷-۱۸ فلیدع نادیه* سندع الزبانیة

سوره قدر آیات ۴-۵ تنزل الملائكة والروح فیها بإذن ربهم من کل امر* سلام هی

حتى مطلع الفجر

سوره بینه آیات ۲-۳ رسول من الله یتلوا صحفا مطهرة* فیها

کتب قیمة (نعت)

سوره زلزله آیات ۱-۳ اذا زلزلت الأرض زلزالها* واخرجت الأرض ائقالها* وقال

الإنسان مالها

سوره عادیات آیات ۱-۵ والعادیات ضبحا* فالموریات قدحا*

فالمغیرات صبحا* فأثرن به نقعا* فوسطن به جمعا

سوره عاديات آيات ٩-١٠ افلا يعلم اذا بعث ما فى القبور* وحصل ما فى الصدور

سوره قارعه ٣-١ القارعة* ما القارعة* وما ادريك ما القارعة

سوره قارعه آيات ٤-٥ يوم

سوره قارعه آيات ٦-٧ فأما من ثقلت موازينه* فهو فى عيشة راضية

سوره قارعه آيات ٨-٩ وأما من خفت موازينه* فأمه هاويه

سوره عصر ٣-١ والعصر* إن الإنسان لفى خسر* الا الذين ءامنوا وعملوا الصالحات

وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر

سوره همزه ١-٢ ويل لكل همزة لمزة* الذى جمع مالا وعدده

سوره همزه آيات ٦-٧ نار الله الموقدة* التى تطلع على الأفئدة

سوره همزه آيات ٨-٩ انها عليهم مؤصدة* فى عمد ممددة

سوره فيل آيات ٣-٥ وارسل عليهم طيرا ابابيل* ترميهم بحجارة من سجيل* فجعلهم

كعصف مأكول

سوره قريش آيات ١-٢ لا يلاف قريش* ايلا فهم رحلة الشتاء

والصيف (بدل)

سوره قريش آيات ۳-۴ فليعبدوا رب هذا البيت * الذى اطعمهم من جوع وءامنهم من خوف

سوره ماعون آيات ۲-۳ فذلك الذى يدع اليتيم * ولا يحض على طعام المسكين

سوره ماعون آيات ۴-۵ فويل للمصلين * الذين هم عن صلوتهن ساهون

سوره ماعون آيات ۶-۷ الذين هم يراءون * ويمنعون الماعون

سوره كافرون آيات ۱-۲ قل يا ايها الكافرون * لا اعبد ما تعبدون (جواب نداء)

سوره نصر آيات ۱-۳ اذا جاء نصر الله والفتح * ورايت الناس يدخلون فى دين الله

افواجا * فسبح بحمد ربك واستغفره

سوره فلق آيات ۱-۶ قل اعوذ برب الفلق * من شر ما خلق * ومن شر غاسق اذا

وقب * ومن شر النفاثات فى العقد * ومن شر حاسد اذا حسد

سوره ناس آيات ۱-۶ قل اعوذ برب الناس * ملك الناس * اله الناس * من شر

(الوسواس الخناس * الذى يوسوس فى صدور الناس * من الجنة والناس (بدل

نوعى ديگر از ارتباط آيات

عبارت هاى آغاز آيات زير عليرغم وجود رابطه لفظى به آخرين عبارت در آيه قبل

.مربوط نمى شود؛ بنا بر اين وصل آن ها مناسب نمى باشد

سوره بقره آيات ۱۸-۱۹ صم بكم عمى فهم لا يرجعون * او كصيب من السماء فيه

ظلمات ورعد وبرق

سوره بقره آیات ۱۸۳- ۱۸۴ یا ایهاالذین ءامنوا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين
(من قبلکم لعلکم تتقون* ایاما معدودات (مفعول فيه

سوره نساء آیات ۲۳- ۲۴ ان الله كان عفورا رحیما* والمحصنات من النساء الا ماملکت
(ایمانکم) عطف به عبارت قبل

انعام آیات ۱۵۲-۱۵۳ ذلکم وصیکم به لعلکم تذكرون* وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا
فاتبعوه

سوره انعام آیات ۱۵۵-۱۵۶ وهذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه واتقوا لعلکم ترحمون
*ان تقولوا انما انزل الكتاب على طائفتين من قبلنا

سوره توبه آیات ۱۱۷-۱۱۸ انه بهم رءوف رحیم* وعلى الثلاثة الذین

خلفوا سوره توبه آیات ۱۲۰-۱۲۱ ان الله لا یضیع اجر المحسنین*

ولا ینفقون نفقة صغيرة ولا كبيرة ولا یقطعون وادیا الا كتب لهم لیجزیهم الله احسن ما
كانوا یعملون

سوره یوسف آیات ۸۰۹ اذ قالوا لیوسف واخوه احب الی ابینا منا ونحن عصبة ان ابانا
لفی ضلال مبین* اقتلوا یوسف او اطرحوه ارضا یخل لکم وجه ابیکم وتکونوا من بعده
قوما صالحین

سوره نحل آیات ۴۳-۴۴ وما ارسلنا من قبلک الا رجالا نوحی الیهم فسللوا اهل
الذکر ان کنتم لاتعلمون* بالبینات والزبر

سوره حج آیات ۱۹- ۲۱ هذان خصمان اختصموا فی ربهم

فالذين كفروا قطعت لهم ثياب من نار يصب من فوق رؤوسهم الحميم * يصهر به ما فى بطونهم والجلود * ولهم مقامع من حديد

مؤمنون آيات ١٩-٢٠ فأنشأنا لكم به جنات من نخيل واعناب لكم فيها فواكه كثيرة منها تأكلون * وشجرة تخرج من طور سيناء تنبت بالدهن وصبغ للأكلين
سوره نور آيات ٣٩-٤٠ والله سريع الحساب * او كظلمات فى

بحر لجى يغشيه موج من فوقه موج من فوقه سحاب

سوره شعراء آيات ٢٢١-٢٢٣ هل انبئكم

على من تنزل الشياطين * تنزل على كل افاك ائيم * يلقون السمع واكثرهم كاذبون (حال از شياطين

سوره احزاب آيات ٧٢-٧٣ انا عرضنا الامانة على السموات والارض والجبال فأبين

ان يحملنها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا * ليعذب الله المنافقين والمنافقات

والمشركين والمشركات ويتوب الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيمًا

سوره سبأ آيات ٣-٤ وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة قل بلى وربى لتأتينكم عالم

الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة فى السموات ولا فى الارض ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا

فى كتاب مبين * ليجزى الذين ءامنوا وعملوا الصالحات

سوره صافات آيات ١٥٨-١٦٠ وجعلوا بينه وبين الجنة نسبا ولقد علمت الجنة انهم

لمحضرون * سبحان الله عما يصفون * الا عباد الله المخلصين

سوره غافر آيات ۸-۹ ربنا وادخلهم جنات عدن التي وعدتهم ومن صلح من اباؤهم
وازواجهم وذرياتهم انك انت العزيز الحكيم * وقهم السيئات

سوره شورى آيات ۳۳-۳۵ ان يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد

على ظهره ان فى ذلك لايات لكل صبار شكور * او يوبقهن بما كسبوا ويعف عن
كثير * ويعلم الذين يجادلون فى اياتنا ما لهم من محيص

سوره فتح آيات ۴-۶ هوالذى انزل السكينة فى قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع
ايمانهم والله جنود السموات والارض وكان الله عليما حكيما * ليدخل المؤمنين والمؤمنات
جنات تجرى من تحتها الانهار خالدين فيها ويكفر عنهم سيئاتهم

حجرات ۷-۸ واعلموا ان فيكم رسول الله لو يطيعكم فى كثير من الامر لعنتم ولكن الله
حبب اليكم اليمان وزينه فى قلوبكم وكره اليكم الكفر والفسوق والعصيان اولئك هم
الراشدون * فضلا من الله ونعمة

سوره فتح آيات ۲۰-۲۱ وعدكم الله مغانم كثيرة يأخذونها فعجل لكم هذه و كف ايدي
الناس عنكم ولتكون ااية للمؤمنين ويهديكم صراطا مستقيما * واخرى لم تقدرها عليها
قد احاط الله بها

سوره نجم آيات ۵۰-۵۲ وانه اهلك عادا الاولى * واثمودا فما ابقى * وقوم نوح من
قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى

سوره حديد آيات ٢٣-٢٤ ما اصاب من مصيبة في الأرض ولا في انفسكم الا في كتاب
من قبل ان نبرأها ان ذلك على الله يسير* لكي لا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا
بمآاتيكم

سوره جن آيات ٢٦-٢٧ عالم الغيب فلا يظهر على غيبه احدا* الا من ارتضى من
رسول فإنه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا* ليعلم ان قد ابلاغوا رسالات ربهم
واحاط بما لديهم واحصى كل شيء عددا

ضميمه چهارم: وقوف هبطى

مواضع وقف هبطى به شرح زير است:

ذلك الكتاب لاريب * فيه هدى للمتقين بقره/ ٢

فلما اضاءت ما حوله * ذهب الله بنورهم وتركهم فى ظلمات لا يبصرون بقره/ ١٧

واذ اتينا موسى الكتاب * والفرقان لعلكم تهتدون بقره/ ٥٣

قال انه يقول انها بقرة صفراء فاقع لونها * تسر الناظرين بقره/ ٦٩

ومنهم اميون لا يعلمون الكتاب الا امانى * وان هم الا يظنون بقره/ ٧٨

ولتجدنهم احرص الناس على حيوه * ومن الذين اشركوا يود احدهم لو يعمر الف سنة * وما

هو بمزحزحه من العذاب ان يعمر * والله بصير بما تعملون بقره/ ٩٦

واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت * واسماعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم بقره/ ١٢٧

و وصى بها ابراهيم بنيه * ويعقوب يا بنى ان الله اصطفى لكم الدين فلا تموتن الا وانتم

مسلمون بقره/ ١٣٢

فلا تخشوهم واخشونى * ولأنتم نعمتى عليكم ولعلكم تهتدون بقره/ ١٥٠

كتب عليكم اذا حضر احدكم الموت ان ترك خيرا * الوصية للوالدين والأقربين بالمعروف *

حقا على المتقين بقره/ ١٨٠

فمن تعجل فى يومين فلاثم عليه * ومن تأخر فلاثم عليه لمن اتقى * واتقوا الله واعلموا انكم

اليه تحشرون بقره/ ٢٠٢

علم الله انكم ستذكرونهن ولكن لاتواعدوهن سرا * الا ان تقولوا قولا معروفا بقره/ ٢٣٥

ولايأب كاتب ان يكتب كما علمه الله فليكتب * وليملأ الذي عليه الحق وليتق الله ربه

ولا يخس منه شيئاً بقره/ ٢٨٢

هو الذي انزل عليك الكتاب منه * آيات محكمات هن ام الكتاب و آخر متشابهات

عمران/ ٧

قال كذلك * الله يفعل ما يشاء آل عمران/ ٤٠

قال كذلك * الله يخلق ما يشاء آل عمران/ ٤٧

اذا قضى امرا فإنما يقول له كن * فيكون آل عمران/ ٤٧

انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه فلا تخافوهم * وخافون ان كنتم مؤمنين آل عمران/ ١٧٥

ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانك * فقنا عذاب النار آل عمران/ ١٩١

وان من اهل الكتاب من يؤمن بالله وما انزل اليكم وما انزل اليهم خاتشين لله * لا يشترون

بآيات الله ثمنا قليلا آل عمران/ ١٩٩

حرمت عليكم امهاتكم وبناتكم واخواتكم وعماتكم وخالاتكم وبنات الأخ وبنات الأخت *

وامهاتكم الاتى ارضعنكم واخواتكم من الرضاعة * وامهات نساءكم وربائبكم الاتى فى

حجوركم من نساءكم الاتى دخلتم بهن * فأن لم تكونوا دخلتم بهن فلا جناح عليكم *

وحلائل ابنائكم الذين من اصلابكم * وان تجمعوا بين الأختين الا ما قدسلف * ان الله كان

غفورا رحيمًا نساء/ ٢٣

انما المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته * التيها الى مريم وروح منه نساء/ ١٧١

يا ايها الذين ءامنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم الى المرافق وامسحوا

برءوسكم * وارجلكم الى الكعبين مائده/٦

قد جاءكم من الله نور وكتاب مبين يهدى به الله من اتبع رضوانه سبيل السلام * ويخرجهم من

الظلمات الى النور * ويهديهم الى صراط مستقيم مائده/١٥-١٦

ياقوم ادخلوا الارض المقدسة التي كتب الله لكم * ولا تتردوا على ادباركم فتقلبوا خاسرين

مائده/٢١ احل لكم صيد البحر وطعامه * متاعا لكم وللسيارة مائده/٩٦

ما جعل اله من بحيرة ولا سائبة ولا وصيلة ولا حام * ولكن الذين كفروا يفترون على الله

الكذب واكثرهم لا يعقلون مائده/١٠٣

فان عثر على انهم استحقا اثما فآخران يقومان مقامهما من الذين استحق عليهم الاوليان

فيقسمان * بالله لشهادتنا احق من شهادتهما وما اعتدينا انا اذا لمن الظالمين مائده/١٠٧.

قال عيسى ابن مريم اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء تكون لنا عيدا لاولنا وآخرنا وءاية

منك * وارزقنا * وانت خير الرازقين مائده/١١٤

الم يروا كم اهلكنا من قبلهم من قرن مكناهم فى الارض ما لم نمكن لكم وارسلنا السماء عليهم

مدرارا * وجعلنا الأنهار تجري من تحتهم فأهلكناهم بذنوبهم * وانشأنا من بعدهم قرنا

ءاخرين انعام/٦

قل اى شىء كبر شهادة قل الله * شهيد بينى وبينكم انعام/١٩

قد خسروا الذين كذبوا بقاء الله حتى اذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يا حسرتنا على ما فرطنا فيها

وهم يحملون اوزارهم على ظهورهم * الا ساء ما يزررون انعام/٣١

قل اندعوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا ونرد على اعقابنا بعد اذ هدينا الله كالذى استهوته

الشياطين فى الارض حيران * له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا انعام/٧١

وهوالذى خلق السموات والارض ويوم يقول كن فيكون * قوله الحق * وله الملك * يوم

ينفخ فى الصور * عالم الغيب والشهادة * وهو الحكيم الخبير انعام/٧٢

وما يشعركم * انها اذا جاءت لا يؤمنون انعام/١٠٩

ان ربك هو اعلم من يضل عن سبيله * وهو اعلم بالمهتدين انعام/١١٧

لاشريك له * وبذلك امرت * وانا من المسلمين انعام/١٦٣

فوسوس لهما الشيطان ليبدى لهما ماوورى عنهما من سوءاتهما * وقال مانهيكما ربكما عن

هذه الشجرة الا ان تكونا ملكين او تكونا من الخالدين اعراف/٢٠

ونادى اصحاب الاعراف رجالا يعرفونهم بسيماهم * قالوا ما اغنى عنكم جمعكم وماكنتم

تستكبرون اعراف/٤٨

ان ربكم الله الذى خلق السموات والارض فى ستة ايام ثم استوى على العرش * يغشى الليل

النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره اعراف/٥٤

فعفروالناقة وعتوا عن امر ربهم * وقالوا يا صالح ائتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين

اعراف/٧٧

ثم بدلنا مكان السيئة الحسنة حتى عفوا * وقالوا قد مسءاباءنا الضراء والسراء فأخذناهم

بغثة وهم لا يشعرون اعراف/٩٥

ولو ان اهل الكتاب ءامنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والأرض * ولكن كذبوا
فأخذناهم بما كانوا يكسبون اعراف/ ٩٦

قال القوا فلما القوا سحروا اعين الناس واسترهبوهم * وجاءوا بسحر عظيم اعراف/ ١١٦
واكتب لنا فى هذه الدنيا حسنة وفى الآخرة * انا هدنا اليك اعراف/ ١٥٦

الم يؤخذ عليهم ميثاق الكتاب ان لا يقولوا على الله الا الحق * ودرسوا ما فيه اعراف/ ١٦٩
ذلكم فذوقوه * وان للكافرين عذاب النار انفال/ ١٤

ولن تغنى عنكم فتتكم شيئا ولو كثرت * وان الله مع المؤمنين انفال/ ١٩

ولو تواعدتم لاختلقتم فى الميعاد * ولكن ليقضى الله امرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينة
ويحيى من حى عن بينة * وان الله لسميع عليم انفال/ ٤٢

ولو ترى اذ يتوفى الذين كفروا * الملائكة يضربون وجوههم وادبارهم وذوقوا عذاب الحريق

انفال/ ٥٠ واعدوا

لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم وءاخرين من دونهم

لا تعلمونهم * الله يعلمهم انفال/ ٦٠

فسيحوا فى الأرض اربعة اشهر * واعلموا انكم غير معجزى الله وان الله مخزى الكافرين

توبه/ ٢

فتربصوا * انا معكم متربصون توبه/ ٥٢

ولو انهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله وقالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله ورسوله * انا الى الله راغبون توبه/ ٥٩

لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم * حريص عليكم * بالمؤمنين رءوف رحيم توبه/ ١٢٨

اكان للناس عجباً ان اوحينا الى رجل منهم ان انذر الناس * ويشر الذين ءامنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم يونس/ ٢

ولقد اهلكنا القرون من قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلنا بالبينات * وما كانوا ليؤمنوا يونس/ ١٣

وما يعزب عن ربك من مثقال ذرة في الأرض ولا في السماء * ولا اضغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين يونس/ ٦١

متاع في الدنيا * ثم اليها مرجعكم ثم نذيقهم العذاب الشديد بما كانوا يكفرون يونس/ ٧٠
واتل عليهم نبأ نوح اذ قال لقومه يا قوم ان كان كبر عليكم مقامي وتذكيري بآيات الله فعلى الله توكلت * فأجمعوا امركم وشركاءكم * ثم لم يكن امركم عليكم غمّة * ثم اقضوا الى ولا تنتظرون يونس/ ٧١
لقد جاءك

الحق من ربك * فلا تكونن من الممترين يونس/ ٩٤

قل فانظروا * اني معكم من المنتظرين يونس/ ١٠٢

الا يوم يأتاهم ليس مصروفا عنهم * وحق بهم ماكانوا به يستهزون هود/ ١٨

فمن كان على بينة من ربه ويتلوه شاهد منه * ومن قبله كتاب موسى اماما ورحمة هود/١٧
ولا اقول لكم عندى خزائن الله ولا اعلم الغيب ولا اقول لكم انى ملك * ولا اقول للذين تزدري

اعينكم لن يؤتيهم الله خيرا هود/٣١

هو ربكم * واليه ترجعون هود/٣٤

واصنع الفلك بأعيننا ووحينا * ولا تخاطبني فى الذين ظلموا انهم مغرقون هود/٣٧ وهى

تجرى بهم فى موج كالجبال * ونادى نوح ابنه وكان فى معزل يا بنى اركب معنا ولا تكن مع

الكافرين هود/٤٢ وقيل يا

ارض ابلعى ماءك وياسماء اقلعى * وغيض الماء وقضى الأمر واستوت على الجودى وقيل

بعدا للقوم الظالمين هود/٤٤

ونادى نوح ربه فقال رب ان ابنى من اهلى وان وعدك الحق * وانت احكم الحاكمين هود/٤٥

ويا قوم هذه ناقة الله لكم آية * فذروها تأكل فى ارض الله * ولا تمسوها بسوء فىأخذكم

عذاب قريب هود/٤٤

وارتقبوا * انى معكم رقيب هود/٩٣

ولله غيب السموات والأرض * واليه يرجع الأمر كله * فاعبده وتوكل اليه وماربك بغافل عما

تعملون هود/١٢٣

اذ قال يوسف لأبيه يا اباى انى رأيت احد عشر كوكبا والشمس والقمر * رأيتهم لى ساجدين

يوسف/٤ وان

كان قميصه قد من دبر فكذبت * وهو من الصادقين يوسف/٢٧

قال تزرعون سبع سنسن دأبا* فما حصدتم فذروه فى سنبله الا قليلا مما يأكلون يوسف/٤٧

قالوا نفقد صواع الملك* ولمن جاء به حمل بعير وانا به زعيم يوسف/٧٣

قال انما اشكوا بئى وحزنى الى الل*ه واعلم من الله ما لاتعلمون يوسف/٨٤

قال لا تثريب عليكم* اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم الراحمين يوسف/٩٢

قال الم اقل لكم* انى اعلم من الله ما لاتعلمون يوسف/٩٤

قل هل يستوى الأعمى والبصير* ام هل تستوى الظلمات والنور رعد/١٤

قل الله خالق كل شىء* وهو الواحد القهار رعد/١٤

اولئك لهم سوء الحساب* وماؤيهم جهنم* وبئس المهاد رعد/١٨

والذين صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانية ويدرءون
بالحسنة السيئة* اولئك لهم عقبى الدار رعد/٢٢

قل هو ربه* عليه توكلت* واليه متاب رعد/٣٠

ربنا انى اسكنت من ذريتى بواد غير ذى زرع عند بيتك المحرم*ربنا ليقيموا الصلوة فاجعل
افئدة من الناس تهوى اليهم وارزقهم من الثمرات لعلهم يشكرون ابراهيم/٣٧ لا تمدن عينيك
الى ما متعنا به ازواجا منهم* ولا تحزن عليهم* واخفض جناحك للمؤمنين حجر/٨٨

فاصدع بما تؤمر* واعرض عن المشركين حجر/٩٤

ويجعلون لله البنات سبحانه* ولهم ما يشتهون نحل/٥٧

تالله لقد ارسلنا الى امم من قبلك فزين لهم الشيطان اعمالهم فهو وليهم اليوم* ولهم عذاب
اليم نحل/٤٣

والله جعل لكم من انفسكم ازواجا وجعل لكم من ازواجكم بنين وحفدة* ورزقكم من الطيبات

نحل/٧٢

ان الله يعلم وانتم لا تعلمون نحل/٧٤

والله اخرجكم من بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا* وجعل لكم السمع والابصار والافئدة لعلكم

تشكرون نحل/٧٨

والله جعل لكم من بيوتكم سكنا وجعل لكم من جلود الأنعام بيوتا تستخفونها ويوم ظعنكم

ويوم اقامتكم ومن اصوافها و اوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الى حين نحل/٨٠

يعرفون نعمت الله ثم ينكرونها* واكثرهم الكافرون نحل/٨٣

واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم* ولا تنقضوا الأيمان بعد توكيدها وقد جعلتم الله عليكم كفيلا

نحل/٩١

واصبر* وما صبرك الا بالله نحل/١٢٧

ان الله مع الذين اتقوا* والذين هم محسنون نحل/١٢٨

كلا نمدا* هؤلاء وهؤلاء من عطاء ربك اسراء/٢٠

وءات ذا القربى والمسكين وابن السبيل* ولا تبذر تبذيرا اسراء/٢٦

واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا* الا ابليس قال ء اسجد لمن خلقت طينا اسراء/٦١

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين* ولا يزيد الظالمين الا خسارا اسراء/٨٢ قال

لقد علمت ما انزل هؤلاء الا رب السموات والأرض بصائر وانى لأضنك يافرعون مشورا

اسراء/١٠٢

وقلنا من بعده لبنى اسرايل اسكنوا الأرض * فإذا جاء وعد الآخرة جئنا بكم لفيها

اسراء/ ١٠٤

وقرءانا فرقناه لتقرأه على الناس على مكث * ونزلناه تنزيلا اسراء/ ١٠٦

قالوا ربكم اعلم بما لبثتم فابعثوا احدكم بورقكم هذه الى المدينة فلينظر ايها ازكى طعاما

فليأتكم برزق منه وليتلطف * ولا يشعربكم احدا كهف/ ١٩

وكذلك اعثرنا عليهم ليعلموا ان وعد الله حق وان الساعة لا ريب فيها * اذ يتنازعون بينهم

امرهم فقالوا ابنوا عليهم بنيانا ربهم اعلم بهم كهف/ ٢١

وفجرنا خلالهما نهرا وكان له ثمر * فقال لصاحبه وهو يحاوره انا اكثر منك مالا واعز نفرا

كهف/ ٣٤

ودخل جنته وهو ظالم لنفسه * قال ما اظن ان تبديد هذه ابدا وما اظن الساعة قائمة ولئن

رددت الى ربي لأجدن خيرا منهما منقلبا كهف/ ٣٦

ولم تكن له فئة ينصرونه من دون الله * وما كان منتصرا كهف/ ٤٣

واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا * الا ابليس كان من الجن ففسق عن امر ربه

كهف/ ٤٩

واما الجدار فكان لغلامين يتيمين فى المدينة وكان تحته كنز لهما * وكان ابوهما صالحا فأراد

كهف/ ٨٢

ربك ان يبلغا اشدهما ويستخرجا كنزهما رحمة من ربك

مريم/ ٣٥

اذا قضى امرنا فإنما يقول له كن * فيكون

طه/ ١١٦

واذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا * الا ابليس ابى

لو اردنا ان نتخذ لهما لاتخذناه من لدنا * ان كنا فاعلين

انبياء/ ١٧

وجعلنا فى الأرض رواسى ان تميد بهم * وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلمهم يهتدون انبياء/ ٣١

واذا رءاك الذين كفروا ان يتخذونك الا هزوا * اهذا الذى يذكر ءالهتم وهم بذكر الرحمن هم

انبياء/ ٣٦

كافرون

قال ربكم رب السموات والأرض الذى فطرهن * وانا على ذلكم من الشاهدين انبياء/ ٥٦

ثم نكسوا على رءوسهم * لقد علمت ما هؤلاء ينطقون انبياء/ ٦٥

و وهبنا له اسحق * ويعقوب نافلة انبياء/ ٧٤

ونقر فى الأرحام ما نشاء الى اجل مسمى * ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم حج/ ٥

يدعوا * لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى ولبئس العشير حج/ ١٣

وكذلك انزلناه ءايات بينات * وان الله يهدى من يريد حج/ ١٦

كلما ارادوا ان يخرجوا منها من غم اعيدوا فيها * وذوقوا عذاب الحريق حج/ ٢٢

واذ بوأنا لإبراهيم مكان البيت ان لا تشرك بي شيئا * وطهر بيتى للطائفين والقائمين والركع

السجود حج/ ٢٦

وكذب موسى * فأمليت للذين كفروا ثم اخذتهم فكيف كان نكير حج/ ٤٤

ويستعجلونك بالعذاب * ولن يخلف الله وعده حج/ ٤٧

هو اجتباكم * وما جعل عليكم فى الدين من حرج حج/ ٧٨

فأقيموا الصلوة وءاتوا الزكوة * واعتصموا بالله * هو موليكم حج/ ٧٨

ولقد خلقنا فوقكم سبع طرائق * وما كنا عن الخلق غافلين مؤمنون/ ١٧

وان لكم فى الانعام لعبرة* نسيقكم مما فى بطونها* ولكم فيها منافع كثيرة ومنها تأكلون

وعليها وعلى الفلك تحملون مؤمنون/٢١-٢٢

اولئك يسارعون فى الخيرات* وهم لها سابقون مؤمنون/٦١

بل قلوبهم فى غمرة من هذا* ولهم اعمال من دون ذلك هم لها عاملون مؤمنون/٦٣

بل جائهم بالحق* واكثرهم للحق كارهون مؤمنون/٧٠

وهو الذى يحيى ويميت* وله اختلاف الليل والنهار افلا تعقلون مؤمنون/٨٠

بل أتيناهم بالحق وانهم لكاذبون مؤمنون/٩٠

عالم الغيب والشهادة* فتعالى عما يشركون مؤمنون/٩٦

قالوا لبثنا يوما اوبعض يوم* فسئل العادين مؤمنون/١١٣

لا اله الا هو* رب العرش الكريم مؤمنون/١١٦

والله يعلم* وانتم لاتعلمون نور/١٩ وقل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن ويحفظن فروجهن*

ولا يبدین زینتهن الا ماظهر منها وليضربن بخمرهن على جيوبهن نور/٣١ رجال لاتلهيهم

تجارة ولابيع عن ذكر الله واقام الصلوة وايتاء الزكوة* يخافون يوما تتقلب فيه القلوب

والابصار نور/٣٧ قد

يعلم ماانتم عليه* ويوم يرجعون اليه فينبئهم بما عملوا نور/٦٤

الذى له ملك السموات والأرض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى الملك* وخلق كل

شىء فقدره تقديرا فرقان/٢

يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين* ويقولون حجرا محجورا فرقان/ ٢٢

فقلنا اذهبوا الى القوم الذين كذبوا بآياتنا* فدمرناهم تدميرا فرقان/ ٣٦

الذى خلق السموات والأرض وما بينهما فى ستة ايام ثم استوى على العرش* الرحمن

*فسئل به خبيرا فرقان/ ٥٩

واذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن* انسجد لمتأمرنا* وزادهم نفورا فرقان/ ٦٠

قال ءامنتم له قبل ان ءاذن لكم انه لكبيركم الذى علمكم السحر* فلسوف تعلمون شعراء/ ٤٩

كذلك* واورثناها بنى اسرائيل فأتبعوهم مشرقين شعراء/ ٥٩-٦٠

وما اهلكنا من قرية الا لها منذرون ذكرى* وماكنا ظالمين شعراء/ ٢٠٨-٢٠٩

يا موسى لاتخف* انى لا يخاف لى المرسلون نمل/ ١٠

فمكث غير بعيد* فقال احطت بما لم تحط به وجئتك من سبأ بنيا يقين نمل/ ٢٢

انى وجدت امرأة تملكهم واوتيت من كل شىء* ولها عرش عظيم نمل/ ٢٣

فانظر كيف كان عاقبة مكرهم* انا دمرناهم وقومهم اجمعين نمل/ ٥١

لقد وعدنا هذا نحن وءاباؤنا من قبل* ان هذا الا اساطير الأولين نمل/ ٦٨

واذا وقع القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم* ان الناس كانوا بآياتنا لا يوقنون

و

نمل/ ٨٢

قالت امرأت فرعون قرت عين لى ولك لاتقتلوه* عسى ان ينفعنا او نتخذه ولدا وهم

لا يشعرون قصص/ ٩

قصص/ ١٦

قال رب انى ظلمت نفسى فاغفرلى* فغفرله

وجاء رجل من اقصى المدينة يسعى * قال يا موسى ان الملائمة ياترون بك ليقتلوك * فاخرج

انى لك من الناصحين قصص / ٢٠

قال سنشد عضدك بأخيك ونجعل لكما سلطانا فلا يصلون اليكما بآياتنا * انتما ومن اتبعكما

الغالبون قصص / ٣٥

فخسفنا به وبداره الأرض * فما كان له من فئة ينصرونه من دون الله * وما كان من المنتصرين

قصص / ٨١

والذين كفروا بآيات الله ولقاءه اولئك يئسوا من رحمتى * واولئك لهم عذاب اليم

عنكبوت / ٢٣

ثم يوم القيامة يكفر بعضكم ببعض ويلعن بعضكم بعضا * وما أويكم النار وما لكم من ناصرين

عنكبوت / ٢٥

يستعجلونك بالعذاب * وان جهنم لمحيطة بالكافرين عنكبوت / ٥٤

فاذا ركبوا فى الفلك يدعو الله مخلصين له الدين * فلما نجىهم الى البر اذا هم يشركون ليكفروا

بما ءاتيناهم * وليتمتعوا فسوف يعلمون عنكبوت / ٦٥-٦٦

فى ادنى الأرض * وهم من بعد غلبهم سيغلبون روم / ٣

كانوا اشد منهم قوة واثاروا الأرض * وعمروها اكثر مما عمروها وجاءتهم رسلهم بالبينات

روم / ٥

واذا مس الإنسان ضر دعوا ربهم منيبين اليه * ثم اذا اذقهم منه رحمة اذا فريق منهم بربهم

يشركون ليكفروا بما ءاتيناهم روم / ٣٣

هذا خلق الله* فأروني ماذا خلق الذين من دونه لقمان / ١١

واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بني لا تشرك بالله* ان الشرك لظلم عظيم لقمان/ ١٣

واذا غشيهم موج كالظلل دعوا الله مخلصين له الدين* فلما نجيهم الى البر فمنهم

مقتصد لقمان/ ٣٢

ان وعد الله حق* فلا تغرنكم الحياة الدنيا* ولا يغرنكم بالله الغرور لقمان/ ٣٣

ان الله عنده علم الساعة* وينزل الغيث* ويعلم ما فى الأرحام لقمان/ ٣٤

فأعرض عنهم وانتظر* انهم منتظرون سجده/ ٣٠

اذ جاءوكم من فوقكم ومن اسفل منكم* واذ زاغت الأبصار وبلغت القلوب الحناجر وتظنون

بالله الظنونا احزاب/ ١٠

يا نساء النبي لستن كأحد من النساء ان اتقين* فلا تخضعن بالقول فيطمع الذى فى قلبه مرض

وقلن قولا معروفا احزاب/ ٣٢

وقرن فى بيوتكن ولا تبرجن تبرج الجاهلية الأولى* واقمن الصلوة وءاتين الزكوة* واطعن الله

ورسوله احزاب/ ٣٣

ولا تطع الكافرين والمنافقين* ودع اذيعهم* وتوكل على الله احزاب/ ٤٨

وامرأة مؤمنة ان وهبت نفسها للنبي ان اراد النبي ان يستنكحها* خالصة لك من دون المؤمنين

احزاب/ ٥٠

لئن لم ينته المنافقون والذين فى قلوبهم مرض والمرجفون فى المدينة لنگرينك بهم ثم

لا يجاورونك فيها الا قليلا ملعونين* اينما ثقفوا اخذوا وقتلوا تقتيلا احزاب/ ٦٠-٦١

وما يدريك * لعل الساعة تكون قريبا احزاب/ ٦٣

الحمد لله الذى له ما فى السموات وما فى الأرض * وله الحمد فى الآخرة سبأ/ ١

قل بلى وربى لتأتينكم * عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة فى السموات ولا فى الأرض *

ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا فى كتاب مبين ليجزى الذين ءامنوا وعملوا الصالحات سبأ

٣-٤

اعملوا ءال داود * شكرا * وقليل من عبادى الشكور سبأ/ ١٣

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله * لا يملكون مثقال ذرة فى السموات ولا فى الأرض * وما

لهم فيها من شرك * وما لهم منهم من ظهير سبأ/ ٢٢

ولو ترى اذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم الى بعض القول * يقول الذين استضعفوا

لولا انتم لكانا مؤمنين سبأ/ ٣١

وكذب الذين من قبلهم وما بلغوا معشار ما ءاتيناهم * فكذبوا رسلى * فكيف كان نكير سبأ/ ٤٥

وقالوا ءامننا به * وانى لهم التناوش من مكان بعيد سبأ/ ٥٢

يا ايها الناس ان وعد الله حق * فلا تغرنكم الحياة الدنيا * ولا يغرنكم بالله الغرور فاطر/ ٥

وما يستوى البحران * هذا عذب سائغ شرابه وهذا ملح اجاج فاطر/ ١٢

وجاء رجل من اقصى المدينة يسعى * قال يا قوم اتبعوا المرسلين اتبعوا من لا يستلکم اجرا وهم

مهتدون يس/ ٢٠-٢١ لهم فيها فاكهة * ولهم فيها ما يدعون يس/ ٥٧

مالکم * كيف تحكمون صافات/ ١٥٤

وان كثيرا من الخلطاء ليبغى بعضهم على بعض الا الذين ءامنوا وعملوا الصالحات * وقليل

رب السموات والأرض وما بينهما* العزيز الغفار ص ٦٦/

والذين اتخذوا من دونه اولياء ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله رلفى* ان الله يحكم بينهم فى ما

هم فيه يختلفون زمر/٥

خلقكم من نفس واحدة ثم جعل منها زوجها* وانزل لكم من الأنعام ثمانية ازواج زمر/٦

واذا مس الإنسان ضر دعا ربه منيبا اليه* ثم اذا خوله نعمة منه نسى ما كان يدعوا اليه من

قبل وجعل لله اندادا ليضلوا عن سبيله زمر/٨

الله نزل احسن الحديث كتابا متشابها مثنى* تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم ثم تلين

جلودهم وقلوبهم الى ذكر الله زمر/٢٣

ضرب الله مثلا فيه شركاء متشاكسون ورجلا سلما لرجل* هل يستويان مثلا زمر/٢٩

ما يجادل فى آيات الله الا الذين كفروا* فلا يغررك تقلبهم فى البلاد غافر/٤

الذين يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين ءامنوا*

ربنا وسعت كل شىء رحمة وعلما فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم

كانوا

غافر/٧

هم اشد منهم قوة وءاثارا فى الأرض فأخذهم الله بذنوبهم* وما كان لهم من الله من واق

غافر/٢١

هو الذى يحيى ويميت* فإذا قضى امرا فإنما يقول له كن* فيكون غافر/٦٨

اذا الأغلال فى اعناقهم والسلاسل* يسحبون فى الحميم ثم فى النار يسجرون غافر/٧٢-٧٣

ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم * وعليها وعلى الفلك تحملون غافر/ ٨٠

فلما جاءتهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم وحق بهم ما كانوا به يستهزءون

غافر/ ٨٣

تنزيل من الرحمن الرحيم كتاب فصلت آياته قاءانا عربيا لقوم يعلمون بشيرا ونذيرا *

فأعرض أكثرهم فهم لا يسمعون فصلت/ ٢-٤

ثم استوى الى السماء وهي دخان فقال لها وللأرض ائتيا طوعا وكرها * قالتا اتينا طائعين

فصلت/ ١١

وزينا السماء الدنيا بمصابيح * وحفظا * ذلك تقدير العزيز العليم فصلت/ ١٢

قالوا انطقنا الله الذي انطق كل شيء * وهو خلقكم اول مرة واليه ترجعون فصلت/ ٢١ وقيضنا

لهم قرناء فزينوا لهم ما بين ايديهم وما خلفهم * وحق عليهم القول في امم قد خلت من قبلهم

من الجن والإنس * انهم كانوا خاسرين فصلت/ ٢٥

وما يلقبها الا الذين صبروا * وما يلقبها الا ذو حظ عظيم فصلت/ ٣٥

وضل عنهم ماما كانوا يدعون من قبل وظنوا * ما لهم من محيص فصلت/ ٤٨

ذلكم الله ربي * عليه توكلت واليه انيب شوري/ ١٠

وعليهم غضب * ولهم عذاب عظيم شوري/ ١٦

ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها * وما له في الآخرة من نصيب شوري/ ٢٠

وتريبهم يعرضون عليها خاشعين * من الذل ينظرون من طرف خفي شوري/ ٤٥

حتى اذا جاءنا قال يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين * فبئس القرين زخرف/ ٣٨

وانه لعلم للساعة فلا تمترن بها * واتبعون هذا صراط مستقيم زخرف/ ٦٤

قل ان كان للرحمن ولد * فأنا أول العابدين زخرف/ ٨١

يوم نبطش البطشة الكبرى * انا منتقمون دخان/ ١٦

كذلك * وزوجناهم بحور عين دخان/ ٥٤

وخلق الله السموات والأرض بالحق * ولتجزى كل نفس بما كسبت وهم لا يظلمون جاثيه/ ٢٢

كل امة تدعى الى كتابها * اليوم تجزون ما كنتم تعملون جاثيه/ ٢٨

ان اتبع الا ما يوحى الى * وما انا الا نذير مبين احقاف/ ٩

وان اعمل صالحا ترضيه * واصلح لى فى ذريتى احقاف/ ١٥

تدمر كل شىء بامر ربها * فأصبحوا لا يرى الا مساكنهم احقاف/ ٢٥

ولقد مكناهم فى ما ان مكناكم فيه وجعلنا لهم سمعا وابصارا وافئدة * فما اغنى عنهم سمعهم

ولا ابصارهم ولا افئدتهم من شىء اذ كانوا يجحدون بآيات الله * وحق بهم ما كانوا به

يستهزون احقاف/ ٢٦

بلى * انه على كل شىء قدير احقاف/ ٣٢

كانهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ * فهل يهلك الا القوم الفاسقون

احقاف/ ٣٥

فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق * فإما منا بعد وإما

فداء حتى تضع الحرب اوزارها محمد/٤

ان الذين يبائعونك انما يبائعون الله * يدالله فوق ايديهم فتح/١٠

قل لن تتبعونا* كذا لكم قال الله من قبل * فسيقولون بل تحسدوننا فتح/١٥

وعدكم الله مغنم كثيرة تأخذونها فعجل لكم هذه وكف ايدي الناس عنكم* ولتكون آية

للمؤمنين ويهديكم صراطا مستقيما فتح/٢٠

اذ جعل الذين كفروا فى قلوبهم الحمية حمية الجاهلية* فانزل الله سكينته على رسوله وعلى

المؤمنين والزمهم كلمة التقوى وكانوا احق بها واهلها فتح/٢٦

ولا تجسسوا* ولا يغتب بعضكم بعضا حجات/١٢

فاصبر على ما يقولون* وسبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس وقبل الغروب ق/٣٩

كانوا قليلا* من الليل ما يهجعون ذاريات/١٧

والسماء بنيناها باييد* وانا لموسعون ذاريات/٤٧

والارض فرشناها* فنعم الماهدون ذاريات/٤٨

والذين ءامنوا واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم* وما التناهم من عملهم من شىء

طور/٢١

علمه شديد القوى ذو مرة* فاستوى وهو بالافق الاعلى نجم/٥-٧

فدعا ربه انى مغلوب* فانتصر ق/١٠

نحن خلقناكم* فلولا تصدقون واقعه/٥٧

ولقد علمتم النشأة الاولى * فلولا تذكرون واقعه /٦٢

لونشاء جعلناه اجاجا * فلولا تشكرون واقعه /٧٠

يوم يقول المنافقون والمنافقات للذين ءامنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم

فالتمسوا نورا * فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه الرحمة وظاهره من قبله العذاب

حديد /١٣

الم يأن للذين ءامنوا ان تخشع قلوبهم الى ذكرالله وما نزل من الحق * ولا يكونوا كالذين اوتوا

الكتاب من قبل فطال عليهم الامد فقست قلوبكم * وكثير منهم فاسقون حديد /١٦ والذين

ءامنوا بالله ورسله اولئك هم الصديقون * والشهداء عند ربهم * لهم اجرهم ونورهم حديد /١٩

ثم قفينا على ءاثارهم بعبسى ابن مريم وءاتيناها الانجيل وجعلنا فى قلوب الذين اتبعوه رافه

ورحمة ورهبانية ابتدعوها ما كتبناها عليهم الا ابتغاء رضوان الله * فمارعوها حق

رعايتها حديد /٢٧

الم تر الى الذين نهوا عن النجوى ثم يعودون لما نهوا عنه ويتناجون بالاثم والعدوان ومعصيت

الرسول * واذا جاءوك حيوك بما لم يحييك به الله ويقولون فى انفسهم لولا يعذبنا الله بما

نقول * حسبهم جهنم * يصلونها * فبئس المصير مجادله /٨

يا ايها الذين ءامنوا اذا تناجيتم فلا تتناجوا بالاثم والعدوان ومعصيت الرسول * وتناجوا بالبر

والتقوى * واتقوا الله الذى اليه تحشرون مجادله /٩

ولا تجعل فى قلوبنا غلا للذين ءامنوا * ربنا انك رءوف رحيم حشر /١٠

يا ايها الذين ءامنوا لاتتخذوا عدوى وعدوكم اولياء * تلقون اليهم بالمودة وفدكفروا بما جاءكم

من الحق * يخرجون الرسول واياكم ان تؤمنوا بالله ربكم * ان كنتم خرجتم جهادا فى سبيلى
وابتغاء مرضاتى ممتحنه / ١

فإدا بلغن اجلهن فأمسكوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف * واشهدوا ذوى عدل منكم
* واشهدوا ذوى عدل منكم واقبموا الشهادة لله طلاق / ٢ فاتقوا الله يا اولى الالباب * الذين
ءامنوا قد انزل الله اليكم ذكرا طلاق / ١٠

الله الذى خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن * يتنزل الامر بينهن لتعلموا ان الله على كل
شىء قدير وان الله قد احاط بكل شىء علما طلاق / ١٢

نورهم يسعى بين ايديهم وبايمانهم * يقولون ربنا اتمم لنا نورنا واغفر لنا تحريم / ٨
كانتا تحت عبيد من عبادنا صالحين فخانتاهما فلم يغنيا عنهما من الله شيئا * وقيل ادخلا
النار مع الداخلين تحريم / ١٠

فاعترفوا بذنبهم * فسحقا لاصحاب السعير ملك / ١١

ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله * وهو اعلم بالمهتدين قلم / ٧
مالكم * كيف تحكمون قلم / ٣٦

سخرها عليهم سبع ليال وثمانية ايام حسوما * فترى القوم فيها صرعى كأنهم اعجاز نخل
خاوية حاقه / ٧

كلوا واشربوا * هنيئا بما اسلفتم فى الايام الخالية حاقه / ٢٤

رب اغفر لى ولوالدى وللمؤمنين والمؤمنات * ولا تزد الظالمين الا تبارا
نوح / ٢٨

رب المشرق والمغرب * لاله الا هو * فاتخذه وكيلا مزمل/ ٩
واقيموا الصلوة وءاتوا الزكوة واقرضوا الله قرضاحسنا مزمل/ ٢٠
وحلوا اساور من فضة * وسقيهم ربهم شرابا طهورا انسان/ ٢١
كلوا واشربوا * هنيئا بما كنتم تعملون مرسلات/ ٤٣
بسم الله الرحمن الرحيم عم * يتساءلون عن النبا العظيم الذي هم فيه مختلفون نبأ/ ١-٣
رب السموات والارض وما بينهما * الرحمن لا يملكون منه خطابا نبأ/ ٣٧
تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر * سلام هي حتى مطلع الفجر قدر/ ٤-٥

ضمیمه پنجم : وقف لازم:

وقف لازم وقفی است که اگر به وصل خوانده شود، در معنا و مفهوم آیات قرآن خلل ایجاد شده و سبب ایهام در کلام خدای متعال می گردد؛ بدین گونه که یا مفهوم آن رابه کلی تغییر داده و یا معنای خلاف مقصود را به ذهن ، متبادر می سازد. مانند: آیه ٢٦ سوره بقره (واما الذين كفروا فيقولون ما ذا اراد الله بهذا مثلا) که وقف بر آن لازم شمرده شده است و چنانچه به عبارت بعد (يضل به كثيرا ويهدى به كثيرا) وصل شود تصور می گردد این جمله وصف برای کلمه (مثلا) و ادامه سخن کافران باشد در صورتی که به قرینه آیه «٣١» سوره مدثر (كذالك يضل الله من يشاء و يهدى من يشاء) این عبارت مستأنفه بوده و کلام خدای سبحان در پاسخ سخن ناروای کافران می باشد.

نخستین فردی که به این وقف تصریح کرده سجاوندی است. استاد علی محمد ضباع در این رابطه می نویسد: «اوّل من سّماه اللّازم هو الامام السجاوندی و تبعه جماعة، منهم العلامة ابن الجزری والنکزاوی، وسمّاه جماعة بالوقف الأتم والآخرون بالوقف الواجب.» اولین فردی که آن را وقف لازم نامیده سجاوندی است و گروهی از جمله، ابن جزری و نکزاوی از وی تبعیت کرده اند؛ برخی آن را وقف اتم و بعضی وقف واجب نامیده اند.

در این که وقف لازم مترادف وقف تام باشد، محل اشکال است - چه رسد به اتم - و نیز باید بدانیم مقصود از وقف واجب، وجوب شرعی و فقهی نیست.

سجاوندی وقف لازم را به دین گونه تعریف نموده است: « فاللازم من الوقف ما لو وصل طرفاه غیر المرام و شنع الکلام » وقف لازم آن است که اگر جمله قبل و بعد آن به یکدیگر وصل شود، مراد و مفهوم کلام را تغییر دهد و سخن خدای سبحان را دگرگون سازد. (علل الوقوف ج ۱ ص ۱۰۸)

ابن جزری در رابطه با وقف لازم می نویسد: « من الاوقاف ما يتأكد استحبابه لبيان المعنى المقصود، وهو ما لو وصل طرفاه لا وهم معنى غير المراد وهذا هو الذى اصطلح عليه السجاوندی باللازم و عبر عنه بعضهم بالواجب وليس معناه الواجب عند الفقهاء - يعاقب على تركه - كما توهمه بعض الناس.» برخی از وقف ها به جهت رساندن معنای مقصود، مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است و این زمانی است که اگر به وصل خوانده شود افاده معنایی خلاف مراد متکلم را دارد و این همان چیزی است که سجاوندی آن را لازم نامیده است؛ برخی از آن

تعبیر به واجب نموده اند و معنای آن، چنانچه که بعضی تصور کرده اند وجوب فقهی نیست که ترک آن عقاب داشته باشد. (النشر ج ۱ ص ۲۳۲)

محمد علی خلف الحسینی در تعریف وقف لازم چنین گفته است: «وهو ما قد یوهم خلاف المراد اذا وصل بما بعده» وقف لازم وقفی است که اگر به وصل خوانده شود از آن معنایی خلاف مراد و مقصود متکلم برداشت می شود. (الاضائه ص

عبدالفتاح قاضی در تعریف وقف لازم می نویسد: «وهو الوقف علی کلام تام لو وصل بما بعده لاوهم وصله معنی غیرالمعنی المراد» وقف بر کلام تامی است که اگر به ما بعدش وصل گردد، از آن معنایی بجز معنای اراده شده تصور می گردد.

مقصود ایشان از وقف تام، وقفی است که دارای معنای مفیدی باشد وگرنه این وقف معادل وقف تام نیست.

از مجموعه تعریف های بالا چنین نتیجه می گیریم که در وقف لازم عبارت اول دارای معنای مفیدی است و وجود تعلق معنوی در آن قطعی می باشد، به گونه ای که اگر به عبارت بعد از خودش وصل شود موجب تغییر در معنا و مفهوم کلام گردیده و یا حد اقل سبب ابهام در کلام می گردد.

حکم وقف لازم

در وقف لازم تأکید فراوانی نسبت به وقف صورت گرفته است تا حدی که وصل آن را قبیح و ناپسند شمرده اند به گونه ای که برابر آیین نامه مسابقات قرائت قرآن همانند وقف قبیح

مغیر معنا موجب کسر دو نمره می گردد. البته در مورد مصادیق وقف لازم اختلاف دیدگاه وجود دارد که به خواست خدا در جای خود بیان خواهد شد.

برخی از لزوم این وقف از واژه واجب استفاده کرده اند از جمله سخاوی در کتاب خویش ، وقف برکلمه (قولهم) را که از مواضع وقف لازم است ، واجب شمرده و گفته است. «ان الوقف علی (قولهم) فی الآیتین واجب» ابن هشام در پاسخ وی گفته که: «والصواب انه لیس فی جمیع القرآن وقف واجب.» در تمامی قرآن، وقف واجب وجود ندارد.

البته واجب به معنای وجوب شرعی و فقهی نیست بلکه وجوب صناعی است که بر رعایت آن تأکید فراوانی شده است ابن جزری می گوید: (ولیس فی القرآن من وقف وجب) * در قرآن وقف واجب فقهی وجود ندارد که ترک آن مؤاخذه داشته باشد مگر آن که به قصد تحریف و تغییر معنا و به صورت عمد انجام شود .

سوره یونس آیه ۶۵ و سوره یس آیه ۷۶ (جمال القراء و کمال الاقراء - تحقیق د. علی البواب

* المغنی ج ۲ ص ۳۸۴

* النشر ج ۱ ص ۲۳۲

ساجقلی زاده در رابطه با وقف لازم چنین آورده است: «اعلم انه قد یقبح الوصل لایهامه

معنی فاسدا مثل: «و کذلک حقت کلمة ربک علی الذین کفروا انهم اصحاب النار» فلا

یجوز ان یوصل ذلک بقوله (الذین یحملون العرش ومن حوله) و یقف علیه ومثله (یدخل من

یشاء فی رحمته) فلا یجوز ایضا ان یوصل بقوله (والظالمین) ثم یقف علیه فالوصل فی هذه

المواضع يوهم معنى فاسدا بسبب القطع على ما ذكر ولو لم يقف على ما ذكر لارتفع الوهم.»
بدان، که گاهی وصل به جهت ایهام معنای فاسدی، قبیح است مانند وصل عبارت (انهم اصحاب النار) به (الذین یحملون العرش) و وقف بر آن، از عبارت چنین مستفاد می گردد که: فرشتگانی که عرش خدا را حمل می کنند، اهل آتش می باشند. و نیز از وصل عبارت (یدخل من یشاء فی رحمته) به (والظالمین) و وقف بر آن، معنای عبارت چنین می شود که: خداوند هر که را بخواهد و نیز ستمکاران را داخل در رحمت خویش می نماید. ولی اگر بر عبارت (الذین یحملون العرش) و نیز (الظالمین) وقف نشده و تا آخر آیه و یا محل وقف جایز ادامه یابد، ایهام بر طرف می گردد.

وی می افزاید: «وقد لا یندفع توهم المعنی الفاسد الحاصل من الوصل ولو وصلت الی آخر الآیه کالتوهم الحاصل من وصل (فآمن له لوط) بقوله (وقال انی مهاجر الی ربی) ولا یعرف ذالک الا عالم ذکی.» گاهی توهم معنای فاسد حتی اگر تا آخر آیه نیز به وصل خوانده شود، بر طرف نمی گردد مانند: وصل عبارت (فآمن له لوط) به (وقال انی مهاجر الی ربی) چنین برداشت می شود که حضرت لوط گفت: من بسوی خدایم هجرت می کنم در صورتی که این سخن از پیامبر خدا ابراهیم (ع) می باشد؛ و این مطلب را تنها دانشمندان زیرک و باهوش درک می کنند.

رابطه وقف لازم با سایر اقسام وقف:

برخی چنین پنداشته اند که وقف لازم معادل وقف تام و حتی اتمّ می باشد، در صورتی که این گونه نیست. زیرا اگر هیچ گونه تعلقی میان دو جمله قبل و بعد وجود نداشته باشد چگونه می تواند وصل آن موجب ایهام گردد.

باید بدانیم که وقف لازم در همه جا (تام) نیست چه رسد به (اتم)؛ بلکه این وقف گاهی (تام) بوده ولی بیشتر شامل وقف (کافی) می گردد. اگر بخواهیم رابطه میان وقف لازم را باوقف تام را از نظر علم منطق بیان کنیم، باید بگوییم رابطه میان آن ها عموم و خصوص من وجه است که دارای یک وجه اشتراک و دو وجه افتراق می باشد؛ توضیح اینکه بعضی از وقف ها، هم لازم است و هم تام مانند وقف بر: «الیس فی جهنم مثوی للکافرین (م) والذی جاء بالصدق وصدق به اولئک هم المتقون*۱» و نیز وقف بر: «وکذلک حقت کلمت ربک علی الذین کفروا أنهم اصحاب النار(م) الذین یحملون العرش ومن حوله یسبحون بحمد ربهم*۲» و برخی از وقف ها تام هستند ولی لازم نیستند مانند: «هد ذکر(ط) وان للطاغین لشرّ مآب*۳» و از سوی دیگر بعضی از وقف ها لازم هستند ولی تام نیستند مانند وقف بر: «ولا یحزنک قولهم (م) ان العزة لله جمیعا*۴» که وقف کافی است و یا وقف بر: «واتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق (م) اذ قربا قربانا*۵» که از نوع وقف حسن می باشد.

*۱ سوره زمر آیه ۳۴ *۲ سوره غافر آیات ۷ و ۶ *۳ سوره ص آیه ۴۹ *۴ سوره یونس

نس آیه ۶۵ *۵ سوره مائده آیه ۲۷

رابطه وقف لازم با وقف های کافی و حسن نیز چنین است یعنی عموم و خصوص من وجه است.

بدیهی است رابطه وقف لازم ووقف قبیح (تباین) است و هیچ گاه وقف قبیح نمی تواند لازم شمرده شود و بالعکس؛ به همین جهت در وقف لازم، وصل آن قبیح شمرده شده است. ابن جزری می گوید: «ویجیء هذا فی قسمی التام والكافی وربما یجیء فی الحسن» النشر ج ۱ ص ۲۳۲ این وقف - یعنی وقف لازم - در هر دو قسم تام وکافی می آید و چه بسا در وقف حسن نیز آمده است.

مکی نصر چنین آورده است: «وقد یتأكد الوقف علی التام لبيان معنی مقصود وهو ما لو وصل طرفاه لاوهم معنی غیر المراد وهذا هو الذی عبر عنه السجاوندى باللازم، وعبر عنه بعضهم بالواجب . وقد یتأكد الوقف علی الکافی لبيان معنی المقصود كما تقدم فی التام . وقد یتأكد الوقف الحسن لبيان معنی المقصود كما تقدم». (نهاية القول المفيد، ص

۲۰۵ و ۲۰۹ و ۲۱۵)

برخی از وقف لازم به (وقف بیان) تعبیر کرده اند که به وقف (بیان تام) ووقف (بیان کافی) ووقف (بیان حسن) تقسیم می شود.

در تعریف وقف بیان گفته اند: «هو ان یتبین معنی لا يفهم دونه» وقف بیان وقفی است که

مفهومی را آشکار می سازد که با وصل، این معنا روشن نمی گردد. (منارالهدی ص)

مانند وقف بر «لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه» وابتدای از «وتسبحوه بكرة واصيلا»

(سوره فتح آیه ۹) تا بدین وسیله معلوم شود که ضمیر در توقروه به پیامبر اکرم (ص) وضمیر

در وتسبحوه به خدای متعال باز می گردد.

متذکر می شویم که وقف بیان فراتر از وقف لازم بوده و مواردی را شامل می گردد که از نظراهمیت در حد لزوم وقف نباشد برخی آن را وقف مستحب نامیده اند که در وصل آن حرجی نیست. «هو علامة الوقف المستحب فلا حرج ان وصل» (مصحف الحرمین) مثال های دیگر:

وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رافة ورحمة * ورهبانية ابتدعوها (سوره حدید آیه ۲۷)
فانزل الله سکینته علیه * وایده بجنود لم تروها (سوره توبه آیه ۴۰)

اذ یقول المنافقون غر هؤلاء دینهم * ومن یتوکل علی الله فان الله شدید العقاب
موارد شایع وقف لازم

در وقف لازم چنانچه به وصل خوانده شود تصور می گردد عبارت بعد :

۱- مقول قول ماقبل باشد مانند:

کذالک قال الذین کفروا من قبلهم مثل قولهم (م) تشابهت قلوبهم
ذالک بانهم قالوا انما البیع مثل الربوا (م) واحل الله البیع وحرّم الربوا
لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله فقیر و نحن اغنیاء (م) سنکتب ما قالوا
وقالت اليهود یدالله مغلولة (م) غلت ایدیهم ولعنوا بما قالوا (م) بل یاه مبسوطتان ینفق کیف
یشاء

لقد کفر الذین قالوا ان الله ثلاثة (م) وما من اله الا اله واحد
قالوا ان نؤمن حتی نوتی مثل ما اوتی رسل الله (م) الله اعلم حیث یجعل رسلته
ولا یحزنک قولهم (م) ان العزة لله جمیعا

وقالوا اتخذ الله ولدا (م) سبحان له * این مورد را سجاوندی وقف ممنوع داسته وسبب آن را
سرعت تنزیه بیان نموده است *

وقالوا اتخذ الرحمن ولدا (م) سبحانه این مورد رانیز سجاوندی وقف ممنوع داسته وسبب آن
را سرعت تنزیه بیان نموده است.

واذ تقول للذي انعم الله عليه وانعمت عليه امسك عليك زوجك واتق الله (م) وتخفي في
نفسك ما الله مبديه

قالوا يا ويلنا من بعثنا من مرقدنا (م) هذا ما وعد الرحمن
وقيله يا رب ان هؤلاء قوم لا يؤمنون (م) فاصفح عنهم وقل سلام
ثم تولوا عنه والوا معلم مجنون (م) انا كاشفوا العذاب قليلا
اذا جاءك المنافقون قالوا نشهد انك لرسول الله (م) والله يعلم انك لرسوله
ويقولون انه لمجنون (م) وما هو الا ذكر للعالمين
قالوا تلك اذا كرة خاسرة (م) فانما هي زجرة واحدة
۲- صفت برای کلمه ما قبل باشد مانند :

وما هم بمؤمنين (م) يخادعون الله والذين آمنوا
تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض (م) منهم من كلم الله
سبحانه ان يكون له ولد (م) له مافى السموات ومافى الارض
المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض (م) يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف
المؤمنون والمؤمنات بعضهم من بعض يأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر

ماكان لله ان يتخذ من ولد (م) سبحانه

فأنشأنا لكم به جنات من نخيل واعناب (م) لكم فيها فواكه كثيرة

ولا تدع مع الله الهاء اخر (م) لاله الا هو

ليس لوقعتها كاذبة (م) خافضة رافعة

ابصارها خاشعة (م) يقولون اءنا لمردودون فى الحافرة

فيها عين جارية (م) فيها سرر مرفوعة

ايحسب ان لن يقدر عليه احد (م) يقول اهلكت مالا لبدا

ليلة القدر خير من الف شهر (م) تنزل الملائكة والروح فيها

٣- ظرف براى ما قبل باشد مانند:

الذين هم فى خوض يلعبون (م) يوم يدعون الى نار جهنم دعًا

فتنولّ عنهم (م) يوم يدع الداع الى شىء نكر

انكم عائدون (م) يوم نبطش البطشة الكبرى

ان المجرمين فى ضلال وسعر (م) يوم يسحبون فى النار على وجوههم

فالمدبرت امرا (م) يوم ترجف الراجفة

٤- حال براى كلمه ما قبل باشد مانند:

وهم بالآخرة هم كافرون (م) وبينهما حجاب

اولئك لم يكونوا معجزين فى الارض وماكان لهم من دون الله من اولياء (م)

يضاعف لهم العذاب

لا يجليها لوقيتها الا هو(م) ثقلت فى السموات والارض

فانتقمنا منهم (م) وانهما لبايمام مبين

وانذرهم يوم الحسرة اذقضى الامر (م) وهم فى غفلة وهم لا يؤمنون

ونسوق المجرمين الى جهنم وردا (م) لا يملكون الشفاعة

والذين اتخذوا من دونه اولياء(م) مانعدهم الا ليقربونا الى الله زلفى

كذلك وزوجناهم بحورعين (م) يدعون فيها بكل فاكهة ءامين

هذه جهنم التى يكذب بها المجرمون (م) يطوفون بينها وبين حميم ءان

٥- عطف به عبارت ما قبل باشد مانند:

لعنه الله (م) وقال لأتخذنّ من عبادك نصيبا مفروضا

ولا يجرمنكم شنئان قوم ان صدوكم عن المسجدالحرام ان تعتدوا (م) وتعاونوا على البر

والتقوى.

وطعامكم حل لهم (م)والمحصنات من النساء

انما يستجيب الذين يسمعون (م)والموتى يبعثهم الله

ويذهب غيظ قلوبهم (م) ويتوب الله على من يشاء

للذين استجابوا لربهم الحسنى (م) والذين لم يستجيبوا له

ممن تبغى فانه منى (م) ومن عصانى

وان عدتم عدنا (م) وجعلنا جهنم للكافرين حصيرا

وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا (م) وقرءانا فرقناه لتقرأه على الناس على مكث ونزلناه تنزيلا

فآمن له لوط (م) وقال انى مهاجرالى ربى

٦- شرط متأخر به جمله قبل مربوط شود مانند:

ولبئس ما شروا به انفسهم (م) لوكانوا يعلمون

ولوأنهم ءامنوا واتقوا المثوبة من عندالله خير (م) لوكانوا يعلمون

وان تصوموا خير لكم (م) ان كنتم تعلمون

وان تصدقوا خير لكم (م) ان كنتم تعلمون

ذالكم خير لكم (م) ان كنتم تعلمون

قل نار جهنم اشدّ حرّاً (م) لوكانوا يعلمون

قل لمن الارض ومن فيها (م) ان كنتم تعلمون

وهو يجير ولا يجير عليه (م) ان كنتم تعلمون

قل ان لبئتم الا قليلا (م) لو انكم كنتم تعلمون

قال رب السموات والارض وما بينهما (م) ان كنتم موقنين

قال رب المشرق والمغرب وما بينهما (م) ان كنتم تعقلون

ان حسابهم الا على ربى (م) لو تشعرون

ذالكم خير لكم (م) ان كنتم تعلمون

وان اوهن البيوت لبيت العنكبوت (م) لوكانوا يعلمون

وان الدار الآخرة لهى الحيوان (م) لوكانوا يعلمون

ولعذاب الآخرة اكبر (م) لوكانوا يعلمون

رب السموات والارض وما بينهما (م) ان كنتم موقنين

ذالكم خير لكم (م) ان كنتم تعلمون

ذالكم خير لكم (م) ان كنتم تعلمون

ولعذاب الآخرة اكبر (م) لو كانوا يعلمون

ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر (م) لو كنتم تعلمون

٧ - حرف جر متعلق به ما قبل باشد مانند:

ان الله شديد العقاب (م) للفقراء المهاجرين الذين اخرجوا من ديارهم واموالهم

فمن شاء ذكره (م) فى صحف مكرمة

٨ - عامل اذ فعل ما قبل باشد مانند:

الم تر الى الملا من بنى اسرائيل من بعد موسى (م) اذ قالوا لنبى لهم ابعث لنا ملكا

الم تر الى الذى حاج ابراهيم فى ربه ان ءاتيه الله الملك (م) اذ قال ابراهيم ربي الذى يحيى و

يميت

واتل عليهم نبأ بنى ءادم بالحق (م) اذ قربا قربانا فتقبل من احدهما ولم يتقبل من الآخر

اذ قال الله يا عيسى ابن مريم اذكر نعمتى عليك وعلى والدتك (م) اذ ايدتك بروح القدس

واتل عليهم نبأ نوح (م) اذ قال لقومه يقوم ان كان كبر عليكم مقامى وتذكيرى بآيات الله

فعلى الله توكلت

ونبئهم عن ضيف ابراهيم (م) اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما

واذكر فى الكتاب مريم (م) اذ انتبذت من اهلها مكانا شرقيا

وهل اتيك حديث موسى (م) اذ رءا نارا

ولتصنع على عيني (م) اذتمشي اختك فتقول هل ادلكم على من يكفله.

واتل عليهم نبأ إبراهيم (م) اذقال لأبيه وقومه ما تعبدون

واضرب لهم مثلا اصحاب القرية (م) اذ جاءها المرسلون

وان من شيعته لإبراهيم (م) اذ جاء ربه بقلب سليم

وهل اتيك نبأ الخصم (م) اذ تسوروا المحراب

واذكر عبدنا أيوب (م) اذ نادى ربه انى مسنى الشيطان بنصب وعذاب

واذكر اخا عاد (م) اذ انذر قومه بالاحقاف

هل اتيك حديث ضيف ابراهيم المكرمين (م) اذ دخلوا عليه فقالوا سلاما

وضرب الله مثلا للذين ءامنوا امرأت فرعون (م) اذ قالت رب ابن لى عندك بيتا فى الجنة

فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت (م) اذ نادى وهو مكظوم

هل اتيك حديث موسى (م) اذ ناديه ربه بالواد المقدس طوى

١٠- اسم اشاره به عبارت قبل باز گردد مانند:

والذين هم على صلواتهم يحافظون (م) اولئك هم الوارثون

والذين هم على صلواتهم يحافظون (م) اولئك فى جنات مكرمون

مواضع وقوف لازم از دیدگاه سجاوندی

مواضع وقف لازم از دید گاه سجاوندی ۸۹ مورد می باشد که ۵۴ موضع آن در وسط آیه و ۳۶ مورد دیگر در پایان آیات قرار دارد.

مواضع وقف لازم در میان آیات عبارت است از:

- ۱-سوره بقره آیه ۲۶ (مثلا)
- ۲-سوره بقره آیه ۲۱۲(ءامنوا)
- ۳-سوره بقره آیه ۲۵۸(الملک)
- ۴-سوره بقره آیه ۲۵۳(بعض)
- ۵-سوره بقره آیه ۲۴۶(من بعد موسی)
- ۶-سوره بقره آیه ۲۷۵(مثل الربوا)
- ۷-سوره آل عمران آیه ۷(الاالله)
- ۸-سوره آل عمران آیه ۱۸۱(اغنیاء)
- ۹-سوره نساء آیه ۱۱۸(لعنه الله)
- ۱۰-سوره نساء آیه ۱۷۱(ولد)
- ۱۱-سوره مائده آیه ۲(ان تعتدوا)
- ۱۲-سوره مائده آیه ۲۷(بالحق)
- ۱۳-سوره مائده آیه ۵۱(اولیاء)
- ۱۴-سوره مائده آیه ۶۴(بما قالوا)
- ۱۵-سوره مائده آیه ۷۳(ثلاثه)

- ۱۶-سوره مائده آیه ۱۱۰(والدتك)
- ۱۷-سوره انعام آیه ۲۰(ابنائهم)
- ۱۸-سوره اعراف آیه ۱۴۸(سبيلا)
- ۱۹-سوره اعراف آیه ۱۶۳(البحر)
- ۲۰-سوره توبه آیه ۶۷(بعض)
- ۲۱-سوره توبه آیه ۷۱(بعض)
- ۲۲-سوره يونس آیه ۶۵(قولهم)
- ۲۳-سوره يونس آیه ۷۱(نبأ نوح)
- ۲۴-سوره هود آیه ۲۰(اولياء)
- ۲۵-سوره هود آیه ۶۰(صالحا)
- ۲۶-سوره حجر آیه ۷۹(فانتقمنا منهم)
- ۲۷-سوره نحل آیه ۴۱(اكبر)
- ۲۸-سوره اسراء آیه ۸(عدنا)
- ۲۹-سوره مريم آیه ۱۶(مريم)
- ۳۰-سوره مريم آیه ۳۹(اذقضى الامر)
- ۳۱-سوره مؤمنون آیه ۱۹(اعناب)
- ۳۲-سوره قصص آیه ۸۸(ءاخر)
- ۳۳-سوره عنكبوت آیه ۲۶(لوط)

- ۳۴-سوره عنكبوت آیه ۴۱(لبیت العنكبوت)
- ۳۵-سوره عنكبوت آیه ۶۴(الحيوان)
- ۳۶-سوره يس آیه ۱۳(القریہ)
- ۳۷-سوره يس آیه ۵۲(من مرقدنا)
- ۳۸-سوره يس آیه ۷۶(قولهم)
- ۳۹-سوره ص آیه ۲۱(نبؤالخصم)
- ۴۰-سوره ص آیه ۴۱(ايوب)
- ۴۱-سوره زمر آیه ۳(اولياء)
- ۴۲-سوره زمر آیه ۲۶(اكبر)
- ۴۳-سوره غافر آیه ۶۲(شىء)
- ۴۴-سوره دخان آیه ۷(وما بينهما)
- ۴۵-سوره احقاف آیه ۲۱(اخاعاد)
- ۴۶-سوره قمر آیه ۶(فتول عنهم)
- ۴۷-سوره قمر آیه ۳۴(ءال لوط)
- ۴۸-سوره منافقون آیه ۱(لرسول الله)
- ۴۹-سوره تحريم آیه ۱۱(فرعون)
- ۵۰-سوره ملك آیه ۱۸(ويقبضن)
- ۵۱-سوره قلم آیه ۳۳(اكبر)

۵۲-سوره قلم آیه ۴۸(الحوت)

۵۳-سوره نوح آیه ۴(لایؤخر)

مواضع وقف لازم درانتهای آیات به شرح زیر می باشد:

۱-سوره بقره آیه ۸(بمؤمنین)

۲-سوره بقره آیه ۱۴۵(الظالمین)

۳-سوره آل عمران آیه ۱۷۰(ولا هم یحزنون)

۴-سوره انعام آیه ۱۹(تشرکون)

۵-سوره انعام آیه ۸۱(ان کنتم تعلمون)

۶-سوره توبه آیه ۱۹(الظالمین)

۷-سوره حجر آیه ۵۱(ابراهیم)

۸-سوره اسراء آیه ۱۰۵(ونذیرا)

۹-سوره مریم آیه ۸۶(وردا)

۱۰-سوره مریم آیه ۸۷(عهدا)

۱۱-سوره طه آیه ۹-(موسی)

۱۲-سوره طه آیه ۳۹(عینی)

۱۳-سوره شعراء آیه ۶۹(ابراهیم)

۱۴-سوره مؤمنون آیه ۹(یحافظون)

- ١٥- سورة شعراء آيه ٦٩ (ابراهيم)
- ١٦- سورة صافات آيه ٨٣ (لابراهيم)
- ١٧- سورة صافات آيه ١٧٣ (لهم الغالبون)
- ١٨- سورة غافر آيه ٦ (اصحاب النار)
- ١٩- سورة زخرف آيه ٨٨ (لا يؤمنون)
- ٢٠- سورة دخان آيه ١٤ (معلم مجنون)
- ٢١- سورة دخان آيه ١٥ (انكم عائدون)
- ٢٢- سورة ذاريات آيه ٢٤ (المكرمين)
- ٢٣- سورة طور آيه ١٢ (يلعبون)
- ٢٤- سورة قمر آيه ٤٧ (وسعر)
- ٢٥- سورة الرحمن آيه ٤٣ (المجرمون)
- ٢٦- سورة واقعه آيه ٢ (كاذبه)
- ٢٧- سورة حشر آيه ٧ (شديد العقاب)
- ٢٨- سورة قلم آيه ٥١ (لمجنون)
- ٢٩- سورة نازعات آيه ٥ (امرا)
- ٣٠- سورة نازعات آيه ٩ (خاشعه)
- ٣١- سورة نازعات آيه ١٢ (خاسره)
- ٣٢- سورة نازعات آيه ١٥ (موسى)

۳۳- سوره عبس آیه ۱۲ (ذکره)

۳۴- سوره غاشیه آیه ۱۲ (جاریه)

۳۵- سوره بلد آیه ۷ (لم یره احد)

۳۶- سوره قدر آیه ۳ (من الف شهر)

مواضع وقف لازم در مصحف الازهر

مواضع وقف لازم در مصحف الازهر* ۶۶ مورد به شرح زیر می باشد:

در سوره بقره ۱۱ مورد شامل آیات ۲۶-۱۰۲-۱۰۳-۱۱۶-۱۱۸-۱۸۴-۲۱۲-۲۱۷-۲۵۳-

۲۷۵-۲۸۰

* این مصحف در سال ۱۳۹۶ قمری و در زمان ریاست دکتور عبدالحلیم محمود (شیخ الازهر)

وزیر نظراداره بحوث و نشر الازهر منتشر گردید.

در سوره آل عمران ۴ مورد شامل آیات ۷-۲۹-۱۱۸-۱۸۱

در سوره نساء ۳ مورد شامل آیات ۱۱-۱۱۸-۱۷۱

در سوره مائده ۶ مورد شامل آیات ۲-۵-۵۱-۶۴-۶۴-۷۳

در سوره انعام ۴ مورد شامل آیات ۲۰-۳۶-۸۱-۱۲۴

در سوره اعراف ۲ مورد شامل آیات ۱۴۸-۱۸۴

در سوره توبه ۳ مورد شامل آیات ۱۵-۴۱-۸۱

در سوره یونس ۲ مورد شامل آیات ۶۵-۶۸

در سوره هود ۲ مورد شامل آیات ۲۰-۱۱۹

سوره رعد آیه ۱۸

سوره ابراهیم آیه ۳۶

سوره نحل ۲ مورد شامل آیات ۴۱-۹۵

سوره اسراء آیه ۸

سوره مریم آیه ۳۵

سوره انبیاء آیه ۲۶

سوره مؤمنون ۳ مورد شامل آیات ۸۴-۸۸-۱۱۴

سوره شعراء ۳ مورد شامل آیات ۲۴-۲۸-۸۸

سوره قصص ۳ مورد شامل آیات ۶۴-۶۸-۸۸

سوره عنکبوت ۴ مورد شامل آیات ۱۶-۲۶-۴۱-۶۴

سوره احزاب آیه ۳۷

سوره یس آیه ۷۶

سوره زمر آیه ۲۶

سوره دخان آیه ۷

سوره قمر آیه ۶

سوره صف آیه ۱۱

سوره جمعه آیه ۹

سوره قلم آیه ۳۳

سوره نوح آیه ۴

وقف های لازم در مصحف امیری

وقف های لازم در مصحف امیری * ۲۵ مورد وبه شرح زیر می باشد:

* مصحف امیری در سال ۱۳۳۷ قمری در زمان ملک فؤاد وزیر نظر استاد محمد علی خلف الحسینی به طبع رسید.

در چاپ اول این مصحف، آیه ۶۴ سوره عنکبوت (وان الدار الآخرة لهی الحيوان لوكانوا

يعلمون) وقف لازم شمرده نشده بود در صورتی که مشابه همین عبارت ر سوره نحل (

ولاجر الآخرة اكبر لوكانوا يعلمون) وقف لازم محسوب گردیده بود؛ این مورد در چاپ دوم اصلاح گردید.

کتابنامه

- الاضائه فی بیان اصول القرائه - علی محمد الضبّاع - قاهره
- الايضاح فی الوقف والابتداء - ابن انباری - دمشق ۱۳۹۰ ه.ق
- جمال القراء و کمال الاقراء - علم الدین سخاوی
- القطع و الائتناف - ابوجعفر ابن النحاس - بغداد ۱۳۹۸ ه.ق
- المقصد لتلخیص ما فی المرشد - زکریا انصاری - قاهره ۱۳۰۱ ه.ق
- المکتفی فی الوقف و الابتداء - ابو عمرو دانی - بیروت ۱۴۰۷ ه.ق

- البحر المحيط ، ابوحيان اندلسى ، دارالفكر بيروت ١٤٢٠

- البرهان فى علوم القرآن ، برهان الدين زركشى ، دارالفكر بيروت ١٤٠٨ هـ.ق

- التبيان فى اعراب القرآن ، ابوالبقاء عكبرى ، بيت الافكار ، رياض ١٤١٦

- تفسير غرائب القرآن ورغائب الفرقان ، نظام الدين نيشابورى ، دارالكتب العلميه بيروت

١٤١٦

- جمال القراء و كمال الاقراء ، علم الدين السخاوى ، مكتبة التراث ، مكة المكرمة

- علل الوقوف ، ابو عبدالله محمد بن طيفور السجاوندى ، مكتبة الرشد ، الناشر

- القطع و الائتناف ، ابو جعفر ابن النحاس ، بغداد ١٣٩٨ هـ.ق

- كتاب الوقوف ، ابو جعفر عبدالله سجاوندى ، تحقيق الدكتور محسن هاشم درويش ، دار

المناهج ، عمان

- لطائف الاشارات لفنون القراءات ، شهاب الدين قسطلانى ، القاها ١٣٩٢

- نهاية القول المفيد ، محمد مكى نصر الجريسي ، القاها

- منار الهدى فى بيان الوقف و الابتداء - احمد بن عبدالكريم الاشمونى - بيروت ١٤٢٢ هـ.ق

- المقصد لتلخيص ما فى المرشد تأليف: زكريا بن محمد بن احمد بن زكريا الأنصارى ،

قاها ١٣٠١ هـ.ق

- علل الوقوف تأليف: ابو جعفر محمد بن طيفور سجاوندى غزنوى

- الهادى الى معرفة المقاطع والمبادئ تأليف: ابوالعلاء حسن بن احمد بن حسن همدانى عطار

- الأقتداء في معرفة الوقف والإبتداء تأليف: معين الدين عبد الله بن جمال الدين ابي عبدالله

محمد بن ابي عبدالله بن ابي حفص نكزاوى

- الكشف عن احكام الوقف والوصل في العربية تأليف: محمد سالم محيسن، دارالجيل بيروت

- معالم الإهتداء الى معرفة الوقف والإبتداء، تأليف: محمود خليل الحصرى

- كشف الغطاء في الوقف والابتداء، تأليف: صابر حسن محمد ابو سليمان، دارالمسلم،

الرياض ١٩٩٨م

- الوقف اللازم في القرآن الكريم دراسة دلالية، تأليف محمد زين العابدين بن محمد (دار

الفجر الاسلامية المدينة المنوره ١٩٩٨)

- القراء و القرائات بالمغرب، سعيد الاعراب، بيروت، چاپ اول .

- النشر في القرائات العشر، ابوالخير محمد بن محمد الجزرى، بيروت، دار الفكر.